

مصحف
صنعاء
و
مسئله
خاستگاه قرآن

بهنام صادقی / محسن گودرزی

ترجمه و مقدمه مرتضی کریمی نیا



بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه: صادقی، بهنام و گودرزی، محسن
عنوان و نام پدیدآور: مصحف صنعاء ۱ و خاستگاه قرآن = San'a'1 and the Origins of the Qur'an / نویسندگان بهنام صادقی
و محسن گودرزی؛ مترجم مرتضی کریمی‌نیا.
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۳۹۹ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۲۶۹-۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: قرآن -- نسخه‌های خطی عربی -- چاپ عکسی
موضوع: نسخه‌های خطی عربی -- یمن -- صنعاء -- چاپ عکسی
شناسه افزوده: کریمی‌نیا، مرتضی، ۱۳۵۰، مترجم
رده‌بندی کنگره: Z۶۶۱۱
رده‌بندی دیویی: ۰۱۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۲۶۹۹۴

مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن

بهنام صادقی و محسن گودرزی

ترجمه و مقدمه مرتضی کریمی نیا

با همکاری مرکز و کتابخانه مطالعات اسلامی به زبان های اروپایی

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: اوقاف

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

قم - خیابان صدوقی - کوچه ۱۱ - شماره ۷۲

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۰۷۰۶



فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۲	مخطوطات قرآنی صنعاء
۱۵	مصحف صنعاء ۱
۱۸	ترتیب اوراق مصحف صنعاء ۱ و محتوای قرآنی آن
۲۷	رسانه‌ها: غلبه شایعه بر واقعیت
۲۸	مصحف صنعاء ۱ و متن رسمی قرآن
۳۰	تاریخ گذاری نسخه صنعاء ۱
۳۲	منابع در باب مخطوطات صنعاء و مصحف صنعاء ۱
۳۹	ترجمه حاضر
۴۱	پیشگفتار نویسندگان بر ترجمه فارسی
۴۵	چکیده
۴۷	صنعاء ۱ و حوزه مطالعات قرآنی
۵۶	دلالت‌های متنی - انتقادی؛ دلالت‌های تاریخی
۸۵	رسانه‌ها و مصحف صنعاء ۱
۹۳	یادداشتی بر این ویرایش
۹۸	علائم و قراردادهای
۹۹	متن لایه زیرین مصحف صنعاء ۱
۹۹	برگه 2A (سوره بقره: ۸۷-۹۶)
۱۰۰	برگه 2B (سوره بقره: ۹۶-۱۰۵)
۱۰۲	برگه استنفورد ۲۰۰۷، رو (سوره بقره: ۱۹۱-۱۹۶)

۱۰۳	برگه استنفورد ۲۰۰۷، پشت (سورة بقره: ۱۹۷-۲۰۵).....
۱۰۴	برگه دیوید ۸۶/۲۰۰۳، رو (سورة بقره: ۲۱۷-۲۲۳).....
۱۰۵	برگه دیوید ۸۶/۲۰۰۳، پشت (سورة بقره: ۲۱۷-۲۲۳).....
۱۰۶	برگه بُنهامز ۲۰۰۰، رو (سورة مائدة: ۴۱-۴۸).....
۱۰۷	برگه بُنهامز ۲۰۰۰، پشت (سورة مائدة: ۴۸-۵۴).....
۱۰۸	برگه 4A (سورة هود: ۱۰۵-۱۱۲).....
۱۰۹	برگه 4B (سورة هود: ۱۲۰-۱۲۳ و سورة انفال: ۱-۳).....
۱۱۰	برگه 5A (سورة انفال: ۷۳-۷۵ و سورة توبة: ۱-۷).....
۱۱۱	برگه 5B (سورة توبة: ۷-۱۶).....
۱۱۲	برگه 6A (سورة توبة: ۱۷-۲۶).....
۱۱۴	برگه 6B (سورة توبة: ۲۶-۳۴).....
۱۱۶	برگه 20A (سورة توبة: ۷۰-۸۰).....
۱۱۷	برگه 20B (سورة توبة: ۸۱-۹۰).....
۱۱۸	برگه 22B (سورة توبة: ۱۲۱-۱۲۹ و سورة مريم: ۱-۵).....
۱۲۰	برگه 22B (سورة مريم: ۶-۲۹).....
۱۲۲	برگه 23A (سورة مريم: ۲۹-۵۴).....
۱۲۳	برگه 23B (سورة مريم: ۵۴-۷۰).....
۱۲۵	برگه 7A (سورة حج: ۱۵-۲۶).....
۱۲۶	برگه 7B (سورة حج: ۲۷-۳۹).....
۱۲۷	برگه 31A (سورة يوسف: ۱۷-۲۰).....
۱۲۸	برگه 31B (سورة يوسف: ۲۷-۳۱).....
۱۲۸	برگه 32A (سورة يوسف: ۱۱۱ و سورة كهف: ۱-۵).....
۱۲۹	برگه 32B (سورة كهف: ۱۵-۱۸).....
۱۳۰	برگه 13A (سورة نحل: ۲۶-۳۷).....
۱۳۱	برگه 13B (سورة نحل: ۳۷-۵۹).....
۱۳۳	برگه 14A (سورة نحل: ۶۷-۶۹).....
۱۳۴	برگه 14B (سورة نحل: ۷۷-۷۹).....
۱۳۴	برگه 9A (سورة احزاب: ۵۱-۵۷).....
۱۳۵	برگه 9B (سورة احزاب: ۵۷-۷۲).....

۱۳۶	برگه 25A (سورة زمر: ۲۵-۳۶)
۱۳۶	برگه 25B (سورة زمر: ۴۲-۴۷)
۱۳۷	برگه 26A (سورة زمر: ۵۱-۷۰)
۱۳۸	برگه 26B (سورة زمر: ۷۰-۷۵ و سورة غافر: ۱-۸)
۱۳۹	برگه 15A (سورة طه: ۲۳-۶۱)
۱۴۱	برگه 15B (سورة طه: ۶۱-۸۰)
۱۴۲	برگه 30B (سورة طه: ۱۲۲-۱۳۳)
۱۴۳	برگه 30A (سورة انبياء: ۵-۱۹)
۱۴۳	برگه 10A (بخشي نامعلوم و سورة نور: ۱-۱۳)
۱۴۵	برگه 10B (سورة نور: ۱۳-۲۳)
۱۴۶	برگه 11A (سورة نور: ۲۳-۳۲)
۱۴۷	برگه 11B (سورة نور: ۳۲-۴۰)
۱۴۸	برگه 33A (سورة سبأ: ۱۳-۲۳)
۱۴۹	برگه 33B (سورة سبأ: ۲۳-۳۳)
۱۵۱	برگه 34A (سورة سبأ: ۴۰-۴۷)
۱۵۱	برگه 34B (سورة رعد: ۱-۵)
۱۵۲	برگه 35A (سورة رعد: ۶-۱۴)
۱۵۳	برگه 35B (سورة رعد: ۱۶-۲۱)
۱۵۳	برگه 36A (سورة رعد: ۲۵-۳۱)
۱۵۴	برگه 36B (سورة رعد: ۳۳-۴۰)
۱۵۵	برگه 16B (سورة قصص: ۱۹-۲۴)
۱۵۶	برگه 16A (سورة قصص: ۳۰-۳۵)
۱۵۶	برگه 28A (سورة صافات: ۱۵-۳۳)
۱۵۷	برگه 28B (سورة صافات: ۴۳-۶۸)
۱۵۷	برگه 29A (سورة صافات: ۸۲-۱۰۳)
۱۵۸	برگه 29B (سورة صافات: ۱۱۸-۱۴۴)
۱۵۸	برگه 18A (سورة حجر: ۴-۳۳)
۱۵۹	برگه 18B (سورة حجر: ۳۳-۷۴)
۱۶۱	برگه 19B (سورة حجر: ۸۷-۹۹ و سورة فرقان: ۱-۸)

برگه 19A (سورة فرقان: ۱۴-۲۷)	۱۶۲
برگه 24B (سورة روم: ۳۸-۵۰)	۱۶۳
برگه 3B (سورة فاطر: ۳۹-۴۰)	۱۶۴
برگه کریستیز ۲۰۰۸، پشت (سورة منافقون: ۱-۱۱ و سورة جمعة: ۱-۱۱)	۱۶۴
برگه کریستیز ۲۰۰۸، رو (سورة فجر: ۱-۳۰ و سورة بلد: ۱-۶)	۱۶۶
برگه 17A (نامعلوم)	۱۶۷
برگه 17B (نامعلوم)	۱۶۷

ضمیمه ۱: درباره متن زیرین	۱۶۹
ضمیمه ۲: درباره متن رویی	۱۷۹
تصاویر مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین	۱۸۳
تصاویر مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی	۲۴۱
تصاویر مصحف صنعاء ۱، برگه های حراج ها، لایه زیرین و رویی	۳۰۱
تصاویر مصحف صنعاء ۱، نسخه المكتبة الشرقية، لایه رویی	۳۱۷
کتابنامه	۳۹۱
فهرست اصطلاحات مهم	۳۹۷
نمایه ها	۳۹۹

مقدمه مترجم

دانش قرآن شناسی در دهه های اخیر با توجه مجدد به اسناد و شواهد باقی مانده از نخستین قرون پس از اسلام به دستاوردهای تازه ای در شناخت تاریخ متن قرآن دست یافته است. این امر البته «تجدید نظر طلبان غربی» (Western Revisionists) را که به وجود نهایی متن قرآن تا اواخر قرن دوم هجری باور ندارند، چندان خوشحال نمی کند، اما دست کم گاه توانسته است توجه آنها را نیز به اهمیت این اسناد و شواهد جلب کند. یافتن کتیبه های مختلف با خطوط و زبان های سامی در حجاز و بین النهرین، و ارائه تحلیل های تازه در این باب، کشف و تحلیل برخی مصاحف غیرعثمانی در یمن، نتایج آزمایش های مختلف کربن ۱۴ بر روی پوست برگه های برخی مصاحف کهن در جهان، و به طور کلی، انتشار متن برخی مصاحف به خط مایل یا حجازی، بر جای مانده از قرن نخست هجری را می توان در شمار این تحولات دانست که هم در میان مسلمانان و هم در میان محققان غربی ولوله ای افکنده است.

نسخه های قرآنی به جا مانده از نخستین قرون اسلامی، هریک سندی برای شناخت تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم به شمار می آیند. از این جهت، نسخه های هرچه قدیمی تر، شاهی صریح تر و ارزشمندتر برای شناخت کهن ترین رویدادهای مرتبط با تاریخ متن و کتابت قرآن به شمار می آیند. طبیعی است برخی از این اسناد و مدارک، دانش های گذشته ما را — که مبتنی بر داده های منابع اسلامی و مکتوب کهن بوده اند — تأیید می کنند و پاره ای نیز به ما کمک می کنند اطلاعات گذشته خویش را از نو بازسازی یا تصحیح کنیم. اطلاعاتی دقیق تر در باب پیدایش و رواج قرائات رسمی و قرائات شاذ، اختلاف در رسم یا کتابت منطقه ای قرآن، قرائت های منسوب

به صحابه و ترتیب‌های متفاوت از چینش سوره‌های قرآن، سیر تحول علامت گذاری (نقط و اعراب) در متن قرآن، و به کارگیری تذهیب و سایر علایم مصحف‌نگاری در هنگام کتابت قرآن، همگی در سایه مطالعه بیشتر و پژوهش دقیق کهن‌ترین نسخه‌های قرآنی فراهم خواهد آمد.

هر نسخه قرآنی به خط حجازی،^۱ کوفی یا غیر آن از قرن اول تا چهارم هجری که به نحو عمومی در اختیار محققان قرار گیرد، دریچه تازه‌ای از اطلاعات در یکی از حوزه‌های تاریخ متن و کتابت قرآن بر ایشان می‌گشاید. هر چه از آغاز اسلام بیشتر فاصله می‌گیریم، اهمیت تاریخی این نسخه‌ها به نسبت کمتر می‌شود، اما این آثار هیچ‌گاه از حیث علمی بی‌اهمیت یا بی‌ارزش نمی‌شوند. پژوهش در قرآن نویسی

۱. قدیمی‌ترین آثار مکتوب به جامانده از کتابت قرآن کریم، تقریباً همگی به رسم الخط حجازی‌اند. نخستین بار میکله آماری بر اساس توصیف ابن ندیم (الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش، ص ۹) راجع به خط مکی و خط مدنی، اصطلاح «خط مکی» را به کار برد (نک. شیلا پلر در کتاب: Sheila S. Blair, *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006, p. 107, 134. ابن ندیم در الفهرست گفته بود که در خط مکی و مدنی که از کهن‌ترین خطوط عربی‌اند، الف‌ها عموماً به سمت بالا و راست متمایل‌اند و در شکل کلی خط نیز افتادگی اندکی به چشم می‌خورد. این امر سبب شد که محققان غربی پس از میکله آماری، نسخه‌های قرآنی با خط مایل را از سایر مصاحف قرآنی به انواع خط کوفی متمایز کنند و به آن نام «حجازی» یا مایل بدهند. در این دسته از نسخه‌های قرآنی (که لزوماً نه در حجاز، بلکه حتی در شامات کتابت شده‌اند)، برخی نشانه‌ها و ویژگی‌های برجسته‌مانده از قرآن نویسی در قرون نخست مشاهده می‌شود که اغلب آنها در سایر مصاحف قرون بعدی نمی‌توان یافت. برخی از آن‌ها به کلی محو می‌شوند، و برخی دیگر تنها در قرآن نویسی به خط کوفی باقی می‌ماند. برخی از این نشانه‌ها - از نظر من - عبارتند از: خمیدگی کلی خط به سمت راست؛ استفاده از قطع عمودی و نه افقی (بیاضی)؛ استفاده حداکثری از تمام سطح پوست‌برگ؛ عدم تقید به نظم‌سطور و صفحه‌آرایی؛ استفاده از کتابت پیوسته (*scriptio continua*)؛ نبود تذهیب و سرسوره جز تذهیب‌های ساده یا الحاقی؛ رسم ناقص در کتابت صدا‌های بلند؛ فراوانی غرایب املائی در رسم کلمات؛ تعیین و نشانه گذاری پایان آیات؛ مشخص کردن بسمله به عنوان آیه مستقل؛ وجود سهو و اشتباهات مکرر کاتب؛ فراوانی قرائات خاص صحابه و شواذ قرائات؛ و عدم رعایت ترتیب رایج در چینش سوره‌ها.

ذکر فهرست کاملی از تمام قرآن‌های کهن به خط حجازی همراه با مشخصات نسخه‌شناختی هر یک از این آثار در اینجا، مقدمه کنونی ما را بسیار طولانی می‌سازد. برای اختصار در نوشتار کنونی، من خوانندگان را به مقاله‌ای آنلاین با عنوان «فهرستی مختصر از نسخه‌های عربی قرآن قابل انتساب به قرن اول هجری» نوشته م. سیف الله در وبسایت www.islamic-awareness.org ارجاع می‌دهم. در این صفحه اینترنتی، تصاویر متنوع و فراوانی از نسخه‌های یادشده را نیز می‌توان مشاهده کرد.
<https://www.islamic-awareness.org/quran/text/mss/hijazi.html>

در جهان اسلام حتی طی قرون پنجم تا دهم هجری نیز می‌تواند جوانب مهمی از تاریخ حیات فکری و فرهنگی مسلمانان در جغرافیای وسیع جهان اسلام و در میان دولت‌های مختلف را بر ما بگشاید. از آنجا که هیچ امر فرهنگی و تمدنی، هرگز در خلأ و به دور از تحولات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی خود صورت نمی‌پذیرد، مطالعه این نسخه‌ها — که نمونه‌هایی از بالاترین درجه فرهنگ و تمدن اسلامی به‌شمار می‌آیند — می‌تواند جوانبی از رویدادهای تاریخی زمانه کتابت‌شان را بر ما هویدا کند و بالعکس، اطلاعات افزون‌تر ما نسبت به شرایط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی (و گاه مذهبی) روزگار کتابت، می‌تواند به فهم بهتر برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌ها در این نسخه‌های کهن قرآنی بیانجامد.

متن قرآن در طبیعت نخستین خود قالبی شفاهی داشته است. این متن بنا بر روایات اسلامی پس از وحی، به دستور پیامبر اکرم (ص) با ابزارهای موجود در آن زمان کتابت شده است. روایات اسلامی، تدوین نهایی متن قرآنی به صورت مکتوب را به زمان عثمان خلیفه سوم نسبت می‌دهند و از همین رو، نسخه کنونی از متن قرآنی را قرآن عثمانی می‌خوانند که گفته می‌شود نسخه‌هایی از آن به شهرهای کوفه، بصره، شام، مدینه و مکه ارسال شده است. با این همه، سنت فراگیری و تعلیم متن قرآن در قرون نخست، همواره به طریق شفاهی و از طریق سماع از مقری رواج داشته است و قاریان، مفسران، ادیبان، و گاه فقیهان در کنار این سنت شفاهی، گاه به متن مکتوب از مصاحف کهن نیز اشاره و استناد می‌کرده‌اند. این امر یعنی استناد به متن مکتوب قرآنی، از قرن سوم به بعد بسیار بیشتر شده است و با مراجعه به این نسخه‌های مکتوب یا نقل گزارش‌های متقدمان در خصوص ویژگی‌های این مخطوطات و مصاحف، کتاب‌های مرسوم الخط، قرائات، کتب المصاحف و مانند آن تألیف شده‌اند.

با تمام این احوال، بررسی عینی مصاحف قرآنی برجا مانده از قرون نخست به ندرت موضوع پژوهش محققان اسلامی بوده است. تنها در دهه‌های اخیر، برخی از محققان مسلمان چون طیار آلتی قولاج به انتشار نسخه برگردان (فاکسیمیل) از برخی مصاحف کهن پرداخته‌اند و برخی دیگر چون یاسین داتن، غانم قدوری الحمد، حسن شهدی و بشیر بن حسن الحمیری به تحلیل مباحث مرتبط با قرائات و رسم و هجای این مصاحف اهتمام ورزیده‌اند، تا از این طریق عناصر و داده‌های

اطلاعاتی بیشتر و دقیق‌تری را به تاریخ قرآن بیفزایند. یکی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، مقاله مشترک بهنام صادقی و محسن گودرزی در تحقیق و انتشار متن قرآن در لایه زیرین «مصحف صنعاء»^۱ است که در قالب کتاب حاضر برای پژوهشگران تاریخ قرآن در زبان فارسی ارائه می‌شود. از آنجا که متن کتاب چه بسا برای خوانندگان ناآشنا با مباحث نسخه‌پژوهی قرآنی بسیار مختصر و گاه مبهم می‌نماید، در این مقدمه می‌کوشم مهم‌ترین نکات تاریخی، تفسیری، و نسخه‌شناختی مرتبط را ارائه دهم تا خواننده کتاب با سهولت بیشتر بتواند از مباحث تخصصی آن بهره‌مند گردد.

مخطوطات قرآنی صنعاء

در سال ۱۹۷۲ میلادی/ ۱۳۵۱ شمسی، کارگرانی که مشغول تعمیر و بازسازی بخشی از دیوار غربی و سقف مسجد جامع صنعاء در یمن بودند، با صحنه‌ای شگفت مواجه شدند. این دیوار در اثر بارندگی سیل آسای سال قبل صدمه دیده و تخریب شده بود.^۱ به ناگاه ایشان در فضایی مابین سقف و دیوارهای فوقانی ساختمان مسجد، به شمار زیادی از اوراق پوستی و کاغذی برخوردند که از مدت‌ها پیش در آنجا رها شده، و بسیاری از آنها در اثر گذشت زمان و رطوبت، دچار فرسودگی شده بودند. با هماهنگی اداره اوقاف، این اوراق پوستی و کاغذی به مکانی دیگر منتقل شدند و رایزنی برای شناسایی و دسته‌بندی آنها آغاز شد.

بنا بر رسمی کهن در سنت اسلامی، مسلمانان قرآن‌ها و برگ‌های فرسوده قرآنی را به جهت احترام دور نمی‌ریختند، بلکه معمولاً آنها را در مکانی محصور و محفوظ در یکی از بناهای مذهبی می‌گذاشتند. مشابه این کار در جنبه‌ها یا گنیزهای یهودی هم به منظور حفاظت از اوراق کتب دینی قدیمی انجام می‌گرفته است.^۲ بیشتر اوراق

۱. تاریخ دقیق این کشفیات در میان سال‌های ۱۹۷۱، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳، همچنان معلوم نیست. گزرد پوین سال‌های ۱۹۷۱/۱۹۷۲، قاضی اسماعیل ال‌اکوع ۱۹۷۲، و پائولو کوستا و سرجیو نویا نوسدا هر دو سال ۱۹۷۳ را صحیح می‌دانند، و کریستیان ژین آن را در فاصله نوامبر ۱۹۷۲ تا جولای ۱۹۷۳ می‌داند. نک.

پانویس ش ۱ در مقاله ال‌نور سلار در زیر:

Éléonore Cellard, "The Šan'ā' Palimpsest: Materializing the Codices", *Journal of Near Eastern Studies* 80i (2021) p. 1.

۲. برای یک مقاله خوب در این باره، نگاه کنید به نوشته جوزف سدن در زیر:

کشف شده در جامع صنعاء، قرآن بود، اما شماری کتب دیگر از جمله متونی تفسیری و حدیثی (مجموعاً در حدود ۱۵۰ برگه) نیز در این میان یافت شد. این قرآن‌ها — برخی پوستی، و شماری بر روی کاغذ — با خطوط مختلف (حجازی یا مایل، کوفی، کوفی مشرقی، و نسخ) و از دوران‌های مختلف تاریخ به‌جا مانده بودند. شمار این اوراق قرآنی را از ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ برگه گفته‌اند؛ این تعداد برگه به حدود ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ نسخه قرآنی تعلق داشتند. از برخی مصاحف قرآنی چند برگ معدود، و از دیگر نسخه‌ها گاه تا ۵۰ برگ به دست آمده بود، اما هیچ قرآنی کامل نبود. اکنون به چند کار ضروری حاجت افتاد: شناسایی و تفکیک اوراق مشابه و متعلق به یک قرآن؛ دسته‌بندی و شماره‌گذاری هر یک از مجموعه‌ها؛ مرمت و بازسازی برگه‌های آسیب دیده؛ و تصویربرداری از نسخه‌ها.

در چند سال نخست، این اوراق را در گونی‌های سیب زمینی در زیرزمین موزه ملی یمن نگهداری کرده بودند. سپس در ۱۹۸۰، جایی به نام «دارالمخطوطات» در کنار مسجد جامع صنعاء ساخته شد تا نسخه‌ها به آنجا منتقل شود. قاضی اسماعیل ال‌اکوع، رئیس وقت اداره اشیاء باستانی، موزه‌ها و نسخ خطی یمن بر اهمیت این آثار واقف، و در صدد انجام کاری درخور بود. نخست دانمارکی‌ها پیشنهاد دادند که مجموع اوراق برای ترمیم و بازشناسی به کُپنهاگ منتقل شود. این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت. در سال ۱۹۷۴، آلبرشت نُت (۱۹۳۷-۱۹۹۹)، استاد وقت مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه بُن (آلمان)، هنگام بازدید از صنعاء، به اهمیت بسیار زیاد این گنجینه از میراث اسلامی پی برد. وی دولت آلمان را بر ضرورت مشارکت در این احیای این آثار در خود صنعاء متقاعد کرد، اما این فرایند توافقات قریب شش سال به طول انجامید. پس از مذاکرات فراوان و آماده‌سازی مقدمات، سرانجام در پاییز ۱۹۸۰ میلادی، قرارداد پروژه بازشناسی و مرمت آثار قرآنی کشف شده در صنعاء منعقد شد. کارفرما اداره اشیاء باستانی، موزه‌ها و نسخ خطی یمن (الهيئة العامة للآثار والمتاحف والمخطوطات) بود و بودجه این پروژه به مبلغ ۲/۲ میلیون مارک (معادل ۱/۱ میلیون

→

Joseph Sadan, "Genizah and Genizah-like practices in Islamic and Jewish traditions: customs concerning the disposal of worn-out sacred books in the middle ages, according to an Ottoman source," *Bibliotheca Orientalis* 43 (1986) pp. 37–58.

یورو) از سوی بخش فرهنگی وزارت خارجه آلمان تأمین شد.

از آغاز، سرپرستی علمی پروژه در آلمان به آلبرشت نُت سپرده شد، اما عملاً طی نه سال (از ۱۹۸۱-۱۹۸۹)، دو آلمانی دیگر به نام‌های گِرُرد رودیگر پوین (دانشگاه زارلاند) و هانس کاسپار فُن بُتْمِر (دانشگاه زارلاند) به ترتیب سرپرستی پروژه را در محل بر عهده داشتند. گِرُرد پوین از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ در صنعاء مستقر، و به کار شناسایی اوراق قرآنی، فهرست نویسی و تهیه میکروفیلم مشغول بود. پس از او، فُن بُتْمِر عهده‌دار این مسئولیت شد؛ وی یک سال در صنعاء ماند و در ادامه، با سفرهای مرتب به یمن، کار خود را از آلمان ادامه داد. همچنین از سال ۱۹۸۲ تا آخر سال ۱۹۸۹، اورسولا دراینهاولتس، اهل اتریش و متخصص مرمت و کتاب آرایی اسلامی، به صورت تمام وقت در صنعاء مشغول به کار بود و در این مدت، توانست کار ترمیم دست‌نوشته‌ها را به انجام برساند. وی همچنین محل نگهداری دائم مخطوطات را طراحی کرد، بسیاری از قطعات پوستی را جهت شناسایی دست‌نوشته‌های قرآنی مجزا مرتب کرده، و در عین حال، کار هدایت و نظارت بر کارکنان و کادر یمنی را نیز بر عهده داشت. پس از سال ۱۹۸۹، فُن بُتْمِر مرتباً به مجموعه سرکشی می‌کرد. در زمستان ۱۹۹۶-۱۹۹۷ او از تمام قطعاتی که به مخطوطات قرآنی مجزا نسبت داده شده بودند، میکروفیلم تهیه کرد. این میکروفیلم‌ها اکنون در دارالمخطوطات صنعاء موجودند.

برگه‌های قرآنی کشف شده در جامع صنعاء بسیار زیادند. این آثار چونان اغلب نسخه‌های قرآنی محفوظ در کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر جهان از اهمیت تاریخی برخوردارند. در این میان، چیزی که به مخطوطات صنعاء شهرت و آوازه‌ای بسیار بخشید، شمار اندکی از نسخه‌های قرآنی پوستی به خط حجازی یا مایل بود که در کمتر کتابخانه‌ای نمونه‌هایی مشابه با آن‌ها را می‌توان یافت. نسخه‌های حجازی قرآن حاوی کهن‌ترین نمونه‌های کتابت و ثبت قرآن کریم‌اند، از این جهت ارزش تاریخی آنها که برخی‌شان ما را به قرن نخست هجری می‌رسانند، بسیار بیشتر از سایر نسخه‌های قرآنی است. شمار نسخه‌های قرآنی به خط حجازی در دارالمخطوطات صنعاء بنا به گفته فُن بُتْمِر ۲۲ تاست. این افزون بر تعداد معتابهی نسخه‌های قرآنی کهن از قرون دوم، سوم و چهارم هجری به انواع خطوط کوفی است. جداسازی قرآن‌ها و شماره گذاری هریک از نسخه‌های کشف شده (اکنون محفوظ

در دارالمخطوطات صنعاء)، نخستین بار بر اساس نظامی که گِرد پوین وضع کرده بود صورت گرفته است. اکنون نیز همگان این نسخه‌ها را بر اساس همان شماره گذاری‌ها می‌شناسند. از آنجا که اطراف اغلب برگه‌ها فرسوده و از میان رفته بود، راهی برای تعیین اندازه دقیق طول و عرض نسخه‌ها وجود نداشت. از این رو، پوین برای دسته بندی، تفکیک و نام‌گذاری هر نسخه، از دو شماره استفاده کرده است: یکی تعداد سطر در هر برگه و دیگری اندازه طول سطر. مثلاً شماره 18-20.1 به این معناست که این نسخه ۱۸ سطر دارد و طول سطرهایش حداکثر ۲۰ سانتی متر است. اگر قرآن‌های دیگری با همین اندازه‌ها وجود داشته باشند، آنها را به ترتیب 18-20.2 و 18-20.3 نام‌گذاری کرده‌اند. از آنجا که اغلب نسخه‌های حجازی و نیز برخی نسخه‌های کوفی قدیم، حاوی تعداد ثابتی از سطر نیستند، پوین آنها را با عدد 01 نشان کرده است. مثلاً 01-27.1 اشاره به نسخه‌ای حجازی دارد که طول سطرهای آن کمتر از ۲۷ سانتی متر است. در جایی که به دلیل بریدگی و فقدان برگه‌ها از طرف طول یا عرض، تعیین طول سطرها و تعداد سطرها در صفحه ممکن نباشد، از 00 استفاده شده است. نمونه این نام‌گذاری، نسخه‌های 00-10.5 و 00-13 هستند. گفتنی است گاه در اشاره به شماره ثبت این نسخه‌ها، سه حرف انگلیسی DAM نیز در آغاز و پیش از اعداد قرار می‌گیرد که این سه حرف، مخفف «دار المخطوطات» در صنعاء یمن است.

تمام نسخه‌های قرآنی به خط حجازی یا مایل در مجموعه دارالمخطوطات صنعاء، در تحقیقات تاریخی ما در باب کتابت قرآن در دو قرن نخست، سندهای بسیار با ارزشی به شمار می‌آیند. مهم‌ترین این آثار از نظر من، به ترتیب شماره‌های 01-27.1، 01-29.1، 01-25.1، 01-28.1، و 01-32.1 است که از هر یک از آنها تعداد برگ‌های معدودی باقی مانده است. در دو نسخه آخر، و نیز در نسخه اول، ترتیب سوره‌ها غیر عثمانی است؛ نسخه آخر به احتمال قوی، مطابق با ترتیب ابن مسعود است.

مصحف صنعاء ۱

گل سرسبد مصاحف حجازی در دارالمخطوطات صنعاء، نسخه شماره 01-27.1 است. این نسخه اکنون دارای ۳۶ برگ است، اما می‌دانیم که در سال‌های نخست کشف مخطوطات صنعاء پنج برگ دیگر از آن جدا گشته، از یمن خارج شده، و در

فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸ در حراج‌های مختلف لندن به فروش رسیده است. شاید اکنون بتوان گفت این مجموعه ۴۱ (۵+۳۶) برگ، قدیمی‌ترین برگ‌نوشته‌های قرآنی کشف شده و موجود در سراسر جهان است. اوراق این نسخه در واقع حامل دو بار نگارش قرآن‌اند. نخست قرآنی در اصل بر روی پوست نوشته شده و پس از سال‌ها، این متن پاک و شسته شده و مجدداً قرآنی دیگر از نو بر روی همان پوست کتابت شده است. اما آثار باقی مانده از جوهر قرآن در لایه زیرین، پس از چند سده، بر اثر اکسید شدن، نمایان شده و این نسخه را دولایه ساخته است. بنابراین ما با یک پالیمپست (palimpsest) روبرویم. این واژه در اصل مرکب از دو کلمه است: palim+psostos. «پالیم» به معنای تکرار است و «پسستوس» یعنی زدودن و از میان بردن^۱. امروزه «پالیمپست» را اغلب چنین تعریف می‌کنند: «لوح یا پوستی که نوشته آن یک یا چند بار پاک شده و مجدداً بازنویسی شده باشد.» پالیمپست‌ها همواره یکی از مهم‌ترین ابزارهای باستان‌شناسان و تاریخ‌نگاران کهن به‌شمار می‌آیند. قدیمی‌ترین نمونه آن — بنا به اطلاع من — پالیمپست‌هایی به زبان یونانی در ۱۷ برگه از زمان ارشمیدس است که مطالب ریاضی منسوب به ارشمیدس بر روی پوست‌هایی، شش بار نوشته و پاک شده است؛ بنابراین چنان پالیمپستی هفت لایه است.

امروزه کل این مجموعه اوراق قرآنی (شامل نسخه شماره 27.1-01 و ملحقاتش) را بنا به پیشنهاد بهنام صادقی، مصحف «صنعاء» می‌خوانیم، زیرا ممکن است در آینده اوراقی یافت شوند که در اصل به همین قرآن متعلق بوده‌اند، اما اکنون در جایی دیگر نگهداری می‌شوند. به صورتی کاملاً اتفاقی، بخشی دیگر از این قرآن در المكتبة الشرقية (صنعاء) کشف شد. از وقتی تصویر پایان نامه کارشناسی ارشد رزان غسان حمدون، با عنوان «المخطوطات القرآنية في صنعاء منذ القرن الأول الهجري وحفظ القرآن الكريم بالسطور» (صنعاء، الجامعة اليمنية، ۲۰۰۴)، بر روی سایت‌های اینترنتی قرار گرفت، دیگر می‌دانیم ۴۰ برگه دیگر از این مصحف در کتابخانه دیگری به نام المكتبة الشرقية در نزدیکی دارالمخطوطات صنعاء قرار دارد. متأسفانه تاکنون

۱. در واقع این کلمه در اصل یونانی اش (παλινψηστος)، مرکب از دو کلمه palin+psostos است، اما حرف n در اتصال به ps صدای m گرفته است. پالیمپست را در عربی به طرس معنا کرده‌اند، و عمل دوباره نویسی بر روی پوست را تطریس می‌خوانند. از آنجا که در زبان فارسی معادل شناخته شده‌ای تاکنون به کار نرفته است، من موقتاً برگردان «پوست چندنگاشته» یا «پوست چندشسته» را پیشنهاد می‌کنم.

امکان تصویربرداری با کیفیت از هر دو لایه رویی و زیرین این ۴۰ برگ فراهم نشده، اما تصاویری از لایه رویی آن، بر اساس کار رزان غسان حمدون در دسترس است که من آنها را در انتهای همین کتاب گنجانده‌ام.

نتیجه بحث اینکه مصحف صنعاء ۱، حاوی ۸۱ برگ دو لایه است. ۴۰ برگ آن، از سال‌ها پیش در المكتبة الشرقية (صنعاء) نگهداری می‌شده است. ۳۶ برگ دیگر آن پس از اکتشاف در جامع صنعاء در ۱۹۷۲، امروزه در دارالمخطوطات صنعاء تحت شماره 01-27.1 نگهداری می‌شود. و پنج برگ دیگر که در همان کشفیات ۱۹۷۲ به دست آمده، در برخی خانه‌های حراج لندن فروخته شده و هریک به نقطه‌ای دیگر در جهان رفته‌اند. اطلاعات اجمالی این ۸۱ برگ، و نیز اطلاعات تفصیلی مربوط به محتوای قرآنی در لایه زیرین و لایه رویی این مصحف را در جدول ۱ و ۲ آورده‌ام.

جدول ۱: مشخصات اوراق شناسایی شده از «مصحف صنعاء ۱»

محل نگهداری (یا عرضه)	نام نسخه یا برگه	تعداد برگ	محتوای قرآنی در لایه رویی مصحف
جامع صنعاء، المكتبة الشرقية	نامعین	۴۰	بقرة، ۲۴۶-مانده، ۱۱۱ (با افتادگی) / اعراف، ۴۰-یوسف، ۴۹ (با افتادگی)
کپنهاگ، مجموعه دیوید ^۱	David 86/2003	۱	بقرة، ۲۶۵-۲۷۷
استنفورد ^۲ ۲۰۰۷	Stanford 2007	۱	بقرة، ۲۷۷-۲۸۶
بنهامز ^۳ ۲۰۰۰	Bonhams 2000	۱	نساء، ۴۳-۵۶
کریستیز ^۴ ۲۰۰۸	Christie's 2008	۱	نساء، ۱۷۱-مانده، ۹
موزه لوور (ابوظبی) ^۵	LAD 2017.003	۱	مانده، ۹-۳۲
جامع صنعاء، دارالمخطوطات	DAM 01-27.1	۳۸/۳۶	انعام، ۴۹-اعراف، ۱۱ (با افتادگی) / توبة، ۱۱۲-۱۲۷ / ابراهیم، ۳۲-ممتحنة، ۱ (با افتادگی)

۱. این برگه نخستین بار در خانه حراج ساتبیز در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۲ (کالای ش ۵۵۱) عرضه و فروخته شد. مجدداً همین برگه در حراج کریستیز، ۱ می ۲۰۰۱ (کالای ش ۱۲) عرضه و فروخته شد؛ ظاهراً مدتی با شماره ۴۵۸۴ در اختیار مجموعه شوین (Schøyen collection) در نروژ و لندن بود، سرانجام به مجموعه دیوید در کپنهاگ (دانمارک) رسید و اکنون تحت شماره ۸۶/۲۰۰۳ در همین مجموعه نگهداری می‌شود.

ترتیب اوراق مصحف صنعاء ۱ و محتوای قرآنی آن

سرجیو نويا نوسدا (۱۹۳۱-۲۰۰۶) نخستین فردی بود که فهرستی کامل از اوراق نسخه 01-27.1 در دارالمخطوطات صنعاء را بر اساس مشاهده شخصی و حضوری در صنعاء منتشر کرد.^۱ با این همه، کار او خالی از اشتباه نبود، چه محتوای چند برگه را اشتباهاً ثبت و ضبط کرده، و حتی برگ شماره ۳۲ را در بررسی های خود از قلم انداخته بود.^۲ پس از درگذشت سرجیو نويا نوسدا در آغاز سال ۲۰۰۶ میلادی در اثر یک سانحه رانندگی، شاگرد او، آلبا فیدلی فهرست محتوای لایه رویی نسخه 01-27.1 را در مقاله ای منتشر ساخت، اما در کار خود به تفکیک اوراق و محتوای هر برگه نپرداخت.^۳ بعدها و در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، الیزابت پوین آخرین یافته های خود راجع به محتوای لایه رویی و لایه زیرین این نسخه را بر اساس میکروفیلم های همسرش، گِرد پوین به انتشار رسانید^۴ که آن نیز حاوی برخی اشتباهات بود.^۵ در حال حاضر، دقیق ترین و معتبرترین فهرست از برگه ها و محتوای نسخه 01-27.1

→

۲. این برگه نخستین بار در خانه حراج ساتبیز، ۲۲ اکتبر ۱۹۹۳ (کالای ش ۳۱) به فروش رسید. خریدار و مالک گمنام این قطعه، آن را برای آزمایش کربن ۱۴ و نیز جداسازی تصاویر لایه رویی از لایه زیرین به دانشگاه استفورد سپرد و نتیجه این تحقیقات را بهنام صادقی و آوه برگمن در مقاله ای در سال ۲۰۱۰ در مجله عربیکا منتشر ساختند. اطلاق نام استفورد ۲۰۰۷ بر این برگه نخستین بار از سوی بهنام صادقی صورت گرفته است.

۳. این برگه در حراج بنهامر، ۱۱ اکتبر ۲۰۰۰ (کالای ش ۱۳) به فروش رسیده است.
۴. این برگه در حراج کریستیز، ۸ آوریل ۲۰۰۸ (کالای ش ۲۰) به بهایی معادل با چهار میلیون و نهصد و بیست و چهار هزار و دویست و هفتاد و نه دلار به فروش رسیده است.

۵. بدرستی نمی دانیم که این برگه از چه طریقی به موزه لوور ابوظبی راه یافته است. تصویری از یک روی این برگه اخیراً در سال ۲۰۱۸ میلادی از طریق توییتر در فضای مجازی منتشر شده است که نشان می دهد محتوای قرآنی این برگه دقیقاً بعد از برگه کریستیز ۲۰۰۸ قرار می گیرد. سایت رسمی موزه اخیر تصویر این برگه را از صفحه خود حذف کرده است. نک.:

<https://www.louvreabudhabi.ae/Explore/online-collection/palimpsest-quran-leaf-in-hijazi-script>

1. S. Noja Nosedá, "La mia vista a Sanaa e il Corano palinseto", in *Rendiconti: Classe Di Lettere E Scienze Morali E Storiche*, 2003 (published 2004), pp. 54-55.

2. E. Puin, "Ein Früher Koranpalimpsest Aus Šan'a' (DAM 01-27.1) – Teil II", p. 527.

3. A. Fedeli, "I Manoscritti Di Sanaa: Fogli Sparsi Che Diventano Corani", pp. 28-29.

4. E. Puin, "Ein Früher Koranpalimpsest Aus Šan'a' (DAM 01-27.1) – Teil II", pp. 529-531;

idem., "Ein Früher Koranpalimpsest Aus Šan'a' (DAM 01-27.1) – Teil III", pp. 249-250.

۵. صادقی و گودرزی در همین کتاب، اشتباهات مکرر وی را یادآور شده اند.

(متن لایه رویی و زیرین) را باید همین کتاب حاضر، اثر صادقی و گودرزی بدانیم که اصل آن در قالب مقاله‌ای بلند در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است.^۱

با دقت در فهرست برگه‌های مصحف صنعاء^۱ (جدول شماره ۲ در صفحه بعد) و نیز تصاویر درج شده در انتهای کتاب حاضر، درمی‌یابیم در مجموع تصاویر کریستیان رُبَن، و ترتیب اوراق صادقی و گودرزی، دو شماره برگه کم و زیاد شده است. عامل اصلی این تفاوت میان برگ شماری صادقی و گودرزی با شماره‌گذاری تصاویر از سوی کریستیان رُبَن، اشتباه قدیمی گِرد پوین در هنگام شناسایی اوراق نسخه 01-27.1 بوده است. درواقع پوین در محاسبات خود دو تکه برگ اضافه (به شماره‌های ۱۴ و ۲۹) را متعلق به این نسخه دانسته که اکنون می‌دانیم این دو تکه پوست برگ بدان متعلق نیستند. برای نمونه، پوین در هنگام الحاق برگ شماره 29 (در ترتیب کنونی از تصاویر رُبَن) به این نسخه [نک. تصاویر در ص ۲۸۷]، با دیدن عبارت «کانوا یکسبون» گمان برده که این بخش از برگ حاوی آیه ۸۲ سوره غافر است و لذا با قلم خود بر روی این برگه نوشته است: (40:82). روشن است که در سطر بعدی، عبارت «یُحْشِرُ أَعْدَاءَ اللَّهِ إِلَى النَّارِ» (فصلت، ۱۹) آمده و لذا باید «کانوا یکسبون» را نیز بخشی از آیه ۱۷ همین سوره فصلت بدانیم، نه آیه ۸۲ غافر. بنابراین وقتی برگ بعدی به شماره 30A (در ترتیب تصاویر رُبَن) حاوی آیات ۱۷-۲۷ سوره فصلت است [نک. تصویر در ص ۲۸۸]، دیگر برگ ۲۹ نمی‌تواند در همان قرآن مجدداً همین آیات را داشته باشد. پس این برگه متعلق به نسخه 01-27.1 از قرآن «صنعاء» نیست. همچنین به دلایل و شواهد مختلف، از میان دو برگ شماره ۱۴ و ۱۵ (در ترتیب رُبَن)، تنها یکی، یعنی برگ ش ۱۵ می‌تواند متعلق به نسخه 01-27.1 باشد. نخست آنکه ظاهر خط در برگ 14A بسیار متفاوت از خط سایر اوراق نسخه 01-27.1 است. دوم آنکه تصاویر این برگ هیچ نشانی از پالیمپسست (دو لایه) بودن در خود ندارند. سوم، و از همه مهم‌تر آنکه محتوای برگ 14A کاملاً مطابق با محتوای برگ 15A است، یعنی هر دو صفحه حاوی آیات انبیاء، ۱۱۱ تا حج، ۲ هستند [نک. تصاویر در ص ۲۶۶ و ۲۶۷] و این امر تعلق هر دوی آنها به یک نسخه را ناممکن می‌کند.

1. Behnam Sadeghi and Mohsen Goudarzi, "San'a' I and the origins of the Qur'an," *Der Islam* 87i-ii (2012) pp. 1-129.

به منظور سازگاری و جلوگیری از سردرگمی، جدول زیر را مطابق با لیست برگ‌های مطابق چینش صادقی و گودرزی (به عنوان مثال طبق متن رویی)، ترتیب داده‌ام، اما به شماره تصاویر تولید شده از سوی کریستیان رُبن و سرجیو نویا نوسدا نیز اشاره کرده‌ام. همچنین اطلاعات ۴۰ برگ دیگر متعلق به «مصحف صنعاء ۱» که در المكتبة الشرقية (صنعاء) نگهداری می‌شوند، به ترتیب سوره‌های قرآن در جای مناسب خود قرار داده شده‌اند تا نظم اصلی مصحف بیشتر حفظ شود. از آنجا که این اوراق اخیر شماره گذاری نداشته‌اند، در ستون دوم، تنها به شماره تصاویر رزان غسان حمدون (ارائه شده در پایان نامه‌اش) اشاره کرده‌ام. یادآوری این نکته لازم است که تصاویر موجود از نسخه المكتبة الشرقية در پایان نامه فوق، از کیفیت بالایی برخوردار نیست و تنها لایه رویی این برگ نوشته‌های قرآنی را نشان می‌دهد. إلنور سیلار^۱ در مقاله اخیر خود کوشیده است از لابلای همین تصاویر، محتوای لایه زیرین برگه‌ها را معین کند که با بررسی دقیق معلوم می‌شود بسیاری از حدس‌های وی صحیح نیست.

جدول ۲: اطلاعات تفصیلی اوراق شناسایی و کشف شده از مصحف صنعاء ۱
(دارالمخطوطات، المكتبة الشرقية و حراج‌های لندن)

شماره برگه‌ها در تصاویر کریستیان رُبن ^۲	ترتیب صادقی و گودرزی / ترتیب رزان غسان حمدون ^۳	متن قرآن در لایه رویی	متن قرآن در لایه زیرین
المكتبة الشرقية، 1A	تصویر ۲۱ ^۴	بقرة، ۲۴۶-۲۵۰	
المكتبة الشرقية، 1B	تصویر ۲۳	بقرة، ۲۵۰-۲۵۵	
المكتبة الشرقية، 2A	تصویر ۲۵	بقرة، ۲۵۵-۲۵۹	
المكتبة الشرقية، 2B	تصویر ۲۷	بقرة، ۲۵۹-۲۶۵	
استنفورد ۲۰۰۷، رو	استنفورد ۲۰۰۷، رو	بقرة: ۲۶۵-۲۷۱	بقرة، ۱۹۱-۱۹۶
استنفورد ۲۰۰۷، پشت	استنفورد ۲۰۰۷، پشت	بقرة: ۲۷۱-۲۷۷	بقرة، ۱۹۷-۲۰۵

۱. سیلار، ص ۱۴.

۲. تصاویر کریستیان رُبن تنها مربوط به بخش محفوظ در دارالمخطوطات صنعاء به شماره 01-27.1 است.

۳. تصاویر رزان غسان حمدون تنها مربوط به بخش محفوظ در المكتبة الشرقية است.

۴. منظور از تصویر، شماره‌ای است که رزان غسان حمدون در پایان نامه خود به هر یک از برگ‌های قرآنی انتشار یافته از نسخه المكتبة الشرقية داده است.

ادامه جدول ۲

شماره برگه‌ها در تصاویر کریستیان زین	ترتیب صادقی و گودرزی / ترتیب رزان غشای حمدون	متن قرآن در لایه رویی	متن قرآن در لایه زیرین
دیوید ۲۰۰۳/۸۶، رو	دیوید ۲۰۰۳/۸۶، رو	بقرة: ۲۷۷-۲۸۲	بقرة: ۲۰۶-۲۱۷
دیوید ۲۰۰۳/۸۶، پشت	دیوید ۲۰۰۳/۸۶، پشت	بقرة: ۲۸۲-۲۸۶	بقرة: ۲۱۷-۲۲۳
المکتبة الشرقية، 3A	تصویر ۲۹	بقرة: ۲۸۶-آل عمران، ۱۰	
المکتبة الشرقية، 3B	تصویر ۳۱	آل عمران، ۲۰-۱۱	
المکتبة الشرقية، 4A	تصویر ۳۳	آل عمران، ۲۸-۲۰	
المکتبة الشرقية، 4B	تصویر ۳۵	آل عمران، ۳۷-۲۸	
المکتبة الشرقية، 5A	تصویر ۳۷	آل عمران، ۴۷-۳۷	
المکتبة الشرقية، 5B	تصویر ۳۹	آل عمران، ۵۷-۴۷	
المکتبة الشرقية، 6A	تصویر ۴۱	آل عمران، ۷۱-۵۷	
المکتبة الشرقية، 6B	تصویر ۴۳	آل عمران، ۸۱-۷۱	
المکتبة الشرقية، 7A	تصویر ۴۵	آل عمران، ۹۴-۸۱	
المکتبة الشرقية، 7B	تصویر ۴۷	آل عمران، ۱۰۷-۹۴	
المکتبة الشرقية، 8A	تصویر ۴۹	آل عمران، ۱۱۹-۱۰۷	
المکتبة الشرقية، 8B	تصویر ۵۱	آل عمران، ۱۳۳-۱۱۹	
المکتبة الشرقية، 9A	تصویر ۵۳	آل عمران، ۱۴۵-۱۳۳	
المکتبة الشرقية، 9B	تصویر ۵۵	آل عمران، ۱۵۴-۱۴۵	
المکتبة الشرقية، 10A	تصویر ۵۷	آل عمران، ۱۸۷-۱۷۹	
المکتبة الشرقية، 10B	تصویر ۵۹	آل عمران، ۱۹۹-۱۸۷	
المکتبة الشرقية، 11A	تصویر ۶۱	آل عمران، ۱۹۹-نساء، ۷	
المکتبة الشرقية، 11B	تصویر ۶۳	نساء، ۱۴-۷	
المکتبة الشرقية، 12A	بدون تصویر	نساء، ۲۴-۱۴	
المکتبة الشرقية، 12B	تصویر ۶۵	نساء، ۳۳-۲۴	
بنهامز ۲۰۰۰، رو	بنهامز ۲۰۰۰، رو	نساء، ۴۳-۳۳	مائدة، ۴۱-۴۸
بنهامز ۲۰۰۰، پشت	بنهامز ۲۰۰۰، پشت	نساء، ۵۶-۴۳	مائدة، ۴۸-۵۴
المکتبة الشرقية، 13A	تصویر ۶۷	نساء، ۶۴-۵۶	
المکتبة الشرقية، 13B	تصویر ۶۹	نساء، ۷۶-۶۴	
المکتبة الشرقية، 14A	تصویر ۷۱	نساء، ۸۴-۷۷	

ادامه جدول ۲

شماره برگه‌ها در تصاویر کریستیان زین	ترتیب صادقی و گودرزی / ترتیب رزان غسان حمدون	متن قرآن در لایه رویی	متن قرآن در لایه زیرین
المکتبه الشرقيه، 14B	تصویر ۷۳	نساء، ۸۴-۹۲	
المکتبه الشرقيه، 15A	تصویر ۷۵	نساء، ۹۲-۱۰۰	
المکتبه الشرقيه، 15B	تصویر ۷۷	نساء، ۱۰۰-۱۰۸	
المکتبه الشرقيه، 16A	تصویر ۷۹	نساء، ۱۰۸-۱۲۰	
المکتبه الشرقيه، 16B	بدون تصویر	نساء، ۱۲۰-۱۳۱	
المکتبه الشرقيه، 17A	تصویر ۸۱	نساء، ۱۳۱-۱۴۰	
المکتبه الشرقيه، 17B	تصویر ۸۳	نساء، ۱۴۰-۱۵۱	
المکتبه الشرقيه، 18A	تصویر ۸۵	نساء، ۱۵۱-۱۶۱	
المکتبه الشرقيه، 18B	تصویر ۸۷	نساء، ۱۶۱-۱۷۱	
کریستیز ۲۰۰۸	کریستیز ۲۰۰۸	نساء، ۱۷۱-مائدة، ۳	منافقون، ۱-جمعة: ۱۱
کریستیز ۲۰۰۸	کریستیز ۲۰۰۸	مائدة، ۳-۹	جمعة، ۱۱-فجر-بلد: ۶
موزة لوور (ابوظبی)	تصویری منتشر نشده	مائدة، ۹-۱۸	
موزة لوور (ابوظبی)	تصویری منتشر نشده	مائدة، ۱۸-۳۲	
المکتبه الشرقيه، 19A	تصویر ۸۹	مائدة، ۳۲-۴۲	
المکتبه الشرقيه، 19B	بدون تصویر	مائدة، ۴۲-۴۹	
المکتبه الشرقيه، 20A	تصویر ۹۱	مائدة، ۴۹-۶۱	
المکتبه الشرقيه، 20B	تصویر ۹۳	مائدة، ۶۱-۷۱	
المکتبه الشرقيه، 21A	تصویر ۹۵	مائدة، ۷۱-۸۲	
المکتبه الشرقيه، 21B	تصویر ۹۷	مائدة، ۸۲-۹۳	
المکتبه الشرقيه، 22A	تصویر ۹۹	مائدة، ۹۳-۱۰۴	
المکتبه الشرقيه، 22B	تصویر ۱۰۱	مائدة، ۱۰۴-۱۱۱	
دارالمخطوطات، 1A	دارالمخطوطات، 1A	انعام: ۴۹-۶۱	ناخوانا
دارالمخطوطات، 1B	دارالمخطوطات، 1B	انعام: ۶۱-۷۳	ناخوانا
دارالمخطوطات، 2A	دارالمخطوطات، 2A	انعام: ۱۴۹-۱۵۹	بقرة، ۸۷-۹۶
دارالمخطوطات، 2B	دارالمخطوطات، 2B	انعام: ۱۵۹-اعراف: ۱۱	بقرة، ۹۶-۱۰۵
المکتبه الشرقيه، 23A	تصویر ۱۰۳	اعراف، ۴۰-۵۳	
المکتبه الشرقيه، 23B	تصویر ۱۰۵	اعراف، ۵۳-۶۹	

ادامه جدول ۲

شماره برگه‌ها در تصاویر کریستیان رین	ترتیب صادقی و گودرزی / ترتیب رزان غسان حمدون	متن قرآن در لایه رویی	متن قرآن در لایه زیرین
المکتبة الشرقية، 24A	تصویر ۱۰۷	اعراف، ۸۳-۶۹	
المکتبة الشرقية، 24B	تصویر ۱۰۹	اعراف، ۹۹-۸۴	
المکتبة الشرقية، 25A	تصویر ۱۱۱	اعراف، ۱۲۶-۹۹	انفال، ۴۱
المکتبة الشرقية، 25B	تصویر ۱۱۳	اعراف، ۱۴۱-۱۲۶	
المکتبة الشرقية، 26A	تصویر ۱۱۵	اعراف، ۱۵۳-۱۴۱	
المکتبة الشرقية، 26B	تصویر ۱۱۷	اعراف، ۱۶۳-۱۵۳	
المکتبة الشرقية، 27A	تصویر ۱۱۹	اعراف، ۱۷۶-۱۶۳	
المکتبة الشرقية، 27B	تصویر ۱۲۱	اعراف، ۱۹۵-۱۷۶	
المکتبة الشرقية، 28A	تصویر ۱۲۳	اعراف، ۱۹۵-انفال، ۱۰	
المکتبة الشرقية، 28B	تصویر ۱۲۵	انفال، ۲۸-۱۰	
المکتبة الشرقية، 29A	تصویر ۱۲۷	انفال، ۴۳-۲۸	
المکتبة الشرقية، 29B	تصویر ۱۲۹	انفال، ۶۰-۴۳	
المکتبة الشرقية، 30A	تصویر ۱۳۱	انفال، ۷۳-۶۰	
المکتبة الشرقية، 30B	تصویر ۱۳۳	انفال، ۷۳-توبه، ۱۳	
المکتبة الشرقية، 31A	تصویر ۱۳۵	توبه، ۲۷-۱۳	
المکتبة الشرقية، 31B	تصویر ۱۳۷	توبه، ۳۹-۲۷	
المکتبة الشرقية، 32A	تصویر ۱۳۹	توبه، ۵۵-۴۰	
المکتبة الشرقية، 32B	تصویر ۱۴۱	توبه، ۷۱-۵۵	
دارالمخطوطات، 3A	دارالمخطوطات، 3A	توبه: ۱۱۲-۱۱۵	ناخوانا
دارالمخطوطات، 3B	دارالمخطوطات، 3B	توبه: ۱۲۴-۱۲۷	فاطر، ۴۹-۳۹
المکتبة الشرقية، 33A	تصویر ۱۴۳	توبه، ۱۲۸-یونس، ۱۲	
المکتبة الشرقية، 33B	بدون تصویر	یونس، ۲۴-۱۲	
المکتبة الشرقية، 34A	تصویر ۱۴۵	یونس، ۳۸-۲۴	
المکتبة الشرقية، 34B	تصویر ۱۴۷	یونس، ۵۹-۳۸	
المکتبة الشرقية، 35A	تصویر ۱۴۹	یونس، ۷۵-۵۹	
المکتبة الشرقية، 35B	بدون تصویر	یونس، ۹۴-۷۵	
المکتبة الشرقية، 36A	تصویر ۱۵۱	یونس، ۹۴-هود، ۵	

ادامه جدول ۲

شماره برگه‌ها در تصاویر کریستیان زین	ترتیب صادقی و گودرزی / ترتیب رزان غسان حمدون	متن قرآن در لایه رویی	متن قرآن در لایه زیرین
المکتبه الشرقيه، 36B	بدون تصویر	بدون تصویر	
المکتبه الشرقيه، 37A	بدون تصویر	بدون تصویر	
المکتبه الشرقيه، 37B	تصویر ۱۵۳	هود، ۶۱-۴۰	
المکتبه الشرقيه، 38A	تصویر ۱۵۵	هود، ۶۱-۸۴	
المکتبه الشرقيه، 38B	تصویر ۱۵۷	هود، ۸۴-۱۰	
المکتبه الشرقيه، 39A	بدون تصویر	هود، ۱۰-۱۱۹	
المکتبه الشرقيه، 39B	تصویر ۱۵۹	هود، ۱۱۹-یوسف، ۱۵	
المکتبه الشرقيه، 40A	تصویر ۱۶۱	یوسف، ۱۶-۳۱	
المکتبه الشرقيه، 40B	تصویر ۱۶۳	یوسف، ۳۱-۴۹	
دارالمخطوطات، 4A	دارالمخطوطات، 4A	ابراهیم، ۳۲-۴۲	هود، ۱۰۵-۱۱۲
دارالمخطوطات، 4B	دارالمخطوطات، 4B	ابراهیم، ۴۲-حجر، ۱۶	هود، ۱۲۰-انفال، ۳
دارالمخطوطات، 5A	دارالمخطوطات، 5A	نحل، ۷۳-۸۹	انفال، ۷۳-توبه، ۷
دارالمخطوطات، 5B	دارالمخطوطات، 5B	نحل، ۸۹-۱۰۲	توبه، ۷-۱۶
دارالمخطوطات، 6A	دارالمخطوطات، 6A	نحل، ۱۰۲-۱۱۸	توبه، ۱۷-۲۶
دارالمخطوطات، 6B	دارالمخطوطات، 6B	نحل، ۱۱۸-اسراء، ۶	توبه، ۲۶-۳۴
دارالمخطوطات، 7A	دارالمخطوطات، 7A	اسراء، ۳۹-۵۸	حج، ۱۵-۲۶
دارالمخطوطات، 7B	دارالمخطوطات، 7B	اسراء، ۵۹-۷۷	حج، ۲۷-۳۹
دارالمخطوطات، 8A	دارالمخطوطات، 8A	کهف: ۲۲	ناخوانا
دارالمخطوطات، 8B	دارالمخطوطات، 8B	کهف: ۳۲	ناخوانا
دارالمخطوطات، 9A	دارالمخطوطات، 9A	مریم، ۳۸-۶۴	احزاب، ۵۱-۵۷
دارالمخطوطات، 9B	دارالمخطوطات، 9B	مریم، ۶۴-۹۸	احزاب، ۵۷-۷۲
دارالمخطوطات، 10A	دارالمخطوطات، 10A	طه، ۱-۴۳	۴-نور، ۱۳
دارالمخطوطات، 10B	دارالمخطوطات، 10B	طه، ۴۴-۷۴	نور، ۱۳-۲۳
دارالمخطوطات، 11A	دارالمخطوطات، 11A	طه، ۷۴-۹۸	نور، ۲۳-۳۲
دارالمخطوطات، 11B	دارالمخطوطات، 11B	طه، ۹۸-۱۳۰	نور، ۳۲-۴۰
دارالمخطوطات، 12A	دارالمخطوطات، 12A	انبیاء، ۱۶-۱۹	ناخوانا
دارالمخطوطات، 12B	دارالمخطوطات، 12B	انبیاء، ۳۸-۴۲	ناخوانا

ادامه جدول ۲

شماره برگه‌ها در تصاویر کریستیان رُین	ترتیب صادقی و گودرزی / ترتیب رزان غسان حمدون	متن قرآن در لایه رویی	متن قرآن در لایه زیرین
دارالمخطوطات، 13A	دارالمخطوطات، 13A	انبیاء، ۷۲-۴۲	نحل، ۳۷-۲۶
دارالمخطوطات، 13B	دارالمخطوطات، 13B	انبیاء، ۹۲-۷۲	نحل، ۵۹-۳۷
دارالمخطوطات، 14A	حذف شده از ترتیب صادقی	انبیاء، ۱۱۱-حج، ۲	
دارالمخطوطات، 14B	حذف شده از ترتیب صادقی	حج، ۱۱-۹	
دارالمخطوطات، 15A	دارالمخطوطات، 14A	انبیاء، ۱۱۱-حج، ۲	نحل، ۶۹-۶۸
دارالمخطوطات، 15B	دارالمخطوطات، 14B	حج، ۱۷-۱۵	نحل، ۷۹-۷۸
دارالمخطوطات، 16A	دارالمخطوطات، 15A	فرقان، ۳۴-۱۰	طه، ۶۱-۲۳
دارالمخطوطات، 16B	دارالمخطوطات، 15B	فرقان، ۵۹-۳۴	طه، ۸۰-۶۱
دارالمخطوطات، 17A	دارالمخطوطات، 16A	شعراء، ۱۷۶-۱۵۵	قصص، ۳۵-۳۰
دارالمخطوطات، 17B	دارالمخطوطات، 16B	شعراء، ۲۲۳-۱۹۸	قصص، ۲۴-۱۹
دارالمخطوطات، 18A	دارالمخطوطات، 17A	نمل، ۲۹-۲۵	بدون حدس و گمانه
دارالمخطوطات، 18B	دارالمخطوطات، 17B	نمل، ۴۹-۴۶	بدون حدس و گمانه
دارالمخطوطات، 19A	دارالمخطوطات، 18A	قصص، ۷۴-۵۸	حجر، ۳۳-۴
دارالمخطوطات، 19B	دارالمخطوطات، 18B	قصص، ۸۶-۷۴	حجر، ۷۴-۳۳
دارالمخطوطات، 20A	دارالمخطوطات، 19A	عنکبوت، ۴۰-۲۹	فرقان، ۲۷-۱۴
دارالمخطوطات، 20B	دارالمخطوطات، 19B	عنکبوت، ۵۴-۴۳	حجر، ۸۷-فرقان، ۸
دارالمخطوطات، 21A	دارالمخطوطات، 20A	روم، ۴۰-۲۶	توبه، ۸۱-۷۰
دارالمخطوطات، 21B	دارالمخطوطات، 20B	روم، ۵۴-۴۳	توبه، ۹۰-۸۱
دارالمخطوطات، 22A	دارالمخطوطات، 21A	لقمان، ۲۴-سجده، ۴	توبه، ۱۱۳-۱۰۶
دارالمخطوطات، 22B	دارالمخطوطات، 21B	سجده، ۲۰-۴	توبه، ۱۲۰-۱۱۴
دارالمخطوطات، 23A	دارالمخطوطات، 22A	سجده، ۲۰-احزاب، ۶	توبه، ۱۲۱-مریم، ۵
دارالمخطوطات، 23B	دارالمخطوطات، 22B	احزاب، ۱۸-۶	مریم، ۲۹-۶
دارالمخطوطات، 24A	دارالمخطوطات، 23A	احزاب، ۲۹-۱۸	مریم، ۵۳-۲۹
دارالمخطوطات، 24B	دارالمخطوطات، 23B	احزاب، ۳۷-۳۰	مریم، ۷۴-۵۴
دارالمخطوطات، 25A	دارالمخطوطات، 24A	سبأ، ۵۲-فاطر، ۹	ناخوانا
دارالمخطوطات، 25B	دارالمخطوطات، 24B	فاطر، ۱۸-۱۰	روم، ۵۰-۳۸
دارالمخطوطات، 26A	دارالمخطوطات، 25A	صافات، ۵۹-۳۸	زمر، ۳۶-۲۵

ادامه جدول ۲

شماره برگه‌ها در تصاویر کریستیان زین	ترتیب صادقی و گودرزی / ترتیب رزان غسان حمدون	متن قرآن در لایه رویی	متن قرآن در لایه زیرین
دارالمخطوطات، 26B	دارالمخطوطات، 25B	صافات، ۷۱-۹۰	زمر، ۴۲-۴۷
دارالمخطوطات، 27A	دارالمخطوطات، 26A	صافات، ۱۰۲-۱۳۴	زمر، ۷۱-۵۰: ۷۰
دارالمخطوطات، 27B	دارالمخطوطات، 26B	صافات، ۱۳۴-۱۷۲	زمر، ۷۰-غافر، ۸
دارالمخطوطات، 28A	دارالمخطوطات، 27A	ص، ۷۳-۷۵	ناخوانا
دارالمخطوطات، 28B	دارالمخطوطات، 27B	زمر، ۶	ناخوانا
دارالمخطوطات، 29A	حذف شده از ترتیب صادقی	فصلت، ۱۷-۲۰	
دارالمخطوطات، 29B	حذف شده از ترتیب صادقی	فصلت، ۵	
دارالمخطوطات، 30A	دارالمخطوطات، 28A	فصلت، ۱۷-۲۷	صافات، ۱۵-۳۳
دارالمخطوطات، 30B	دارالمخطوطات، 28B	فصلت، ۳۳-۴۳	صافات، ۴۳-۶۸
دارالمخطوطات، 31A	دارالمخطوطات، 29A	فصلت، ۴۷-شوری، ۵	صافات، ۸۲-۱۰۳
دارالمخطوطات، 31B	دارالمخطوطات، 29B	شوری، ۱۰-۱۶	صافات، ۱۱۸-۱۴۴
دارالمخطوطات، 32A	دارالمخطوطات، 30A	شوری، ۲۱-۲۹	انبیاء، ۵-۱۹
دارالمخطوطات، 32B	دارالمخطوطات، 30B	شوری، ۳۸-۴۸	طه، ۱۲۲-۱۳۳
دارالمخطوطات، 33A	دارالمخطوطات، 31A	زخرف، ۶۳-۶۹	یوسف، ۱۷-۲۰
دارالمخطوطات، 33B	دارالمخطوطات، 31B	زخرف، ۸۹-دخان، ۱۱	یوسف، ۲۷-۳۱
دارالمخطوطات، 34A	دارالمخطوطات، 32A	محمد، ۱۵-۲۰	یوسف، ۱۱۱-کهف، ۵
دارالمخطوطات، 34B	دارالمخطوطات، 32B	محمد، ۳۲-فتح، ۲	کهف، ۱۵-۱۸
دارالمخطوطات، 35A	دارالمخطوطات، 33A	الرحمن، ۱۶-واقعه، ۵	سبأ، ۱۳-۲۳
دارالمخطوطات، 35B	دارالمخطوطات، 33B	واقعه، ۵-۶۹	سبأ، ۲۳-۳۳
دارالمخطوطات، 36A	دارالمخطوطات، 34A	حدید، ۱-۱۰	سبأ، ۴۰-۴۷
دارالمخطوطات، 36B	دارالمخطوطات، 34B	حدید، ۱۶-۲۲	رعد، ۱-۵
دارالمخطوطات، 37A	دارالمخطوطات، 35A	حدید، ۲۷-مجادله، ۶	رعد، ۶-۱۴
دارالمخطوطات، 37B	دارالمخطوطات، 35B	مجادله، ۱۰-۲۲	رعد، ۱۶-۲۱
دارالمخطوطات، 38A	دارالمخطوطات، 36A	حشر، ۱-۱۰	رعد، ۲۵-۳۱
دارالمخطوطات، 38B	دارالمخطوطات، 36B	حشر، ۱۴-ممتحنه، ۱	رعد، ۳۳-۴۰

رسانه‌ها: غلبه شایعه بر واقعیت

از نخستین سال‌های دسترسی غربیان به نسخه‌های قرآنی کشف شده در صنعاء، زمزمه‌هایی اینجا و آنجا شنیده می‌شد که این نسخه‌ها اعتبار متن کنونی قرآن را مورد تردید و سوال قرار می‌دهند. منشأ اصلی این اتهام، برخی پژوهشگران آلمانی، از جمله گُرد پوین، بودند که با دسترسی به تصاویر و میکروفیلم این نسخه‌ها، آنها را در انحصار خود درآورده بودند، هیچ سندی را منتشر نمی‌ساختند، اما با اظهارات شفاهی خویش در میان همکاران خود و بعدها در میان برخی روزنامه نگاران چنین داعیه‌ای را مطرح می‌ساختند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، شنیدن این جمله درگوشی در برخی مجامع آکادمیک غربی چندان غریب نبود که «اگر این اسناد و اطلاعات روزی منتشر شود، مسلمانان با چالشی بزرگ در وثاقت کتاب آسمانی خود رو به رو خواهند شد»، یا این ادعا که «در این نسخه‌ها، مطالبی هست که سبب خواهد شد مسلمانان دست از دعوی خود راجع به کتاب آسمانی‌شان بردارند.»^۱

مخطوطات صنعاء، قرآن‌های یمن، نسخه‌های قرآنی صنعاء، پالیمپست صنعاء، و از همه بیشتر، «قرآن صنعاء» عنوان‌های بسیار پرتکراری هستند که در دو دهه اخیر همواره در رسانه‌ها شنیده می‌شوند. برخی حوادث سیاسی در پایان قرن بیستم، توجه رسانه‌ای بیشتری نسبت به این موضوع ایجاد کرد. در این میان، انتشار مقاله‌ای به قلم یک نظامی بازنشسته نیروی دریایی آمریکا که قریب دو سال از مأموریت خود را در صنعاء گذرانده بود، ناگهان توجه عام و گسترده تری را بدین آثار برانگیخت. این مقاله را تویی لستر در سال ۱۹۹۹ میلادی با عنوان «قرآن چیست؟» در نشریه‌ای

۱. به یاد دارم روزی در بهار ۱۳۷۹ شمسی، نصر حامد ابوزید در لایدن به من می‌گفت که از پوین شنیده که در یکی از نسخه‌های قرآنی صنعاء، در آیه ۱۲۵ سوره نساء، به جای عبارت «وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا»، چنین آمده است: «وَاتَّخَذَ إله إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا»؛ لذا این جمله اخیر عطف بر استفهام پیشین در آیه می‌شود، و دیگر مبنایی برای خلیل الله نامیدن حضرت ابراهیم در قرآن باقی نمی‌ماند. جالب آنکه این گزارش، فرد سنت شناس و تاریخ‌دانی چون ابوزید را نگران کرده بود، چه رسد به عموم مؤمنانی که از نمونه‌های فراوانی از این دست گزارش‌ها در سنت اسلامی مکتوب در قرون نخست مطلع نیستند. بعدها البته در یافتن اصلاً چنین چیزی وجود ندارد و این شایعه برخاسته از اشتباه خوانی پوین بوده است؛ اما حتی اگر چنین چیزی وجود داشت، این امر می‌توانست حاصل اشتباه کاتب نسخه، یا یکی از خوانش‌های غیررسمی در دو قرن نخست باشد که عالمان مسلمان صدها نمونه مشابه آن را با عنوان قرانات صحابه و قرانات شاذ، در آثار خود ثبت و ضبط کرده‌اند.

عمومی با عنوان ماهنامه آتلانتیک منتشر ساخت. وی در این نوشته غیرآکادمیک، با استناد به مطالب مکتوب برخی تجدیدنظرطلبان غربی و نیز پاره‌ای از شنیده‌های خود از ایشان، کوشید به خواننده عام غربی چنین القا کند که متن قرآنی این نسخه‌ها تفاوت‌هایی با متن قرآن کنونی دارند و این امر باورهای مسلمانان درباره تاریخ قرآن متزلزل می‌کند. به گفته لستر، همانگونه که در دو سه قرن گذشته، تلاش‌های تاریخ پژوهانه و عرفی در شناخت کتاب مقدس مسیحیان و نیز مذاقه در جوانب تاریخی حیات حضرت عیسی برای بسیاری از مسیحیان معتقد و محافظه کار نگران کننده بوده است، انجام این گونه تحقیقات برون دینی و سکولار در باب متن قرآن و تاریخ شکل گیری آن بر اساس نسخه‌های کشف شده در یمن برای بسیاری از مسلمانان اضطراب و تشویش به همراه می‌آورد.

سخنان فوق را توبی لستر - که مطلقاً از دانش قرآنی بی بهره بود - در مقاله عمومی خود نوشته بود، اما در واقع و در پس آن، گروهی از تجدید نظر طلبان غربی و در صدر ایشان، گُرد پوین و کریستف لوکزنبرگ نشسته بودند. اینان در واقع با استناد به برخی ناهمخوانی‌ها در برخی نسخه‌های موجود در دارالمخطوطات صنعاء (که بسیاری‌شان در دیگر نسخه‌های حجازی در سایر نقاط جهان هم یافت می‌شود) دوست داشتند نخست به غریبان و سپس به عموم مسلمانان چنین بیاوراند که این یافته‌ها اصالت تاریخی متن کنونی قرآن را خدشه دار می‌کنند. اما چنین نبود. عالمان و محققان مسلمان و آشنا با سنت و متون اسلامی نباید از دیدن و شناسایی این اسناد شگفت زده یا غافلگیر می‌شدند. و چنین نشد. نخستین کسانی که شجاعانه مهم‌ترین سند قرآنی موجود در دارالمخطوطات صنعاء (یعنی مصحف صنعاء ۱ مشتمل بر نسخه 27.1-01) را با دقت تمام بازخوانی و تصحیح کرده، آن را به انتشار رسانیدند، دو مسلمان ایرانی به نام‌های بهنام صادقی و محسن گودرزی بودند که حاصل کار ایشان اکنون در کتاب حاضر در اختیار ماست.

مصحف صنعاء ۱ و متن رسمی قرآن

در مصحف صنعاء ۱ چهار گونه از اختلاف متنی می‌توان یافت.

الف) اختلاف رسم، املاء یا هجاء

ب) اختلاف قرائات (رسمی و شواذ)

ج) ترتیب غیر معهود از سوره‌ها، مخالف با ترتیب کنونی

د) روایت غیر عثمانی از متن قرآن، حاوی اختلاف‌های متنی منسوب به مصاحف صحابه

دو گونه اول و دوم را در اغلب مصاحف حجازی و کوفی به جا مانده از قرون نخست می‌توان یافت. گونه سوم نیز در برخی نسخه‌های حجازی شناخته شده در کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان (مثلاً در «مصحف مشهد رضوی» حاوی دو نسخه شماره ۱۸ و ۴۱۱۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی) هست.^۱ و سرانجام گونه چهارم — یعنی روایت غیر عثمانی از متن قرآن و اختلاف قرائات منسوب به صحابه — را تاکنون تنها در همین پالیمپسست صنعاء یافته‌ایم؛ با این همه، تمامی این گونه اختلافات و تفاوت‌های متنی را عالمان و محققان مسلمان از نخستین سده‌های اسلامی در آثار خود ثبت و ضبط کرده‌اند و به وجود پراکنده آنها در کنار مصحف رسمی قرآن (مشهور به نسخه عثمانی) اعتراف داشته‌اند. اکنون آیا یافتن سندی عینی که یکی از داده‌های تاریخی نقل شده در آثار خود مسلمانان را تأیید می‌کند، باید سبب واهمه و اضطراب و انکار ایشان شود؟ چنین نشد و نباید می‌شد.

آسناد، نقل‌های روایی، و متون تدوین یافته از سوی عالمان مسلمان در چهار قرن نخست، درباره تاریخ، ادبیات، حدیث، تفسیر، سیره، و به ویژه علوم قرآن حاوی هزاران گزارش مختلف است که نشان می‌دهد برخی صحابه، تابعین، و قاریان قرآن در کنار متن رسمی قرآن موسوم به «قرآن عثمانی»، گاه خوانش‌ها و روایت‌های متنی متفاوتی عرضه کرده‌اند. همچنین برخی از صحابه در ترتیب و چینش سوره‌های قرآن، رأی متفاوت با ترتیب عثمانی داشته‌اند. این اطلاعات تاریخی را عالمان مسلمان خود با دقت تمام، به مثابه داده‌هایی تاریخی در کنار متن رسمی قرآن ثبت و ضبط کرده‌اند. بسیاری از این گزارش‌ها تا قرن‌ها در متون متأخر تفسیری و علوم قرآنی مجدداً نقل شده و مؤلفان این کتب به نقد و ارزیابی آنها پرداخته‌اند.

۱. برای معرفی تفصیلی این مصحف و اهمیت آن در تاریخ کتابت متن قرآن، نک. مقاله دیگر من به انگلیسی در زیر: Morteza Karimi-Nia, "A new document in the early history of the Qur'an: Codex Mashhad, an 'Uthmanic text of the Qur'an in Ibn Mas'ud's arrangement of *sūras*," in *Journal of Islamic Manuscripts* 10iii (2019), pp. 292-326.

دو مؤلف کتاب حاضر نخستین بار متن لایه زیرین مصحف صنعاء ۱ را به دقت خوانده و آن را تصحیح و ارائه کرده‌اند. طبیعی است بخش‌های زیادی از اوراق صنعاء ۱ در نسخه 1-27-01 در دارالمخطوطات صنعاء به سبب فرسودگی اوراق افتاده است، یا به سبب رنگ و رورفتگی جوهر در لایه زیرین ناخوانايند. در این بخش‌ها، مؤلفان حدس خود در مورد متن را در میان قلاب [] بیان کرده‌اند.^۱ همچنین کوشیده‌اند اختلافات متنی این نسخه و تفاوت‌های موجود در ترتیب سور را در میراث اسلامی گذشته بازایی و در پانویس گزارش کنند. از این رو، کتاب حاضر می‌تواند یکی از اسناد مهم تاریخی بسیار نزدیک با روزگار تدوین قرآن را برای محققان جدی در این زمینه فراهم آورد. از آنجا که اختلافات متنی موجود در متن زیرین مصحف صنعاء ۱ با هیچ یک از گزارش‌های روایت شده از مصاحف صحابه چون عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب همخوانی صد در صد ندارد، بهنام صادقی آن را متن «صحابی ۱» و منتسب به یک صحابی ناشناخته (برای ما) نام‌گذاری کرده است.

تاریخ گذاری نسخه صنعاء ۱

علاوه بر شواهد نسخه شناختی، مصحف شناختی (کودیکولوژیک) و کهن خط شناسانه (پالیوگرافیک)، دلایل دیگر بر قدمت صنعاء ۱ اقامه شده است. مهم‌ترین آنها انجام آزمایش تاریخ گذاری پوست‌برگ‌ها از طریق اندازه‌گیری میزان کربن ۱۴ (C14) است.^۲ این آزمایش که سابقه‌ای چندین دهه‌ای برای اشیاء ساخته شده از گیاه

۱. ایشان قلاب را در جایی به کار برده‌اند که آثاری از یک کلمه یا حرف موجود بود، اما برای داشتن حدسی محتمل کافی نبود. برای مواردی که اصولاً اثر قابل توجهی از یک کلمه یا حرف باقی نمانده است یا دست کم در تصاویر یافت نمی‌شود، از علامت // استفاده کرده‌اند.

۲. وجود کربن ۱۴ در مواد ارگانیک پایه و اساس روش تاریخ گذاری رادیوکربن است که توسط ویلارد فرانک لیبای و همکارانش در سال ۱۹۴۹ جهت تعیین سن نمونه‌های باستان‌شناسی، زمین‌شناسی و آب‌زمین‌شناسی معرفی شد. این تکنیک آزمایش رادیومتریک و مبتنی بر اندازه‌گیری میزان مواد رادیواکتیو، روشی برای تعیین سن دقیق مصنوعات باستان‌شناسی‌ای بود که حیاتی ۵۰۰۰ ساله داشتند. این روش چه بسا یکی از گسترده‌ترین و بهترین روش‌های آزمایش دقیق شناخته شده است که امروزه به یکی از ابزارهای اصلی کار باستان‌شناس تبدیل شده است. برای یک مقاله فارسی که گزارشی از نمونه‌های قرآنی آزمایش شده با این روش را ارائه می‌دهد، نک: آلاء وحیدنیا، «تاریخ گذاری مخطوطات قرآنی در پرتو روش‌های نوین علمی (آزمایش کربن ۱۴)»، در مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال دوم، ش ۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۰۷-۱۴۲.

(درختان) و حیوانات دارد، در دوده‌های اخیر بر روی برخی نسخه‌های کهن حجازی نیز انجام پذیرفته است.^۱ قدمت برگ‌های مختلف مصحف صنعاء نیز در سال‌های اخیر از طریق آزمایش کربن ۱۴ تعیین شده است. طبیعی است در این روش، تنها با یک بازه زمانی حدوداً ۵۰ تا ۶۰ ساله (و در برخی آزمایشگاه‌های با دقت کمتر، بازه زمانی گاه ۱۰۰ تا ۲۰۰ ساله) روبرویم که نشان می‌دهد پوست برگ مورد نظر — حداکثر و حداقل — در کدام فاصله زمانی تولید و فرآوری شده است.

در خصوص مصحف صنعاء^۱، نخستین آزمایش کربن ۱۴ را بهنام صادقی بر روی برگه استنفورد ۲۰۰۷ در آزمایشگاه آریزونا انجام داد که بر اساس آن، برگه در فاصله یک انحراف معیار (1σ) به احتمال ۶۸٪، قدمتش به سال‌های ۶۱۴ تا ۶۵۶ میلادی می‌رسد، و در فاصله دو انحراف معیار (2σ)، به احتمال ۹۰٪، متعلق به سال‌های میان ۵۷۸ تا ۶۶۹ میلادی است. وی اطلاعات تفصیلی این برگه، خوانش لایه زیرین آن و نیز نتایج آزمایش خود را در مقاله‌ای مشترک با اوه برگمن در سال ۲۰۱۰ میلادی منتشر ساخت.^۲ صادقی بعدها نمونه‌ای دیگر از همان برگه (استنفورد ۲۰۰۷) را این بار در آزمایشگاه آکسفورد مورد آزمایش قرار داد که نتایج با احتمال ۹۵٪، عمر برگه را مابین سال‌های ۵۶۴ تا ۶۵۵ نشان داده است. این نتیجه به طور کلی با نتیجه دانشگاه آریزونا همخوانی دارد.^۳ سه آزمایش دیگر را کریستیان رُبن بر روی برگه‌های شماره ۲ و ۱۱ و ۱۳ از نسخه 01-27.1 در آزمایشگاه لیون (فرانسه) انجام داد. به سبب کم دقتی این آزمایشگاه، بازه زمانی ارائه شده بسیار زیاد (نزدیک به ۱۶۰ سال) بود و تاریخ ارائه شده عمدتاً به ماقبل اسلام بازمی‌گشت.

۱. برای مشاهده و بررسی نتایج برخی از این آزمایش‌ها نگاه کنید به مقاله زیر، به ویژه جدول 6.2 در ص ۲۱۶:

Michael Josef Marx and Tobias J. Jocham, "Radiocarbon (14C) dating of Qur'an manuscripts," in *Qur'an Quotations Preserved on Papyrus Documents, 7th-10th Centuries*, edited by Andreas Kaplony and Michael Marx, Leiden: Brill, 2019, pp. 188-221.
2. Behnam Sadeghi, and Uwe Bergmann, "The Codex of a Companion of the Prophet and the Qur'an of the Prophet," *Arabica* 57iv (2010), pp. 343-436.

برای نتایج آزمایش سالیابی بر اساس آزمایش کربن ۱۴، نک.: همین مقاله صادقی و برگمن در بالا، ص ۳۵۳.

۳. آلاء وحیدنیا، «تاریخ گذاری مخطوطات قرآنی در پرتو روش‌های نوین علمی (آزمایش کربن ۱۴)»، ص ۱۲۳.

کریستیان رُبن مجدداً سه نمونه از برگ شماره ۱۳ را برای آزمایش به سه آزمایشگاه آکسفورد، زوریخ و کیل (آلمان) سپرد که نتایج دو آزمایشگاه نخست، همخوانی و نزدیکی بسیار زیادی با نتایج به دست آمده از سوی بهنام صادقی دارد: آکسفورد: مابین سال‌های ۵۹۵ تا ۶۵۸ میلادی؛ زوریخ: مابین سال‌های ۵۶۶ تا ۶۵۷ میلادی.^۱ طرح این پرسش برای خوانندگان بجاست که در چنین آزمایش‌هایی، آیا یافتن زمان تقریبی فراوری پوست برگه (که مصادف با کشته شدن حیوان در قرن نخست هجری است)، می‌تواند تاریخ کتابت متن نوشته شده بر روی آن پوست برگه را تعیین کند؟ آیا ممکن نیست پوست برگه در سال‌های نخست اسلام تولید شده، و متن قرآن در قرن یا قرون بعدی بر روی آن کتابت شده باشد؟ از نظر ما، چنین رویدادی عقلاً و منطقاً ناممکن نیست، اما عرفاً و در جریان عادی زندگی نمی‌تواند واقع شود. با توجه به دشواری آماده سازی پوست برای کتابت یک نسخه قرآن به خط حجازی که گاه به گله‌ای از ۴۰۰ گوسفند و صرف هزینه بسیار زیاد برای فراوری آن نیاز بوده است، منطقی نیست که حاکم یا امیری در قرن نخست به تهیه و آماده سازی پوست برگه مورد نیاز اقدام ورزد، اما آن را برای کتابت قرآن در دهه‌ها یا سده بعدی کنار بگذارد. لذا، عادتاً پوست‌های فراهم آمده در فاصله یک تا چند سال پس از تولید مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

نتیجه آنکه هم شواهد متنی، نسخه‌شناختی، و کودیکولوژیک، و هم نتایج برآمده از آزمایش‌های کربن ۱۴ بر روی پوست برگه‌های مختلفی از مصحف صنعاء ۱ نشان می‌دهند لایه زیرین این مصحف در زمانی بسیار زود هنگام، دست کم در نیمه نخست قرن نخست هجری کتابت شده است.

منابع در باب مخطوطات صنعاء و مصحف صنعاء ۱

متن نسخه صنعاء ۱ نخست بار از سوی بهنام صادقی و محسن گودرزی خوانده و بازنویسی شده است که اکنون در کتاب حاضر همراه با تصاویر لایه زیرین و لایه رویی در اختیار خواننده فارسی قرار گرفته است. به جز این، الیزابت پوین (همسر گِرد

1. Christian J. Robin, "L'Arabie dans le Coran," in *Les origines du Coran, le Coran des origines*, p. 65.

پوین)، در پنج مقاله مختلف و متوالی برخی برگ نوشته‌های این مصحف را بازخوانی کرده است. فرد دیگر اسماء هلالی است که در کتابی مستقل، متن لایه زیرین نسخه صنعاء^۱ را بازخوانی کرده است. اثر اسماء هلالی این مزیت را دارد که علاوه بر لایه زیرین (که روایتی غیر عثمانی از متن قرآن است)، لایه رویی را نیز (که متن رسمی عثمانی از قرآن است) بازخوانی و ویرایش کرده است، اما این ضعف و کاستی را نیز دارد که نه دقتش در خوانش متن زیرین به ویرایش بهنام صادقی و محسن گودرزی می‌رسد و نه از پانویس‌های بسیار محققانه و ارجاعات آن دو پژوهشگر پیشین در این ویرایش خبری هست. مهم‌تر اینکه کتاب اسماء هلالی حاوی خوانش متن زیرین تنها ۱۱ برگه از ۳۶ برگه دارالمخطوطات است و در سه مورد از این برگه‌ها، تنها یک روی برگه را خوانده است. هدیه گورتمان (Hadiya Gurtmann) نیز از سال‌ها پیش ویرایش دیگری از برگه‌های نسخه 01-27.1 در دار المخطوطات صنعاء را در آلمان در دست انجام داشت که احتمالاً از سوی انتشارات بریل در آینده منتشر خواهد شد. به جز تلاش‌های علمی برای خوانش و تحقیق در متن مصحف صنعاء^۱، طی دهه‌های اخیر، درباره جوانب مختلف مصحف صنعاء^۱، و نیز در خصوص دیگر مخطوطات قرآنی کشف شده در جامع صنعاء نیز، پژوهش‌های مختلفی صورت پذیرفته است. برای آشنایی خوانندگان فارسی زبان و پژوهشگران مطالعات قرآنی و نسخه‌شناسی، در انتهای این مقال، فهرستی از مهم‌ترین این آثار (کتاب، مقالات، و رساله‌های دانشگاهی) را ذکر می‌کنم که اغلب آنها در شمار مراجع من در نگارش این مقدمه نیز بوده‌اند.

۱. اسماعیل بن علی الأكوع، «جامع صنعاء أبرز معالم الحضارة الإسلامية في اليمن»، مصاحف صنعاء، کویت: دار الآثار الإسلامية، ۱۹۸۵. ص ۹-۲۴.
۲. رزان غسان حمدون، «المخطوطات القرآنية في صنعاء منذ القرن الأول الهجري وحفظ القرآن الكريم بالسطور»، پایان نامه کارشناسی ارشد، صنعاء: الجامعة اليمنية، ۲۰۰۴.
۳. ارسولا درایهولتس، اکتشاف رقوق قرآنية مبكرة في الجامع الكبير بصنعاء، صنعاء:

1. Asma Hilali, *The Sanaa palimpsest: the transmission of the Qur'an in the first centuries AH*. Oxford: Oxford University Press & Institute of Ismaili Studies, 2017, xviii+271pp.

- المعهد الألماني قسم الشرق مكتب صنعاء، السفارة الألمانية بصنعاء، ۲۰۰۳. ۸۰
صفحه [به سه زبان عربی، انگلیسی و آلمانی].
۴. مصاحف صنعاء [مجموعه مقالات بالعربية والإنجليزية]، كويت: دار الآثار
الإسلامية، ۱۹۸۵.
۵. آلاء وحیدنیا، «تاریخ گذاری مخطوطات قرآنی در پرتو روش های نوین علمی
(آزمایش کربن ۱۴)»، در مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال دوم، ش ۳،
پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۰۷-۱۴۲.
6. Anonymous. "Maṣāḥif Ṣan'ā': tables," *Maṣāḥif Ṣan'ā'*, [Kuwait:] Dar al-Athar al-Islamiyyah / Kuwait National Museum [1985?] pp. 31-61 [Colour plates, with descriptions in English & Arabic, of early Qur'an leaves from Yemen.]
 7. CELLARD, Éléonore. "The Ṣan'ā' Palimpsest: Materializing the Codices," *Journal of Near Eastern Studies* 80i (2021) pp. 1-30.
 8. COSTA, Paolo M. "La Moschea Grande di Ṣan'ā'," *Annali dell'Istituto Orientale di Napoli* 34 (1974) pp. 487-506.
 9. COSTA, Paolo M. "The Great Mosque of Ṣan'ā'" in *Studies in Arabian architecture*, edited by P. M. Costa, London: Variorum/ Ashgate, 1994.
 10. DAUM, Werner. "Schatz von Sana'a: Die frühen Koranblätter aus der Großen Moschee," *Frankfurter Allgemeine Magazin* (Frankfurt a.M.) 381 (19 Juni 1987) pp. 18-26.
 11. DREIBHOLZ, Ursula. "Conservation of the manuscripts," *Maṣāḥif Ṣan'ā'*. [Kuwait:] Dar al-Athar al-Islamiyyah / Kuwait National Museum [1985?] pp. 24-29.
 12. DREIBHOLZ, Ursula. "Der Fund von Sanaa: frühislamische Handschriften auf Pergament," *Pergament: Geschichte, Struktur, Restaurierung, Herstellung*, edited by Peter Rück, Sigmaringen (Germany), 1991, pp. 299-313.
 13. DREIBHOLZ, Ursula. "Preserving a treasure: the Sana'a manuscripts," *Museum International* 51iii (Paris, 1999) pp. 21-25.
 14. DREIBHOLZ, Ursula. "Treatment of early Islamic manuscript fragments on parchment: a case history: the find at Sana'a, Yemen," *The conservation and preservation of Islamic manuscripts, proceedings of the third*

- conference of Al-Furqān Islamic Heritage Foundation 18-19 November 1995, edited by Yusuf Ibish and George Atiyeh, London: Al-Furqan Islamic Heritage Foundation, 1996, pp. 131-145.
15. FEDELI, Alba. "Early evidences of variant readings in Qur'ānic manuscripts," *Die dunkeln Anfänge: Neue Forschungen zur Entstehung und frühen Geschichte des Islam*, edited by Karl-Heinz Ohlig & Gerd-P. Puin, Berlin: Verlag Hans Schiler, 2005, pp. 293-316; also in *The hidden origins of Islam: new research into its early history*, edited by Karl-Heinz Ohlig and Gerd-R. Puin, Amherst (NY, USA): Prometheus Books, 2010, pp. 311-334.
 16. FEDELI, Alba. "I manoscritti di Sanaa: fogli sparsi che diventano Corani," *Il mio cuore è a Oriente: Studi di linguistica storica, filologia e cultura ebraica dedicati a Maria Luisa Mayer Modena* (Quaderni di Acme, 101), edited by Francesco Aspesi, Vermondo Brugnattelli, Anna Linda Callow & Claudia Rosenzweig, Milan: Cisalpino, 2008, pp. 25-48.
 17. HILALI, Asma. "Le palimpseste de Ṣan'ā' et la canonisation du Coran: nouveaux éléments", *Cahiers du Centre Gustave Glotz* (Paris: Éditions de Boccard) 21 (2010) pp. 443-448.
 18. HILALI, Asma. "The writing process in a 7th century Qur'ān manuscript: the upper text of the 'Sanaa Palimpsest' as example," in *Palaeography between East and West: Proceedings of the Seminars on Arabic Palaeography at Sapienza University of Rome*, edited by A. d'Ottone Rambach (Rome, 2018), pp. 141-53.
 19. HILALI, Asma. "Was the Ṣan'ā' Qur'ān Palimpsest a work in progress?" *The Yemeni Manuscript Tradition*, edited by David Hollenberg, Christoph Rauch, and Sabine Schmidtke, Leiden: Brill, 2015, pp. 12-27.
 20. HILALI, Asma. *The Sanaa palimpsest: the transmission of the Qur'ān in the first centuries AH*. Oxford: Oxford University Press & Institute of Ismaili Studies, 2017.
 21. LESTER, Toby. "What is the Koran?" *Atlantic Monthly* (Boston, MA, USA) 283i (January 1999) pp. 43-57; also in: *What the Koran really says: language, text and commentary*, edited & translated by Ibn Warraq, Amherst (NY, USA): Prometheus Books, 2002, pp. 107-128; also in: *The Koran: critical concepts in Islamic studies*, edited by Colin Turner,

- London & New York: Routledge Curzon, 2004, vol. 1, pp. 219-233.¹
22. *Memory of the world: Şan'a' manuscripts*, CD-ROM Presentation by UNESCO. Online at: <http://www.unesco.org/new/en/communication-and-information/memory-of-the-world/projects/full-list-of-projects/yemen-the-sanaa-manuscripts-project/>
23. NOJA NOSEDA, Sergio "La mia visita a Sanaa e il Corano palinsesto," *Rendiconti: Classe di Lettere e Scienze Morali e Storiche*, 2003 (published by Istituto Lombardo di Scienze e Lettere, Milan, 2004), Volume 137, Fasc. 1, pp. 43-60.
24. PUIN, Elisabeth. "Ein früher Koranpalimpsest aus Şan'a' (DAM 01-27.1)," *Schlaglichter: Die beiden ersten islamischen Jahrhunderte*, edited by Markus Groß and Karl-Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans Schiler, 2008 (Inârah. Schriften zur frühen Islamgeschichte und zum Koran, 3), pp. 461-493.
25. PUIN, Elisabeth. "Ein früher Koranpalimpsest aus Şan'a' (DAM 01-27.1) – Teil II," *Vom Koran zum Islam: Schriften zur frühen Islamgeschichte und zum Koran*, edited by Markus Groß & Karl-Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans Schiler (Inârah. Schriften zur frühen Islamgeschichte und zum Koran, vol. 4), 2009, pp. 523-581.
26. PUIN, Elisabeth. "Ein früher Koranpalimpsest aus Şan'a' (DAM 01-27.1) – Teil III: Ein nicht-‘uṭmānischer Koran," *Die Entstehung einer Weltreligion. I: Von der koranischen Bewegung zum Frühislam*, edited by Markus Groß and Karl-Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans Schiler, 2010 (Inârah. Schriften zur frühen Islamgeschichte und zum Koran, 5) pp. 233-305.
27. PUIN, Elisabeth. "Ein früher Koranpalimpsest aus Şan'a' (DAM 01-27.1) – Teil IV: Die scriptio inferior auf den Blättern 17, 18 und 19," *Die Entstehung einer Weltreligion II: Von der koranischen Bewegung zum Frühislam*, edited by Markus Groß & Karl-Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans Schiler (Inârah. Schriften zur frühen Islamgeschichte und zum Koran, vol. 6), 2012, pp. 311-402.

۱. ترجمه از انگلیسی به ترکی استانبولی:

Toby Lester, "Kur'an Nedir?" translated from English into Turkish by M. Kemal Atik, *Kabramanmaraş Sütçü İmam Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi* 1i (2003) pp. 149-165.

28. PUIN, Elisabeth. "Ein früherer Koranpalimpsest aus San'a' (DAM 01-27.1) – Teil V: Die scriptio inferior auf den Blättern 14 und 15 sowie Auseinandersetzung mit den Thesen und der Edition des Koranpalimpsests von Behnam Sadeghi und Mohsen Goudarzi," in *Die Entstehung einer Weltreligion II: Die heilige Stadt Mekka - eine literarische Fiktion*, ed. Markus Groß and Karl.-H. Ohlig, (Berlin, 2014), pp. 477–618.
29. PUIN, Gerd Rüdiger. "Methods of research on Qur'ānic manuscripts: a few ideas," *Maṣāḥif Ṣan'ā'* [Kuwait:] Dar l-Athar al-Islamiyyah / Kuwait National Museum [1985?] pp. 9–17.
30. PUIN, Gerd Rüdiger. "Observations on early Qur'ān manuscripts in Ṣan'ā'," *The Qur'ān as text*, edited by Stefan Wild, Leiden, New York & Köln: E.J. Brill, 1996 (Islamic Philosophy, Theology and Sciences: Texts and Studies, XXVII) pp. 107–111; also in: *What the Koran really says: language, text and commentary*, edited & translated by Ibn Warraq, Amherst (NY, USA): Prometheus Books, 2002, pp. 737–744.¹
31. PUIN, Gerd Rüdiger. "Vowel letters and ortho-epic writing in the Qur'ān," *New perspectives on the Qur'ān: the Qur'ān in its historical context 2*, edited by Gabriel Said Reynolds, London & New York: Routledge, 2011, pp. 147–189.
32. PUIN, Gerd-Rüdiger, Hans-Caspar Graf von Bothmer, and Karl-Heinz Ohlig. "Über die Bedeutung der ältesten Koranfragmente aus Sanaa (Jemen) für die Orthographiegeschichte des Korans," in: *Neue Wege der Koranforschung. Magazin Forschung* (Saarland University) 1 (1999) pp. 37–40.
33. ROBIN, Christian J., "L'Arabie dans le Coran," in *Les origines du Coran, le Coran des origines*, ed. F. Déroche, Ch. J. Robin, and M. Zink, Paris: Académie des Inscriptions et Belles-Lettres, 2015, pp. 27–74.
34. SADEGHI, Behnam & MOHSEN GOUDARZI. "Ṣan'ā' 1 and the origins of the Qur'ān," *Der Islam: Zeitschrift für Geschichte und Kultur des islamischen Orients* 87i-ii (2012) pp. 1–129.

۱. چکیده به فارسی: «در باره نسخ خطی قدیمی قرآن در صنعاء»، نوشته گورد پوین، ترجمه و تلخیص محمداکرم رحمتی، بولتن مرجع ۶: گزیده مقالات و متون درباره مطالعات قرآنی در غرب، به کوشش مرتضی کریمی نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰-۱۹.

35. SADEGHI, Behnam & Uwe BERGMANN. "The codex of a Companion of the Prophet and the Qur'ān of the Prophet," *Arabica: Journal of Arabic and Islamic Studies* 57iii (2010) pp. 343-436, 57iv (2010) p. 516.
36. SAIFULLAH, M.S.M. "Codex Ṣan'ā' I – a Qur'ānic manuscript from mid-1st century of Hijra," online at: <https://www.islamic-awareness.org/quran/text/mss/soth.html>
37. SMALL, Keith E. "Review Unesco CD of Ṣan'ā' Mss. Part 1," *Manuscripta Orientalia* 12ii (2006) pp. 65-72; "Review Unesco CD of Ṣan'ā' Mss. Part 2: Qur'an Mss. montents in *Sūra* order," *Manuscripta Orientalia* 13i (2007) pp. 62-72.
38. SMALL, Keith and Elisabeth PUIN. "Review Unesco CD of Ṣan'ā' Mss. Part 3: Qur'an Palimpsests, and unique Qur'ān illustrations," *Manuscripta Orientalia* 13ii (2007) pp. 59-71.
39. von BOTHMER, Hans-Caspar Graf. "Architekturbilder im Koran: eine Prachthandschrift der Umayyadenzeit aus dem Yemen," *Bruckmanns Panteon* (Munich) 45 (1987) pp. 4-20, 196.¹
40. von BOTHMER, Hans-Caspar Graf. "Die Anfänge der Koranschreibung: Kodikologische und kunsthistorische Beobachtungen an den Koranfragmenten in Sanaa," *Neue Wege der Koranforschung*, edited by Hans-Caspar Graf von Bothmer, Karl-Heinz Ohlig & Gerd-Rüdiger Puin, in *Magazin Forschung*, (Universität des Saarlandes) 1 (1999) pp. 40-46.
41. von BOTHMER, Hans-Caspar Graf. "Early Qur'an manuscripts found in the Great Mosque of Sanaa (Yemen)," *Earthly beauty, heavenly art: art of Islam*, edited by Mikhail Piotrovsky, London, Lund Humphries, 1999, pp. 98-109.
42. von BOTHMER, Hans-Caspar Graf. "Ein seltenes Beispiel für die ornamentale Verwendung der schrift in frühen Koranhandschriften: die Fragmentgruppe Inv. Nr. 17-15.3 im "Haus der Handschriften in Sanaa," *Ars et Ecclesia: Festschrift für Franz J. Ronig zum 60. Geburtstag*

۱. ترجمه به فارسی: هانس گاسپارگراف فون بوتمر، «تصاویر معماری در نسخه قرآن مسجد صنعاء»، ترجمه علی عبداللہی، وقف میراث جاویدان، سال دهم، ش ۴۳-۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۰-۳۲.

- (Veröffentlichungen des Bistumsarchivs Trier, 26), edited by Hans-Walter Stork, Trier, 1989, pp. 45ff.
43. von BOTHMER, Hans-Caspar Graf. "Frühislamische Koran Illuminationen: Meisterwerke aus dem Handschriften fund der Groschen Moschee in Sanaa / Yemen," *Kunst und Antiquitäten*, 1986 i, pp. 22-33.
44. von BOTHMER, Hans-Caspar Graf. "Masterworks of Islamic book art: Koranic calligraphy and illumination in the manuscripts found in the Great Mosque in Sanaa," *Yemen: 3000 years of art and civilization in Arabia Felix*, edited by W. Daum. Innsbruck: Pinguim-Verlag; Frankfurt a.M.: Umschau-Verlag [1988?] pp. 178-181; 185-187.
45. von BOTHMER, Hans-Caspar Graf. "Spätantike Voraussetzungen der frühislamischen Koran-Handschriften in Sanaa," *Eothen* 2-3 / 1991-92 (1994) pp. 7-12.

ترجمه حاضر

نسخه نهایی این اثر در تابستان سال ۲۰۱۱ میلادی به پایان رسید که بهنام صادقی چند هفته‌ای را در تهران به سر برد و ما فرصت گفتگوی بیشتر در این باب را یافتیم. پس از انتشار آن در قالب مقاله‌ای بلند در آغاز سال ۲۰۱۲ در مجله *Der Islam*، من یادداشت کوتاهی در معرفی و بیان اهمیت آن در وبلاگ «مطالعات قرآنی» نوشتم و پاره‌هایی از آن را مکرراً در درس زبان تخصصی رشته علوم قرآنی برای دانشجویانم تدریس کردم. با آنکه از همان زمان، بهنام صادقی از من خواسته بود ترجمه فارسی آن را برعهده بگیرم و این کار را نیز آغاز کردم، این مهم پس از مدتی به دلیل اشتغال فراوانم به پژوهش در نسخه شناسی مصاحف مختلف قرآنی از جمله «مصحف مشهد رضوی» متوقف شده بود. اکنون خدای را شاکرم که این امر در سال اخیر به انجام خود رسید و با پیشنهاد مدیر محترم انتشارات هرمس به نشر عمومی درآمد. در این کتاب، علاوه بر متن مقاله اصلی، متن لایه زیرین مصحف صنعاء^۱ (بر اساس تحقیق و خوانش مؤلفان) آمده، و در ادامه، تصاویر کاملی از لایه زیرین و رویی نسخه دارالمخطوطات 01-27.1، پنج برگ عرضه شده در حراج‌های مختلف (از جمله برگ موزه لوور ابوظبی)، و نیز تصاویر لایه رویی ۴۰ برگ موجود

از این مصحف در المكتبة الشرقية ضمیمه شده است. همچنین برای راهنمایی بیشتر خواننده، فهرستی از مهم‌ترین اصطلاحات تخصصی پرتکرار در امر مصحف پژوهی قرآنی را در انتهای کتاب گنجانده‌ام.

در پایان، بر خود وظیفه می‌دانم از دوستانم بهنام صادقی و محسن گودرزی سپاس بگزارم که علاوه بر گفتگوهای فراوان شفاهی و کتبی راجع به زوایای مختلف این اثر، بخش‌های مختلف ترجمه را طی سال‌های گذشته بازخوانی کردند و نکات خود را به من یادآور شدند. ایشان همچنین در همان آغاز کار ترجمه، یادداشت کوتاهی برای خواننده فارسی زبان نوشتند که اکنون پس از گذشت ده سال عیناً به همان صورت با عنوان «پیشگفتار نویسندگان برای ترجمه فارسی» در کتاب حاضر انتشار یافته است. به جز این، همکاران دانشورم، آلاء وحیدنیا و سید محمدعلی طباطبایی هر یک مرا در تکمیل بخش‌هایی از ترجمه، و بازخوانی کلی کتاب یاری رسانیدند. دوستان دیگرم حسین کمالی و مرتضی توکلی ضمن خواندن مقدمه حاضر، نکات مهمی را به من پیشنهاد کردند، و امیر استرابی با شکیبایی بسیار و هنرمندی تمام در صفحه‌آرایی زیبای این اثر از هیچ کوششی فروگذار نکرد. سخن و صورتی نیکو اگر در این برگردان فارسی هست، یقیناً بی‌مدد ایشان حاصل نمی‌آمد و همین مرا بر شکرگزاری مجدد و طلب خیر کثیر از خداوند متعال برای آنان وامی‌دارد. امیدوارم این کتاب بتواند پژوهشگران جدی و روزآمد در حوزه مطالعات قرآنی را در شناخت پرسش‌ها و روش‌های نوین قرآن پژوهی یاری کند و بر غنای هر چه بیشتر تحقیقات قرآنی در زبان فارسی بیفزاید.

مرتضی کریمی‌نیا

قم، بهار ۱۴۰۰

پیشگفتار نویسندگان بر ترجمه فارسی

در سال ۱۹۹۹ میلادی، چاپ مقاله‌ای درباره قرآن در محافل فرهنگی غربی سر و صدای زیادی به پا کرد. این مقاله به قلم روزنامه‌نگاری به نام توبی لستر بود و در مجله‌ای غیر آکادمیک آمریکایی به نام ماهنامه آتلانتیک (*The Atlantic Monthly*) به چاپ رسید. موضوع مقاله ماجرای کشف هزاران برگه از نسخه خطی قرآن در صنعاء (پایتخت یمن) بود، برگه‌هایی که برخی از آنان متعلق به قرون نخستین اسلام بودند. به زعم توبی لستر، متون قرآنی این نسخه‌ها حاوی تفاوت‌هایی با متن قرآن امروزی‌اند که عقاید مسلمانان درباره تاریخ قرآن را زیر سوال می‌برند. دانشگاهیان با هیجان خاصی درباره این مقاله و قرآن‌های صنعاء صحبت می‌کردند.

پیش از این، در اروپا و آمریکا تاریخ قرآن عمدتاً در نشریه‌های آکادمیک مورد بحث قرار می‌گرفت. اما این نوشته به‌ویژه در ماه‌ها و سال‌های بعد از واقعه یازده سپتامبر، زمینه‌ساز انتشار مقاله‌های متعددی در رسانه‌های عمومی شد. برای مثال می‌توان از گزارش‌هایی در نشریه‌های نیویورک تایمز، نیوزویک، گاردین، و وال‌استریت جورنال نام برد. با آنکه این مقالات به قلم روزنامه‌نگاران مختلف و در نشریه‌های گوناگونی به انتشار رسیدند، شباهت‌هایی اساسی بین آن‌ها می‌یابیم. مقاله توبی لستر و مقالاتی که بعد از آن منتشر شدند، از قالبی واحد پیروی می‌کنند. همه آن‌ها حاوی دو ادعای زیرند:

نخست آنکه یافته‌های محققان غربی که با روش‌های علمی و تحلیلی قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند، عقاید سنتی مسلمانان درباره کتاب آسمانی‌شان را زیر سوال می‌برد. دوم اینکه مسلمانان با جبر و خشونت به مقابله با روش‌های علمی و افکار نوین برخاسته و تحمل نواندیشی یا دیدگاه‌های انتقادی را ندارند.

دو گزاره فوق منطبق بر حقیقت نیستند. هیچ یک از مقاله های مورد اشاره در بالا، نظرات مسلمانان درباره تاریخ قرآن را به درستی بیان نمی کنند. هیچ کدام توضیح نداده اند که دانشمندان مسلمان قائل به وجود قرائت های گوناگون هستند. نه اشاره ای به قرائت های متفاوت متن عثمانی دیده می شود و نه سخنی از روایات اسلامی درباره مصاحف صحابه ای چون عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و تفاوت هایشان با متن عثمانی به میان می رود. عدم اطلاع از این حقایق، نویسندگان مقالات فوق را قانع کرده است که وجود هر گونه اختلاف در نسخه های خطی موجب تزلزل باورهای مسلمانان می شود. این ساده انگاری و پریشانی تا آنجا پیش رفته که مقاله توبی لستیر تفاوت های موجود در هجی کلمات در مصاحف را کشف بزرگی تلقی می کند، در حالی که برای متخصصان وجود این تفاوت ها همیشه امری شناخته شده و بدیهی بوده است. اکثر این مقاله ها حتی آرا و نظریات محققان غربی را هم به درستی منعکس نمی کنند، چراکه تمرکزشان صرفاً روی افراطی ترین و پرحاشیه ترین رگه های تحقیقات قرآنی در غرب است. آن ها به موشکافانه ترین نوشته های عالمان غربی اعتنا نمی کنند.

روزنامه نگاران به طبع حرفه خویش متخصص نیستند. شاید نتوان از ایشان توقع داشت که بتوانند راجع به یک موضوع پیچیده تاریخی و مرتبط با فرهنگی ناشناخته با دقت بنویسند. نوشته هایشان معمولاً به ساده انگاری، عوام زدگی، و هیجان گرایی ژورنالیستی مبتلا می شود. به علاوه، دیدگاه منفی آنان نسبت به فرهنگ های غیر غربی و بالاخص آیین مسلمانان با توجه به جو سیاسی و فرهنگی غالب بر اروپا و آمریکای شمالی چندان تعجب آور نیست.

ولی آنچه جای تعجب دارد جای خالی محققان در این عرصه است که گویی حیطه عمومی را به روزنامه نگاران واگذار کرده اند. علتش نمی تواند این باشد که در این نسخ خطی چیز جدیدی نیست. برعکس، تعدادی از این مصاحف متعلق به قرن اول هجری اند و بعضی اختلافات متنی که در آن ها یافت می شود، در کتب قرائات ثبت نشده و لذا در خور بررسی اند. با این حال، و با اینکه مصاحف صنعاء از سال ۱۹۸۸ میلادی در دسترس دانشمندان بوده و مانعی برای مطالعه آن ها وجود نداشته، تاکنون دیده نشده که پژوهشگری به دارالمخطوطات صنعاء مراجعه کرده و مقاله ای تحلیلی و عالمانه درباره قرآن های موجود در آن نوشته باشد. حقیقتاً جای تعجب

است که پیش از این، کسی متن کامل هیچ‌یک از این نسخ خطی را منتشر نکرده است. محققان ایرانی هم از این قاعده مستثنا نبوده‌اند. کار دست اولی در ایران به چاپ نرسیده است.

کتاب حاضر با این هدف آماده شده است که متن یک نسخه خطی قرآنی در دارالمخطوطات به نام «صنعاء ۱» را که شاید از دیدگاه تاریخی مهم‌ترین نسخه خطی این مجموعه باشد در اختیار محققان ایرانی قرار دهد. امید است که چاپ این کتاب مقدمه‌ای باشد برای شرکت مؤثر متخصصان ایرانی در بحث‌ها و مناظرات علمی‌ای که در جهان پیرامون نسخه‌های قدیمی قرآن در جریان است. این کتاب ترجمه مقاله‌ای مفصل با این مشخصات است:

Behnam Sadeghi, & Mohsen Goudarzi. "Ṣan'ā' 1 and the Origins of the Qur'an," *Der Islam: Zeitschrift für Geschichte und Kultur des islamischen Orients* 87i-ii (2012), pp. 1-129.

مهم‌ترین بخش این کتاب، متن ویرایش شده لایه زیرین برگه‌های مصحف صنعاء ۱ است. در ابتدا نیز مطالبی مقدماتی در چهار بخش، شامل ملاحظات در خصوص این نسخه و ارتباطش با بحث‌های تاریخی قرآنی آورده‌ایم. در اینجا لازم می‌دانیم از مرتضی کریمی‌نیا، محقق برجسته حوزه قرآن پژوهی، به پاس تلاش‌های ارزنده‌اش در ترجمه این مقاله و تکمیل آن با اطلاعات پُر بار تکمیلی در قالب کتاب حاضر به زبان فارسی تشکر کنیم. امید و انتظار ما این است که دانش پژوهان دیگر به نقد نظریه‌های ما پرداخته و آرای متفاوتی ارائه دهند، چه تضارب آرا یگانه راه آموختن است.

بهنام صادقی (دانشگاه آکسفورد) و محسن گودرزی (دانشگاه هاروارد)

چکیده^۱

متن زیرین مصحف صنعاء^۱ در حال حاضر مهم‌ترین سند موجود در زمینه تاریخ قرآن است. این متن که تنها نسخه شناخته شده از سنتی متنی و مکتوب، متفاوت از سنت رسمی عثمانی است، در قیاس با تمام مخطوطات شناخته شده از قرآن، بیشترین توان و امکان را داراست تا بر تاریخ تکوین متن قرآنی در دوران نخست پرتو افکند. مقایسه این متن با سایر سنت‌های متنی موازی، دریچه‌ای یگانه بر نخستین مراحل تکوین متن قرآنی و پیدایش سنت‌های مختلف را بر ما می‌گشاید. این مقایسه به بحثی درازدامن در باب تاریخ گردآوری آیات و فقرات قرآن و شکل‌گیری سوره‌ها خاتمه می‌دهد. پاره‌ای روایات کهن و برخی محققان معاصر غربی این امر را به عهد خلیفه سوم منسوب کرده و تدوین سوره‌ها را با ماجرای توحید مصاحف (تثبیت متن قرآنی) در سال ۳۰ هجری مربوط می‌دانند. اما تحلیل ما نشان می‌دهد که سوره‌های قرآن پیش از این شکل گرفته‌اند. افزون بر این، بررسی نسخه خطی مصحف صنعاء^۱ اطلاع بسیاری در باب شیوه نقل و انتقال متن قرآن به دست می‌دهد. شکل‌گیری آغازین — دست کم — برخی از سنت‌های متنی قرآنی مستلزم نقل نیمه شفاهی بوده است، به احتمال بسیار از طریق مستمعانی که متن قرائت شده از جانب پیامبر را کتابت می‌کردند. مقاله حاضر بر اساس ویژگی‌های کلی متن زیرین مصحف صنعاء^۱، از این نتایج و مدعیات دفاع می‌کند. در انتهای مقاله، تصحیحی از متن زیرین برگه‌های دارالمخطوطات صنعاء (به شماره 27.1-01) و همچنین چهار برگه فروخته شده در حراج‌های خارج از یمن را می‌آوریم. تحلیل دقیق و روشمند از تمام اختلاف قرائات موجود در متن کاری است که باید به نوشته‌های بعدی موکول شود.

۱. این متن چکیده مقاله انتشار یافته در مجله *Der Islam* است که آن را عیناً به همان صورت در اینجا در ترجمه کرده‌ام.

صنعا^۱ و حوزه مطالعات قرآنی^۱

رویکردهای مختلف محققان در باب «تاریخ متن قرآنی در دوران نخستین» را به طور کلی می‌توان چنین تقسیم بندی کرد: نخست باید از روایت سنتی یاد کنیم که اغلب عالمان پیش از دوران مدرن بدان قائل بوده‌اند. به باور ایشان، پیامبر اکرم (ص) قرآن را به صورت تدریجی برای مردم قرائت می‌کردند. برخی از صحابه وی نسخه‌هایی از متن کتاب آسمانی را تدوین کرده بودند. این نسخ با هم اختلاف‌هایی داشتند. با شروع اختلاف‌ها در میان مسلمانان، عثمان که خود از صحابه بود، به قصد ایجاد اجماع و اتفاق نظر در میان مسلمانان نسخه‌ای رسمی از متن قرآنی را پدید آورد. او — یا دقیق‌تر بگوییم، کمیته منصوب از جانب او و متشکل از برخی صحابه — این امر را با فرستادن مصاحفی از قرآن به شهرهای مختلف انجام داد. این مصاحف خود در مواردی اندک اختلاف ناچیز داشتند. مردم هر یک از این شهرها از روی آن‌ها برای

۱. ما از کریستیان ژبن، سرچیو نوپا نوسدا و مؤسسه CNRS (UMR 8167, Orient et Méditerranée) سپاسگزاریم که تصاویر و عکس‌های ماورای بنفش از برگه‌های نسخه صنعا، دارالمخطوطات 27.1-01 را در اختیار ما نهادند. برخورد لازم می‌دانیم از مایکل کوک، دیوید پاورز، پاتریشیا کرونه، و اورسولا دراینهولتس تشکر کنیم که با خواندن مقاله نکات ارزشمندی را به ما یادآور شدند. از اورسولا دراینهولتس متشکریم که از سر لطف، با مصاحبه تلفنی موافقت کرد و از اورسولا دراینهولتس، لیلی فایدی، شریف کنانه، ساری نصیبه، غسان عبدالله، لارنس کُتراد، و آلگز ندر استیل برای پاسخگویی ایمیلی به سؤالاتمان سپاس می‌گذاریم. همچنین از افراد زیر برای کمک به دیگر جوانب مختلف طرح سپاسگزاریم: آوه برگمن، مالک ناشناس برگه استنفورد ۲۰۰۷، مته کورشولم از مجموعه دیوید (David Collection) در دانمارک، مایکل کوپرشن، دوین استیوارت، روبرت والتز، اسکات لوکاس، م. س. م. سیف الله، سارا کیستلر، Bryce Cronkite-Ratcliff، رابرت کریگ، Burçak Keskin-Kozat، اعضای گروه عباسی در مطالعات اسلامی دانشگاه استنفورد، سبسی اوانگلیستا از دفتر توسعه در دانشگاه استنفورد، اعضای کادر کتابخانه‌های دانشگاه استنفورد، و آرمایشگاه شتاب‌دهنده رادیو کرین در استنفورد. این مقاله در ۳۱ آگوست ۲۰۱۱ برای انتشار به مجله *Der Islam* ارسال شده است.

خود نسخه‌هایی نوشتند. در دهه‌ها و سده‌های بعد، این متن رسمی را قراء مختلف به گونه‌های مختلف خوانده‌اند. فی‌المثل ایشان در تلفظ صامت‌ها و نقطه‌گذاری آن‌ها متفاوت بودند، اما اغلب این قرائات - و از جمله قرائات سبعة معروف - با رسم عثمانی یعنی بدنه اصلی و شکل بدون اعراب و نقطه در متن اصلی موافق بودند. همین جا باید نکته‌ای را در باب رسم (skeletal form) تبیین کرد. ما نمی‌دانیم تلفظ تمام کلمات در مصاحف اصلی عثمان چگونه بوده است. مثلاً در بسیاری موارد، روشن نیست آیا صدای /آ/ در وسط یک کلمه با الف نشان داده می‌شده است یا خیر. اما دست کم ما متن را در سطح بدنه تک‌واژها^۱ می‌شناسیم.^۲

بد نیست پیروان این دیدگاه را «سنت‌گرایان» بخوانیم. روایت فوق‌الذکر همچنان در میان متخصصان و عالمان [سنّی] در جهان اسلام متداول است؛ بیشتر از آن رو که اغلب ایشان در باب خطوط کلی تاریخ صدر اسلام تشکیک اساسی نکرده‌اند. به عکس اینان، عموم محققان ساکن اروپا و آمریکای شمالی این روایت سنتی را نمی‌پذیرند (البته این بدان معنا نیست که آن روایت را مردود می‌شمارند). علت این امر، بی‌اعتمادی رایج به منابع متنی و مکتوبی است که روایت سنت‌گرایانه بر آن‌ها مبتنی است. زمان تدوین منابع مذکور بسیار دیرتر از زمان اتفاقاتی است که از آن‌ها خبر می‌دهند، و میزان یا تعداد اخبار واقعاً قدیمی در این منابع، موضوع بحثی

۱. morpheme یا تک‌واژ، کوچک‌ترین یکا یا واحد زبانی دارای نقش دستوری است که قابل تقسیم به یکاهای دستوری کوچک‌تر نیست. (مترجم)

۲. عالمان اسلامی هرگز مدعی نبوده و نیستند که تلفظ دقیق تمام کلمات در مصاحف ارسال شده از جانب عثمان حفظ شده است. به عکس، سنت اسلامی مصاحف اصلی عثمانی را دست کم در سطح بدنه تک‌واژها حفظ کرده است؛ یعنی آنچه که مربوط به بدنه متن (بدون شکل و نقطه) می‌شود که تغییر آن می‌تواند بالضرورة کلمه یا بخشی از کلمه (تک‌واژ) را به چیز دیگری تبدیل کند. برخی از اختلافات در بدنه، همچون املاهای مختلف یک کلمه، اختلاف در بدنه تک‌واژها نیست، چراکه این امور ضرورتاً کلمه را به کلمه‌ای دیگر تبدیل نمی‌کنند. همچنین نحوه علامت‌گذاری صامت‌ها شاید تغییری در کلمه ایجاد کند، اما باز هم این تغییرات تغییرات رسمی در بدنه تک‌واژ نیستند، چراکه ساخت اصلی یا بدنه بدون تغییر باقی می‌ماند. قاعدتاً تنها وقتی می‌گوییم که قرائتی با رسم عثمانی رایج متفاوت است که آن نحوه قرائت، هم ساخت بدنه و هم خود کلمه را تغییر دهد؛ یعنی تغییر در بدنه و تک‌واژ باشد. این امر را عالمان اسلامی قرن‌ها و قرن‌ها نیک می‌دانستند و در میان متخصصان مسلمان در امر قرائات و کتاب‌های قرائات قرآن، موضوعی بدیهی و مفروض بوده است (ما از ذکر این توضیح در مواردی که املاهای اصلی عثمانی یا نقطه‌گذاری آن قابل شناخت است، چشم می‌پوشیم).

دامنه‌دار در دنیای آکادمیک بوده است. این اکثریتِ اروپایی-آمریکایی خود به دو گروه تقسیم شده‌اند.

گروه نخست، و در اقلیت، «تجدیدنظرطلبان» (revisionists) اند؛ یعنی کسانی که روایت سنتی را نادرست می‌شمارند. برخی از ایشان توحید مصاحف به دست عثمان را انکار می‌کنند؛ دسته‌ای دیگر معتقدند تغییرات عمده در متن رسمی حتی پس از عثمان [در عهد عبدالملک اموی و حجاج بن یوسف] رخ داده است؛ و گروهی چون ونزبرو و اصحابش برآنند که اساساً سخن گفتن از قرآن در عهد عثمان یک ناهمزمانی تاریخی یا زمان‌پریشی است، چراکه متن قرآنی بسیار دیرتر از این زمان پدید آمده است. مهم‌ترین تجدیدنظر طلبان عبارتند از: جان ونزبرو، پاتریشیا کرونه، آلفرد لویی دوپرمار و دیوید پاورز.^۱ آن میزان از ثبات متن قرآن که طبق روایت سنتی در سال ۳۰ هجری حاصل شده بود، از نگاه جان ونزبرو تا پایان قرون دوم هجری نیز به دست نیامده بوده است. اغلب تجدیدنظر طلبان البته در تاریخ‌گذاری خود محتاط‌ترند و نهایی شدن متن یا تثبیت آن را به محدوده خلافت عبدالملک اموی یعنی حدود سال‌های ۶۵-۸۶ هجری نسبت می‌دهند. تجدیدنظر طلبان در پی تحکیم دیدگاه‌های خود با کمک منابع مستند، منابع مسیحی و روایات اسلامی‌اند. اینان در استفاده از روایات اسلامی، به تصور خود، معانی ضمنی و ناگفته‌ها را هشیارانه درمی‌یابند، اما مخالفان‌شان آن‌ها را به استفاده گزینشی، خارج از بستر صحیح، و بدفهمی روایات متهم می‌کنند.

دومین گروه از محققان، یعنی «شکاکان» (skeptics)، به مراتب در تعداد بیشترند. اینان هم به همان سان، روایت سنتی را نمی‌پذیرند و نه تنها این امر، بلکه هر گزارش مذکور در منابع متنی و مکتوب مسلمانان راجع به خاستگاه اسلام را غیر قابل اعتماد می‌دانند. با این همه، اینان فرضیات تجدیدنظر طلبان را نیز قبول ندارند، چه معتقدند این فرضیات را نمی‌توان با دلیل و مدرک تأیید کرد. محققانی را که در این

۱. برای فهرستی از آثار اینان نگاه کنید به کتابنامه پایانی. رویکرد پاتریشیا کرونه در مقاله سال ۱۹۹۴ش، متفاوت از دیگر آثار یادشده در کتابنامه (و به‌ویژه متفاوت از رویکرد او در کتاب مهمش، هاجریسم، منتشرشده در سال ۱۹۷۷) است. در این اثر، وی به‌جای آنکه از تاریخ دیر هنگام دستیابی به تثبیت متن سخن بگوید، موقتاً از رسمی شدن دیر هنگام بخش اعظم متن تثبیت‌شده دفاع می‌کند.

دسته جای می گیرند، می توان به تعبیری لاأدري گرا قلمداد کرد. ایشان شاید نگویند که متن رسمی قرآنی پس از عثمان پدید آمده یا اینکه پس از وی تغییر عمده ای کرده است، اما امکان این امر را منتفی نیز نمی دانند. با آنکه اینان گاه با سرسختی تمام، وصف «تجدید نظرگرا» را از خود نفی می کنند، اما عملاً در نگاه خود به منابع متنی و مکتوب دین اسلام تجدید نظر طلبند. نام شکاک از آن رو برازنده ایشان است که نه روایت سنت گرایان و نه گزارش تجدید نظر طلبان را قانع کننده نمی شمارند. این گروه معمولاً مطلب چندانی در باب خاستگاه یا تکوین دین اسلام منتشر نمی کنند، چراکه به دلیل شکاک بودن چندان باور قاطعی ندارند تا درباره اش چیزی بنویسند. تعداد نسبتاً کم نوشته هایشان این واقعیت را می پوشاند که ایشان در واقع بزرگ ترین گروه محققان را تشکیل می دهند. نشانه ای بر آمار و تعداد اینان را می توان از آنچه منتشر نشده است دریافت: محققان آکادمیک اروپایی و آمریکای شمالی مجموعاً در دهه های اخیر مطالب بسیار اندکی راجع به نخستین دهه های ظهور دین اسلام با استناد به منابع متنی دین اسلام انتشار داده اند. بسیاری از محققان دانشگاهی به سراغ دهه های بعد (با تمرکز بر این مسأله که مردمان در دوران پس از صدر اسلام چه ذهنیتی از دهه های آغازین داشته اند)، و موضوعات دیگر، و گاه زبان هایی جز عربی رفته اند.

در این میان جماعتی اندک نیز در میان محققان اروپا و آمریکای شمالی هستند که خطوط کلی روایت سنتی فوق الذکر را تأیید می کنند. درست است که این افراد بر تمام اخبار و گزارش های موجود در منابع متأخر مهر تأیید نمی گذارند، اما معتقدند که تحلیل نقادانه، جزئی و دقیق در باب منابع متنی و مکتوب مؤید برخی اجزای روایت سنتی است. این دسته از محققان، هم تاییانی در کشورهای اسلامی هم دارند و سرشناس ترین ایشان عبارتند از: مایکل کوک، محمد مُحسِن و هارالد موئسکی. گفتنی است که فرد نخست، یعنی مایکل کوک خود یکی از اعضای سابق اردوگاه تجدید نظر طلبان به شمار می آید.^۱ می توان این دسته از محققان را — که با ارزیابی نقادانه

۱. برای فهرستی از آثار قرآنی اینان نگاه کنید به کتابنامه پایانی. بحثی کوتاه در باب اثر محمد مُحسِن در مقاله بهنام صادقی با عنوان «ملاک هایی برای تصحیح متن قرآن» در زیر آمده است:

Behnam Sadeghi, "Criteria for Emending the Text of the Qur'an," in *Law and Tradition in Classical Islamic Thought*, ed. Michael Cook, et al. (New York: Palgrave Macmillan, forthcoming, 2012).

منابع ادبی اسلامی، روایت سنتی را تأیید می‌کنند - «نوسنت‌گرایان» نامید. در واقع این سنت‌گرایان به جای آنکه روایت سنتی را مفروض و مسلّم انگارند و آن را جزئی بدیهی از میراث علمی ما تلقی کنند، می‌کوشند برای روایت سنتی استدلال ارائه کنند.^۱

از نظر ما، این فضای اختلاف میان محققان، نشانگر فقر شواهد تجربی برای تعیین نظریه نیست. به عبارت دیگر، این اختلافات ناشی از تکافؤ ادله نیست: یعنی چنان نیست که ادله و احتجاجاتِ اطراف نزاع، قوّت یکسان داشته باشند. همچنین به اعتقاد ما، تعداد نسبی افراد در هر یک از این چهار دسته از محققان، نشان‌دهنده قوّت شواهد و مدارک آن گروه نیست؛ یا چنان نیست که با ظهور شاهی بسیار قوی به نفع یکی از طرفین نزاع، اختلافات تماماً از میان برود. یا اینکه اگر اجماعی حاصل شود، این امر حتماً به معنای عدم وجود ابهام در شواهد خواهد بود. الگوی تبعیت انسان‌ها از پارادایم‌های مختلف، نه تنها به قوت و کیفیت ادله، بلکه به عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و سایر امور غیر عقلانی نیز مرتبط است.^۲ با این همه، پرواضح است هر دلیل و مدرکی که بالقوه بتواند اندک کمکی به فهم ما از تاریخ صدر اسلام یا دوران تکوین اسلام کند، مورد توجه و علاقه مؤرخان خواهد بود و می‌تواند باعث تغییر موضع دست کم برخی از ما شود.

نسخه‌ای از قرآن که در نوشتار کنونی موضوع بحث و تحقیق ماست، از

→

و برای تلخیص و بحثی راجع به اثر قرآنی مایکل کوک نگاه کنید به مقاله مشترک صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۶۴، ۳۶۷-۳۶۹.

۱. عنوان‌های سنت‌گرا، تجدید نظر طلب، شکاک و نوسنت‌گرا صرفاً نام‌هایی دم‌دستی و راه‌گشا برای این چهار دسته‌اند. ما این عبارات را به معنی تحت اللفظی شان به کار نمی‌بریم یا این عبارات بر دیگر معانی که تداعی می‌کنند دلالت نمی‌کنند. مثلاً منظورمان از سنت‌گرا، پایبند به سنت نیست و یا منظور از شکاکان، شک‌گرایان فلسفی نیست.

۲. عوامل غیر عقلانی به خوبی در کتاب تامس کوهن با عنوان ساختار انقلاب‌های علمی، Thomas Kuhn, *The Structure of Scientific Revolutions* (در فارسی، با ترجمه احمد آرام، تهران: سروش، ۱۳۶۹) مورد تأکید قرار گرفته است. در حوزه مطالعات اسلامی عوامل، غیرعقلانی که در پذیرش آرای یک نویسنده اثر می‌گذارد، عبارتند از: شهرت و آوازه نویسنده، سابقه مذهبی نویسنده، میزان موافقت عالمان مورد وثوق با آرای نویسنده، موافقت استادان و هم‌ترازان وی با نویسنده، موافقت اثر این نویسنده با اجماع، توان یا استراتژی ادبی و بلاغی نویسنده، و اینکه مواضع نویسنده با کدام جریان‌های مشخص علمی، مذهبی، فلسفی یا کلامی هماهنگ است.

همین قبیل مدارک و شواهد است. نسخه خطی صنعاء ۱ پالمپست است، یعنی مخطوطی پوستی است با دو لایه زیرین و رویی: لایه یا نوشته زیرین را با خراشیدن یا شستن پاک کرده‌اند و مجدداً بر روی آن نوشته‌اند. این گونه بازیافت و استفاده مجدد از پوست نوشته‌ها امری متداول بوده است. فی‌المثل حدود ۴/۵ درصد از نسخه‌های خطی غرب لاتین^۱ در فاصله قرون پنجم تا نهم میلادی بدین صورت مورد بازیافت قرار گرفته بودند.^۲ با این همه، نباید به سرعت این امر را به دیگر مناطق تعمیم دهیم، چراکه فراوانی استفاده مجدد از مخطوطات پوستی بسته به زمان و منطقه جغرافیایی شان بسیار متغیر بوده است.^۳ به جز نسخه قرآنی صنعاء ۱، امروزه چندین مخطوط دیگر با خط و زبان عربی می‌شناسیم که بر روی پالمپست نگاشته شده‌اند.^۴

۱. غرب لاتین و شرق یونانی دو بخش جهان یونانی رومی Greco-Roman World در دوران امپراطوری روم است.

2. Georges Declercq, "Introduction: Codices Rescripti in the Early Medieval West in Early Medieval Palimpsests," in *Early medieval palimpsests*, ed. Georges Declercq (Turnhout, Belgium: Brepols Publishers, 2007), 12.

3. Declercq, "Introduction," 11-13.

۴. دو پالمپست عربی در دیر کاترین مقدس در شبه جزیره سینا وجود دارد که عزیز عطیه در کتاب و مقاله خود با مشخصات زیر به آن‌ها پرداخته است:

Aziz S. Atiya, *Arabic Manuscripts of Mount Sinai: A Hand-list of the Arabic Manuscripts and Scrolls Microfilmed at the Library of the Monastery of St. Catherine, Mount Sinai* (Baltimore: John Hopkins Press, 1955), 19, 24; and Aziz S. Atiya, "The Monastery of St. Catherine and the Mount Sinai Expedition," *Proceedings of the American Philosophical Society* 86-578: (1952) 96.5.

یکی از پالمپست‌ها به شماره ۵۱۴ حاوی پنج لایه از متن به سه زبان است: دو لایه عربی، دو لایه سریانی و یک لایه یونانی. نوشته رویی حاوی سیره قدسین مسیحی و بیفر ایوب، «به خط کوفی میانه متعلق به اوایل قرن نهم میلادی است» در حالی که لایه دوم که بازهم متنی مسیحی است «به خط کوفی کهن متعلق به قرن نخست هجری یعنی قرون هفتم تا هشتم میلادی است.» (Atiya, *Arabic Manuscripts of Mount Sinai*, 19). تصویر یک برگه (Atiya, "Monastery of St. Catherine," 584) نشان می‌دهد که در نوشته رویی، آیات با تعدادی نقطه از یکدیگر جدا شده‌اند، مشخصه‌ای که در قرآن‌های کهن نیز یافت می‌شود. دومین پالمپست عربی به شماره ۵۸۸ دارای سه لایه از متون مسیحی است. لایه فوقانی به عربی است و در حدود قرن دهم میلادی تاریخ گذاری شده است. در زیر آن یک متن سریانی است و زیر متن سریانی «لایه سومیه به زبان عربی را می‌توان در چند جا یافت» (Atiya, *Arabic Manuscripts of Mount Sinai*, 24). پالمپستی نیز در کتابخانه دانشگاه کمبریج وجود دارد که متن زیرین آن، قرآن و، به

در مصحف صنعاۑ ۱ نیز همچون برخی دیگر از پالمپست‌ها، با گذشت زمان، باقی‌ماندهٔ جوهر نوشتهٔ پاک شده دستخوش فعل و انفعالات شیمیایی شده، و موجب تغییر رنگ و از این رو، پیدایش دوبارهٔ نوشتهٔ زیرین به رنگ قهوه‌ای یا خاکستری کم‌رنگ شده است. تغییر رنگ در مُرگَب حاوی عناصر فلزی، امری طبیعی است. مثلاً جوهر سیاه می‌تواند به مرور زمان قهوه‌ای شود، و آثاری از جوهر که در عمق پوست نفوذ کرده‌اند، می‌توانند یک متن پاک شده را دوباره احیا کنند. فلزات واسطه موجود در جوهر همچون آهن، مس و روی عامل ایجاد خوردگی و تغییر رنگ آن‌اند.^۱ این هر سه عنصر در جوهر هر دو لایهٔ مصحف صنعاۑ وجود دارند، هر چند در

خط حجازی است. در خصوص این پالمپست، در آثار زیر از آلفونس مینگانا، محمد مصطفی الاعظمی و آلبا فِدلی بحث شده است:

Alphonse Mingana and Agnes S. Lewis, *Leaves from Three Ancient Qurāns, Possibly Pre-'Othmānic* (Cambridge: University Press, 1914); Muḥammad Muṣṭafā al-A'zamī, *The History of the Qur'ānic Text*, 2nd ed. (Riyadh: Azami Publishing House, 2008), 342-5; Alba Fedeli, "Early Evidences of Variant Readings in Qur'ānic Manuscripts," in *Die dunklen Anfänge: Neue Forschungen zur Entstehung und frühen Geschichte des Islam*, ed. Karl-Heinz Ohlig et al. (Berlin: Verlag Hans Schiler, 2007), 293-7; Alba Fedeli, "Mingana and the Manuscript of Mrs. Agnes Smith Lewis, One Century Later," *Manuscripta Orientalia* 11.3 (2005): 3-7.

فِدلی و اعظمی هر دو بازنویسی مینگانا را کاملاً غیر قابل اعتماد می‌دانند. فِدلی تنها توانسته است سیزده خوانش را از میان سی و هفت خوانش مینگانا بررسی کند (Fedeli, "Mingana," 7). به علاوه توصیفی که مینگانا از متن به عنوان «پیش عثمانی» ارائه می‌دهد، توصیفی ناموجه است. ما از نتایج مفید مقالهٔ زیر خیلی دیر آگاه شدیم و نتوانستیم از محتویات آن در خصوص پالمپست کمبریج و دیگر پالمپست‌ها استفاده کنیم:

Alba Fedeli, "The Digitization Project of the Qur'ānic Palimpsest, MS Cambridge University Library Or. 1287, and the Verification of the Mingana-Lewis Edition: Where is Salam?," *Journal of Islamic Manuscripts* 2.1 (2011): 100-117.

چندین پالمپست دیگر در دارالمخطوطات صنعاۑ وجود دارد که همگی نسبتاً متأخرند و فقط با چند صفحه از هر کدام معرفی شده‌اند. (اورسولا درایتهولتس، مصاحبهٔ تلفنی، ۳۰ جولای ۲۰۱۱). تصویری از یک صفحه از هر کدام به شمارهٔ 043020C.BMP در سی دی فراهم یافته از سوی یونسکو منتشر شده است. متن هر دو لایهٔ زیرین و رویی قرآن است و ظاهراً متأخرتر از پالمپست مورد مطالعه در این مقاله‌اند؛ گویانکه نوشتهٔ زیرین به نظر می‌رسد می‌تواند متعلق به اواخر قرن نخست هجری باشد.

1. Christoph Krekel, "The Chemistry of Historical Iron Gall Inks," *International Journal of Forensic Document Examiners* 5 (1999): 54-8.

جوهر لایه زیرین، مس تا حدودی بیشتر، و روی نیز به مراتب بیشتر از مقدار مس و روی در جوهر لایه بالایی است.^۱

متن نوشته شده بر روی هر دو لایه، قرآن است و ظاهراً هر دو لایه زمانی بخشی از یک مصحف کامل بوده‌اند.^۲ متن رویی متعلق به سنت متنی رسمی قرآن است و

۱. بررسی علمی جوهرها در برگه استنفورد ۲۰۰۷ را اوه برگمن انجام داده است. جزئیات این تحقیق احتمالاً جداگانه منتشر شود. قس. مقاله مشترک صادقی و برگمن با عنوان «مصحف یکی از صحابه پیامبر و قرآن پیامبر»، با مشخصات زیر که از این پس، آن را با عنوان مقاله «مصحف» یاد می‌کنیم:

Behnam Sadeghi and Uwe Bergmann, "The Codex of a Companion of the Prophet and the Qur'an of the Prophet," *Arabica* 57.4 (2010): 348, 357.

۲. علاوه بر نوشته‌های مطابق با مصاحف مفروضاً کامل، اضافات و دستکاری‌های گاه به گاهی از سوی افراد مختلف وجود دارد. فی المثل، «اصلاح کننده متن بالایی» جاهای خالی نوشته فوقانی را در جایی که متن محو شده، پُر کرده است. همچنین شخص دیگری (یا احتمالاً بیش از یک نفر) که او را «اصلاح کننده متن زیرین» می‌خوانیم مسئول یادداشت‌هایی است که هر از گاهی متن زیرین را بر روی چند برگه، اصلاح و تعدیل کرده، یا جاهایی از متن را که محو یا به طور چاره ناپذیری پاک شده، پُر کرده است. اصلاحات زیرین به رنگ سیاه و با قلمی نازک‌تر از تمام دیگر دست خط‌ها نوشته شده است. این اصلاحات بر روی برگه‌های شماره ۲، استنفورد ۲۰۰۷، دیوید ۸۶/۲۰۰۳، ۲۲ (احتمالاً با دستخطی متفاوت توسط شخصی دیگر) و احتمالاً برگ ۲۳ دیده می‌شوند. تاریخ این اصلاحات به زمانی پس از پاک شدن کامل متن زیرین، اضافه شدن متن رویی و دوباره ظاهر شدن متن زیرین برمی‌گردد. این تاریخ‌گذاری بر مبنای چهار ملاحظه صورت می‌گیرد: نخست این امر که رنگ سیاه نوشته‌ها [=اصلاحات بعدی] ثابت می‌کند که این نوشته‌ها به متن دوباره پدیدار شده تعلق ندارند چراکه نوشته‌های زیرین در پالیمپست‌ها در صورت پیدایی دوباره به رنگ قهوه‌ای کم‌رنگ یا خاکستری کم‌رنگ ظاهر می‌شوند. این استدلال به تنهایی قانع کننده است. دوم آنکه بررسی‌های اوه برگمن بر روی برگه استنفورد ۲۰۰۷ ثابت کرده که جوهر اصلاحات دارای آهن، مس و روی—یعنی فلزات واسطه مسئول خوردگی و تغییر رنگ در طی زمان—نیست (نک. پانویس ۱۰ و ۱۱ در بالا). این امر تأیید می‌کند که این خط دوباره ظاهر نشده و بنابراین در وهله نخست هرگز پاک نشده بوده است. ظاهراً ماده اصلی جوهر آن دوده یا کربن است که از این رو نسبتاً ناکنش دار (فاقد قدرت کنش و واکنش شیمیایی)، مصون در برابر تغییر رنگ‌های مربوط به خوردگی است و نسبت به جوهرهایی که بر پایه فلزات اند، به آسانی پاک یا فرسوده می‌شود. این ملاحظه نیز به خودی خود قانع کننده است. سوم اینکه از نظر سبک پالیوگرافیکی یا خط‌شناسانه، پهنای گردش قلم و ترکیبات شیمیایی جوهر نوشته بالایی بسیار شبیه‌تر به نوشته زیرین است تا اصلاحات زیرین؛ که این امر نیز باز هم کم‌تر بودن نوشته لایه بالایی نسبت به اصلاحات انجام شده روی لایه زیرین را تأیید می‌کند. چهارم اینکه سبک پالیوگرافیکی اصلاحات روی لایه زیرین نشان می‌دهد که به دو قرن نخست هجری تعلق ندارد. اما بر روی برگه ۲۲، سبک پالیوگرافیکی کهن می‌نماید: خواه این نوشته‌ها به خط شخصی دیگر باشد یا دستخط همان «اصلاح کننده خط زیرین» که بر روی دیگر برگه‌ها دیده شد؛ لیکن در اینجا تحت تأثیر خط حجازی که آن را اصلاح می‌کند قرار گرفته است. قس.: صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۵۸-۳۵۷، به ویژه پانویس ۱۲.

احتمالاً طی قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم میلادی کتابت شده است. شاید در آینده با پیشرفت‌های پالیوگرافیکی و دیگر روش‌ها بتوان به تاریخی دقیق‌تر دست یافت. عذّ‌الای یا الگوی بخش‌بندی آیات در متن رویی، به ترکیب گزارش شده درباره مصاحف حجاز بسیار نزدیک است، اما آنقدر دقیق نیست که بتوان مکی یا مدنی بودنش را تشخیص داد.^۱

قرآن لایه زیرین حائز اهمیت بسیار است، چراکه تا به امروز تنها مخطوطی است که می‌دانیم غیر عثمانی، یعنی متعلق به روایتی متنی غیر از روایت رسمی قرآن است. یکی از ما سابقاً مطالعه مفصلی بر این مصحف بر اساس چهار برگه از آن انجام داد.^۲ اکنون بررسی‌هایمان را به تمام برگه‌ها به جز یکی (که تصویر آن را در اختیار نداشتیم) گسترش داده‌ایم. در این مقاله تمرکز ما بر روی مختصات کلی متن خواهد بود و تحلیل متنی روشمند تمام اختلافات را به مقالات آتی موکول می‌کنیم. در ادامه استدلال خواهیم کرد که مستقل از تاریخ مصحف زیرین، این دو سنت، یعنی سنت متنی که مصحف زیرین به آن تعلق داشته است و سنت متنی عثمانی، باید پیش از میانه قرن نخست هجری – یعنی قبل از انتشار سنت عثمانی – از یکدیگر منشعب شده باشند. بنابراین مقایسه مابین این دو سنت، دریچه‌ای رو به کهن‌ترین بُرهه از تاریخ قرآن می‌گشاید. بر اساس چنین مقایسه‌ای، استدلال خواهیم کرد که علی‌رغم دیدگاه رایج، قطعات موجود وحی پیش از اقدام مشهور و نسبتاً مؤثر عثمان برای رسمی یا استاندارد سازی متن، به یکدیگر پیوسته و سوره‌ها را شکل داده بودند.

البته تاریخ و منشأ روایت متنی‌ای که لایه زیرین متعلق به آن است، مسأله‌ای جدا از تاریخ خود نوشته زیرین است. نوشته زیرین به دلایل پالیوگرافیک [کهن‌شناسانه] و تاریخ هنر، تقریباً به طور قطع متعلق به قرن نخست هجری است، و احتمالاً نه متعلق به نیمه دوم آن. دقت بیشتر را می‌توان از طریق آزمایش کربن ۱۴ به دست آورد که پوست‌برگه و بنابراین متن زیرین را با احتمال ۹۹٪ به زمانی پیش از سال ۶۷۱ میلادی (و قبل از ۶۶۱ میلادی با احتمال ۹۵/۵٪ و پیش از ۶۴۶ میلادی با احتمال ۷۵٪) نسبت

۱. نک. پیوست ۲ در همین کتاب. این نتیجه پیش از این بر مبنای بررسی مجموعه محدودتری از ۱۳ برگه به

دست آمده بود. در: صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۸۳-۳۷۷.

۲. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف».

می‌دهد.^۱ در نتیجه این قرآن به طرز چشمگیری کهن‌تر از چند قرآن دیگری است که باراديو کربن تعیین قدمت شده‌اند.^۲ این مخطوط از آنجا که حاوی سورة توبة، یعنی بخش‌هایی از آخرین فقرات اعلام شده توسط پیامبر (ص) است، نمی‌تواند خیلی قبل از رحلت پیامبر (ص) در سال ۶۳۲ میلادی نوشته شده باشد.^۳ از نظرگاه انتقادی - متنی، شاید این نسخه مهم‌ترین مخطوط یافت شده در سقف و طاق مسجد جامع صنعاء باشد.^۴ ظاهراً دیگر مخطوطات در این مجموعه،

۱. آزمایش رادیو کربن بر روی نمونه‌ای از برگه استنفورد ۲۰۰۷ انجام گرفت. نک.: صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۵۴-۳۵۲. در خصوص این فرض که مصحف مدت زمانی طولانی پس از آماده شدن پوست‌برگ، کتابت و تولید نشده باشد، نک. همان ۳۵۴.

2. Yasin Dutton, "An Umayyad Fragment of the Qur'an and its Dating," *Journal of Qur'anic Studies* 9.2 (2007): 57-87; Efim Rezvan, "On the Dating of an 'Uthmānic Qur'an' from St. Petersburg," *Manuscripta Orientalia* 6.3 (2000): 19-22; Hans-Caspar Graf von Bothmer, "Die Anfänge der Koranschreibung: Kodikologische und kunsthistorische Beobachtungen an den Koranfragmenten in Sanaa," *Magazin Forschung* (Universität des Saarlandes), 1 (1999): 45.

۳. در خصوص گاه‌شناسی نسبی و ترکیب‌بندی قرآن نک.:

Behnam Sadeghi, "The Chronology of the Qur'an: A Stylometric Research Program," *Arabica* 58 (2011): 210-99.

این مقاله همچنین حاوی بررسی و تحلیل دو سیستم مختلف از تنویر نولدکه و مهدی بازرگان در خصوص تاریخ‌گذاری و ترتیب نزول سوره‌هاست. برای دو ارزیابی متفاوت از تلاش‌های نولدکه نک.: Nicolai Sinai, "The Qur'an as Process," in *The Qur'an in Context: Historical and Literary Investigations into the Qur'anic Milieu*, ed. Angelika Neuwirth, Nicolai Sinai, and Michael Marx (Leiden: Brill, 2010), 407-40; and Emmanuelle Stefanidis, "The Qur'an Made Linear: A Study of the *Geschichte des Qorāns*' Chronological Reordering," *Journal of Qur'anic Studies* 10.2 (2008): 1-22.

۴. این پاراگراف و پاراگراف بعدی در باب پروژه محافظت از مخطوطات، بر اساس منابع زیر است:

Bothmer, "Die Anfänge der Koranschreibung," 40-6; Ursula Dreiholz, telephone interview, July 30, 2011, and emails dated July 20, August 3, 4, 8, 10, and 27, 2011; Bothmer, telephone interview, August 26, 2011; Ursula Dreiholz, "Preserving a Treasure: The Ṣan'ā' Manuscripts," *Museum International* (UNESCO, Paris), No. 203 (Vol. 51, No. 3, 1999): 21-5; Ursula Dreiholz, "Treatment of Early Islamic Manuscript Fragments on Parchment," in *The Conservation and Preservation of Islamic Manuscripts, Proceedings of the Third Conference of al-Furqān Islamic Heritage Foundation*, ed. Yusuf Ibish et al. (London: al-Furqān Islamic Heritage Foundation, 1417/1996), 131-45; Claudia Brettar, "UdS: Neues Zentrum für Koranforschung? Teil 1," *Campus* 29.3 (July 1999), http://www.uni-saarland.de/verwalt/presse/campus/1999/3/20-UdS_neues_zentrum.html.

از جمله تعداد زیادی از مخطوطات به خط حجازی و کوفی، متعلق به قرن اول هجری، همگی مطابق با روایت رسمی قرآن‌اند.^۱ این مجموعه شامل حدود ۱۲۰۰۰ پوست‌برگه حاوی متن قرآنی است. از سال ۱۹۹۷، تقریباً همه این برگه‌ها به جز ۱۵۰۰ - ۲۰۰۰ برگه به ۹۲۶ مخطوط قرآنی مجزا نسبت داده شده‌اند که هیچ یک کامل نیستند و بسیاری از آن‌ها تنها حاوی چند برگه‌اند. حدود ۱۵۰ پوست‌برگه غیر قرآنی و تعداد زیادی برگه کاغذی نیز در این مجموعه وجود دارند. در میان مخطوطات قرآنی، ۲۲ مخطوط به خط حجازی، و از این رو احتمالاً متعلق به قرن اول هجری‌اند (قرن هفتم و اوایل قرن هشتم میلادی).^۲ چهارده عدد از این مخطوطات دارای فرمت عمودی‌اند، یعنی طول برگه‌هایشان بیش از عرض آن‌ها است. همچنین تعداد بسیاری دست‌نوشته به خط کوفی در این مجموعه هست که برخی از آن‌ها احتمالاً متعلق به قرن نخست هجری است.

پروژه‌ای در سال ۱۹۸۰ به منظور مرمت و حفظ مخطوطات پوستی آغاز شد. این پروژه تحت حمایت سازمان میراث فرهنگی یمن شروع به کار کرد. بخش فرهنگی وزارت خارجه آلمان با در اختیار گذاشتن ۲/۲ میلیون مارک آلمان (حدود ۱/۱ میلیون یورو) بودجه پروژه را تأمین کرد. در آن زمان آلبرشت نوت (از دانشگاه هامبورگ) سرپرست پروژه بود. کار عملاً در سال ۱۹۸۱ آغاز شد و تا سال ۱۹۸۹ ادامه یافت، یعنی تا زمانی که پروژه با تمام شدن بودجه متوقف شد. از آغاز سال ۱۹۸۱ گِرد رودیگر پوین (دانشگاه زارلاند) سرپرست محلی پروژه شد. مشارکت وی

۱. گِرد پوین در پاسخ به پرسش تاریخدانی که ما به نسخه‌ای از آن دست یافتیم، می‌نویسد که این پالمپست تنها نسخه موجود در دارالمخطوطات است که حاوی اختلافات متنی قابل توجهی است. از آنجا که ما نیز همچون دیگران امکان دسترسی به میکروفیلم‌های در اختیار فُن بُتیر را نداشته و از طرفی هم قادر به سفر به صنعا نبودیم، نمی‌توانیم صحت و سقم این گفته را ارزیابی کنیم. اما به هر حال این ادعا با چند تصویر منتشر شده از دیگر برگه‌های به خط حجازی سازگار است.

۲. به گفته گِرد پوین، ۹۰ نسخه به خط حجازی وجود دارد. نک.:

Gerd-Rüdiger Puin, "Observations on Early Qur'an Manuscripts in San'a'," in *The Qur'an as Text*, ed. Stefan Wild (Leiden and New York: E.J. Brill, 1996), 108.

اما این تخمین غلطی است. فُن بُتیر به اشتباه پوین اشاره کرده و آن را با ذکر اینکه عدد درست ۲۲ است

تصحیح کرده است. نک. پانویس ش ۲۸ در:

Bothmer, "Die Anfänge der Koranschreibung," 46, footnote 28.

در این پروژه در سال ۱۹۸۵ خاتمه یافت و پس از او هانس کاسپار فُن بُتْمِر (دانشگاه زارلاند) عهده‌دار سرپرستی پروژه شد. فُن بُتْمِر یک سال بعد صنعاء را ترک کرد، اما همچنان اجرای پروژه را از آلمان ادامه داد و تقریباً هر سال به محل پروژه در صنعاء سفر می‌کرد. از سال ۱۹۸۲ تا آخر سال ۱۹۸۹، اورسولا دراُئیپهولتس به عنوان متولی این پروژه به صورت تمام وقت در صنعاء مشغول به کار بود. او توانست کار ترمیم دست‌نوشته‌ها را به انجام برساند. وی همچنین محل نگهداری دائم مخطوطات را طراحی کرد، بسیاری از قطعات پوستی را جهت شناسایی دست‌نوشته‌های قرآنی مجزا مرتب کرده، و در عین حال کار هدایت و نظارت بر کارکنان و کادر یمنی را نیز بر عهده داشت. این دست‌نوشته‌ها در دارالمخطوطات صنعاء، در یمن قرار دارند. پس از سال ۱۹۸۹ فُن بُتْمِر مرتباً به مجموعه سرکشی می‌کرد. در زمستان ۱۹۹۶-۱۹۹۷ او از تمام قطعاتی که به مخطوطات قرآنی مجزا نسبت داده شده بودند، میکروفیلم تهیه کرد. از ۱۵۰۰-۲۰۰۰ قطعه باقی مانده، فُن بُتْمِر ۲۸۰ عدد میکروفیلم فراهم آورد. این میکروفیلم‌ها در دارالمخطوطات صنعاء موجودند.

تمام برگه‌های مخطوط مورد مطالعه در این مقاله در یمن نیستند. بخش اعظم آن در آنجا و در دارالمخطوطات تحت شماره فهرست 01-27.1 محفوظند. اما پیش از آنکه توده عظیم مخطوطات نویافته در مسجد جامع تحت محافظت قرار بگیرند، برخی از برگه‌های آن را احتمالاً دزدیده‌اند، چه این برگه‌ها نهایتاً از خانه‌های حراج در خارج از یمن سر درآوردند. بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸، چهار برگه از این پالمپسست در لندن به حراج گذاشته شد. مناسب است این برگه‌ها را اکنون به این نام‌ها بخوانیم: کریستیز ۲۰۰۸، استنفورد ۲۰۰۷، دیوید ۸۶/۲۰۰۳ و بُنهامز ۲۰۰۰.^۱ از

۱. در باب تاریخ این برگه‌ها نک.: صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۵۴-۳۵۵. هرچند نوشته رویی در برگه‌های استنفورد ۲۰۰۷ و دیوید ۸۶/۲۰۰۳، دارای دستخط‌های متفاوت است اما تقریباً به طور قطع این چهار برگه و برگه‌های دارالمخطوطات 01-27.1 متعلق به یک مخطوط بوده‌اند و برگه استنفورد ۲۰۰۷ و دیوید ۸۶/۲۰۰۳ دارای ویژگی‌های مشترکی با دیگر برگه‌هايند: اندازه برگه‌ها یکی است، نشانه‌های تعشیر پیچیده و رنگی مصحف بالایی، و اصلاح کننده متن زیرین در برگه استنفورد ۲۰۰۷ و دیوید ۸۶/۲۰۰۳ نیز یافت می‌شود. ظاهراً دستخط نوشته زیرین هر دو برگه یکسان است، اما این گمان محتاطانه نیازمند بررسی دقیق است. از مصحف فوقانی پیداست که کاتبان به نوبت متن را کتابت می‌کرده‌اند، که شیوه‌ای معمول بوده است. برای آن نک.: صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۵۷، و منابع در آنجا فهرست شده‌اند.

آنجا که عنوان دارالمخطوطات 01-27.1 تنها برای برگه‌های موجود در دارالمخطوطات به کار می‌رود، لازم است عنوانی اختیار کنیم برای همه این مخطوط که چهار برگه دیگر و هر برگه‌ای را که در آینده نمایان شود، نیز شامل شود. از این رو ما کل این مخطوط قرآنی را «مصحف صنعا ۱» می‌نامیم.^۱

نه پژوهشگران هنوز امکان دسترسی به میکروفیلم‌های در اختیار پوپین و فن‌بُتْمِر را یافته‌اند و نه هیچ محققى به صنعا سفر کرده است تا با استفاده از میکروفیلم‌ها یا مخطوطات موجود در آنجا مطلبی منتشر کند. نتیجتاً اولین بحث‌های عمومی در باب متن زیرین، بر مبنای تصاویر چهار برگه‌ای صورت گرفته است که در لندن به حراج گذاشته شده و از این رو به آسانی قابل دسترسی بودند. توضیحات کوتاه در فهرست خانه‌های حراج به اختصار، جنبه‌های پالیوگرافیک و تاریخی این برگه‌ها را بیان کرده بودند.^۲ بعدها سرخیو نوپا نوسدا (که مجموعه مستقلی از تصاویر مخطوط دارالمخطوطات 01-27.1 تهیه کرد)، یاسین داتن و آلبا فیدلی از غیر عثمانی بودن برگه‌هایی که بررسی کرده بودند، خبر دادند.^۳ آلبا فیدلی نخستین مقاله را در باب لایه زیرین منتشر کرد. وی با تکیه بر دو برگه (بنهامز ۲۰۰ و دیوید ۸۶/۲۰۰۳)، برخی از اختلافات مهم با نسخه رسمی قرآن را مورد ملاحظه قرار داد و به سه قرائت متفاوت نیز اشاره کرد که بر طبق روایات در برخی از مصاحف صحابه وجود داشته‌اند. فیدلی همچنین در مقاله‌ای به زبان ایتالیایی به برگه‌های 01-27.1 اشاره کرده است.^۴ بهنام

۱. امروزه با توجه به پایان نامه کارشناسی ارشد رزان غسان حمدون، با عنوان «المخطوطات القرآنية في صنعاء منذ القرن الأول الهجري وحفظ القرآن الكريم بالسطور» (صنعا، الجامعة اليمنية، ۲۰۰۴)، می‌دانیم ۴۰ برگه دیگر از این مصحف در کتابخانه دیگری به نام المكتبة الشرقية در نزدیکی دارالمخطوطات صنعا قرار دارد. مناسبانه تاکنون امکان تصویر برداری با کیفیت از هر دو لایه رویی و زیرین این نسخه فراهم نشده، اما تصاویری از لایه رویی بر اساس کار رزان غسان حمدون در دسترس است. (مترجم)

۲. برای ارجاعات نک: صادقی و پرگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۵۴ (پانویس ۷ و ۸)، ۳۶۰ (پانویس ۲۲).

3. Sergio Nosedá, "La Mía Visita a Sanaa e il Corano Palimpsesto," *Istituto Lombardo (Rendiconti Lett.)* 137 (2003): 43-60; Anonymous, "The Qur'an: Text, interpretation and translation" 3rd Biannual SOAS Conference, October 16-17, 2003, "Journal of Qur'anic Studies" 6.1 (2003): 143-5 (mentioning Dutton's paper, "Three Possibly pre-Uthmānic Folios of the Qur'an"); Fedeli, "Early Evidences."

4. Fedeli, "Early Evidences."

برای مقاله ایتالیایی آلبا فیدلی، کتابنامه پایانی را ببینید.

صادقی نیز در پژوهش مفصل خود بر جوانبی چون تاریخ، نقش روایت شفاهی و نقد متنی تمرکز کرد.^۱

در سال ۲۰۰۷ سرجیو نويا نوسدا و کریستیان رُبن، مجموعه‌ای مستقل از تصاویر نسخه دارالمخطوطات 01-27.1 فراهم آوردند. می‌توان دریافت که این اقدام آنها، گِرد پوین و همسرش را به تکاپو انداخت — چه تا آن زمان، چیزی از این تصاویر را که پوین از حدود ۲۶ سال پیش می‌شناخت، منتشر نکرده بودند. از ابتدای سال ۲۰۰۸ یعنی نوزده سال پس از مرمت تمام مخطوطات پوستی صنعاء، الیزابت پوین (همسر گِرد رودیگر پوین) در سه مقاله پی در پی — در هر سال یک مقاله — برگردانی از متن زیرین سه برگه و نیم (برگه‌های ۲، ۵، ۶ الف و ۲۰) از این نسخه را منتشر کرد.^۲ او در نخستین مقاله‌اش (در سال ۲۰۰۸) به عکس‌هایی که «اخیراً» نويا نوسدا از این مخطوط گرفته اشاره کرد و این نکته را افزود که این تصاویر ممکن است به‌زودی منتشر شوند.^۳ بازنویسی متن این چند برگه قدمی مثبت است، هرچند مقاله‌های الیزابت پوین خالی از اشکال نیستند.^۴ او در مقاله سومش (در سال ۲۰۱۰) دیدگاه‌هایی را بیان می‌کند (که در دو مقاله

۱. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف».

۲. الیزابت پوین استاد مدعو دانشکده الهیات مسیحیت انجیلی در دانشگاه زارلاند در شهر زاربروکن (آلمان) بوده است. مقالات وی عبارتند از:

Elisabeth Puin, "Ein früher Koranpalimpsest aus Šan'a' (DAM 01-27.1)," in *Schlaglichter: Die beiden ersten islamischen Jahrhunderte*, ed. Markus Groß et al. (Berlin: Hans Schiler, 2008), 461-93; Elisabeth Puin, "Ein früher Koranpalimpsest aus Šan'a' (DAM 01-27.1) – Teil II," in *Vom Koran zum Islam*, ed. Markus Groß et al. (Berlin: Hans Schiler, 2009), 523-81; Elisabeth Puin, "Ein früher Koranpalimpsest aus Šan'a' (DAM 01-27.1) – Teil III: Ein nicht-utmanischer Koran," in *Die Entstehung einer Weltreligion I: Von der koranischen Bewegung zum Frühislam*, ed. Markus Groß et al. (Berlin: Hans Schiler, 2010), 233-305.

در مقاله صادقی و برگمن که در سال ۲۰۰۸ تکمیل و در سال ۲۰۰۹ پیش از اطلاع یافتن مؤلفان از مقاله الیزابت پوین، اصلاح و آماده چاپ شد، به آن مقاله ارجاع داده نشده است.

3. E. Puin, "Koranpalimpsest [Teil I]," 462, footnote 2.

۴. سه مورد از موارد اشتباه در کار الیزابت پوین، توجه خاص می‌طلبد. الف) اولی مربوط به دستخطی است که «اصلاح زیرین» نامیده شده است. پوین با سرگرم شدن به موضوع غلبه متن ابالایی بر متن زیرین، از نشانه‌هایی غافل می‌شود که نشان می‌دهند اصلاحات زیرین بعد از نگارش متن بالایی و نیز بعد از ظاهر شدن دوباره متن زیرین افزوده شده است (نک: ص ۵۴، پانویس ۲). وی مدعی است که اصلاحات زیرین

نخست وی یافت نمی‌شوند و بدون توجیه ارائه شده‌اند) که با نتایج صادقی و برگمن در مقاله «مصحف codex»، متناظرند. از این رهگذر، وی از دیدگاه غالب و تجدیدنظرطلبانه نویسندگان مجموعه «إنارة» که دو مقاله پیشین وی در آنجا انتشار یافته بود، فاصله می‌گیرد.^۱

→

از امحای کلی متن زیرین، و کتابت متن بالایی صورت گرفته است. (E. Puin, "Koranpalimpsest [Teil I]", 474; "Teil II", 524; "Teil III", 234-6, 253). اصلاحات زیرین جایگاه مهمی در بحث وی یافته است و از نظر وی، بر «تثبیت تصاعدی» متن قرآن دلالت می‌کند (Teil III, 235-6). (ب) دومین اشتباه مهم مربوط به چیزی است که وی متن رسمی یا استاندارد قرآن می‌انگارد. هر جا در نسخه صنعا، کلمه به شکلی متفاوت با قرآن سعودی [مصحف مدینه] کتابت شده باشد، الیزابت پوین آن را «انحراف از متن رسمی قرآنی» می‌نامد. پرواضح است که بسیاری از تفاوت‌های املائی در نسخه‌های خطی با قرآن سعودی [مصحف مدینه] همخوان نیستند؛ هم از این روست که مقالات وی آکنده از جملاتی اینچنین است که: «حتی در ... املائی کلمات در متن بالایی نیز، نمونه‌هایی از انحراف از متن رسمی/ استاندارد قرآن وجود دارد» (Teil I, 462). و «تنوع املا در کتابت الف مقصوره مکرراً در نسخ حجازی روی می‌دهد» (Teil II, 539). این نکات همگی حاصل بدفهمی است: او تصور می‌کند که سنت اسلامی «متن استاندارد»ی دارد که حاوی املائی کلمات در نسخ اصلی ارسال شده از سوی عثمان است. وی در این جمله‌اش به این نکته تصریح می‌کند: «متن رسمی یا استنادی که طبق سنت اسلامی حفظ شده، همان ترتیب کلمات و املائی است که دقیقاً در ویراست عثمان معین شده بود» (Teil II, 524). برای دلیل نادرستی این گمانه، نک: ص ۴۸، پانویس ۲. (ج) سومین اشتباه لازم‌الذکر، دیدگاه وی در باب دو برگه دیوید ۸۶/۲۰۰۳ و استنفورد ۲۰۰۷ است که الیزابت پوین می‌پندارد آن‌ها برگه‌هایی دیگر از همان نسخه صنعا^۱ نیستند (Teil III, 248; 251, footnote 30; 258, footnote 38). در این باره، نک: ص ۵۸، پانویس ۱.

۱. الیزابت پوین در مقاله سوم خود (Teil III, 248)، هیچ ارجاع یا استنادی به مقاله صادقی و برگمن انجام نداده و این مقاله را در کتابنامه پایانی خود ذکر نکرده است. با این همه، بعید نیست آن را دست کم به صورت پیش‌نویس خوانده باشد، چه ظاهراً وی از محتویات آن مطلع است. او در پنج مورد به برگه استنفورد اشاره و به‌درستی خاطر نشان می‌کند برگه‌ای که در استنفورد بررسی شده، همان است که قبلاً در سال ۱۹۹۳ در ساتبیز به حراج گذاشته بود. بررسی آن برگه در دانشگاه استنفورد نخستین بار در مقاله صادقی و برگمن ذکر شده بود. درواقع، الیزابت پوین آن را برگه استنفورد می‌نامد، و این همان عنوانی است که قبلاً صادقی و برگمن در مقاله خود به آن داده بوده‌اند. الیزابت پوین به اشتباه تصور کرده این برگه برای همیشه در دانشگاه استنفورد قرار داده شده است (Teil III, 248). و از همین رو احتمالاً به این گمان رسیده که وجود این برگه در استنفورد یک اطلاع همگانی است و مستقل از مقاله صادقی و برگمن شناخته شده است. درواقع، این برگه را تنها برای مدت زمانی کوتاه به منظور تصویربرداری فلورسانس به استنفورد آوردند. به هر روی، صادقی بی‌درنگ رونوشتی از مقاله را برای گِرد پوین فرستاد.

ما از ورود چند نکته جدید در مقاله سوم الیزابت پوین استقبال می‌کنیم و خوشنودیم که این نکات موافق

←

کار الیزابت پوین مبتنی بر عکس‌های ۶×۶ کوچک و سیاه و سفیدی بود که توسط دکتر گُرد رودیگر پوین و دکتر هانس کاسپار فُن بُتْمَر کار گرفته شده است.^۱ همین امر شاید دلیل آن باشد که بازنویسی وی از متن، طبق شمارش ما، حاوی چهل و یک اشتباه است (ما بر اساس عکس‌هایی با کیفیت بالاتر و تصاویر به دست آمده به وسیله اشعه ماورای بنفش، بازنویسی جدیدی از سه و نیم برگه مورد بحث الیزابت پوین منتشر کرده‌ایم). جای شگفتی است که در هفده سالی که گُرد پوین این موقعیت را داشت تا تصاویر کافی و مناسبی از پالیمپسست برای استفاده خودش بگیرد (یا از همکارانش بخواهد که این کار را انجام دهند)، این کار را نکرده است.^۲ علی‌رغم اینکه گُرد پوین در مصاحبه‌هایش با رسانه‌ها بیش

و همراستا با مقاله صادقی و پرگمن است: (۱) در دو مقاله نخست، الیزابت پوین نه عنوان «غیرعثمانی» را به کار می‌برد و نه از نُسخ صحابه بحث می‌کند، چراکه این امر طبیعتاً محل تردید محققان شگاک و تجدیدنظرطلب است. در مقاله «مصحف» صادقی تبیین می‌کند که چرا متن زیرین در این نسخه واقعیت نُسخ صحابه را تأیید می‌کند. وی متن زیرین را «غیرعثمانی» می‌نامد و این نام را بر عنوان پُرکاربرد «پیشاعثمانی» ترجیح می‌دهد. الیزابت پوین نیز در مقاله سوم خود (Teil III, 233-7) می‌گوید که متن زیرین واقعیت نُسخ صحابه را تأیید می‌کند و به همین ترتیب آن را «غیرعثمانی» می‌نامد. (۲) صادقی نوشته است که متن زیرین، نسخه‌ای دیگر غیر از نُسخ ابن مسعود و اُبَی بن کعب است. الیزابت پوین همین نکته را در مقاله سوم خود گفته (Teil III, 235)، اما در دو مقاله قبلی‌اش چنین چیزی نیست. (۳) صادقی به تفصیل بحث کرده است که «شفاهی بودن نقش مهمی» (مقاله «مصحف»، ص ۳۴۴) در اختلافات میان متن زیرین و قرآن عثمانی دارد. الیزابت پوین نیز در مقاله سوم، بدون ارائه هیچ تبیینی، می‌گوید که «سنت شفاهی در واقع نقشی ایفا کرده است» (Teil III, 237). او در دو مقاله نخست خود هیچ ذکری از موضوع شفاهی بودن به میان نیاورده است. (۴) صادقی (مقاله «مصحف»، ص ۴۱۷-۴۳۶) طبقه‌بندی دقیقی از اختلافات متنی ارائه کرده است. الیزابت پوین این کار را در مقاله سوم خود (Teil III, 262-76) انجام داده، اما در دو مقاله نخست چنین نکرده است. (۵) الیزابت پوین اشاره کرده که متن زیرین و بالایی «ظاهراً با یک نوع جوهر نوشته شده‌اند» (Teil III, 241)، بی‌آنکه شرح دهد چگونه توانسته است نوع جوهر را تعیین کند. چنان‌که در مقاله صادقی توصیف و تبیین شده (مقاله «مصحف»، ص ۳۶۷-۳۶۸)، نتایج تحلیل شیمیایی نشان می‌دهد که جوهرهای متن زیرین و متن بالایی همانند و برپایه فلزاند، و این دو متفاوتند از جوهر افزوده‌های اصلاحی در متن زیرین و نیز اصلاحات در متن بالایی که غیر فلزی‌اند. (۶) صادقی توالی سوره‌ها در برگه‌های مصحف صنعاء ۱ را با ترتیب روایت شده از سوره‌ها در نُسخ ابن مسعود و اُبَی بن کعب مقایسه کرده است. الیزابت پوین نه در دو مقاله نخست، بل در سومین مقاله‌اش (Teil III, 257) این کار را کرده است.

1. Elisabeth Puin, "Koranpalimpsest [Teil I]," 461-2, footnote 2.

۲. گُرد پوین در پاسخی مکتوب به پرسش تاریخ‌دانی که ما به نسخه‌ای از آن دست یافتیم، کیفیت پایین

از یک دهه پیش، خود را برای مطالعه متن صنعا «هیجان زده» معرفی می‌کرد و مقامات یمنی را به غلط برای نبود مطالعات انتشار یافته مقصر می‌دانست؛ اما ظاهراً مطالعه جدی نوشته زیرین پالیمپست در آن زمان در دستور کار وی قرار نداشته است.^۱

تصاویر میکروفیلیم را ناشی از موانع ایجاد شده از سوی مقامات یمنی می‌شمارد و چنین اظهار می‌کند که ایشان مایل به موفقیت پروژه مستندسازی [مصحف] نبودند. مشکلات ایجاد شده از جانب یمنی‌ها بیت‌الغزل عمومی گُرد پوین در مصاحبه‌هایش با رسانه‌ها و نقل داستان‌هایی است که می‌گویند یمنی‌ها در صدد پنهان سازی شواهد بوده‌اند. در این باره، علاوه بر پانویس بعدی، نک: دو مقاله اندرو هیگینز و توبی لستر در زیر:

Andrew Higgins, "The Lost Archive," *The Wall Street Journal*, January 12, 2008; Toby Lester, "What is the Koran?," *The Atlantic Monthly* (January 1999), 44.

با این همه، باید یادآوری کرد محققانی که زمانی بسیار کمتر و دسترسی بسیار محدودتری در قیاس با دسترسی گُرد پوین به مخطوطات صنعا داشته‌اند، تصاویری به مراتب بهتر از این مخطوطات تهیه کرده‌اند. یک دوربین عادی هم برای گرفتن تصاویر مناسب کفایت می‌کند. توجیه مقبول‌تر از کارشکنی یمنی‌ها، این است که بگویم پوین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی تصمیم جدی برای بررسی متن زیرین این پالیمپست نداشته؛ لذا نه خود در این راه کوشیده و نه از همکارانش خواسته است تا تصاویر مناسبی بگیرند. نهایتاً وقتی همسر وی، الیزابت پوین در اواخر دهه نخست قرن بیست و یکم، اندکی پس از تصاویر برداری نو یا نوسدا از این پالیمپست، تصمیم به بازنویسی متن لایه زیرین گرفت، مجبور به استفاده و تکیه بر همان تصاویری بود که گُرد پوین و هانس فُن بُتْمَر در دهه‌های قبل گرفته بودند. این تصاویر شاید برای بسیاری از مخطوطات دیگر، و نیز برای متن رویی همین پالیمپست مورد بحث مناسب بودند، اما در بررسی لایه زیرین کفایت نمی‌کنند.

۱. توبی لستر با تکیه بر مصاحبه‌هایش با گُرد پوین می‌نویسد: «بررسی‌های دقیق ... امری است که مقامات یمنی با اکراه بدان رضایت داده‌اند.» لستر می‌افزاید که گُرد پوین و هانس فُن بُتْمَر «تمایل به انتشار جزوی تحقیقات خود نداشته‌اند ... اینان احساس می‌کردند چنانچه مقامات یمنی از لوازم و نتایج ممکن در این کشفیات اطلاع یابند، ممکن است دسترسی آنها را به این گنجینه را قطع کنند.» لستر سپس اضافه می‌کند که کار میکروفیلیم مخطوطات در ۱۹۹۷ به اتمام رسید. «این بدان معناست که به‌زودی گُرد پوین و هانس فُن بُتْمَر و دیگر محققان دیگر فرصت بررسی و مذاقه جدی در این متون و انتشار آزادانه کشفیات خود را دارند و این همان چشم‌اندازی است که پوین برای رسیدن به آن هیجان زده است.» با این حساب، لستر نتیجه می‌گیرد که تا زمان انتشار مقاله وی در ۱۹۹۹، پوین هنوز «فرصت بررسی و مذاقه جدی» نیافته است. درواقع باید گفت که پوین از ۱۹۸۱ که کار با این مخطوطات را آغاز کرد، یا از سال ۱۹۸۹ که کار بازبایی قطعات پوست‌برگه‌ها به اتمام رسید، یا از اوایل ۱۹۹۷ که میکروفیلیم‌ها گرفته شدند، همواره این فرصت را داشته است. نک. مقاله توبی لستر با عنوان «قرآن چیست؟»، ص ۴۴. برای منشورات گُرد پوین ادامه همین کتاب، ص ۶۶، پانویس ۱؛ و ص ۸۸، پانویس ۲ را ببینید. و برای موضوع کارشکنی مقامات یمنی، نک. پانویس پیشین و نیز ادامه مقاله، بخش «رسانه‌ها و مخطوطات قرآنی».

دلالت‌های متنی- انتقادی؛ دلالت‌های تاریخی

پیش از پیدایش صنعت چاپ، کتاب‌های خطی شجره‌های خانوادگی مختلفی تشکیل می‌دادند. این کتاب‌ها همچون دام‌ها و گیاهان در معرض توارث و جهش [ژنتیکی] بودند. یک نسخه خطی، نوعاً رونوشتی از یک نسخه قدیم‌تر بود که آن کتاب نیز به نوبه خود رونوشتی از نسخه‌ای بازهم قدیم‌تر بود و قس علیهذا. در حین استنساخ یک نسخه، ممکن بود اختلافات متنی بروز کند که به نسل‌های بعدی نیز منتقل شود. شباهت به طبیعت به حوزه روش نیز تعمیم می‌یابد. معمولاً زیست‌شناسان به دو روش، از گذشته آگاهی می‌یابند. نخست با یافتن نمونه‌ای که بتوان آن را با شواهد خارجی تاریخ گذاری کرد، فی‌المثل با استفاده از تاریخ گذاری رادیو کربن یا دیگر روش‌های دیرینه‌شناسی برای احراز تاریخ یک فُسیل (و در موارد نادری، از DNA های قابل بازیافت درون آن). هم‌ارز این امر در حوزه کاری ما، یافتن مخطوط یا کتیبه‌ای کهن و تاریخ‌دار یا قابل تاریخ گذاری است. در چند دهه اخیر، برخی محققان حوزه مطالعات اسلامی صرفاً چنین منابع مستندی را شواهدی قابل قبول برای صدر اسلام دانسته‌اند. از این رو، اعتقاد ایشان مبنی بر کمبود نسخه‌های قرآنی کهن یا دیگر شواهد مستند، یکی از عوامل دخیل در بدبینی شایع میان محققان صدر اسلام نسبت به توانایی ما در اطلاع حاصل کردن در خصوص دو قرن نخست اسلام است. صرف نظر از دست کم گرفتن قابلیت منابع متنی و مکتوب از سوی تجدیدنظرطلبان و شگاکان، نکته قابل توجه اینجاست که آنان همیشه متوجه این امر نیستند که می‌توان از مخطوطات کهن به عنوان دریچه‌ای برای عقب‌تر رفتن در زمان استفاده کرد. دامنه دانش ما می‌تواند به دورانی قبل از مخطوطات گسترش پیدا کند. این امر ما را به روش دیگری که زیست‌شناسان جهت آگاهی یافتن از گذشته به کار

می‌برند، می‌رساند. زیست‌شناسان کار را با ارگانیسم‌های شناخته شده، چه مدرن و چه فسیل، شروع می‌کنند و موارد مشابه را دسته‌بندی می‌کنند که این امر سلسله مراتب دسته‌ها و زیردسته‌های مطابق با درخت نسب را به دست می‌دهد. ایشان با مقایسه زیرشاخه‌ها، قادرند از شاخه‌ای که از آن منشعب شده‌اند، اطلاع یابند. از این راه، زیست‌شناسان به صورت بازگشتی دانش خود را به مراحل قبلی‌تر می‌رسانند، و بدین ترتیب گونه‌های باستانی و مشخصاتشان را شناسایی کرده یا ویژگی‌های کهن گونه‌های موجود را تشخیص می‌دهند. با وجود چندین تفاوت مهم در این خصوص، اما یک روش مشابه در مطالعه مخطوطات به کار می‌رود که معمولاً این روش در نقد متنی معمول است. می‌توان از اختلافات متنی برای دسته‌بندی دست‌نوشته‌ها به خوشه‌هایی متناظر با شاخه‌های یک شجره‌نامه استفاده کرد. همچنین می‌توان با مقایسه اخلاف به نکاتی درباره اسلاف پی بُرد. در خصوص مصحف صنعاء^۱، این روش به مراتب نتیجه بخش‌تر از تعیین قدمت به وسیله رادیوکربن است؛ هر قدر هم که نتایج آزمایش رادیوکربن در خور توجه باشند.

همچون دیگر کُتبی که به طور گسترده انتقال یافته‌اند، مصاحف قرآنی نیز هنگامی که از نظر تشابهات متنی با یکدیگر سنجیده می‌شوند در خوشه‌هایی به نام گونه‌های متنی قرار می‌گیرند.^۱ تا به امروز معروف‌ترین خوشه شناخته شده، خوشه استنادارد

۱. همه کسانی که در باب مخطوطات صنعاء مطلبی نوشته‌اند، همانند ما در چارچوب گونه‌های متنی نمی‌اندیشند. برای رهیافتی متغایر با این ایده، نک.: مقاله گُرد پوین در زیر:

Gerd- Rüdiger Puin, "Observations on Early Qur'an Manuscripts in Šan'a'", in *The Qur'an as Text*, ed. Stefan Wild (Leiden and New York: E.J. Brill, 1996), 107-11.

پوین در این مقاله، با کشف دو نمونه از اختلاف قرائات، نتیجه‌ای جالب توجه می‌گیرد. وی می‌نویسد: «در آیه مریم، ۶۲، متن نسخه «لَا تَسْمَعُ» بوده و بعداً به «لَا تَسْمَعُونَ» تصحیح شده (نه «لَا يَسْمَعُونَ» که قرائت معمول است). در آیه سبأ، ۴۹، به جای «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ»، عبارت «قَبِلَ جَاءَ الْحَقُّ» می‌یابیم. نتیجتاً باید گفت: نظام قرائات هفت‌گانه، ده‌گانه، یا چهارده‌گانه متأخر یا جوان‌تر از اختلاف قرائات یافت‌شده در [مخطوطات] صنعاء هستند.» پوین روشن نمی‌کند که این اختلاف قرائات در تنها یک نسخه خطی یافت می‌شود. اگر چنین باشد - که همین محتمل‌تر می‌نماید - تنها راه برای پذیرش و استمرار تئوری وی که می‌گوید این قرائات متن اصلی قرآن را در اختیار ما می‌نهند، آن است بگویم دیگر مخطوطات فاقد این قرائات، حاوی متنی جدید و متأخر از اصل قرآن‌اند. بدیهی است که این سناریو با عقل جور در نمی‌آید و اگر آن دیگر مخطوطات نیز خود حاوی اختلاف قرائاتی مخصوص خود باشند، قبول تئوری پوین ناممکن می‌شود، چرا که بر اساس روش پوین، آن مخطوطات نیز به نوبه خود، متن/امتن اصلی قرآنی باید قلمداد

است که گونه متنی عثمانی خوانده می‌شود. ما این عنوان دَم‌دستی «عثمانی» را از این جهت به این گونه متنی داده‌ایم که مسلمانان صدر اسلام بر این باور بودند که نیای این گونه متنی، دست‌نوشته‌هایی بوده است که حدود سال ۳۰ هجری خلیفه سوم عثمان (متوفای ۳۵ هجری) به عنوان بخشی از تلاشش برای برقراری یک متن رسمی قرآن به شهرهای مهم خلافت فرستاد. ما این تاریخ کهن را برای انتشار این گونه متنی می‌پذیریم و در این مقاله آن را داده‌ای مفروض می‌دانیم. در اینجا برای این مسأله دلیلی ارائه نمی‌کنیم، چراکه یکی از ما در مقاله قبلی‌اش این کار را بر اساس کارهای انجام شده توسط مایکل کوک، یاسین داتن، حسین مدرسی و سایر محققان انجام داده است.^۱ قطع نظر از تاریخ تعیین شده برای منشأ این گونه، قابل انکار نیست

→ شوند. برای اجتناب از چنین تهاف‌هایی، عموم محققان این گونه اختلاف قرائات را تحولات نسبتاً متأخر نسبت به متن اصلی قرآن و یا ناشی از اشتباهات کاتب می‌شمارند، مگر آنکه در شاخه یا خوشه‌ای از سنت متنی - متفاوت با سایر سنت‌های متنی - مکرراً وارد شده باشد. روشن است که در مانحن فیه، چنین چیزی رخ نداده است (برای نحوه برخورد با قرائات منفرد در تحقیقات مربوط به عهد جدید در مسیحیت، نگاه کنید به مراجع و منابعی که صادقی و برگمن در مقاله «مصحف...» ص ۳۸۸-۳۸۷، پانویس ۸۴ ذکر کرده‌اند. در پاره‌ای مواضع، حدیث‌شناسان و حدیث‌پژوهان قدیم نیز وجود جوانب منفرد در اختلاف‌های متنی احادیث را به گونه‌ای مشابه تفسیر و فهم کرده‌اند). ناقدان متنی معمولاً پیش از آنکه به ارزیابی و تعیین متون قدیم و جدید اقدام ورزند، متون مختلف را به خوشه‌های متنی تقسیم‌بندی می‌کنند. روش بوبین به عکس است. وی ابتدا مفروض می‌گیرد که هر جا در هر نسخه‌ای خطی، قرائتی متفاوت با متن و قرائت رسمی قرآن یافت شود، لاجرم متن رسمی قرآن در آن موضع تغییر یافته و لذا اصل نیست. وی چنان قاطعانه به این فرض خود باور دارد که حتی آنچه به حسب ظاهر اشتباه املائی کاتب هم می‌نماید، در نگاه او متن اصلی و اولی قرآن تلقی می‌شود. همین اختلاف قرائت دوم که در بالا ذکرش گذشت، علی‌الظاهر چیزی جز اشتباه املائی کاتب نیست، چراکه [استفاده از فعل مجهول قیل] با سیاق متن هیچ تناسبی ندارد. در باب رویداد اشتباه کاتب، علاوه بر مقاله صادقی و برگمن، «مصحف...» ص ۳۷۲، پانویس ۵۳، فی‌المثل نک.: مقاله آلبا فیدلی، در زیر:

Alba Fedeli, "A Perg.2: A Non Palimpsest and the Corrections in Qur'anic Manuscripts," *Manuscripta Orientalia* 11.1 (2005): 20-7.

بیفزاییم که بوبین اساساً این امکان را حتی ذره‌ای مجاز نمی‌شمارد که متن رسمی قرآن و یک اختلاف قرائت متنی همزمان در جایی وجود داشته‌اند. از نگاه وی، متن رسمی به‌طور اتوماتیک لاجرم متن تغییر یافته بعدی تلقی می‌شود. هم از این روست که وی می‌گوید قرائات مصطلح هفت، ده یا چهارده‌گانه «متأخر و جوان‌تر از اختلافات متنی‌اند.»

۱. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۶۴-۳۷۰. علاوه بر نکاتی که در ارجاعات بعدی خواهد آمد، شاهدی دیگر بر تاریخ زود هنگام انتشار سنت متنی عثمانی، شمار فراوان مخطوطات قرآن عثمانی از قرن نخست هجری است.

که گونه متنی عثمانی، شاخه مشخصی از سنت [کلی] متن قرآنی است. به این دلیل که این گونه، مشخصات یک خوشه واقعی را داراست: اختلافات بین متن‌های درون این گونه متنی در مقایسه با اختلافات با متون خارج از این گونه، جزئی است.^۱ نوشته زیرین مصحف صنعاء ۱ به وضوح خارج از گونه متنی رسمی قرار می‌گیرد. نوشته زیرین متعلق به گونه متنی متفاوتی است که ما آن را «صحابی ۱» می‌خوانیم.

شمار و گستره نسبتاً اندک اختلافات، در گونه متنی رسمی قرآن (عثمانی)، مستلزم یک نتیجه‌گیری بسیار مهم با پیامدهای قابل توجهی است: جدایی میان سنت عثمانی و دیگر سنت‌های متنی قبل از انتشار گونه متنی عثمانی، واقع شده است. مخطوطات عثمانی بی‌شمار و قرائات عثمانی مختلفی که در منابع اسلامی ثبت شده است، تصویر واضحی از درجه و انواع تغییری که می‌توانسته طی دوران شکوفایی روایت عثمانی به وجود آید، ارائه می‌دهد. گستره این تغییرات چنان کوچک و تعدادشان چنان اندک است که با انتقال مکتوب یا املایی که نتیجه آن با اصل مقابله شده است، جور درمی‌آید. بنابراین باید روایت رسمی قرآن ظاهراً تا پیش از حدود اواسط قرن هفتم میلادی به درجه بالایی از دقت و صحت در انتقال رسیده باشد. این خوشه عثمانی و روایت‌های متنی که به نحو قابل ملاحظه‌ای در خارج از این خوشه قرار می‌گیرند، همچون روایت «صحابی ۱» که نوشته زیرین متعلق به آن روایت است، می‌بایست پیش از تکثیر روایت عثمانی راهشان از یکدیگر جدا شده باشد. این استنتاج بر این فرض استوار است که به مجرد شروع انتقال کتاب مقدس توسط مردم با حد بالایی از دقت، آنچنان که در انتقال مکتوب است. عقب‌گرد شدیدی به یک شکل انتقال با دقت کمتر صورت نگرفت که بتواند به اختلافاتی مشابه آنچه که مابین «صحابی ۱» و گونه متنی عثمانی دیده می‌شود، منجر شود. این فرض هرچند غیر قطعی است، اما بسیار محتمل است. فی‌المثل، طبیعی است فرض کنیم که به محض شروع انتقال متنی، این امر ادامه یافته باشد. ضمناً می‌توان روند مشابهی را در اختلافات حدیث و مخطوطات عهد جدید مشاهده کرد.^۲

۱. در سنت اسلامی از این اختلافات، گاه با عنوان «اختلاف مصاحف الأمصار»، و در سطحی وسیع‌تر، با عنوان رایج «اختلاف قرائات» یاد می‌کنند. (مترجم)

۲. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۹۶، پانویس ۱۰۳.

به طور کلی این نتیجه‌گیری که منشأ «صحابی ۱» باید به زمانی پیش از حدود سال ۳۰ هجری بازگردد، از موضوع تاریخ [کتابت] مصحف صنعاء ۱ جدا است. به عنوان مثال، اگر معلوم شود که نوشته زیرین مصحف صنعاء ۱ مثلاً در قرن دوم هجری / هشتم میلادی تولید شده است، این استنتاج باطل نخواهد شد. این مصحف همچنان صرفاً یک بازنما و نمونه از گونه متنی «صحابی ۱» است و تاریخی متأخر برای این مخطوط کماکان این سوال را باقی می‌گذارد که سنت متنی «صحابی ۱» چه زمانی به وجود آمده است. در چنین حالتی، این مصحف کماکان با مصاحف عثمانی هم‌عصر و خویشاوندش، نیایی مشترک می‌داشت، نیایی که تاریخش به زمانی پیش از انتشار روایت عثمانی برمی‌گشت. علاوه بر این، از آنجا که اختلافات مابین گونه متنی «صحابی ۱» و گونه متنی عثمانی از نظر سطح و تعداد از طیف اختلافاتی که انتظار می‌رود در دورانی پس از سال ۳۰ هجری پدید آید، فراتر است، اکثر این اختلافات بایست تا پیش از آن زمان به وجود آمده باشند.

تا همین اواخر، هیچ مخطوط قرآنی خارج از روایت عثمانی شناخته نشده بود. شناخت ما از قرآن‌های غیر عثمانی تنها از طریق توصیف‌هایی بود که در منابع و کتب اسلامی درباره آن‌ها آمده است. بر اساس این گزارش‌ها، برخی از صحابه پیامبر (ص)، برای خود مصاحف قرآنی کاملی را گرد آورده بودند. به طور خاص از سه تن از صحابه بارها نام برده شده است: عبدالله بن مسعود، اُبَی بن کعب و ابوموسی اشعری. قرانات مصحف عبدالله بن مسعود و اُبَی بن کعب گزارش شده است در حالی که ظاهراً از مصحف ابوموسی اشعری تقریباً چیزی به یاد نمانده است. با این وصف اما، محققانی چون جان ونزبرو و جان برثن بدین خاطر که منابعی که این اختلافات را نقل کرده‌اند مدت‌ها پس از پیامبر (ص) نوشته شده‌اند، بر این عقیده‌اند که مصاحف صحابه هرگز به واقع وجود نداشته‌اند - بلکه تصوراتی‌اند که به مسلمانان اجازه می‌داد تا تأویلات خود را به نسخه‌هایی ساختگی از کتاب مقدس نسبت دهند.^۱ این محققان اختلافات متنی گزارش شده را نه به عنوان اختلافاتی از همان نوع که

۱. نک.: دو کتاب زیر از جان برثن و جان ونزبرو. کتاب ونزبرو در اصل در سال ۱۹۷۷ منتشر شده است:

John Burton, *The Collection of the Qur'an* (Cambridge: Cambridge University Press, 1977), 228; John Wansbrough, *Qur'anic Studies* (Amherst, NY: Prometheus Books, 2004), 44-5, 203-5.

معمولاً در ضمن انتقال متن پدید می‌آید، بلکه به عنوان نمونه‌های تفسیری (یا از نظر جان برتن اعتقادات و مشرب‌های مطلوب) قلمداد کردند که به متن کتاب مقدس تبدیل شده است. این دیدگاه به دلایلی چند غیر محتمل است. اول اینکه تنها درصد اندکی از اختلافات، تغییری در معنا ایجاد می‌کنند، در حالی که اکثر اختلافات تأثیر قابل توجهی بر معنا ندارند که دلیل موجهی برای چنین نظریه‌ای باشد، و بسیاری از اختلافات اصلاً تغییری در معنا ایجاد نمی‌کنند. علاوه بر این، بیشتر اختلافات متنی ممکن است نتیجه همانندسازی با نظایر، هماهنگ سازی با میاق یا از قلم افتادگی ساده باشند که این هر سه پدیده، لازمه و مشخصه انتقال واقعی اند.^۱ اما یک دلیل دیگر که بیشترین ارتباط را به کار ما دارد، این است که مصحف صنعاء ۱ شاهد مستند روشنی بر راستین بودن گونه‌های متنی غیر عثمانی است که معمولاً با عنوان «مصحف صحابه» خوانده می‌شوند.

جدول ۱ چند مثال از تفاوت‌های «صحابی ۱» با متن رسمی قرآن را نشان می‌دهد.^۲ گونه «صحابی ۱» در تعدادی از اختلافات با اختلافات گزارش شده از مصاحف عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب مشترک است که این موارد در پیوست ۱ فهرست شده‌اند. این اختلافات مشترک در اقلیت‌اند، چراکه بخش اعظم اختلافات «صحابی ۱» با متن عثمانی، اشتراکی با اختلافات مصاحف عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب ندارد. همچنین اکثر اختلافات ذکر شده برای آن دو مصحف را نیز نمی‌توان در «صحابی ۱» یافت. بنابراین «صحابی ۱» بیانگر یک گونه متنی مختص

۱. برای همانندسازی با نظایر و هماهنگ‌سازی با سیاق در بایبل عبری، نک:.

Emanuel Tov, *Textual Criticism of the Hebrew Bible*, 2nd rev. ed. (Minneapolis: Fortress Press, 2001), 261-3.

برای اطلاع از آثار نگاشته‌شده حول همانندسازی نظایر و عبارات مجاور در نسخه‌های عهد جدید نک: منابع مذکور در صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۸۸، پانویس ۸۵ و ۸۷. برای همانندسازی نظایر و عبارات مجاور که منجر به ایجاد اختلاف بین مصاحف صحابه شده است، نک: صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۸۸، ۳۹۱-۳۹۲، ۴۰۱-۴۰۳. برای یک نمونه احتمالی از همانندسازی نظایر در آثار حدیثی، نک:.

Behnam Sadeghi, "The Traveling Tradition Test: A Method for Dating Traditions," *Der Islam* 85.1 (2008): 222.

۲. برای چند نمونه دیگر ترجمه شده به انگلیسی نک: صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۵۵.

به خود است، بیانگر یک «مصحف صحابی» خاص.^۱

«صحابی ۱» اعتبار بسیاری از گزارش‌های نقل شده در باب مصاحف صحابه را تأیید می‌کند، نه فقط از آن جهت که برخی اختلافات موجود در آن با این گزارش‌ها مشترک است، بلکه همچنین به این دلیل که اختلافات آن از همان جنس اختلافات گزارش شده در مصاحف صحابه است.^۲ این اختلافات شامل اضافات، از قلم افتادگی‌ها، پس و پیش شدن‌ها و جایگزینی کلمه و زیرکلمه (sub-word) است. تعداد زیادی از این اختلافات شامل عناصر «خرد» زبان همچون پسوندها، پیشوندها، حروف اضافه و ضمائر است. بسیاری از اختلافات شامل تغییر در شخص، زمان و حالت یا جهت فعلی (معلوم یا مجهول)، یا استفاده از کلمات متفاوت از ریشه یکسان است.^۳ گذشته از این، اختلافات «صحابی ۱» و دیگر مصاحف صحابه از هر جهت، پدیده همسان‌سازی نظایر را در معرض نمایش می‌گذارد - که به موجب آن کتابت یک آیه، تحت تأثیر آنچه که کاتب از آیه‌ای مشابه در جای دیگری از قرآن به یاد داشته، قرار می‌گیرد - و همسان‌سازی عبارات مجاور، که به موجب آن کتابت آیه تحت تأثیر عبارات مجاور قرار می‌گیرد. اینکه تمام این ویژگی‌ها هم در مصحف ابن مسعود (به روایت اعمش)، و هم در «صحابی ۱» یافت می‌شوند، این امر را تصدیق می‌کند که اطلاعات موجود در منابع ادبی در مورد مصاحفی است که به واقع وجود داشته‌اند. اما این پرسش باقی می‌ماند که آیا این مصاحف واقعی در زمان صحابه وجود داشته‌اند؟ نقد متنی، آن‌چنان که پیشتر شرح داده شد، پاسخی مثبت به این پرسش را تأیید می‌کند؛ چه نقد متنی، منشأ گونه متنی «صحابی ۱» را به زمانی پیش از انتشار گونه متنی رسمی، یعنی قبل از حدود سال ۳۰ هجری نسبت می‌دهد. خلاصه اینکه مصاحف «صحابه»، همچنان‌که منابع و کتب اسلامی ادعا می‌کنند، در واقع در زمان صحابه وجود داشته‌اند.

۱. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۹۰-۳۹۴.

۳. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۴۵، ۳۹۰-۳۹۴. با این همه، تفاوت روشنی میان مصحف صحابی ۱ و مصحف ابن مسعود هست: اختلاف قرائات در مصحف صحابی ۱ بیشتر است؛ با تخمینی تقریبی، حدود ۲۵ مورد.

۳. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۹۰-۳۹۴، ۳۸۹ (جدول ۶)، و ۳۹۳ (جدول ۷).

جدول ۱

شرح اختلاف	متن روایت رسمی عثمانی	متن روایت «صحابی ۱»
آیه ۱۹۶ سوره بقره: «صحابی ۱» فاقد کلمه رُؤُوسُکُمْ است	وَلَا تَخْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهُدَى مَجْلَهُ	وَلَا تَخْلِقُوا حَتَّى يَبْلُغَ الْهُدَى مَجْلَهُ
آیه ۱۹۶ سوره بقره: «صحابی ۱» از فان کان أحد استفاده می کند، به جای فَمَنْ کان مِنْكُمْ مَرِيضًا	فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا	فَإِنْ كَانَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مَرِيضًا
آیه ۱۹۶ سوره بقره: در «صحابی ۱»، أَوْ تُسَلِّكَ بِهِ جَائٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ تُسَلِّكَ در متن رسمی آمده است.	فَقِدْيَةٌ مِّنْ صَيِّمٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ	فَقِدْيَةٌ مِّنْ صَيِّمٍ أَوْ نُسُكٍ
آیه ۲۰۱ سوره بقره: در «صحابی ۱»، از و الْآخِرَةِ بِهِ جَائٍ حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً در متن رسمی استفاده شده است.	وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ	وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
آیه ۷ سوره منافقون: «صحابی ۱» پس از يَنْقُضُوا، من حوله دارد	هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مَن عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْقُضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ مِنْ حَوْلِهِ	هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مَن عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْقُضُوا

هنگامی که «صحابی ۱» در کنار دیگر روایت های متنی بررسی شود، این روایت ها می توانند وضعیت متنی را که همگی از آن نشأت گرفته اند، روشن تر کند؛ یعنی نمونه نخستینی که توسط پیامبر (ص) انتشار یافته بود. منابع اسلامی اطلاعات کمابیش نظام مندی در خصوص مصحف ابن مسعود در اختیار ما می نهند که امکان مقایسه آن با گونه های متنی «صحابی ۱» و عثمانی را فراهم می آورد. با این مقایسه معلوم می شود که وقتی متن های ابن مسعود، «صحابی ۱» و عثمانی با یکدیگر مغایرند، معمولاً نسخه عثمانی عضو گروه اکثریت است؛ به عبارت دیگر، متن عثمانی و یک گونه متنی دیگر با هم موافقت، و با گونه متنی سوم مخالفت. این وضعیت با دو سناریو جور در می آید. نخست اینکه احتمالاً متن عثمانی ترکیبی

چندبنیادی بر اساس تعدادی از مصاحف صحابه (و احتمالاً مصاحف ناکامل و رونوشت‌های مستقل از سوره‌ها) باشد که در آن، اولویت به قرائت غالب داده شده است. اتفاقاً نظریه ترکیبی بودن متن عثمانی، با برخی از روایات اسلامی در باب تکوین این متن، همخوانی دارد. دومین سناریو، این است که قرآن عثمانی همچون مصاحف ابن مسعود و «صحابی ۱» می‌توانسته یک مصحف مستقل باشد و هر کدام از این سه گونه متنی یکی از اعقاب یک منبع مشترک، یعنی نمونه اصلی نبوی باشند. در این حالت، این امر که متن عثمانی معمولاً در گروه اکثریت قرار دارد، حاکی از آن است که این متن به طور کلی بازتولید بهتری از منبع مشترک بوده است.^۱ این نتایج اولیه و اجمالی، ممکن است با تمام شدن مطالعه مفصل تمام اختلافات و انجام مقایسه‌ای آماری میان «صحابی ۱» و متن عثمانی، اصلاح یا حتی به نحو قابل توجهی تعدیل شوند.^۲ به عنوان یک اصلاح احتمالی دیگر، چه بسا لازم آید این امر را بپذیریم که شاید سوره‌های مختلف یک مصحف، هر کدام تا پیش از گنجانده شدن در مصحف یک صحابی [صحابی ۱]، از نظر انتقالی پیشینه‌های مختلفی داشته‌اند. همانطور که قبلاً در مقاله دیگری گفته شد، این امکان از آنجا مطرح می‌شود که ممکن است مصحف یک صحابی، سوره‌های مختلف را از کاتبان مختلف گرفته باشد.^۳ این امکان اکنون به طور خاص محتمل است، چراکه در مقایسه با دیگر سوره‌های موجود در «صحابی ۱»، سوره طه قرابت بیشتری با مصحف ابی بن کعب

۱. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۴۳-۴۳۶. ما این فرضیه مرکب را به مایکل کوک مدیونیم.
 ۲. این کار در دست انجام است، و شامل صحابی ۱ با قرآن عثمانی می‌شود. پرسش کلیدی در ارتباط با مسئله تقدم متنی این است که آیا یک گونه متنی به نحو معناداری بیش از دیگری «مزایای تحویل ناپذیر» دارد یا خیر. یک «مزیت» در یک گونه متنی، کلمه یا عبارتی است که در آن پیدا می‌شود و در گونه متنی دیگر یافت نمی‌شود (و کلمه یا عبارت دیگری هم به جای آن وجود ندارد). آن مزیت زمانی «تحویل ناپذیر» است که نتوان آن را افزوده‌ای ناشی از همانندسازی نظایر یا عبارات مجاور قلمداد کرد. داشتن مزیت‌های تحویل ناپذیر بیشتر نشانه‌ای از تقدم متنی است. چنین تحلیلی قبلاً درباره اختلافات در چهار برگه از نسخه صنعاء که در حراجی بین‌المللی عرضه شده بود، انجام شده است (صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ۳۸۵-۳۹۰، ۳۹۹-۴۰۵)، اما واضح است که اگر کل برگه‌های آن نسخه به این صورت تحلیل شود، ممکن است به نتایج متفاوتی منتهی شود.
 ۳. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۴۰۴، پانویس ۱۱۵.

نشان می‌دهد.^۱ در انتها، باید این امر را بررسی کرد که اختلافات تا چه میزان ممکن است ریشه در این داشته باشند که پیامبر (ص) [یک سوره را] به اشکال مختلف قرائت کرده باشند.^۲

تحلیل کنونی یک پرسش اساسی در باب تاریخ قرآن را پاسخ می‌دهد: آیات فعلی توسط چه کسی و در چه زمانی جهت تشکیل سوره‌ها گرد هم آورده شده‌اند؟ به اعتقاد بسیاری از محققان و بنا به مضمون برخی از روایات کهن، این کار پس از وفات پیامبر (ص) توسط هیئتی انجام گرفت که عثمان آن‌ها را عهده‌دار رسمی یا استاندارد سازی قرآن کرده بود. اما برخی روایات قدیمی دیگر حاکی از این است که این کار پیش از آن توسط خود پیامبر (ص) انجام گرفته بود. تحقیق فعلی این دیدگاه دوم را تقویت می‌کند. این امر که عبارات درون سوره‌ها در قرآن عثمانی، «صحابی^۱» و دیگر مصاحف صحابه به طور کلی یکسان است، نشان می‌دهد که شکل سوره‌ها پیش از آنکه این روایات گوناگون منشعب شوند، تثبیت یافته بودند، علی‌الخصوص تا پیش از انتشار نسخه عثمانی. به جز چند استثنای اندک، اختلافات موجود میان مصاحف صرفاً در حد تک‌واژها، واژگان و عبارات است — و نه در حد جملات یا آیات. استثنائات موجود در «صحابی^۱» شامل دو آیه متوالی بسیار کوتاه سه کلمه‌ای ۳۱ و ۳۲ در سوره طه است که ترتیب قرار گرفتن‌شان در «صحابی^۱» برعکس است. در منابع اسلامی نیز آمده است که این آیات در مصحف ابی بن کعب به همین صورت پس و پیش بوده‌اند.^۳ استثنای دیگر مربوط به آیه ۸۵ سوره توبه است که در این مصحف از قلم افتاده است. نبود این آیه شانزده کلمه‌ای در مقایسه با دیگر از قلم افتادگی‌های «صحابی^۱»، که به مراتب کوتاه‌ترند، یک مورد استثنایی است. دلیل این وضعیت نامتعارف می‌تواند پدیده جافتادن سهوی هنگام کتابت (parablepsis) باشد. این پدیده نوعی اشتباه نگارشی است که دلیل آن جهش نگاه از روی یک عبارت به عبارتی مشابه است؛ در این مورد، جهش از «وَنَ» پیش از یک آیه‌نما و تک‌واژ «وَا» در انتهای آیه ۸۴ به «وَنَ» پیش از یک آیه‌نما و تک‌واژ «وَا»

۱. نک.: ضمیمه ۱.

۲. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۴۰۴، پانویس ۱۱۵.

۳. عبداللطیف الخطیب، معجم القرائات (دمشق: دارسعدالدین)، ج ۵، ص ۴۳۰.

در انتهای آیه ۸۵ است. این استنتاج که سوره‌ها پیش از پیدایش متن عثمانی شکل گرفته بودند به ارزیابی صحت برخی از گزارش‌های اولیه مسلمانان کمک می‌کند. این ارزیابی گزارش‌هایی دال بر تدوین سوره‌ها در زمان عثمان از قطعات به‌جا مانده وحی را نفی می‌کند.^۱

بر اساس برخی روایت‌ها، هیئتی که عثمان^۲ برای تدوین قرآن مأمور کرده بود، دو آیه آخر سوره توبه را نزد مردی به نام خزیمه یا ابو خزیمه یا ابن خزیمه یافتند.^۳ مصحف «صحابی ۱» این دو آیه را در همان مکان مورد انتظار، یعنی در پایان سوره توبه دارد. از آنجا که این دو آیه در قرآن عثمانی نیز یافت می‌شوند، و با توجه به اینکه هیچ گزارشی مبنی بر اینکه مصحف یک صحابی فاقد این دو آیه بوده نقل نشده است، این آیات باید به نمونه اصلی که گونه‌های متنی عثمانی و «صحابی ۱» از آن پدید آمده‌اند متعلق باشد. بنابراین نباید به این روایت‌ها چندان اهمیت داد.

اما ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها کنار یکدیگر داستان دیگری است: مصاحف صحابه مختلف هر یک دارای ترتیب متفاوتی از سوره‌ها بوده‌اند که بیانگر آن است که ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها در زمان پیامبر کاملاً مشخص و قطعی نشده است.^۴ «صحابی ۱» نیز که ترتیب سوره‌ها در آن متفاوت از ترتیب مصحف رسمی است این امر را تأیید می‌کند: یکی از ما قبلاً در مقاله‌ای به سه جابه‌جایی سوره [ختم یک سوره و شروع سوره دیگر] موجود در متن زیرین اشاره کرده بود و متعاقباً نویسنده‌ای دیگر دو مورد دیگر را نام برد.^۵ در جدول شماره ۲ فهرست کاملی از یازده جابه‌جایی

۱. برای خلاصه‌ای از روایات دال بر قطعی شدن سوره‌ها به محض وفات پیامبر نک.: مقاله حسین مدرّسی طباطبایی با مشخصات زیر:

Hossein Modarressi, "Early Debates on the Integrity of the Qur'an: A Brief Survey," *Studia Islamica* 77 (1993): 8-13.

مدرّسی طباطبایی صحت آن گزارش‌ها را زیر سؤال می‌برد و آنها را «به غایت مسئله‌دار» می‌خواند (ص ۱۴).

۲. این رخداد در روایت جمع و تدوین قرآن به دست زید بن ثابت و به امر خلیفه نخست گزارش شده است که در تاریخ قرآن به جمع نخست معروف است، اما مؤلفان ظاهراً آن را به جمع دوم (توحید مصاحف) در عصر عثمان نسبت داده‌اند. (مترجم)

۳. محمود رامیار، تاریخ قرآن، چاپ دوم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ش)، ص ۳۱۳-۳۱۶.

۴. صادقی و پرگمن، مقاله «مصحف»، ص ۴۰۹-۴۱۰.

۵. صادقی و پرگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۹۳ (جدول ۸)؛ الیزابت بوبین، «بخش دوم»، ص ۲۵۷-۲۵۸.

در ترتیب سوره‌ها در برگه‌های موجود از مصحف صنعاء^۱ را ارائه داده‌ایم. (جهت سهولت، در این جدول و جاهای دیگر در این مقاله، شماره سوره همان شماره عثمانی است). محمد مصطفی الاعظمی هوشمندانه بر اهمیت این مسأله تأکید کرده که اگر در کتابچه‌ای حاوی سور منتخب، سوره‌ها را به نحوی غیر از ترتیب قرار گرفتن در مصحف رسمی بیابند، بدین معنا نیست که با قرآنی غیررسمی روبه‌رویم.^۱ اما این نکته در خصوص نوشته زیرین صدق نمی‌کند: چراکه نوشته زیرین حاوی بخش اعظم قرآن از جمله برخی از طولانی‌ترین سوره‌هاست؛ متن آن نیز ماهیت غیر عثمانی آن را محرز می‌کند و ترتیب سوره‌های آن نیز بسیار شبیه به ترتیب گزارش شده برای مصاحف دیگر صحابه است.

از بررسی ترتیب سوره‌ها در «صحابی ۱» سه نکته ملاحظه می‌شود: نخست اینکه برخی از توالی‌های آن تنها در مصحف اُبی بن کعب یافت می‌شوند، برخی دیگر تنها در مصحف ابن مسعود، و برخی دیگر از این توالی‌ها نیز در هیچ روایتی گزارش نشده‌اند. دوم اینکه ترتیب سوره‌ها در آن بیشتر شبیه به ترتیب سوره‌ها در مصاحف اُبی بن کعب و ابن مسعود است تا مصحف عثمانی. این روند آنچنان بارز و قوی است که می‌توان انتظار داشت در بخش مفقود مصحف نیز وضع به همین منوال بوده باشد. سوم اینکه این ترتیب بیشتر شبیه به ترتیب گزارش شده از مصحف اُبی بن کعب است تا ابن مسعود، اما نه این روند به قدر کافی بارز و پابرجا است و نه حجم نمونه آنقدر بزرگ که بتواند کوچک‌ترین تصویری از اینکه آیا در مابقی مصحف نیز وضع بر همین منوال بوده است ارائه دهد.

جدول ۲: ترتیب سور در سه مصحف «صحابی ۱»؛ ابن مسعود و اُبی بن کعب. شماره‌ها بر اساس ترتیب عثمانی است. ترتیب در الفهرست ابن‌الندیم و الاتقان سیوطی به سبب اشتباهاتی در نقل گزارش‌ها در باب ترتیب سور متفاوت است.

→ با مشخصات زیر:

Puin, Elisabeth. "Ein früher Koranpalimpsest aus Šan'a' (DAM 01-27.1) – Teil II." In *Vom Koran zum Islam*, edited by Markus Groß and Karl-Heinz Ohlig, Berlin: Hans Schiler, 2009.

1. Al-A'zamī, *History*, 77–81.

جدول ۲

صحابی ^۱	ابن مسعود	أَبِي بَن كَعْب
هود، انفال، توبه، مریم	الفهرست: ^۱ توبه، نحل، هود، نُه سورة میانی، انفال، مریم الاتقان: ^۲ توبه، نحل، هود، چهارده سورة میانی، انفال، مریم	الفهرست: ^۳ انفال، توبه، هود، مریم الاتقان: ^۴ انفال، توبه، هود، مریم
یوسف، کهف	الفهرست: سورة کهف ذکر نشده؛ بعد از یوسف، اسراء آمده الاتقان: یوسف، کهف، اسراء	الفهرست: یوسف، کهف الاتقان: یوسف، کهف
حجر، فرقان	الفهرست: سورة حجر ذکر نشده الاتقان: فرقان، حجر	الفهرست: حجر، دَه سورة میانی، فرقان الاتقان: سورة فرقان ذکر نشده
طه، انبیاء	الفهرست: سورة طه ذکر نشده الاتقان: انبیاء، طه	الفهرست: طه، انبیاء الاتقان: طه، انبیاء
سبا، رعد	الفهرست: رعد، سبا الاتقان: رعد، سبا	الفهرست: رعد، چهار سورة میانی، سبا الاتقان: رعد، دو سورة میانی، سبا
زمر، غافر	الفهرست: زمر، غافر الاتقان: زمر، غافر	الفهرست: زمر، پنج سورة میانی، غافر الاتقان: زمر، شش سورة میانی، غافر
منافقون (۶۳)، جمعة (۶۲)، فجر (۸۹)، بلد (۹۰)	الفهرست: منافقون، جمعة، بیست و نُه سورة میانی، فجر، بروج، انشقاق، علق، بلد الاتقان: منافقون، جمعة، بیست و هفت سورة میانی، فجر، بروج، انشقاق، علق، بلد	الفهرست: منافقون، جمعة، طلاق، فجر (سورة بلد ذکر نشده، مگر آنکه بگوئیم تعبیر لَأَقْسِمُ اشاره به بلد است، نه قیامة؛ در این صورت با یازده فاصله بعد از سورة فجر آمده) الاتقان: منافقون، جمعة، تحریم، فجر، بلد

در یک روایت، تصمیم‌گیری برای قرار دادن سورة توبه پس از سورة انفال و همچنین قرار ندادن بسملة در آغاز آن، به گروه مأمور شده از سوی عثمان، نسبت

۱. ابن‌الندیم، کتاب الفهرست، تحقیق رضا تجدد (بی‌جا و بی‌تا)، ص ۲۹.

۲. السیوطی، الاتقان فی علوم القرآن (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م)، ج ۱، ص ۱۷۶.

۳. ابن‌الندیم، کتاب الفهرست، ص ۲۹-۳۰.

۴. السیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۶.

داده شده است.^۱ مصحف صنعاء^۱، مدرکی است که نکات ظریفی را پیرامون این ادعا به ما می‌رساند [و آن را زیر سوال می‌برد]. اتفاقاً پایان سوره انفال و ابتدای سوره توبه در بخش‌های به‌جا مانده از مصحف زیرین موجود است و در آنجا نیز همچون متن عثمانی، بسملة وجود ندارد. این مخطوط در قرار دادن سوره توبه درست پس از سوره انفال با مصاحف عثمان و ابی بن کعب موافق است، اما با مصحف ابن مسعود که سوره انفال را چندین سوره بعدتر از توبه قرار داده، متفاوت است. از این رو، بعید است که این تصمیم، ابداع گروه مأمور شده توسط عثمان بوده باشد.

چنان‌که پیشتر گفتیم، بیشتر اختلافات مابین «صحابی‌۱» و دیگر گونه‌های متنی باید در زمان منشعب شدن روایت‌های متنی به وجود آمده باشد. این امر احتمالاً هنگامی رخ داده که پیامبر متن را تلاوت می‌کرده و صحابی‌ای آن را می‌نگاشته است. با توجه به جدی بودن این اختلافات — چه از نظر تعداد و چه از نظر ماهیت — می‌توان احتمال انتقال کاملاً مکتوب متن قرآنی را رد کرد. انتقال صرفاً شفاهی را نیز می‌توان به دلایلی چند کنار گذاشت. برای بدست آوردن تصویری درست از اختلافاتی که در انتقال صرفاً شفاهی به وجود می‌آیند، می‌توان تغییرات در متون احادیث در قرن نخست هجری را در نظر گرفت. عبارات ممکن است به کل به شکلی متفاوت، با اضافات، حذف یا جابه‌جایی‌هایی در حد جمله و پاراگراف بیان شوند. اما اختلافاتی که در «صحابی‌۱» می‌یابیم، بیشتر شبیه تغییرات در متون احادیث اند که در اواخر قرن دوم هجری — و در هنگام رواج استفاده از کتابت [برای نقل حدیث] — پدید آمده‌اند (در اعتراض به این تحلیل، ممکن است گفته شود که نقل [شفاهی] قرآن [نسبت به نقل حدیث] مستلزم رعایت استاندارد بالاتری از حفظ بوده است و از این رو، معتقد بود که متن قرآنی شاید از طریق حفظ نیز می‌توانسته به درستی و دقت منتقل شود. اما این اعتراض محلی از اعراب ندارد، چرا که اختلافات «صحابی‌۱» بیانگر آن است که متن قرآنی در واقع همیشه به دقت منتقل نشده است. گذشته از این، وجود حدود هزار اختلاف در نقطه‌گذاری (اعجام) و اعراب متن مکتوب عثمانی، خط‌پذیری روایت شفاهی را مشخص می‌کند، و برخی از وجوه اختلاف امصار در گونه‌های قرائت عثمانی حاکی از آنند که رسم مکتوب لدی الاقتضا بی‌آنکه صورت خوانده شده آن

۱. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۲۹.

در خاطر باشد، قرائت شده است: برای مثال می‌توان عند در برابر عباد در زخرف، ۱۹ را در نظر گرفت؛ یا یَقُصُّ در برابر یَقْضِ در انعام، ۵۷؛ و یُسَیِّرُکُمْ در مقابل یُنْشِرُکُمْ در یونس، ۲۲. یکی دیگر از نشانه‌های استفاده از کتابت این است که اختلافات متنی موجود در «صحابی ۱» [نسبت به متن عثمانی]، اگرچه پرشمارند، اما با این حال استثنایند، نه قاعده. این مطلب حتی برای عناصر «جزئی» زبان از جمله ادوات و حروف، حروف جرّ، پسوندها و غیره نیز صادق است.^۱ علاوه بر این، حتی یک حافظ دقیق نیز که عبارات را به درستی کامل از حفظ می‌خواند، در معرض اشتباه در ترتیب آیات است؛ با این حال، متن «صحابی ۱» دارای همان آیات و همان ترتیب آیات در قرآن رسمی است.

فراوانی و ماهیت اختلافات نشان می‌دهد که منشعب شدن گونه‌های متنی عثمانی و «صحابی ۱» باید مستلزم انتقال نیمه شفاهی بوده باشد؛ به عبارت دیگر آمیزه‌ای از انتقال شفاهی و مکتوب. تعیین اینکه انتقال شفاهی و مکتوب دقیقاً به چه شکل تلفیق شده بودند نیازمند تحقیقات زیادی است. در حال حاضر می‌توان دو فرضیه مختلف را مطرح کرد. یک نظریه آن است که انتقال متن شامل قرائت/تلاوت متن [توسط پیامبر (ص)] و کتابت همزمان آن توسط یک صحابی بوده است، اما نه املای دقیق و کلمه به کلمه. اختلافات [موجود] بیانگر آن است که تلاوت سریع‌تر از آن بوده که شنونده بتواند به دقت کامل آن را مکتوب کند. فرضیه دوم این است که یک صحابی که دارای حافظه خوبی بوده است یک سوره را نه همزمان با استماع آن، بلکه پس از اتمام تلاوت، مثلاً وقتی که به خانه خود باز می‌گشته، کتابت کرده باشد. او می‌توانسته در حین تلاوت یادداشت‌هایی برداشته باشد که برای یادآوری متن هنگام کتابت به وی کمک کند. استفاده از این یادداشت‌ها، حافظه خوب کاتب و آشنایی قبلی او با قرآن، می‌توانند توضیح دهند که چگونه اکثر متن، حتی در عناصر زبانی نسبتاً کوچک، بدون تغییر باقی مانده، حال آنکه فاصله زمانی مابین استماع و کتابت متن می‌تواند دلیل به وجود آمدن اختلافات باشد.

در خصوص علت استفاده دوباره از برگه‌های مخطوط اصلی جهت تدارک یک دست‌نوشته جدید می‌توان چندین احتمال را مطرح کرد. ممکن است مصحف اصلی

۱. صادقی و پرگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۸۵-۳۹۰.

به دلیل استفاده زیاد طی چند دهه فرسوده شده باشد. اینکه برگه‌ها با چه سرعتی فرسوده شده‌اند، بسته به آن است که مخطوط به چه میزان استفاده می‌شده؛ موضوعی که اطلاع از آن برای ما ناممکن است. به هر حال، اختلافات مربوط به خط‌شناسی و قواعد نگارش میان دو لایه این مخطوط با فاصله زمانی متناسبند که جهت فرسوده شدن مصحف کافی می‌بوده: هر چند که خط هر دو لایه حجازی است، اما لایه رویی فشرده‌تر است و از الف‌های بیشتری استفاده کرده و نقطه‌های بیشتری برای تمایز حروف صامت در آن به کار رفته است.^۱ احتمال دیگر [درباره علت تولید مصحفی جدید] این است که شاید بخشی از مصحف زیرین در یک حادثه آسیب دیده بوده است. به عنوان سومین احتمال، غیر عثمانی بودن روایت متنی در نوشته زیرین ممکن است انگیزه این کار — یعنی پاک کردن نوشته زیرین و استفاده مجدد از برگه‌ها — بوده باشد، چراکه احتمالاً با تعیین روایت عثمانی به عنوان روایت رسمی، روایت موازی آن یعنی «صحابی (۱)» منسوخ شده بود. طبعاً این توجیهات مانع الجمع نیستند.^۲

برخی محققان صرفاً روایتی را خواهند پذیرفت که مستلزم سرکوب [متن زیرین] باشد. مسلماً این امکان وجود دارد که مالک (یا مالکان) اصلی، مصحف را به دلیل برتری و مزیت نسخه عثمانی باز یافت کرده باشد. اما این لزوماً بدین معنی نیست که کاتب نوشته زیرین را غلط یا نامشروع تلقی می‌کرده است.

روایات کهن طیف گسترده‌ای از نگرش‌ها نسبت به مصحف ابن مسعود و مصاحف دیگر صحابه را حفظ کرده‌اند که برخی تحقیرآمیز، برخی مدهانه‌آمیز و برخی دیگر بی‌طرفند. گزارش‌های فراوانی بر مقبولیت مصحف ابن مسعود یا دیگر مصاحف صحابه دلالت دارند. حتی برخی از گزارش‌هایی که متن رسمی قرآن را ارجح می‌دانند نیز چنین‌اند. با این حال ما یک گزارش را می‌شناسیم که مقبولیت اساسی و منشأ آسمانی و الهی مصحف ابن مسعود را انکار می‌کند. کوفیانی که مدافع مصحف ابن مسعود (متوفای ۳۳ هجری) بوده و آن را بسیار محترم می‌شمردند، این عبارت را از قول حجاج (متوفای ۹۵ هجری) نقل می‌کنند. حجاج بن یوسف به دشمنی با مصحف ابن مسعود مشهور بود و از وی در کوفه با علاقه یاد نمی‌شد. کوفه

۱. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۵۸-۳۶۰.

۲. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۷۰.

همان جایی است که مکتب محلی فقه، ابن مسعود را مؤسس خود می‌دانست، جایی که سلیمان الاعمش (متوفای ۱۴۷ هجری) تلاوت مصحف ابن مسعود را در کنار متن عثمانی ادامه می‌داد و اختلافات آن را نقل می‌کرد و جایی که قاریان مهمی چون ابراهیم النخعی (متوفای ۹۶ هجری)، یحیی بن وثاب (متوفای ۱۰۳ هجری)، طلحة بن مصرف (متوفای ۱۱۲ هجری)، اعمش (متوفای ۱۴۷ هجری) و حمزة (متوفای ۱۵۶ هجری) به درجات مختلف تحت تأثیر گونه متنی ابن مسعود بودند، حتی هنگامی که متن عثمانی را تلاوت می‌کردند.^۱ با بررسی دقیق‌تر، چنین می‌نماید که قول منسوب به حجاج می‌تواند سخنی اغراق‌آمیز و جعل شده از سوی قاریان کوفی برای هرچه خشن‌تر جلوه دادن حجاج باشد.^۲

۱. برای نمونه‌ای از تأثیر ابن مسعود بر قرائت عثمانی در کوفه، نک. مقاله بهنام صادقی در زیر: Sadeghi, "Criteria for Emending the Text of the Qur'an."

۲. این روایت را قاری کوفه، ابوبکر بن عیاش (متوفای ۱۹۳ ق) از قاری و قرآن‌شناس مشهور کوفی، عاصم بن ابی النجود (متوفای ۱۲۸ ق) و سلیمان الاعمش (متوفای ۱۴۷ ق) نقل کرده است. دو نقل نمونه از این روایت در اختیار داریم: در نقل اول: ابن مسعود می‌گوید (یا گمان دارد) که قرآن وی از جانب خداست. به خدا قسم این چیزی جز رَجَزِ اعراب بدوی نیست (ماهی الا رجز من رجز الاعراب)؛ خدای متعال آن را بر رسولش نازل نکرده است. در نقل دوم: ابن مسعود «قرآن می‌خواند و آن را چونان رَجَزِ اعراب بدوی منظوم می‌سازد، و این [چنین خواندنی] را قرآن می‌نامد (یقرأ القرآن رجزاً کرجز الاعراب و یقول هذا القرآن)». نک.: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری (بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵/۱۴۱۵)، ج ۲، ص ۴۰۰. نقل نخست فوق‌الذکر از آن روشگفت می‌نماید که مصحف ابن مسعود را امری متغایر با قرآن عثمانی تصویر می‌کند. این نکته مخالف تمام امور دیگر مرتبط با مصحف ابن مسعود است، از جمله شرح دقیق و مفصلی که اعمش - راوی خود این روایت - از مصحف وی می‌دهد (در باب توصیف اعمش از مصحف ابن مسعود نک.: صادقی و پرگمن، «مصحف»، ص ۳۹۱-۳۹۳).

این احتمال وجود دارد که آن نقل غیرعادی اولی در واقع نقل دوم را، که سخنی کاملاً متفاوت و نه چندان دور از انتظار می‌گوید، گرفته و به آن شاخ و برگ داده است. در نقل دومی که در بالا ذکر شد، مسئله محتوای مصحف ابن مسعود نیست، بلکه شیوة او (و احتمالاً پیروانش) در قرائت قرآن است. او متهم به قرائت قرآن به شیوة بدویان در قرائت اشعار، احتمالاً رجزها، می‌شود که ظاهراً نوعی توهین به مقدسات تلقی می‌شده است. یک نقل دیگر از سخنان حجاج که از طریق اسنادی بصری نقل شده نیز حاکی از آن است که مسئله همین شیوة قرائت بوده است. طبق این نقل، ابن مسعود «قرآن را چنان می‌خواند که گویی رجز اعراب است (یقرأ القرآن کانه رجز الاعراب: ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب، تصحیح یوسف اسد داغر، چاپ دوم، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹، ۱۴۳/۳). این احتمال که دعوا بر سر چگونگی قرائت قرآن بوده است، با روایت کوفی دیگری به نقل از ابن مسعود تأیید می‌شود که از قرائت قرآن مانند اشعار نمی‌کند (ولا تهذوا القرآن کهد الشعر ولا تنثروا نثر الدقل؛ نقل شده در ابن ابی شیبة، المصنف، تصحیح سعید اللحام، بیروت،

انگاره‌ای که ظاهراً پیشتر در قرن نخست کمابیش رواج داشته، ایده نزول قرآن به هفت صورت (سبعة احرف) بوده است.^۱ اگر این انگاره را از زبان متافیزیک به زبان تاریخی تفسیر کنیم، به نظر می‌رسد نتیجه این است که همه مصاحف صحابه علی رغم اختلافاتشان مقبول و مشروع‌اند، چراکه همگی اساساً آنچه را که کاتبان پیامبر نوشته بودند بازنموده و از تأیید پیامبر نیز برخوردار بوده‌اند. با توجه به کهن بودن این نگرش تکثرگرایانه در مورد مصاحف، کسانی که به دنبال آن بودند که نسخه عثمانی را مافوق دیگر نسخه‌ها قرار دهند، نمی‌توانستند به سادگی دیگر مصاحف را غیر قرآنی اعلام کنند. برخی از عالمان قرون ابتدایی اسلام، این مشکل را با استفاده از یک روایت موجود که می‌گفت پیامبر هر سال قرآن را بر جبرئیل عرضه می‌کرد، حل کردند. آنان این عرضه‌های پی در پی را با مصاحف صحابیان مختلف مرتبط دانسته و گفتند که متن عثمانی آخرین عرضه قرآن بر جبرئیل بوده است، امری که متضمن جایگزین شدن مصاحف دیگر توسط متن عثمانی است.^۲ هواخواهان ابن مسعود

دارالفکر، ۱۹۸۹/۱۴۰۹، ۷: ۱۸۶). یک موضوع چالشی دیگر در این ارتباط قرائت قرآن به صورت آوازی و آهنگین بوده است. نک.: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ۶۱۴/۲. سیوطی، الاتقان، ۱/ ۲۴۳. و نیز مقاله محمد طائسی با عنوان «القرءة بالالحن» با مشخصات زیر:

M. Talbi, "La qir'ā'a bi-l-alhān," *Arabica* 5 (1958): 183-90.

(با تشکر از مایکل کوک برای معرفی مقاله بالا). در مجموع، یک نقل از این روایت احتمالاً عبارت‌پردازی نقل دیگری را که متقدم‌تر بوده است، دستکاری و تلاش کرده تندی سخن حجاج را چند برابر کند. چنین کاری چندان دور از انتظار نیست، اگر به سنت رایج در محیطی که دشمنی با حلاج در آن موج می‌زده، توجه کنیم.

۱. اسنادهای روایات «سبعة احرف» هم به پیامبر و هم به صحابه بازمی‌گردند. برای مروری بر متن و اسنادهای روایت نبوی، نک.: عبدالعزیز عبدالفتاح القاری، حدیث الاحرف السبعة: دراسة لإسناده و متنه و خلاف العلماء فی معناه و صلاته بالقرآنة القرآنية (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۲/۱۴۲۳)، ص ۴۱-۹. امتیاز کتاب عبدالفتاح در این است که روایات غیرمشمول بر کلمه «سبعة احرف» را نیز ذکر می‌کند و عیب کتاب این جاست که آثار و اخبار غیرنبوی را کنار می‌گذارد. برای ترجمه‌ای انگلیسی و بحثی مختصر راجع به روایت سبعة احرف - به نقل از ابن مسعود، و نه پیامبر - نک. صادقی و برگمن، «مصحف»، ص ۴۱۲-۴۱۳. تحلیل تفصیلی درخصوص روایات احرف سبعة باید صورت پذیرد. در حال حاضر، گمان ما بر آن است که این ایده به قرن نخست برمی‌گردد.

۲. فی‌المثل نک.: ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۷، ص ۲۰۵؛ ابن سعد، الطبقات الکبری (بیروت: دار صادر، ۱۹۶۸)، ج ۲، ص ۱۹۵؛ محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری، المستدرک، تحقیق یوسف المرعشلی،

به این مطلب اینگونه پاسخ دادند که اگر متنی منسوخ شده بود قرائت وی نیز به طور حتم [بر اساس آخرین تغییرات] به روز می‌شد؛ یا آنکه صرفاً گفتند که قرآن ابن مسعود مطابق آخرین عرضه بوده است.^۱ هر دو دسته از روایات [طرفدار مصحف عثمان و ابن مسعود] این مطلب را قبول داشتند که به دلیل به روزرسانی سالانه متن، پیامبر نسخه‌های مختلفی از قرآن را ارائه کرده بودند، و هر دو دسته روایت مصاحف صحابه را نگارش‌هایی قابل قبول از وحی می‌دانستند. اختلاف این روایات بر سر این بود که کدام مصحف حاوی آخرین عرضه است.

مصحف ابن مسعود سرانجام مقبولیت عام خود را از دست داد، اما تکرگرای در مورد مصاحف به کل از میان نرفت. هرچند با گذشت زمان تأویلات متفاوتی از «سبعة احرف» پدیدار شد، اما بسیاری از عالمان همچنان آن را شامل مصاحف صحابه تلقی می‌کردند. ابن الجزری (متوفای ۸۳۳ هجری) می‌نویسد که اکثر عالمان بر آن بوده‌اند که سبعة احرف محدود به مصاحف اصلی که عثمان به برخی امصار (= شهرها) فرستاد نیست - یعنی اینکه می‌تواند شامل قرائات غیر عثمانی هم باشد - و اینکه اعتقاد علما آن است که مصاحف عثمانی عیناً همان «عرضه نهایی» پیامبر بر جبرئیل است.^۲ از این رو، وی قرائات برخی صحابه را «قابل قبول» می‌شمارد (یقبَل)، هرچند که قرائت آن‌ها را در نماز جایز نمی‌داند. اما او یادآور می‌شود که برخی عالمان بر استفاده از مصاحف صحابه در عبادات صحّه گذاشته‌اند.^۳ ای بسا

→ بیروت: دارالمعرفة (بی‌تا)، ج ۲، ص ۲۳۰؛ احمد بن علی النسائی، السنن الکبری، تحقیق عبدالغفار البندری (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۱/۱۴۱۱)، ج ۵، ص ۷۱-۷۲؛ جلال‌الدین السیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۹۷۹)، ج ۱، ص ۱۰۶.
۲. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۷، ص ۲۰۵؛ النیسابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۲۳۰؛ السیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳. ابن جزری می‌نویسد: «جمهور عالمان از سلف و خلف و امامان مذاهب اسلامی بر آنند که این مصاحف عثمانی تنها مشتمل بر آن بخش از احرف سبعة‌اند که با رسم شان موافق باشد» (وذهب جماهير العلماء من السلف والخلف والائمة المسلمين الى أنّ هذه المصاحف العثمانية مشتملة على ما يحتمله رسمها من الأحرف السبعة فقط) و سپس می‌افزاید که مصاحف عثمانی دقیقاً برابر با ارائه نهایی پیامبر از متن قرآن به جبرئیل است. نک: ابن الجزری، النشر فی القراءات العشر، تحقیق علی محمد الضیّاع (بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا)، ص ۳۱. ما از طریق مقاله یاسین داتن در باب احرف سبعة بدین ارجاع دست یافتیم. نک: Yasin Dutton, "Orality, Literacy and the 'Seven Ahruf' Hadith."

۳. در خصوص آرای ابن الجزری راجع به احرف سبعة و قرائات مشروع/صحیح، نک: ابن الجزری، النشر، ←

بسیاری از عالمان پیشامدرن، اگر امروزه با ما بودند، به اختلافات متن زیرین به عنوان نمونه‌هایی از سبعة احرف به دیده احترام می‌نگریستند، در عین اینکه ممکن بود برای این متن شأنی مانند قرآن عثمانی در نماز قائل نباشند. در مجموع، نه در صدر اسلام و نه بعدتر، ارجحیت متن رسمی قرآن همیشه مستلزم کنار گذاشتن یا انکار مشروعیت مصاحف صحابه نبوده است.

۹۷، ۱۴-۱۵، ۲۸-۲۹، ۳۱-۳۳، ۴۴. به اعتقاد وی، قرآنی معتبر است و در شمار [احرف] سبعة قرار می‌گیرد، که (الف) به عربی صحیح باشد، (ب) از حیث بدنه و متن بی اعراب و نقطه (= یعنی رسم) با هیچ‌یک از مصاحف عثمانی امصار مخالف نباشد، و (ج) به طریق و سند صحیح از افراد نقل شده باشد. چنانچه قرآنی با متن عثمانی (خط المصحف) مطابق نباشد، اما دو شرط دیگر را احراز کند، پذیرفته می‌شود، اما در مناسک خوانده نمی‌شود (ص ۱۴). وی می‌نویسد که برخی افراد بر خلاف او، مجاز می‌دارند که این گونه قرائات صحابه در مناسک خوانده شود و گروهی دیگر نیز هستند که راهی میان این دو دیدگاه اختیار کرده، خواندن چنین قرآنی در عبادات، اما به جز در فاتحه را مجاز می‌شمارند (ص ۱۳-۱۴). این امر راه را برای پذیرش برخی قرائات غیرعثمانی حتی بر اساس رویکرد نسبتاً سختگیرانه وی باز می‌گذارد. وی خود دو نمونه از قرائات پذیرفته شده صحابه ذکر می‌کند که در عبارت و جمله پردازی، تفاوت قابل توجهی با متن عثمانی دارند. قس.: عبدالعزیز القاری، حدیث الاحرف السبعة، ص ۴۵-۴۸.

رسانه‌ها و مصحف صنعاء^۱

با آنکه بسیار مایلیم از رسانه‌ها چشم‌پوشی کنیم، انجام چنین کاری دشوار است. نوشته‌های آکادمیک به طور فزاینده‌ای به رسانه‌ها اتکا می‌کنند و اساتید دانشگاه نیز در کلاس‌های خود از مقالات روزنامه‌ها به عنوان تکلیف خواندنی استفاده می‌کنند. گذشته از این، ملاحظه شایعات رایج در میان محققان معاصر و مقالات ژورنالیستی که آن‌ها را منعکس و تغذیه می‌کنند، جالب و آموزنده است. هر چه باشد، شایعات در صورتی بهتر انتشار می‌یابند که در بردارنده جهان‌بینی‌ها، ترس‌ها و امیدهای مخاطبان‌شان باشند.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، نقل یک داستان فضای برخی از دانشگاه‌های غربی را در بر گرفت که می‌توان آن را در یک کلمه خلاصه کرد: پنهان‌سازی. یک روایت از این داستان این بود که دولت یمن مایل است تا گنجینه نفیس نویافته از مخطوطات را که در اختیار داشت پنهان نگه دارد، و از این رو اروپایی‌هایی که مشغول مرمت پوست‌برگ‌ها هستند مجبورند که اسرار آن‌ها را عجلتاً پوشیده نگه دارند. یک روزنامه‌نگار به نام توبی لستر بر اساس مصاحبه‌هایش با گِرد پوین این مطالب را عنوان کرد.^۱ او همچنین افزود که «به نظر می‌رسد مقامات یمنی نسبت به اعطای اجازه بررسی‌های دقیق ... بی‌میل هستند.»^۲ در یک روایت صریح‌تر از این داستان، دولت یمن علناً از انتشار مخطوطات ممانعت به عمل می‌آورد. در هر حال، این داستان چنین القاء می‌کرد که دانشگاهیان اروپایی با مخالفت و تعصب افرادی با اعتقادات مذهبی و ناآشنا با اصول تحقیق منطقی مواجه شده بودند.

1. Toby Lester, "What is the Koran?" 44.

2. Toby Lester, "What is the Koran?" 44.

برای برخی ادعاها راجع به ممانعت یمنی‌ها، نک. همین کتاب، ص ۶۲، پانویس ۲ و ص ۶۳، پانویس ۱.

رسانه‌ها نقش مایه سرکوب و ممانعت را در ذکر مصائب و مصیبت‌نامه‌ها گنجانده‌اند.^۱ در گزارش‌های منتشر شده در خصوص مخطوطات صنعاء، به اجرای سلمان رشدی و آزار و اذیت نصر حامد ابوزید اشاره می‌شد.^۲ نیویورک تایمز شایعه مجروح شدن یک پژوهشگر فلسطینی تاریخ اسلام به نام سلیمان بشیر به سبب پرت شدن از پنجره طبقه دوم توسط دانشجویانش را چونان یک واقعیت مطرح کرد.^۳ (چندین نفر از نزدیکان مرحوم بشیر به ما گفتند که چنین حادثه‌ای ابداً رخ نداده است. مثلاً همسر وی خانم دکتر لیلی فایدی در ایمیلی به تاریخ ۱۴ آگوست ۲۰۱۱ چنین نوشت: «لطفاً توجه داشته باشید که سلیمان توسط دانشجویانش نه مورد حمله قرار گرفت و نه مصدوم شد. تاکنون یک میلیون بار این سوال را از من پرسیده‌اند.») نیویورک تایمز در خصوص رد شدن کتاب کریستوف لوکنبرگ از سوی یک ناشر، از کاه کوه ساخت.^۴ وال‌ستریټ جورنال داستانی از قول گُرد پوین نقل کرد حاکی از اینکه دولت یمن عکس‌های تهیه شده توسط فُن بُتْمَر از مخطوطات صنعاء را مصادره کرده است.^۵ (فُن بُتْمَر در یک گفتگوی تلفنی در تاریخ ۲۶ اوت ۲۰۱۱ این گزارش را

1. Lester, "What is the Koran?"; Alexander Stille, "Scholars are Quietly Offering New Theories of the Koran," *The New York Times*, March 2, 2002; Higgins, "The Lost Archive." Nicholas Kristof, "Islam, Virgins, and Grapes," *The New York Times*, April 22, 2009; Nicholas Kristof, "Martyrs, Virgins, and Grapes," *The New York Times*, August 4, 2004

مقالات بالا، به استثنای مقاله هیگینز، همگی برای منشورات تجدیدنظرطلبانه (revisionist) به به و چه چه می‌کنند.

2. Lester, "What is the Koran?," 45, 50. Compare to Kristof, "Islam, Virgins and Grapes."
3. Stille, "Scholars are Quietly Offering New Theories of the Koran."
4. Stille, "Scholars are Quietly Offering New Theories of the Koran."

اَلِکْزَنْدَر استیل فرض را بر آن می‌گذارد که اگر یک محقق خوبی در یک جایی یک کتابی را دوست داشت، ناشران هم به طور معمول آن را برای چاپ می‌پذیرند. بنابراین از نگاه استیل همین که شاید محققانی بوده‌اند که کتاب لوکنبرگ را دوست داشته‌اند، دلیل کافی برای تشخیص است. از قضا یکی از آن محققانی که، به گفته استیل، کتاب لوکنبرگ را ستایش کرده، پاتریشیا کرونه بوده است. درحالی که، کرونه در ارجاع به آثار گوتتر لولینگ و کریستوف لوکنبرگ می‌نویسد: «هر دو کتاب (مخصوصاً کار مبتدیانۀ لوکنبرگ) در معرض اشکالات علمی بسیاری هستند که باعث می‌شود نتوانیم درباره آنها بگوییم که کارشان را خوب انجام داده‌اند.» برای نوشته کرونه، نک:

(Patricia Crone, "What do we Actually Know about Mohammed?," http://www.open-democracy.net/faith-europe_islam/mohammed_3866.jsp).

5. Higgins, "The Lost Archive."

«مضحک» خواند و روزنامه‌نگار را مقصر دانست؛ و نیویورک تایمز گزارش داد که فضای آکادمیک آمریکا و اروپا به سبب تهدید به خشونت از جانب مسلمانان، گرفتار یأس و دلسردی شده است.^۱

نقش مایه فشار با تصویری که دانشگاهیان از خود به عنوان حامیان عقل و منطق دارند و با تصورات شایع و الگووار درباره کشمکش میان خردگرایی و دین سنتی که نماد آن در فرهنگ مدرن معمولاً نزاع گالیله با کلیسا است، ظنین بیشتری یافت.^۲ نقش مایه پنهان‌سازی، همچنین در ظاهر یک تناقض آشکار را رفع می‌کرد: از یک

۱. استیل می‌نویسد که تهدیدات خشونت‌آمیز مسلمانان باعث «دلسردی در تمام دانشگاه‌های سراسر جهان» شده است و «بر کار محققان غیرمسلمان در کشورهای غربی تأثیر گذاشته است» (Stille, "Scholars are Quietly Offering New Theories of the Koran"). باین حال، او حتی یک نمونه از اساتید دانشگاه‌های اروپا یا آمریکای شمالی که تهدیدی دریافت کرده یا آسیبی دیده باشد، ذکر نمی‌کند. او با استناد به یک «پژوهشگر» بی‌نام‌ونشان در آمریکا می‌گوید وضع چنان بد است که «درباره اسلام هیچ چیز جز حرف‌های خوشایند آیکی و مهمل نمی‌توان گفت». باین حال، بیشتر ناشران دانشگاهی غیرآیکی هستند، و حتی بعضی از آنها عاقل‌اند. مثالی که استیل می‌زند، شایعات عجیب درباره بشیر است، که در کنار مشکلات اولیه لوکز نبرگ در یافتن ناشر، به آن اشاره می‌کند. تصویر او از فضای دانشگاهی اروپایی - آمریکایی ممکن است واقعی نباشد، اما احتمالاً تصویر درستی از ذهنیت بسته برخی از مخبران آن بازتاب می‌دهد. تصویری که استیل، لیستر، هیگینز و کریستوف از وضعیت دانشگاه‌ها در کشورهای اسلامی ارائه می‌دهند هم به همین اندازه دچار خلل است.

۲. ریچارد پاکین، مورخ شکاکیت، به خوبی نشان داده است که چگونه شکاکان اروپایی به شکلی گزینشی ماجرایی گالیله را به گونه‌ای ساختند و پرداختند که از آن نمادی برای نزاع بنیادین میان عقل و دین برآورند. نک.: Richard Popkin, "Scepticism, Theology and the Scientific Revolution in the Seventeenth Century," in *Problems in the Philosophy of Science: Proceedings of the International Colloquium in the Philosophy of Science, London, 1965*, volume 3, ed. Imre Lakatos et al. (Amsterdam: North-Holland Publishing, 1968), 1-28.

باید توجه داشت که هرچند رویکرد کلی ناخشنودی از دین می‌تواند دلیلی بر پذیرش مدعیات رسانه‌ها در میان دانشگاهیان باشد، اما برخی از طرف‌های گفت‌وگو به طور خاص اسلام را هدف گرفته‌اند، نه دین را به طور کلی. برای مثال، گِرد پوین، کتابش را به مثابه واکنشی به نقد مسیحیت توسط مسلمانان شکل داده است - در میانه‌های دهه هشتاد میلادی رویکردی با تمرکز بر مشکلات متنی اناجیل توسط سخنرانی با اطلاعات اندک، اما با شخصیتی نافذ، به نام احمد دیدات در میان مسلمانان انگلیسی‌زبان غیرمتخصص محبوبیت یافته بود. پوین ضدحمله‌ای را با تمسک به استدلال «خودت چی؟» درباره وقوع تحریف متنی در قرآن تدارک می‌بیند: «مسلمانان ... دوست دارند به آثار متنی استناد کنند تا نشان دهند که بایبل تاریخمند است و مستقیم از آسمان به زمین نیامده است، اما تا کنون چنین بحثی را درباره قرآن پیش نکرده‌اند. تنها راه برای شکستن این سد این است که ثابت کنیم که قرآن هم تاریخی دارد. اوراق صنعاء در این کار به ما کمک می‌کنند» سخن گِرد پوین را تویی لیستر در مقاله «قرآن چیست؟»، ص ۴۴ نقل کرده است.

طرف اشاره می‌شد که مخطوطات صنعاء، اصل و پایه تعالیم دینی را ابطال می‌کنند و از سوی دیگر توضیح داده نمی‌شد که چگونه؛ چراکه در خصوص این مخطوطات چیزی فراتر از این یافته که اختلافاتی در آن‌ها وجود دارد آشکار نشده بود؛ یافته‌ای که از نقطه نظر علوم سنتی اسلامی، مشاهده‌ای پیش پا افتاده و عادی است.^۱ این خلأ اطلاعاتی مبهم، با انداختن مسئولیت‌ها بر دوش دولت یمن، و تمایل مدعایی آن به کتمان شواهد خیالی مشکل آفرین، توجیه می‌شد.

داستان ممانعت دولت یمن، داستانی نادرست است. صحیح است که گِرد پویین نه تصاویری را که تهیه کرده بود با محققان دیگر که از وی درخواست کرده بودند به اشتراک گذاشت، و نه خود چیز زیادی در خصوص آن‌ها منتشر کرد؛^۲ اما این کار تصمیم شخصی وی بوده است (که وی در این امر ذی‌حق

۱. روزنامه‌نگاران و برخی از مخبران دانشگاهی آنها می‌گویند عالمان مسلمان از اختلافات متنی خبر ندارند. این حرف آنها چشم بستن بر روی انبوهی از کتاب‌های نوشته‌شده درباره اختلاف قرائات و مصاحف، و بحث‌های نقد متن درباره آنها در کتب تفسیری و دیگر منابع است. آنها همچنین این گونه القا می‌کنند که تنها دانشمندان غربی هستند که اکنون در حال استفاده از «ابزارهای تحلیلی» مناسب درباره قرآن هستند ("Islam, Virgins, and Grapes"). این روزنامه‌نگاران شواهدی را که خللی در روایتشان درباره زیرورو شدن عقاید اسلامی به سبب تحقیقات جدید وارد می‌کنند، نادیده می‌گیرند. آنان وقتی هم که نظریه‌های ونزبرو و نسخه‌های کهن را کنار هم می‌گذارند، باز هم هیچ گاه به این نتیجه نمی‌رسند که آن نسخه‌ها نظریه ونزبرو را رد می‌کنند. آنها فقط به این دلیل به نسخه‌های کهن علاقه نشان می‌دهند که باور دارند که آنها دیدگاه‌های سنتی را رد می‌کنند. آنها همچنین هیچ توجیهی به این نکته نمی‌کنند که پوست‌نوشته‌ها این نظریه جدید را رد می‌کنند که مصاحف صحابه جعلی بوده‌اند. شواهد تنها زمانی برای آنها جالبند که دست‌کم حاوی معنایی مبهم برای تأیید نظریات تجدیدنظرطلبانه باشند.

۲. خروجی‌های علمی گِرد پویین درباره مجموعه صنعاء شامل سه مقاله می‌شود که در آنها او مطالب بسیار کمی درباره نسخه‌ها می‌گوید و اصلاً بحثی درباره پوست‌نوشته‌ها ندارد. مشخصات این سه مقاله چنین است: Gerd-Rüdiger Puin, "Observations," cited above in footnote 33; Gerd-Rüdiger Puin, "Über die Bedeutung der ältesten Koranfragmente aus Sanaa (Jemen) für die Orthographiegeschichte des Korans," *Magazin Forschung, Universität des Saarlandes*, 1 (1999): 37–40, 46; Gerd-Rüdiger Puin, "Die Utopie einer kritischen Koranedition," in *Schlaglichter: Die beiden ersten islamischen Jahrhunderte*, ed. Markus Groß et al. (Berlin: Hans Schiler, 2008), 516–71.

پویین در اولین مقاله می‌نویسد: «من با این ملاحظات مدعی حرفی نو یا غیرمنتظره نیستم، به جز پاراگراف آخر که درباره ترتیب متفاوت سوره‌ها بحث می‌کند» (ص ۱۰۸). این راجع به این ایده اوست که انتقال بین سوره‌ها در این نسخه‌ها که با ترتیب رایج سوره‌ها سازگار نیست، به یک سنت متنی متفاوت اشاره ←

است) و نه کار دولت یمن. وانگهی، هیچ چیز مانع این نبود که دیگر محققان جهت مطالعه برگه‌های موجود و نوشتن در مورد آن‌ها به یمن بروند. برگه‌ها، مخطوطات و

دارد. با این حال، نویسنده هیچ اطلاعاتی به دست نمی‌دهد که بر اساس آنها بتوان شواهد را ارزیابی کرد (آیا نسخه‌های مورد بحث کهن بوده‌اند یا متأخر؟ آیا متن آنها مؤید یک تقسیم‌بندی غیرعشمانی است؟ آیا چیزی دال بر این وجود دارد که نسخه‌ها شکل دهنده مصحف‌های کاملی بوده‌اند یا فقط گلچینی از سوره‌ها بوده‌اند؟). برای اطلاعات بیشتر درباره این مقاله، نک: بالا، ص ۶۶، پانویس ۱.

پوین در مقاله دوشم بیشتر بر این واقعیت از پیش دانسته تمرکز می‌کند که در رسم الخط قدیم [عربی] یک دندان می‌توانسته نشانگر صدای «آ» باشد. او می‌گوید که دندان «ابراهیم» و «شیطان» که «ی» خوانده می‌شوند، در اصل «آ» خوانده می‌شده‌اند و بنابراین اصل آنها «ابراهام» و «ساطران» بوده است؛ اما این تلفظ‌ها بعداً به دست فراموشی سپرده شده‌اند. واقعیت این است که چند تن از قراء، از جمله یکی از قراء سبعمه، یعنی ابن عامر دمشقی (د. ۱۱۸)، ابراهیم را ابراهام می‌خوانده‌اند؛ چنان‌که، برای مثال، در کتاب خطیب، معجم، ۱۸۷/۱، ۶۰۰/۲ گفته شده است؛ اما به هر روی، این ثابت نمی‌کند که این نام در مکه اوایل قرن هفتم میلادی اینچنین تلفظ می‌شده است. علاوه بر این، پوین می‌گوید که این ابهام دندان بدین معناست که کلمه «اله» می‌توانسته در اصل مثل کلمه «الیه» نوشته شده باشد. او از اینجا به این نتیجه «فرضی» می‌رسد که در آیه «لا اله الا هو الیه المصیر؛ هیچ خدایی جز او نیست؛ راه سفر به سوی اوست» (غافر: ۳) باید به این صورت تصحیح شود: «لا اله الا هو اله المصیر» که بدین معناست: «هیچ خدایی جز او، خدای سرنوشت، نیست». پوین بانگ بر می‌آورد که «چه معنای قرآنی زیبایی! چه معنای بابیلی زیبایی، در مقایسه با آن تفسیر سنتی!». اما بعد خود او این فرضیه را رد می‌کند و می‌گوید: «ارتباط میان واژه «سرنوشت» [المصیر] و حرف اضافه‌ی «الی» چنان در بسیاری دیگر از عبارات قرآنی جاافتاده است که باید تفسیر «خدای سرنوشت» را یک نتیجه‌گیری شتابزده قلمداد کرد». در واقع، پوین در نادرست انگاشتن این پیشنهاد، بر حق است (ن. ک: آل عمران: ۲۸؛ نور: ۴۲؛ فاطر: ۱۸؛ مائده: ۱۸؛ لقمان: ۱۴؛ شوری: ۱۵؛ تغابن: ۳؛ حج: ۴۸؛ لقمان: ۱۴؛ ق: ۴۳؛ بقره: ۲۸۵؛ ممتحنة: ۴).

بنابراین، پوین تصحیحی را برای یک آیه کاملاً روشن و سراسر است تصور می‌کند، از خوانش پیشنهادی خودش به وجد می‌آید، و سپس می‌گوید آن پیشنهاد نمی‌تواند درست باشد. چه چیزی می‌تواند موجب چنین رویکردی شود؟ این آیه از آن آیاتی است که پوین آنها را «نامفهوم» قلمداد می‌کند و بنابراین آنها را نیازمند تصحیح می‌داند. او هشدار می‌دهد که بخش بزرگی از قرآن «هیچ معنایی نمی‌دهد» (این سخن گِرد پوین را توبی لستر در مقاله «قرآن چیست؟»، ص ۵۴ نقل کرده است) و بر آن است که مسلمانان نیز درباره بسیاری از بخش‌های قرآن چنین می‌اندیشند که بی معناست. این پیش فرض‌ها او را به سوی چنین نتایجی سوق می‌دهد: «به همین دلیل است که درباره ترجمه از قدیم نگرانی وجود داشته است. اگر قرآن نامفهوم است — یعنی اگر حتی به عربی هم فهمیده نمی‌شود — پس قابل ترجمه هم نیست. مردم از این می‌ترسیدند» (همان). این نظریه نشان‌دهنده یک ایده کلیدی در ذهن پوین است، یعنی پنهان‌سازی داده‌های رسوایی آور. طبق این ایده، آنچه باعث نگرانی و تردید مسلمانان درباره ترجمه قرآن می‌شد این بود که بخش‌های بزرگی از آن بی معنا بود و آنها خودشان هم از این موضوع خبر داشتند.

مقاله سوم گِرد پوین، از طریق ارائه اطلاعاتی جدید، صرفاً چند اختلاف املائی در نسخه‌ها را ذکر می‌کند.

میکروفیلم‌ها همچنان در دسترس بازدیدکنندگان قرار داشتند. در سال ۲۰۰۷ سر جیو نويا نوسدا و شاگرد سابقش، منیر عربش در قالب بخشی از پروژه‌ای که توسط کریستیان رُبن تأسیس شده بود، به راحتی تصاویری از برگه‌های دارالمخطوطات 01-27.1 تهیه کردند. وقتی ما از رُبن پرسیدیم که آیا دولت یمن بر سر این کار ایجاد مانع کرد یا خیر، او پاسخ منفی داد و به ما گفت که دسترسی که به آن‌ها اعطا شده بود بیشتر از آن چیزی بود که در برخی از کتابخانه‌های اروپایی داده می‌شود. رُبن و همکارانش برای انتشار تصاویر از اجازه و تأیید مقامات یمنی برخوردارند. ما همچنین از اورسولا درایتهولتس، سرپرست پروژه مرمت، پرسیدیم که آیا مقامات یمنی مانع تحقیقات شده‌اند؟ وی پاسخ منفی داد و مقامات یمنی را پشتیبان پروژه خواند.^۱

گذشته از این، دیگر افراد شرکت کننده در پروژه یمن، این سخن گُرد پوین را تأیید نمی‌کنند که مقامات یمنی «می‌خواهند این امور بی سر و صدا بماند» یا اینکه «آنها نمی‌خواهند کاری که در آنجا انجام می‌شود به هیچ وجه علنی شود.»^۲ اورسولا درایتهولتس کار بر روی پروژه را چهار سال پس از اتمام کار پوین ادامه داد. او بیش از هر شخص دیگری وقت صرف این پروژه کرد و طی سه سال گذشته، او تنها فرد خارجی بود که به صورت تمام وقت در دارالمخطوطات کار می‌کرد. اورسولا به ما گفت که مقامات یمنی «کاملاً قدردان» کار انجام گرفته توسط خارجی‌ها بودند. آن‌ها به گنجینه‌هایی که در اختیار داشتند «افتخار» می‌کردند و «دانش آموزان مدارس، دانشجویان، هیئت‌های خارجی، شخصیت‌های مذهبی و سران کشورها همچون فرانسوا میتران [رئیس جمهور فرانسه از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵]، گرهارد شرودر [صدراعظم آلمان مابین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵] و شاهزاده کلاوس هلندی [۱۹۲۶-۲۰۰۰] را برای بازدید از این مجموعه به آنجا می‌آوردند.»^۳ علی‌رغم اینکه

۱. تنها مورد مطمئن از مانع‌تراشی که ما از آنها مطلع شدیم، به روایت درایتهولتس چنین است: یک کتابدار ادعا کرد که کلید (اتاق مطالعه، اگر اشتباه نکنیم) را گم کرده است (درایتهولتس، مصاحبه تلفنی، ۸ آگوست ۲۰۱۱). فُن بُمر خودش گفت که آن کلید تا یک هفته همچنان «گمشده» بوده است (فُن بُمر، مصاحبه تلفنی، ۲۶ آگوست ۲۰۱۱). ما با کتابدار مصاحبه نکردیم و در هر حال این اتفاق چیزی بیشتر از یک غفلت نبوده است.

۲. این سخن گُرد پوین را توبی لیستر در مقاله «قرآن چیست؟»، ص ۴۴ نقل کرده است.

۳. گفتگوی تلفنی با اورسولا درایتهولتس، در تاریخ ۳۰ جولای ۲۰۱۱.

آزادی داده شده از سوی مقامات یمنی، نعمتی برای پژوهش و تحقیق بود، اما آن‌ها نهایتاً برای این کار تاوان پس دادند و سرزنش شدند. رسانه‌های آمریکایی به تریبونی برای سخنان مغلوط‌گِرد پوین تبدیل شدند؛ و به روایتی دامن زدند که دولت یمن را تحقیر می‌کرد و کار انجام شده در آنجا را بد جلوه می‌داد. مطبوعات عرب نیز به نوبه خود در مورد این داستان آمریکایی اغراق کردند. نتیجه این فرآیند، فضای رسانه‌ای در یمن بود که حاصل سه مرحله تصویرسازی غلط بود. این موضوع مقامات یمنی مسئول دارالمخطوطات را برآشفته کرد، و رئیس سازمان آثار باستانی مجبور شد در پارلمان از تصمیم [خود مبنی بر] آوردن خارجیان دفاع کند.^۱

۱. اطلاعات ما در باب این مجادلات در یمن، مبتنی بر مصاحبه تلفنی با اورسولا یراینهولتس، در تاریخ ۳۰ جولای ۲۰۱۱، و ایمیل دریافتی از وی در تاریخ ۸ آگوست ۲۰۱۱ است.

یادداشتی بر این ویرایش

در اواخر سال ۲۰۰۹، هنگامی که ما عکس‌ها و تصاویر ماورای بنفش نسخه دارالمخطوطات 01-27.1 را از کریستیان رُبِن درخواست کردیم، وی بی‌درنگ پذیرفت و برای رساندن آن‌ها به ما متحمل زحمت و صرف هزینه شد. مقاله حاضر جز با پیش‌قدمی کریستیان رُبِن، بلندنظری و گشاده‌دستی ستودنی او امکان پذیر نبود. این ویرایش از نوشته زیرین مصحف صنعاء ۱ بر مبنای تمام برگه‌هاست، به جز برگه شماره ۲۱ از دارالمخطوطات 01-27.1 که تصویر آن را در اختیار نداشتیم. برگه‌ها در جدول زیر فهرست شده‌اند.

جدول ۳. برگه‌های مصحف صنعاء ۱

نام برگه	محتوای متن زیرین	محتوای متن رویی	قطعه به جامانده
2A	بقرة: ۸۷-۹۶	انعام: ۱۴۹-۱۵۹	(تقریباً) همه
2B	بقرة: ۹۶-۱۰۵	انعام: ۱۵۹-اعراف: ۱۱	
استفورد ۲۰۰۷، رو	بقرة: ۱۹۱-۱۹۶	بقرة: ۲۶۵-۲۷۱	(تقریباً) همه
استفورد ۲۰۰۷، پشت	بقرة: ۱۹۷-۲۰۵	بقرة: ۲۷۱-۲۷۷	
دیوید ۸۶/۲۰۰۳، رو	بقرة: ۲۰۶-۲۱۷	بقرة: ۲۷۷-۲۸۲	(تقریباً) همه
دیوید ۸۶/۲۰۰۳، پشت	بقرة: ۲۱۷-۲۲۳	بقرة: ۲۸۲-۲۸۶	
بُنهامز ۲۰۰۰، رو	ماندة: ۴۱-۴۸	نساء: ۳۳-۴۳	(تقریباً) همه
بُنهامز ۲۰۰۰، پشت	ماندة: ۴۸-۵۴	نساء: ۴۳-۵۶	
4A	هود: ۱۰۵-۱۱۲	ابراهیم: ۳۲-۴۱	کمتر از نصف
4B	هود: ۱۲۰-انفال: ۳	ابراهیم: ۴۲-حجر: ۱۶	

ادامه جدول

نام برگه	محتوای متن زیرین	محتوای متن رویی	قطعه به جامانده
5A	انفال: ۷۳ - توبه: ۷	نحل: ۷۳-۸۹	(تقریباً) همه
5B	توبه: ۱۶-۷	نحل: ۸۹-۱۰۲	
6A	توبه: ۱۷-۲۶	نحل: ۱۰۲-۱۱۸	(تقریباً) همه
6B	توبه: ۲۶-۳۴	نحل: ۱۱۸-اسراء: ۶	
20A	توبه: ۷۰-۸۱	روم: ۲۶-۴۰	بیشتر از سه چهارم
20B	توبه: ۸۱-۹۰	روم: ۴۰-۵۴	
21A	توبه: ۱۰۶-۱۱۳	لقمان: ۲۴ - سجده: ۴	؟
21B	توبه: ۱۱۴-۱۲۰	سجده: ۴-۳۰	
22A	توبه: ۱۲۱-مریم: ۵	سجده: ۲۰-احزاب: ۶	بیشتر از سه چهارم
22B	مریم: ۶-۲۹	احزاب: ۶-۱۸	
23A	مریم: ۲۹-۵۳	احزاب: ۱۸-۲۹	بیشتر از سه چهارم
23B	مریم: ۵۴-۷۴	احزاب: ۳۰-۳۷	
7A	حج: ۱۵-۲۶	اسراء: ۴۰-۵۸	حدود سه چهارم
7B	حج: ۲۷-۳۹	اسراء: ۵۹-۷۷	
31A	یوسف: ۱۷-۲۰	زخرف: ۶۳-۶۹	کمتر از یک چهارم
31B	یوسف: ۲۷-۳۱	زخرف: ۸۹-دخان: ۱۱	
32A	یوسف: ۱۱۱-کهف: ۵	محمد: ۱۵-۲۰	کمتر از یک چهارم
32B	کهف: ۱۵-۱۸	محمد: ۳۲-فتح: ۲	
13A	نحل: ۲۶-۳۷	انبیاء: ۴۲-۷۲	(تقریباً) همه
13B	نحل: ۳۷-۵۹	انبیاء: ۷۲-۹۲	
14A	نحل: ۶۸-۶۹	انبیاء: ۱۱۱-حج: ۱	کمتر از یک دهم
14B	نحل: ۷۸-۷۹	حج: ۱۵-۱۶	
9A	احزاب: ۵۱-۵۷	مریم: ۳۸-۶۴	حدود سه چهارم
9B	احزاب: ۵۷-۷۲	مریم: ۶۴-۹۸	
25A	زمر: ۲۵-۳۶	صافات: ۳۸-۵۹	کمتر از یک چهارم
25B	زمر: ۴۲-۴۷	صافات: ۷۳-۸۸	

ادامه جدول

نام برگه	محتوای متن زیرین	محتوای متن رویی	قطعه به جامانده
26A	زمر: ۵۱:۷۰	صافات: ۱۳۴-۱۰۲	کمتر از نصف
26B	زمر: ۷۰-غافر: ۸	صافات: ۱۷۲-۱۳۴	
15A	طه: ۶۱-۲۳	فرقان: ۳۴-۱۰	(تقریباً) همه
15B	طه: ۸۰-۶۱	فرقان: ۵۹-۳۴	
30B	طه: ۱۳۳-۱۲۲	شوری: ۴۸-۳۸	حدود نصف
30A	انبیاء: ۱۹-۵	شوری: ۲۹-۲۱	
10A	؟ - نور: ۱۳	طه: ۴۳-۱	بیشتر از سه چهارم
10B	نور: ۲۳-۱۳	طه: ۷۴-۴۴	
11A	نور: ۳۲-۲۳	طه: ۹۸-۷۴	(تقریباً) همه
11B	نور: ۴۰-۳۲	طه: ۱۳۰-۹۸	
33A	سبأ: ۲۳-۱۳	الرحمن: ۱۶-واقعه: ۴	حدود سه چهارم
33B	سبأ: ۳۳-۲۳	واقعه: ۶۹-۵	
34A	سبأ: ۴۷-۴۰	حدید: ۱۰-۱	حدود یک چهارم
34B	رعد: ۵-۱	حدید: ۲۲-۱۶	
35A	رعد: ۱۴-۶	حدید: ۲۷-مجادله: ۶	حدود یک چهارم
35B	رعد: ۲۱-۱۶	مجادله: ۲۲-۱۱	
36A	رعد: ۳۱-۲۵	حشر: ۱۰-۱	حدود نصف
36B	رعد: ۴۰-۳۳	حشر: ۱۴-ممتحنه: ۱	
16B	قصص: ۲۴-۱۹	شعراء: ۲۲۱-۱۹۸	حدود یک دهم
16A	قصص: ۳۵-۳۰	شعراء: ۱۷۶-۱۵۵	
28A	صافات: ۳۳-۱۵	فصلت: ۲۷-۱۷	حدود یک سوم
28B	صافات: ۶۸-۴۳	فصلت: ۴۳-۳۳	
29A	صافات: ۱۰۳-۸۲	فصلت: ۴۷-شوری: ۵	حدود یک سوم
29B	صافات: ۱۴۴-۱۱۸	شوری: ۱۶-۱۰	
18A	حجر: ۳۳-۴	قصص: ۷۴-۵۸	(تقریباً) همه
18B	حجر: ۷۴-۳۳	قصص: ۸۶-۷۴	

ادامه جدول

نام برگه	محتوای متن زیرین	محتوای متن رویی	قطعه به جامانده
19B	حجر: ۸۷-فرقان: ۸	عنکبوت: ۴۳-۵۴	حدود نصف
19A	فرقان: ۲۷-۱۴	عنکبوت: ۲۹-۴۰	
24A	ناخوانا	سبأ: ۵۲-فاطر: ۹	حدود نصف
24B	روم: ۵۰-۳۸	فاطر: ۱۰-۱۸	
3A	ناخوانا	توبه: ۱۱۲-۱۱۵	کمتر از یک دهم
3B	فاطر: ۴۹-۳۹	توبه: ۱۲۴-۱۲۷	
کریستیز ۲۰۰۸، پشت	منافقون: ۱-جمعه: ۱۱	مائده: ۳-۹	(تقریباً) همه
کریستیز ۲۰۰۸، رو	جمعه: ۱۱-فجر-بلد: ۶	نساء: ۱۷۱-مائده: ۳	
1A	ناخوانا	انعام: ۴۹-۶۱	(تقریباً) همه
1B	ناخوانا	انعام: ۶۱-۷۳	
8A	ناخوانا	کهف: ۲۲	کمتر از یک دهم
8B	ناخوانا	کهف: ۳۲	
12A	ناخوانا	انبیاء: ۱۶-۱۹	کمتر از یک دهم
12B	ناخوانا	انبیاء: ۳۸-۴۲	
17A	بدون حدس و گمانه	نمل: ۲۵-۲۹	کمتر از یک دهم
17B	بدون حدس و گمانه	نمل: ۴۶-۴۹	
27A	ناخوانا	ص: ۷۳-۷۵	کمتر از یک دهم
27B	ناخوانا	زمر: ۶	

ترتیبی که بر اساس آن متن زیرین برگه‌ها را در اینجا آورده‌ایم در جدول فوق آمده است. این ترتیب سوره‌ها به‌طور کلی از نظام مصحف اُبی بن کعب پیروی می‌کند، به عنوان تقریبی از ترتیب «صحابی (۱)». برگه‌های دارالمخطوطات 1-27.01 با شماره‌هایی که به ترتیب آن‌ها در متن رویی اشاره دارد نام‌گذاری شده‌اند. هنگامی که از شماره یک سوره نام می‌بریم منظور شماره آن در ترتیب عثمانی است. و وقتی که شماره آیه‌ای را ذکر می‌کنیم، از نظام بخش‌بندی آیات کوفی که در اکثر قرآن‌های چاپ شده در خاور میانه به‌کار می‌رود، پیروی می‌کنیم.

از آنجا که اصلاحات سیاه رنگ متن زیرین بعد از نوشته شدن متن رویی انجام شده‌اند، در این ویرایش آن‌ها را لحاظ نکرده‌ایم.^۱ اما در مقابل از اصلاحات یا اضافات ظاهری که قدیمی‌تر از نوشته رویی هستند یا احتمال دارد که قدیمی‌تر از آن باشند در پانویس‌ها بحث شده است. به ویژه از خط سبزگون که گهگاه متن زیرین را اصلاح کرده است بحث خواهیم کرد. مطمئن نیستیم که این خط قبل از متن رویی نوشته شده یا بعد از آن.

در مورد سه برگه و نصفی که الیزابت پوین بازنویسی کرده است، با وجود اختلافات فراوان و متعدد، تعلیقات و بازنویسی‌های ما و الیزابت پوین تا حد زیادی مطابقت دارد. علاوه بر این، آلبا فدللی نیز تعدادی از اختلافات مهم را شناسایی و بررسی کرده است. به جای استناد به هریک از موارد تطابق به طور جداگانه در پانویس، ما در بالا به طور کلی به مقالات این محققان اشاره کرده‌ایم و در ادامه و در کتابنامه نیز چنین خواهیم کرد.

خواندن نوشته زیرین کاری دشوار و خسته کننده، و اشتباه در آن نیز اجتناب ناپذیر است. تصویربرداری از برگه‌های 01-27.1 در شرایط پرنورتر و با وضوح بالاتر نسبت به آنچه که ما در اختیار داشته‌ایم، قاعدتا باید امکان خوانش دقیق‌تری از برگه‌ها را فراهم آورد. برای این برگه‌ها، تصاویر ماورای بنفش بسیار مفید بودند. روشی که بالاترین درجه از دقت را به دست خواهد داد، تصویر برداری با اشعه ایکس فلونورسانس (XRF) است، و تنها می‌توان امیدوار بود که روزی این روش برای تمام این دست‌نوشته به کار رود. به کار بستن این شیوه توسط اوه پرگمن بر روی برگه استنفورد ۲۰۰۷، خصوصیتی از متن را آشکار کرد که در غیر این صورت قابل رؤیت نبود؛ از جمله با نمایان ساختن بقایایی از آهن، روی و مس جوهر که داخل پوست دفن شده بودند. از برگه‌های استنفورد ۲۰۰۷ و دیوید ۸۶/۲۰۰۳ تصاویری روشن و با وضوح بالا در اختیار داشتیم، اما تصاویری که از برگه‌های کریستیز ۲۰۰۸ و بنهامز ۲۰۰۰ داریم، از وضوح پایین‌تری برخوردارند. امیدواریم تلاش‌های بیشتر از سوی دیگر محققان و تصاویر بهتری که خوانش‌های دقیق‌تری از متن به دست دهند، موجب منسوخ شدن این ویرایش شوند.

۱. در خصوص اصلاح کننده متن زیرین، پانویس ش ۲ در صفحه ۵۴ را در صفحات پیشین ببینید.

علائم و قراردادهای

- (X) تنها بخشی از متن قابل رؤیت است اما این بخش قابل رؤیت برای خواندن آن کفایت می‌کند
- [X] برخی از آثار جوهر با قرائت X سازگار است اما می‌تواند با دیگر قرائات نیز همخوانی داشته باشد. بنابراین این قرائت حدسی است
- / / برگه از لحاظ فیزیکی موجود است اما دشوار می‌توان اثری از متن یافت. هیچ یک از حروف الفبا قابل شناسایی نیستند. فاصله میان دو اسلش // تقریباً متناسب با مقدار افتادگی متن است برگه از لحاظ فیزیکی موجود نیست. فاصله میان آکولادها تقریباً متناسب با اندازه افتادگی است.
- { }
- جداکننده آیات. نبود این علامت معمولاً بدین معنا نیست که در متن زیرین جداکننده آیات وجود ندارد؛ بلکه تنها به این معناست که این جداکننده قابل رؤیت نیست.
- تزیینات / نقوش تزیینی

متن لایه زیرین مصحف صنعاء ۱

برگه 2A (سورة بقره: ۸۷-۹۶)

- ۱ واداء (ب) مو سی الکتب و فعد [ب] علی (ا) بر { }
- ۲ نالر سل (و) ا (ت) [ب] (ع) سی ا (س) مر (د) م ا [ب] (ب) (و) ا [ب] { }
- ۳ نه نا [ب] (و) ح الفد (س) افکل [م] حاکم ر { }
- ۴ ل (نم) لا (ب) [و] ی ا [ب] فسکم فر (ب) [ف] کد نیم [و] فر { }
- ۵ [ف] [و] ن ○ و فالو [و] افلو بنا علف نل [ط] [ع] [ل] له { }
- ۶ علی [ب] (ه) [ط] لمهم فعد (ب) لا ما بو منون ○ ولما حاهم (کتب) { }
- ۷ مصدق لما معهم و فدکا بو ام فیل یستق [ت] [د] [و] ن { }
- ۸ علی الد (س) کفر و افلما حاهم فر (ع) [ر] هو ه //
- ۹ کفر (ز) و انه فلعه الله علی الکفر بن ○ فیسما
- ۱۰ سر و انه انفسهم ان کفر و انما نل الل [ه]
- ۱۱ بعد (ا) و عد و ان نل الل (ه) (من) فصله علی
- ۱۲ من بسا من عده فنا (و) بعصب علی عصب و
- ۱۳ للکفر بن عذاب (ل) [نم] ○ وادافیل لهم ا
- ۱۴ منو انما نل الله فالو [نو] من نما [بر]
- ۱۵ ل علینا من کتب و کفر و نما و راه و هو (ا)
- ۱۶ لحق مصدق لما معهم فل (ه) یقلون انسا الل [له]
- ۱۷ من فیل ان کنیم مو م [ب] (س) (○) و لعد حاکم م (و)
- ۱۸ سی نالسیب نم ا نحد' نم الل (ع) حل من بعده [و] (ا)
- ۱۹ بنم ظلمون ○ واداد حدنا منیعکم و (ر) ف /
- ۲۰ هو فکم الطور حد و ما اسکم نفو [ه] //
- ۲۱ اسمعوا [ف] لو اسم [ع] با و عصنا و اشر بو (ا) { }
- ۲۲ فی فلو بهم العجل کفر هم بسما نا مر کم // (ه) { }
- ۲۳ انیمکم ا (ن) کنیم مو منن ○ فل ان کرب (کتب) لکم (م) { }
- ۲۴ الدا (ر) الا حره عد الل [ه] (ن) [د] [و] ن ا { }

۱. آثاری بر روی دندانه وجود دارد که می‌تواند مربوط به علائم اعجام حروف صامت یا نقطه‌گذاری برای حرف تاء باشد.

- برگه 2B (سورة بقره: ۹۶-۱۰۵)

۱. بخش ناخوانایی که پیش از حاء قرار دارد برای نویسه «مر حر» کوچک است. احتمالاً کلمه «بُشْرَجِه» باشد که در اینجا برای مصحف ابن مسعود گزارش شده است.
۲. به نظر می‌رسد متن نسخه «و ما الله بغافل عما يعملون» باشد.
۳. دو اثر کوچک دایره مانند از جوهر بالای دندانان وجود دارد. کارکرد این نقطه‌ها روشن نیست.
۴. کلمه‌ای دیگر اندکی پایین‌تر از سطر، زیر عبارت «و بُشْرَى» نوشته شده که ظاهراً کلمه «هدی» است. هرچند فضای کافی برای «و» پیش از این کلمه وجود دارد، اما این نویسه قابل رؤیت نیست. روشن نیست که آیا کاتب کلمه مفروض «هدی» را به «و بشری» اضافه کرده است یا سعی داشته کلمه «هدی» را جایگزین واژه «بشری» کند.
۵. احتمالاً در ابتدای آیه، «قل» اضافه شده است. ۶. این کلمه ممکن است «انبیانه» باشد.
۷. از آنجا که آخرین کلمه در این سطر دارای ضمیر مخاطب است، احتمالاً فعل نیز در اینجا باید جمع مخاطب باشد، یعنی «عاهدتم».
۸. از آنجا که آخرین کلمه در این سطر دارای ضمیر مخاطب است، احتمالاً فعل نیز در اینجا باید جمع مخاطب باشد، یعنی «عاهدتم».
۹. بخش ناخوانا برای جای دادن متن رسمی مابین «یَعْلَمُونَ» و «الملکین» کافی است. اما آثار اندک به جا مانده در این بخش چندان با متن رسمی مطابقت ندارد. به ویژه آنکه کلمه نخست به نظر نمی‌رسد که

- ۱۵ (و) م ر و ب و ما نعلم (ن) [م] (ا حد) حنا [ب] [فو] / /
 ۱۶ اما [ب] [ح] / / [ب] [ه] فلا [ب] [ه] (ر) و ا فنعلمون منهما ما
 ۱۷ / / و ما نعرف (و) [ب] / / الم ر (و) ر و
 ۱۸ (ه) و ما نصر^۳ به (م) ا حد الا نادى الله
 ۱۹ و نعلمون ما نصر [م] و لا نفعهم و لد (ع) [م] (و)
 ۲۰ { } الم ن اسرى نه ماله فى الاحر ه من خلق
 ۲۱ { } (و) / / [ب] / / سر / / نه ا ب [ف] [ه] [م] لو كا بوا (ب) [م] [و] ن ○^۵
 ۲۲ { } (و) لو / / (و) انعوا الم (ب) (ه) (م) الله حنر
 ۲۳ { } و (ك) بوا (ب) لمون [○] با (ب) الدس امنوا لا
 ۲۴ { } / / (و) ار عا و (ف) بوا انظر // [ب] (و) اسمع
 ۲۵ { } { } [ب] [ف] (ر) [ب] عد (ا) ب ال (ب) م ○ ما بودا
 ۲۶ { } { } [د] [ب] كفو و [ا م] اهل الكتب او المسر
 ۲۷ { } { } (كو) ن ا ن سر ل عليكم [م] (ن) ا (د) / / من حنر و لك { }
 ۲۸ { } { } الله / / ر ح (م) ه (م) / / [س] و (ا) الله { }

→ «الناس» باشد (احتمالاً «اليهود» است).

۱. آثار به جامانده با «لا» مطابقت ندارد. حرف نخست، دنداندار است (اما امکان دارد راء یا لامی باشد که بخش فوقانی آن پاک شده است). حرف آخر احتمالاً میم است چرا که یک خط کوچک افقی در انتهای آن که به دنباله حرف میم می ماند، وجود دارد.

۲. آثار به جامانده در بخش ناخوانای قبلی، گیج کننده است. نخستین حرف در این بخش حرف فاء است، اما ظاهراً از افزوده های بعدی است. این حرف به خطی مشابه با خط متن زیرین نوشته شده اما با رنگی اندک متفاوت ظاهر شده (با رنگ مایه سبز قوی تر) و شکل آن حاکی از آن است که بعداً افزوده شده است. (افزوده هایی مشابه را در برگه 10A (سطر ۱۰) و برگه 11B (سطر ۱۴) می توان مشاهده کرد). روشن نیست که آیا کلمه «فتنه» از ابتدا در متن زیرین بوده یا نه. آثاری از علائم اعجام حروف صامت یا نقطه گذاری برای حرف تاء (پس از حرف فاء) حاکی از آن است که متن از همان ابتدا کلمه «فتنه» را دارا بوده است اما این آثار نیز می تواند از افزوده های بعدی باشد (رنگ آن ها چندان واضح نیست). یک احتمال آن است که در متن کلمه «محنة» آمده باشد، زیرا آثار پس از فاء مندرج با حاء مطابقت دارد. مقاتل بن سلیمان روایتی تفسیری از حسن بصری نقل می کند که در آن، «فتنة» به «محنة» تفسیر شده است (نک. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ویراسته احمد فرید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳، ۶۹/۱).

۳. احتمالاً این کلمه «بضران» است.

۴. تنها بخش کوچکی از قسمت فوقانی این الف مفروض قابل رؤیت است مابقی آن به وسیله الف متن رویی پوشیده شده است. مقدار فضایی موجود پیش از این الف مفروض و آثار به جامانده حاکی از آن است که متن نمی تواند «لَيْسَ مَا» باشد، بلکه احتمالاً این کلمه سر هم به صورت «نسمما» کتابت شده است.

۵. این جدا کننده آیات شکل ویژه ای برای نشان دادن آیات صدگان دارد.

۶. بخش ناخوانای پیش از الف کوچک است که بر آموها به جای آنهم آموها دلالت دارد.

۷. احتمالاً این کلمه «الله» است.

۸. آثار اندک به جامانده در این بخش با «ندحل فی» مطابقت دارد.

برگه استنفورد ۲۰۰۷، رو (سورة بقره: ۱۹۱-۱۹۶)

- ۱ و (ا) فتلوا هم / (ب) / [ب] موهم و احر حو / { }
- ۲ من حساب احر / کم و ا (ل) / (ه) ا { } سد
- ۳ من ال (ف) بل و لا یقتلوا هم عند المسجد
- ۴ (ا) لحر م ح / نفس (لو) کم فان قتلو کم فاقتلو
- ۵ (ه) م (د) لک جز الکفر س ○ فا (ن) انت (ه) و^۲
- ۶ [ف] (ا) [ن] / له عفور رحم ○ و قتلو هم حتا
- ۷ (لا) بکرو (و) / (ف) / و بکون الدین کله
- ۸ [ل] به [ل] ن انتھوا فلا عدو ن الا علی
- ۹ الفلا / ن ○ ال (س) بهر^۳ الحر م با الشهر الحر
- ۱۰ م و / / لحر مت فصص و من اعتدی علیکم
- ۱۱ فا عد / (و) علیه بمثل ما اعتدی علیکم به
- ۱۲ و (ا) تعرو^۴ الله و اعلموا ان الله
- ۱۳ (م) / / لم تقس^۴ ○ و (ا) ن (ف) / / فی سبل الله و لا
- ۱۴ یلعوا اناد بکم الی التهلكه و ا
- ۱۵ [ح] [س] (ذ) / / ان الله یحب المحسن^۵ ○ و اسمو^۶
- ۱۶ الح و العمره لله^۷ ان احصر [ب] //
- ۱۷ هم // تنسر من الهدی و لا تحلفوا حتا یسلع^۸
- ۱۸ الهدی محله فان کان احد منکم^۹ مر
- ۱۹ بضاً او به اذی من ر (ا) سه قد به
- ۲۰ من صم ا و نسک فاذا انتم من هم^{۱۰} (ب) //
- ۲۱ نعمر ته الی ا / هما تنسر من ا (ل) / (ی)
- ۲۲ هم لم یحد فصم ثلثه^{۱۱} اسم فی الح //

۱. بالای دندانها تنها یک نقطه قابل رؤیت است.
۲. ظاهراً در انتهای این کلمه «الف» وجود ندارد.
۳. بر روی حرف شین تنها یک نقطه قابل رؤیت است.
۴. فضای کوچک پس از حرف میم نشان می‌دهد که الف در اینجا وجود ندارد.
۵. ظاهراً کلمه «احسنوا» به الف [زینت] ختم نمی‌شود.
۶. یک دندان از قلم افتاده است.
۷. نمی‌توان این احتمال را نادیده گرفت که کاتب ابتدا «اقیموا» کتابت کرده و سپس آن را به «اتقوا» تصحیح کرده باشد.
۸. احتمالاً پیش از الف حرف «فاء» قرار دارد.
۹. احتمالاً سومین حرف، حرف ثاء باشد هر چند که تنها دو نقطه (از نقطه‌های اعجام حروف) بالای آن قابل رؤیت است.

- ۲۳ سبعة اذار جعتم تلك عشره كمله
 ۲۴ { } دلک لمن لم یکن اهلہ حضری الم // { }
 ۲۵ { } الحر // و / (۱) (۱) (۱) [۴] (۱) (۱) // { } ۱

برگه استنفورد ۲۰۰۷، پشت (سورة بقره: ۱۹۷-۲۰۵)

- ۱ { } (۱) سهر (مع) / ب^۲ فم(ن) ه // ص [ف] [ه] [ن] الح
 ۲ (لا) ر { } ف [ف] [ه] [ن] و لا فسو // (و) لا [حد] ل فی
 ۳ ا (لح) (و) ما یعملوا من حیر تعلمه الله و یرو دوا
 ۴ ان حیر الردا لغوی و یعو // نا و لا الالب
 ۵ لیس علیکم حج ان یسعو ا (۱) (ل) فصل من (ر) یکم فا
 ۶ ا ا [ف] صم من عز ف و ذکر و الله عدد
 ۷ المسعر الحرم و ا ذکر و ه کما / و
 ۸ ان کنتم قبله لمن الصلن ○ بم افصوا من حنن
 ۹ افص الناس و اسعیر و الله ان الله
 ۱۰ عفور رحیم ○ و اذا افصم مسککم فا
 ۱۱ ذکر و الله کذکر کم انکم ا و اسد
 ۱۲ ذکر او / ۳ من یعول ر نسا فی (ه) [د] (ه)
 ۱۳ [لحو] ه [الد] نا و ماله فی الا حره من خلق ○ و
 ۱۴ منهم من یعول ر نسا فی الدنا و الا حره
 ۱۵ و (ب) ا عذاب النار ○ اولیک لهم بصب
 ۱۶ م / اکسون و الله سر نع الحساب ○ و اد
 ۱۷ کر // الله فی ا [ب] م معد و د ب فم یحل فی
 ۱۸ بو من فلا تم علیه و من ناجر فلا تم علیه
 ۱۹ / / ا یعی و (۱) یعو الله و ا علموا انکم ا
 ۲۰ / / بحسرون ○ ۴ و من الناس من یحبک فو
 ۲۱ [۴] (۴) فی [ه] ه [الحو] ه الدنا و یسعد الله
 ۲۲ { } علی ما فی / و هو الد الحصل [م] ○ و اد ا

۱. ظاهرأ به جای متن رسمی «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ» در اینجا «إِنَّ اللَّهَ» آمده است
 ۲. ممکن است این کلمه «معدودات» باشد.
 ۳. فضای موجود در اینجا کمتر از فضای مورد انتظار برای «من الناس» است. احتمال دارد که متن در اینجا
 «منهم» بوده باشد، هر چند فضای موجود بیشتر از مکان مورد نیاز برای این کلمه است.
 ۴. این جدا کننده آیه دارای شکل خاصی برای نشان دادن آیه شماره ۲۰۰ است.

٢٦ { } / / [و] (ص) [د] عن / - ١ / ٢ والم (سجد ال) / (ل) / { } /

برگه دیوید ۲۰۰۳/۸۶، پشت (سورة بقره: ۲۱۷-۲۲۳)

- ١ { [كتر] عدا / [] [ل] [فسه] / من (ا) // [فـ] [و] لا / لا (لو) ن
٢ حرفـ [بـ] (لو) نكم (حبـ) / (د) [و] كـ / ان ا (سـ) [طـ] // (ن) ٥ / ٦ (ن)
٣ / ا ٧ و لـ [كـ] اصحب
٤ ا [بار هم (فـ) [بـ] (هـ) حلد و ن (○) ان الد (نـ) (امو) او هحر
٥ (و) // (فى) / ٧ [حوـ] ن ر [حمـ] (ا) [لـ] له
٦ و ا (لا) [هـ] عـ [و] (ر) [ر حـم / (سـ) لو (نـك عـ) (ا) لـ (حـمـ) (و) ا
٧ (لـمـ) (سـر فل فهـما نـم (كـ) / و مزـ (فـرج) للـد / س (و) اـ / هـما
٨ (ا) كـر مـن (نـفـعـهـ) و / [بـ] سـا لـو (نـكـ) (مـزد) اسـفـعـ // ن (فـل العـ) { }
٩ كـا // (لـكـ) سـس اللـه [لـه] (لـكـم) / ا ١٠ [طـ] [كـ] // (بـ) [كـ] ز و ن (○) فى
١٠ (ا) لـد سـا و ا لا (حـ) (هـ) [و] سـا لـو نـك عـن (الـنـبـ) // (ى) فـ /
١١ (ا) صـلـجـ لـهـم (حـر و ا ن [تـحـلـطـو هـم فـرا حـو) // هـم " و ا (لا) { }
١٢ (نـعـلم الـمـفسـد) مـن المـصـلـح (و لـو) سـا الله لا

→

وسط. اینکه این کلمه چیست و متعلق به این سطر است یا سطر قبلی، روشن نیست.

۱. فضای موحود در اینجا برای «سبیل الله» کافی نیست این فضا با «سبیل» تطبیق می‌کند.

۲. درست پیش از کلمه «المَسْجِد»، عبارت «وَكُفِّرْ بِهِ» نیست. باید بگوییم یا از قلم افتاده، یا این عبارت (یا عبارت، که تازه همچون «وَكُفِّرْ») در ابتدای سطر، بیش از (وَصَدَّ) نوشته شده است.

۳. آثاری پیش از عین وجود دارد که به یک راء غیر متصل یا یک میم ابتدایی می ماند. احتمالاً این آثار مربوط به کلمه ای است که کاتب در ابتدا اینجا نوشته بوده است.

۴. احتمالاً سه از کاف ابتدای یک دندانه باشد.

۵. آثاری از یک الف را بر روی نون می‌توان دید. این الف دارای رنگ ماهی‌ای تیره‌تر و سبز نسبت به دیگر نوسه‌هاست. ممکن است نون که به احتمال خطای کاتب باشد بعدها تصحیح شده باشد.

۶. یک گردش قلم عمودی (که احتمالا مربوط به یک الف است) در وسط بخش ناخوانای پیش از نون، قابل مشاهده است که حاکی از آن است که متن با خوانش رسمی اختلاف دارد.

۷. صادقی پیش از این در نقد فیدلی، فرض کرده بود که این نون متعلق به کلمه «عَن» در عبارت «عَن دینِه» باشد. اما چنین فرضی قطعی نیست. همچنین دلیلی برای مسلم انگاشتن اینکه «عَن دینِه» از متن افتاده —

آن گونه که فیدلی پنداشته است - نداریم. متن تا حد زیادی ناخواناست و دشوار می توان به نتایج چندانی در این باره رسید. نک. صادقی و برگمن، مقاله «مصحف»، ص ۳۶۳.

۸. در اینجا فضای کاف، برای متن، رسم، مانع، این نقطه و کلمه «استطاعوا» در سطر قبل وجود ندارد.

۹. فعل «جاهدوا» یا وجود ندارد یا پس از «فی سبیل الله» نوشته شده است.

۱۰. احتمالاً فضا برای «لا ب» کافی نباشد. متن احتمالاً «آیاته» باشد.

۱۱. نویسه «هَمْ» رنگ مایه سبز یر رنگی شبیه به الفِ واقع در سطر ۲ دارد.

- ۱۳ عـ(بـ)کـم ان اللـه عـر بـر حـ[کـ]// [مـ] ○ و لا بـ(بـ)[کـ](حـو) ا لـلـه [سـر]
 ۱۴ / / (حـ)بـی بو من (و) لا مه مـ(و) [مـ]نه (حـ)بـر من مـ(سـ)ر که و
 ۱۵ // (و) ا عـد(بـ)کـم و لا بـ(بـ)کـحـو ا المـسـر (کـ)بـن (حـنـی) بو مـو
 ۱۶ // و لـعـد مـ(و) مـن حـ(ر) مـن مـسـر کـ و لـ(و) ا عـ / بـکـم
 ۱۷ / / لـنـک بـد [عـ] (و) ن الـی النـار و اللـه بـد عـ[و] (ا)
 ۱۸ // [ی] الحـه و المـ[عـ] فـر هـ (و) [نـ]بـ(بـ) ا [نـ]هـ / /
 ۱۹ / / و [○] (سـ)بـا لو [نـ]ک عـن المـحـصـ قـل (هـو) ا (د)ی [فـ] (لا)
 ۲۰ { } // (و) ا لـلـسـبـا فـی (مـحـصـ) // (نـ) حـبـی بـ[نـ]طـ(هـ) [نـ] فـا د ا (ا) طـهـر
 ۲۱ { } // (بـ) (و) هـن مـن حـبـا (مـ)ر کـم ا لـلـه ا ن ا لـلـه بـ(حـ)بـا
 ۲۲ { } / / [و] / [بـ] (ا) لـ[مـ] // طـهـر / / [سـبـا] (ا) کـم [حـر] (بـ) لـ[کـم] // { }

برگه بُنهامز ۲۰۰۰، رو (سورة مائدة: ۴۱-۴۸)

- ۱ { } بـطـهـر قـلـو بـهـم لـهـم فـی ا لـد بـ(ا) حـر (ی) و (فـ)ی (ا) // { }
 ۲ هـ لـهـم عـد (ا) // عـظـم (○) سـبـم عـو ن لـلـکـد بـا کـ[نـ] (ن)
 ۳ لـلـسـ(حـ)ر^۳ فـا حـکـم // سـبـم [مـ] ا (و) ا عـر (صـ) و / / (نـعـر) صـ عـهـم { }
 ۴ لا بـ[صـ]ر و [کـ] سـ/ و ا (ن) / [مـ] فـا / / [هـ] // نـا / / { }
 ۵ ا ن ا لـلـه [نـ] حـبـا / / (ن) / / (کـ) // بـ[کـ] // (بـ)کـ و { }
 ۶ لـو ر نـه [فـ] / [هـا حـکـم] [ا] / / (عـ) [نـد هـم] بـ(مـ) بـ[نـ] و [و] ن / مـ / { }
 ۷ د لـک فـمـ[ا] (ا و لـ) [نـک] / / مـ / / ○ (و) / / [نـ] [ا] [نـ] ر بـ(هـ) { }
 ۸ فـ(هـا) // (و) [هـ] (د) [ی فـحـ] کـم [نـ] (هـا) لا (بـ) سـا (ا) لـد [نـ] / / ۵ / { }
 ۹ ا و ا لـد [نـ] (ن) هـد (ا) حـکـم [مـ] و (ن) بـ[مـ] بـر لـ اللـه فـهـ / / { }
 ۱۰ حـکـم [مـ] بـهـا (ا) لـ(ر) / / و ن و ۱۶ // [نـمـ] ا سـحـفـطـ(و) ا مـ[ن] کـ[نـ] { }

۱. آثار باقی مانده و فضای ناکافی حاکی از آن است که کلمه «لنناس» از قلم افتاده است.

۲. مشخص نیست که آیه با «و» شروع شده یا نه.

۳. ممکن است حرف آخر در عوض طاء باشد.

۴. حرف قبل از میم می تواند لام یا یک حرف دندانه دار باشد. حرف پس از میم نیز می تواند واو، فاء، قاف یا حتی دال باشد. یک گردش قلم عمودی پس از آن قابل مشاهده است. اگر این گردش قلم متعلق به کلمه ای باشد، این کلمه نمی تواند «بالمؤمنین» باشد. اما اگر یک لکه یا حرف تصحیح شده باشد در این صورت ممکن است «بالمؤمنین» باشد.

۵. اولین حرف در بخش ناخوانا ممکن است هاء باشد که در این صورت این کلمه به جای «اسلموا» می تواند «اهتدوا» باشد.

۶. این واو دارای رنگ مایه تیره تری است.

۷. فضای موجود در اینجا کمتر از فضایی است که معمولاً برای نویسه ای چون «حدر» مورد انتظار است.

- ۱۱ للآله // کابو (ا) عل (ه) سهدا فلا بحسو هم و (ا) ح [سو] // {}
 ۱۲ و لا بد (س) د // [و] ا ناسی سم (ا) قللا و من لم بحکم [سم] //
 ۱۳ ابر (ل) الاله (ه) و لک هم الک (ه) [ر] و ن ○ (و) // [نسا]
 ۱۴ (ع) لی بد (ی) اسر بل فها ا ن (ل) [نعا] (س) ن (ل) // /
 ۱۵ لعین [ن] بالعی و لا بد (ف) بد (لا) [ن] و (ا) // /
 ۱۶ بلا (د) [ن] و [ن] (ن) (ب) ل (س) (و) الحر و // /
 ۱۷ / / (ا) ن [ن] (صدف) و انها [ف] // /
 ۱۸ لکم و [م] // [م] / / [ن] ما ابر ل^۳ (ا) لله // /
 ۱۹ هم ال (ط) لم (و) ن ○ و فسا علی ابر هم [ن] // /
 ۲۰ / / [م] / (م) // [ن] د فالما نس بد نه من (ا) // /
 ۲۱ نه و (ا) // / الا بحل (ف) هدی و (ن) // [ر] {} {}
 ۲۲ (م) صد // [فا] لما (ا) بر (ل) ما من الور [نه] {} {}
 ۲۳ و مو عطه لغو (م) نو (م) بو // [و] (ل) حک {} {}^۵
 ۲۴ الا (ب) حلل ما ابر ل ع (لهم) [نه] (و) [من] [لم] {} {}
 ۲۵ بد (حکم) ما [ا] (ب) ر (ل) الله (فا) و [ن] (ک) [ه] // {} {}
 ۲۶ {} {} / (و) (ا) [ن] / [ل] / [لک] // {} {}

برگه پنجم ۲۰۰۰، پشت (سورة مائدة: ۴۸-۵۴)

- ۱ {} {} / [ن] / / [ن] / [د] // [م] ا^۱
 ۲ {} {} / [و] مه [ن] ع (لهم) فا (د) [کم] بد [نه] (م) ما ابر ل
 ۳ {} {} // [ل] (و) لا [ن] ع (ه) ا ه و (ه) [م] ع (ن) ما حاک م ا

۱. فضای موجود در اینجا به نحو غیر معمولی بزرگ است.
۲. با توجه به فضای موجود پس از کلمه «الجروح» در سطر قبل، به نظر می‌رسد که این فضا بیش از مقدار مورد نیاز برای متن رسمی باشد.
۳. قطع نظر از آثار جوهر مربوط به «آنزل» آثار دیگری نیز وجود دارد. اندکی بالاتر از دومین نویسه، احتمالاً یک واو باشد. شاید کاتب در ابتدا کلمه‌ای متفاوت همچون «اوحی» را در اینجا کتابت کرده باشد وگرنه سایر آثار اضافه، احتمالاً لکه جوهر باشند.
۴. فاصله میان لام ابتدایی و ظاء به گونه‌ای غیر معمول طولانی است.
۵. این بخش از دست رفته برای کتابت کلمه «أهل» بسیار کوچک است و به نظر می‌رسد که این کلمه از قلم افتاده باشد.
۶. این بخش در ابتدای سطر به نظر خالی می‌رسد؛ احتمالاً به این دلیل که نوشتن در اینجا موجب تداخل با سطر قبل می‌شده است.
۷. قسمتی از بخش فوقانی متن در این سطر به لحاظ فیزیکی از دست رفته، چراکه یک نوار از بالای برگه بریده شده است.

- ۴ { // (و) [لک] (ل) [منهم] جعلنا [سر نعه] (و) [منه] [حا] (و) [ل] (و) (س) }
 ۵ { // (لحط) [کم] (مه و) حد (ه) و [ک] (ن) / [و] کم (م) }
 ۶ { // (ب) [کم] (ف) [س] [ب] (ف) (و) (ا) الحبر ب (ب) (لی) (ل) [ه] (م) }
 ۷ { // [کم] (م) / [ی] (ف) [نسکم] [ب] (م) [ک] [نم] [ف] [ه] (سحل) [فو] ن [و] [ف] (ا) }
 ۸ { // [کم] [ب] (ب) [هم نما] / [نر] ل (ل) [ه] (و) لا [نس] (ع) (و) [هو] هم }
 ۹ { // [ا] [ح] (د) [ر] (ن) [نفسو] ک (ع) [ب] [عص] ما (و) حی }
 ۱۰ { [ی] (ش) (ال) [ک] فان [نو] (ک) [و] (ف) [ما] (بر ند) }
 ۱۱ { // [ل] [ه] (ک) [نصیبهم] [ب] [ع] [ص] د [نو] (نه) [م] و (ن) [ک] [سر] ا من }
 ۱۲ { // (ک) [ن] (س) [ف] / [و] [و] (ا) [م] (ا) [لح] [هل] / [ب] (هو و م) // }
 ۱۳ { // [حکم] (م) (س) [ل] [فوم] [نو] [منو] ن [و] [ب] (ا) [ب] (ه) }
 ۱۴ { // (ا) [نو] (ا) لا [سجد و] [ا] [ل] [ه] [و] (و) (ک) [بصر ی] }
 ۱۵ { // (د) / [ا] [ص] [ک] [م] (ا) [و] [ب] / [ص] (و) [م] (ن) [و] [ب] [ه] / }
 ۱۶ { // (م) / (م) ان الله لا [نه] [د] ی [ل] [ف] و // }
 ۱۷ { // [ف] [ر] (ی) [لد] (س) فی / [لو] [هم] (مر ص ب) [سر] }
 ۱۸ { // [نفو] (لو) [ن] [ب] [حسی] ان [ب] [صد] [سنا] د / [د] (فعی) }
 ۱۹ { // (نا) / [نا] / (ا) [و] [مر] (م) [ع] [ند] (ف) [صد] [و] }
 ۲۰ { // { // (ا) / (ا) / [ف] [ه] [ف] [سهم] [ب] [د] (من) [و] (ب) [فو] } }
 ۲۱ { // { // (ن) [من] (و) (ا) / [لا] (ک) / (ف) [سم] و }
 ۲۲ { // { // (نم) / [هم] [هم] [م] [عکم] [ح] / (ط) }
 ۲۳ { // { // [ف] (ا) [ص] / (و) (حسر) [ب] (و) [ب] (ها) [لد] (ن) (مو) }
 ۲۴ { // { // (من) [ند] [د] (م) [کم] ع (د) [نه] [فسی] (ل) }
 ۲۵ { // { // [ن] (و) [م] [نح] [ه] / (و) [نحو] (ه) / (ا) [علی] [و] }
 ۲۶ { // { // [م] [ن] [عظ] [ه] (علی) [لک] [ر] [ند] [ه] (و) }
 ۲۷ { // { // فی [سب] (ل) [له] و لا } }

برگه 4A (سورة هود: ۱۰۵-۱۱۲)

{ // { // [م] / { // (لا) من (ا) } }

۱. آثار باقی مانده و مقدار فضای موجود در اینجا نشان دهنده «فاحکم» است، به جای «وَأَن احْكُم».
۲. در اینجا فضای کافی برای «اللَّهُ أَنْ» وجود ندارد؛ احتمالاً کاتب «أَنْ» را فراموش کرده است.
۳. آثار باقی مانده در اینجا چندان با «سی» مطابقت ندارد.
۴. ممکن است این کلمه «رُحَمَاء» باشد.
۵. پیش از الف آخر، دو گردش قلم عمودی قابل رؤیت است که ممکن است به یک لام یا طاء متعلق باشند.
۶. احتمالاً متن به جای «يَا ذُنْ لَهُ»، «مَنْ أَذُنْ لَهُ» باشد.

{	{() [و] / [س] / { / {	}	۲
{	{ [د] / { / {	}	۳
{	{ [ک] () / { / {	}	۴
{	{ () [ح] / [ح] / { / {	}	۵
{	{ [ص] / { / { [م] / [س]	}	۶
{	{ (مر) / { / { [م] (ماب) [عد]	}	۷
{	{ [د] / { / { [ن] / { (ه) [م] (هل)	}	۸
{	{ [د] / { / { [ن]	}	۹
{	{ [لم] / { / { [س]	}	۱۰
{	{ [و] / { / { [و]	}	۱۱
{	{ [ه] / { / {	}	۱۲
{	{ (و) / { / { [د] / { ()	}	۱۳

برگه 4B (سوره هود: ۱۲۰-۱۲۳ و سوره انفال: ۱-۳)

{	{ (ب) (ه) }	}	۱
{	{ مو عظه و د }	}	۲
{	{ ن ا (ع) [م] [و] }	}	۳
{	{ () / { / { (م) [ک] / { }	}	۴
{	{ و / { / { (لا) ر ص }	}	۵
{	{ (د) / { / { (و) / { }	}	۶
{	{ هد (ه) ح / { / { (ه) (ا) }	}	۷
{	{ (م) [م] الله (ر) / { / {	}	۸
{	{ (هل) (هل) لا [ن] (ل) ل }	}	۹
{	{ ا { ا { ا }	}	۱۰
{	{ [و] (م) [و] (ا) }	}	۱۱
{	{ (الله) (ر) [ب] }	}	۱۲

۱. این حرف ممکن است نون کلمه «خالدین» باشد.

۲. آثاری شبیه به یک دندان پیش از او وجود دارد که وجود دندان پیش از او، با متن رسمی مطابقت ندارد.

در غیر این صورت احتمالاً این واو، واو ربط پیش از عبارت «لَا تَطْغَوْا» است.

۳. این نویسه ممکن است به کلمه «نُبَيِّتُ» مربوط باشد.

۴. در اینجا یک خط افقی پایین حرف دال قابل رؤیت است که می تواند مربوط به یاء آخر باشد.

۵. احتمالاً متن «إِنَّا مَعَكُمْ مُنْتَظِرُونَ» باشد.

{	//هم انس(س) رد ۱	{	۱۳
{	//لوں ۰ الد [ـ]	{	۱۴
{	//۲ و ممار هـ	{	۱۵

برگه 5A (سورة انفال: ۷۳-۷۵ و سورة توبة: ۷-۱)

- ۱ فی الار (ص) فس[د] اکسر ۰ و ا [لد] س ا (مو) او { }
- ۲ او جه(د) و ا فی سسل(ل) الله نا [مو] لهم و ا [ب]فس[ه] { }
- ۳ و ا // لک هم المو مسس حر(ه) [ب] لهم م[ع] (ه) [ر] ه [و] / / { }
- ۴ کر(ر) نم ۰ // { } س ا مو ا من بعد و (ه) // و ا [و] { }
- ۵ جه(د) [و] ا معکم هـ(ا) و لک منکم و اولی الا // حم
- ۶ نعص(ه)م ا [و] ل(نا) [ب]عص فی کتب الل[ه] (و) ا ن الله
- ۷ نکل سای علم ۰ -----^۳
- ۸ بسم الله الر حر(م) ا ل[ر] حم ۰ [ه] [د] (ه) (حد)[مه سو] (ر) ه ۱^۴

۱. بخش فوقانی یک گردش قلم عمودی قابل رؤیت است که بخش تحتانی این گردش قلم در قسمتی که به لحاظ فیزیکی از دست رفته است قرار دارد. احتمالاً این گردش قلم متعلق به یک الف باشد. دو احتمال وجود دارد: نخست اینکه شاید یک الف دیگر پس از «آیاتنا» (که فضای کافی برای چنین الفی وجود دارد) وجود داشته که در این صورت کلمه در اینجا «ازدادوا» خواهد بود. دومین احتمال این است که یک دندانۀ یش از الف و قبل از بخش از دست رفته آمده باشد که در این صورت این کلمه می‌تواند «زدناهم» باشد.

۲. ظاهراً فاصله مابین ابتدای آیه «الذین» و نقطه حاضر، بزرگ‌تر از فضای مورد نیاز برای «یقیمون الصلاة» است. در اینجا تذهیبی وجود ندارد؛ تنها یک خط افقی دیده می‌شود.

۳. آثاری کمرنگ از نویسه «الا» و نویسه دیگری که با لام آخر پایان می‌یابد دقیقاً بالای کلمه «سوره» قابل رؤیت است. این آثار ممکن است متعلق به کلمه «الانفال» باشد. اندکی بالای این آثار، آثار دیگری وجود دارد که چندان خوانا نیست، اما شاید متعلق به مورد دیگری از کلمه «سوره» باشد. بنابراین انتهای سطر ۸ حاوی آثاری از سه کلمه است: «الانفال»، «سوره» و کلمه دیگری که احتمالاً بازهم «سوره» باشد. آثار مربوط به این کلمه آخر و «الانفال» کمرنگ‌تر از آثار مربوط به اولین مورد از کلمه «سوره» است. با توجه به اینکه سطر بعدی با نویسه «لا نعل» آغاز می‌شود، سناریوی فرضی زیر می‌تواند وضعیت موجود در سطر ۸ را توضیح دهد: کاتب ابتدا کلمه انفال را آنجا نوشته و فراموش می‌کند کلمه سوره را قبل از آن بنویسد. او سپس کلمه سوره را اندکی بالاتر از کلمه انفال به متن اضافه می‌کند. اما این امر موجب به هم ریختگی و بی نظمی متن می‌شود؛ از این رو کاتب هر دو کلمه «الانفال» و «سوره» را پاک کرده (که می‌تواند دلیل کمرنگ‌تر بودن آن‌ها باشد) و سپس عبارت «سورة الانفال» را از نو می‌نگارد، بخش «لا نعل» این عبارت در سطر ۹ نوشته می‌شود. او سپس می‌خواسته عبارت «لا تقل بسم الله» را پس از این عنوان پایانی بنویسد، اما بخش «لا نعل» (که در سطر ۹ نوشته) از کلمه «الانفال» را که از نظر گرافیکی با «لا تقل» یکسان است اشتباه گرفته است. بنابراین «بسم الله» را بلافاصله پس از این «لا نعل» می‌نویسد. نتیجه آنکه متن به خاطر وجود تنها یک مورد «لا نعل» کوتاه‌تر شده است.

- ۹ لا یفل نسّم الله [ن] ا (ه) من الله و رسولہ (ه) الی الد
 ۱۰ بن (عهد) بم من المسر کس فلسحو ا فی الار ص
 ۱۱ ا (ر) [بع] اسهر و لعل (م) و (ا) ابهم عن (م) بحر (ی) اللّه
 ۱۲ و رسولہ (و) ان الله محر (ی) الکفر [ر] ن س و ا (د) ن
 ۱۳ من الله و رسولہ { } الی (ا) [ب] (ا) س نو // الحج
 ۱۴ الا کن ا (ن) الله بری (م) ا (ک) [م] (سر کس) و ر { }
 ۱۵ سلو [(ک) [ه] // (ا) ن بن و (ب) و ا (هو) حبر لهم و ا [ن] بن [و] / / (ا) // (ا) { }
 ۱۶ بهم [م] // (نر) مع (د) [ر] بن الله (و) و / [و] (ک) [ه] فسر ا (د) ن { }
 ۱۷ کفر و اسعد (د) اب الیم ○ الا اللد [ن] بن عهد (د) بم // (ن)
 ۱۸ المسر کس فلم یعصف [و] کم سنا و لم یطهر و ا
 ۱۹ (ع) [ن] کم ا حد ا و هو (ا) ال (ب) هم (م) عهد هم الی // /
 ۲۰ بهم ان الله [ن] حب المعص ○ فاذا اسلح (ا) // /
 ۲۱ سهر الحر [م] فا [ف] // (ل) و ال (م) سر ک [ن] حب [ب] / /
 ۲۲ هم و حد و هم (و) ا حد [ص] ر (و) هم (و) ا فعد (و) ا لهم
 ۲۳ کل مر صد فان ناوا (و) ا هموا الصلوه
 ۲۴ و ا (ب) و ا (لر) کو ه فحل [و] اسلهم // (ا) { }
 ۲۵ عذ / / حنم و ا (ن) ا حد / ال { } سر (ک) { } / / ک
 ۲۶ فا حر ه حنا // [سم] (ک) لم اللّه [م] ا { } م [ا] منه
 ۲۷ دلک نا { } { [و] م لا [ع] (فلو) [ن] / / (ک) // [ف] / / { }
 ۲۸ { } // [س] ر کس (ع) ه / / الله { }

برگه 5B (سورة توبة: ۷-۱۶)

- ۱ { } سوله الا الد ن عهد بم (ع) الد المسحد
 ۲ { } // ا م فعا (سقف) [مو] // [ک] فا (سد) [ف] م بهم ان اللّه
 ۳ { } [ب] ال (مد) فس ○ و ک (ف) ان نظهر و ا [ع] [ک] لا [نر]

۱. فضای کافی برای «وحد نمو» وجود ندارد و آثار باقی مانده نیز با این نویسه مطابقت ندارد. احتمالاً «تقفتموهم» به جای «وحدتموهم» در متن آمده باشد.
 ۲. این «راء» نسبتاً کوچک، بسیار نزدیک به حرف بعدی «حاء»، و اندکی بالاتر از سطر نوشته شده که نشان می دهد کاتب در ابتدا نوشتن آن را فراموش کرده بوده است.
 ۳. هر چند بخش از دست رفته در ابتدای سطر نسبتاً بزرگ است، اما متن لزوماً طولانی تر از متن رسمی نیست. متن در سطر قبل قدری پس از ابتدای سطر نوشته شده است. امکان دارد همین اتفاق در سطر حاضر نیز افتاده باشد.
 ۴. ممکن است حرف ناخوانای پیش از کاف به جای لام، یک حرف دنداندار باشد.

- ۴ { } فهو بكم الا ولا دمه بر صوب (ك) م نال (س) بهم
- ۵ و نانی فلو بهم) و اکثر هم (س) [فو] ن ○ اسر (و) ا
- ۶ [بع] هذ (ل) ه و انمهم بمنا فل [ب] لا فصد و اعن
- ۷ س [ب] (ب) ل الله انهم سا ما كانوا يعملون ○ لا [ب] ر
- ۸ فون فی مو [م] ن الا ولا (د) [مه] ا و [ب] ک ه [م] الم [ع] (د)
- ۹ و فان نبوا^۱ و افمو^۱ الصلوه و ابو ا
- ۱۰ لركوه فاحو بكم فی الدس و مولکم
- ۱۱ بعصر (ل) الله (ل) ن لب لعلکم بعقل [و] ن ○ و ان نكو
- ۱۲ انمهم من بعد عهد ه [م] و طعوا ف [ی] د
- ۱۳ { } بكم فقلوا (نم) // الک (ف) ر ا (ه) لا ا (من) ل (ه) [م]
- ۱۴ { } [ع] [ل] ه // س [و] ن ○ و مالکم الا [ب] ف [ب] (و) ن هو [م] ا
- ۱۵ (نکو) ا ا س [ب] هم و هم ند و کم اول مر (ه و)
- ۱۶ (ه) [و] ا (ب) ا حر ح الرسول احد (سو) بهم (ب) ا لله
- ۱۷ // حق ان نحسوا ان ک [ب] م مو م (ب) س (○) فقلو هم بعد بهم
- ۱۸ [ا] لله بان بكم و بحر هم و بنصر کم عليهم
- ۱۹ و ند هب عط صد و ر قوم مو منس ○ و ند
- ۲۰ هب عط فلو بهم (و) نبوا لله علی من سوا و
- ۲۱ الله عل [ب] م حکم ○ احسنم ان نثر^۲ کو (ا) [و] لما
- ۲۲ [ع] ل { } // { } ا / دس جهد و انکم فی سئل (ه) و
- ۲۳ لم یح [د] و (ا) من دون الل (ه) و لا (ر) [س] و له // لا / لا
- ۲۴ { } لمو منس و لنحه و الله د // (ر) نما يعملون ○

برگه 6A (سورة توبة: ۱۷-۲۶)

- ۱ { } ما كان للمسرکن ان نعمر و امسحد الل (ه) س { }
- ۲ علی ا [ب] فسمهم [ب] ا / / او لنک الد [ب] ن (حب) طب ا / / { }
- ۳ فی الد (ب) ا و الا حر [ه] و فی الد (ب) ا ر هم حلد و ن ○ ا { }
- ۴ (ب) م [ر] مسحد الل (ه) من ا [م] (ن) نا لله و الن [و] م [ا] لا (ح) [ر] (و) { }
- ۵ جهد (ف) [ی] سئل الله و لم نحس الا الل (ه) فعسی او لد // { }
- ۶ ان بک // نو امن المفلح (ب) ن ○ احلکم^۳ س [ف] ه (ح) ح (و) { }

۱. تنها یک علامت تشخیصی حروف صامت [نقطه اعجام] بر روی نخستین دندانه قابل رؤیت است.
۲. در بالای هر دندانه یک نقطه اعجام [= علامت تشخیصی حروف صامت] قابل رؤیت است. اندکی بالاتر از این علامت، احتمالاً نویسه‌ای از متن بالایی دومین علامت هر دندانه را پوشانده است.
۳. آثاری بر روی دندانه پیش از میم وجود دارد که احتمالاً مربوط به نقطه حرف تاء است.

- ۷ عمره الم (س) جد الحرم (ک) من امن بالله واليوم
 ۸ لا (ح) // و جهد و ا فی سئل الله لا تسون عبد (د) الله
 ۹ ن الله لا بهدی الف [و] م الظلمس ○ الدس ا [منو] ا
 ۱۰ و ه / و ا [و] جهد [د] و ا فی (ی) سس (ب) ل الله نامو لهم
 ۱۱ و انفسهم ا [ع] (طم) (د) ر ح [ه] ۲ // (ا و ل) [ب] (ک) ۳ [م] الف [بر]
 ۱۲ و ن ○ (ب) // ل هم ر // هم [م] بر (ح) [م] (ه) [م] و ر ص // (ن) // [ح] [ب] {}
 ۱۳ لهم / لها بعم معنم ○ هم [م] [ه] حلد و // (ا ن الل) [ه] {}
 ۱۴ ه ا حر (عظم) ○ نابها الدس ا منو لا // حد و (ا) [] {}
 ۱۵ کم (و) لا اساکم و لا احو ب (کم) ا (و) ل [ا] ن اسحد {}
 ۱۶ الککر [ر] علی الا ن و من سو ل [ب] هم [م] فا (و) لنک هم [م]
 ۱۷ الظلمون ○ فل ا ن (ک) ا (با) ک [م] و [ا] [ب] ا (ک) [م] و [ا]
 ۱۸ حو بکم و ا ر (و) حکم و عسر [// [ک] م و (ا) م و ل [ف] //
 ۱۹ {} [ف] [م] ها (و) ند // [ه] بھون کر (س) د ها و (م) / ن (بر) صوبها
 ۲۰ {} ا [حب] الد [کم] م ا (ل) [ه] و ر سوله و جهد فی سند /
 ۲۱ {} [ف] [بر] بصو ا [ب] (ی) [ب] ا [ب] ی الله نامر ه ا ن ا // [ه] [لا بهدی]
 ۲۲ {} الفوم الفسفن (○) لعد (ب) صر (کم) الل [ه] [ف] (ی) / / ط (ن) [کند] ر ه
 ۲۳ {} و یوم حسن ادا ع (ب) [ک] م کبر ه د / [ب] [ع] {}
 ۲۴ {} عکم سای (و) [ص] ف (ع) [ب] کم الار (ص) [نما] ر // {}

۱. حروف واو و الف در فضای کوچکی که پس از دال قرار دارد نوشته شده‌اند که نشان می‌دهد کاتب ابتداءً آن‌ها را ننوشته است. هر چند چنین اصلاحی دست نبوده، چرا که فعل جمع «جاهدوا» با ضمیر مفرد «من» که پیش از آن آمده سازگار نیست. احتمالاً کاتب این کلمه را با «جاهدوا» در آیه بعد که باید فعل جمع باشد خلط کرده است.
۲. ظاهر ا در ابتدا کلمه‌ای دیگر به جای کلمه «درجه» کتابت شده است. می‌توان بقایایی از یک الف و یک حرف دیگر (احتمالاً لام ابتدایی) را دقیقاً در محلی که نویسه «حه» نوشته شده دید.
۳. آثاری که با عبارت «عندالله» مطابقت کند زیر کلمه «اولنک» قابل رؤیت است. احتمالاً کاتب نخست کلمه «عندالله» را نوشته، اما سپس آن را پاک کرده و «اولنک» را به جای آن نوشته است.
۴. آثاری از عین اول در اینجا قابل مشاهده است. احتمال دارد که کاتب نوشتن کلمه «عشیرنکم» را آغاز کرده باشد که کلمه بعدی است، اما سپس آن را پاک کرده و «ازواجکم» را نوشته باشد. به عبارت دیگر ممکن است کاتب، خود را درگیر یک حذف غیر عمدی کرده باشد.
۵. دو گردش قلم بر روی دندان قبلی وجود دارد که ممکن است مربوط به علائم اعجام حروف صامت یا نقطه‌گذاری برای حرف ثاء باشد. این دو گردش قلم عمودی بر روی یکدیگر واقع نشده‌اند، بلکه یکی در سمت راست و اندکی پایین‌تر از دیگری قرار دارد.
۶. می‌توان آثاری را که با یک حاء ابتدایی مطابقت می‌کند مشاهده کرد. با در نظر گرفتن نخستین حروف قابل رؤیت در سطر بعدی، به نظر می‌رسد کاتب ابتداء سعی کرده «حب» را در اینجا بنویسد اما نظر خود را

- ۲۵ { } / [ب] // [م] (و) / / مد بر / / [د] (م) [ل] [ل] (ا) [ل] (ا) (۹) { }
 ۲۶ { } / [سکینه] ۲ / { } ۳ / { }

برگه 6B (سورة توبة: ۲۶-۳۴)

- ۱ { } [ا] [لمو] [س] [و] [ا] [ن] [ل] [حد] (و) [د] [ل] / [ا] / [ن] (و) [ه] (ا) (و) { }
 ۲ { } [ب] (ا) [د] [ن] [ک] [و] [ا] [و] (د) [ل] [ک] [ح] [ا] [ل] [ک] [ر] / / [ب] (م) [م]
 ۳ { } [ب] (ا) [ل] / [ب] (ع) [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۴ { } [ح] [ک] [و] / [ب] (ا) [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۵ { } [ن] (حس) / [ا] (ل) [د] [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۶ { } [ه] (ا) [و] / [ع] [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۷ { } [س] [ل] [ا] [و] / [د] [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۸ { } [ل] [ا] [و] [ل] [ا] / [م] [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۹ [ن] [م] [و] [ن] [م] [ا] / [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۱۰ [ن] (د) [ن] [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۱۱ [ه] [ل] [ک] [م] / [ب] [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]
 ۱۲ { } [ف] [ل] (ا) [ل] [ه] [و] [د] [ع] [ر] / [ل] [ک] [ع] [ل] [م] (ن) [س] [ا] [و] [ا] [ل] [ه] (ع) [ل] [م]

- تغییر داده، آنچه را که نوشته پاک کرده و «حب» را در سطر بعدی نوشته است. این امر حاکی از آن است که در همان زمان نوشتن متن از نظر فیزیکی در انتهای این سطر کامل نبوده چرا که اگر کامل می بود فضای کافی برای نوشتن نویسه «حب» وجود داشت.
۱. در ابتدای این سطر به دلیل کمی جا چیزی نوشته نشده است. به دلیل شیب رو به بالای سطر قبلی، در این سطر با حرکت به سمت چپ فضا بازتر می شود.
۲. ظاهراً در متن «السَّكِينَةُ» به جای «سَكِينَتُهُ» آمده است.
۳. حروف خوانا در سطر ۲۵ و ۲۶ (همچنین نخستین حروف در طرف B) نشان می دهد هیچ چیز بر روی بخش مثلثی شکل برگه که از دست رفته، نوشته نشده است. بنابراین این بخش از برگه احتمالاً در همان زمان کتابت متن زیرین آسیب دیده یا از دست رفته بوده است.
۴. آثار موجود در ابتدای این بخش چندان با «فَلا» مطابقت ندارد. احتمالاً دومین حرف، دال، کاف یا صاد باشد.
۵. فضای کافی برای «فَسَوْفَ يَغْنِيكُم» وجود ندارد و آثار اندکی که هست چندان با این عبارت مطابق نیست. احتمالاً متن «فَسَيُغْنِيكُم» باشد.
۶. با فرض اینکه حاء مفروض در وسط سطر متعلق به کلمه «حَكِيم» باشد و با توجه به آثار موجود در سطر بعد، احتمالاً فضایی بیشتر از فضای مورد نیاز برای متن رسمی وجود دارد.
۷. در اینجا، فضایی کمتر از حد انتظار برای «و لا باليوم» هست. شاید متن، به جای این، حاوی عبارت «و باليوم» باشد.
۸. احتمالاً این حروف متعلق به کلمه «رَسُولُهُ» باشند.

۱۳	{ } [م] / () / () / / [م] /
۱۴	{ } [و] / () / [د] // [ک] / [و] / [و] / [ه] /
۱۵	[د] // () [و] () [و] // (ب) (د) [و] // (ح) (و) / و /
۱۶	/ [م] () [و] (م) [د] / () [د] (و) [و] /
۱۷	/ [م] // ما / () [و] /
۱۸	/ (و) / [م] / () [و] /
۱۹	/ [و] / [و] (و) / [و] (و) / [و] /
۲۰	/ [و] / [و] / [و] / [و] / [و] /
۲۱	/ () / () / [و] / (و) /
۲۲	{ } س () [و] / [و] / (و) /
۲۳	{ } [و] / [و] / [و] /
۲۴	{ } [و] / [و] / [و] /
۲۵	{ } ل / [و] / [و] / [و] /

۱. احتمالاً این کلمه «يَتَخَذُونَ» باشد.
۲. آثار موجود در اینجا چندان با «اس مر» مطابقت ندارد.
۳. در ابتدای این بخش یک خط عمودی مایل به راست وجود دارد. این خط نمی تواند به یک لام ابتدایی متعلق باشد که می بایست به سمت چپ متمایل می بود. احتمالاً متن به جای «لِيعْبُدُوا»، «أَنْ يَعْبُدُونَ» باشد.
۴. احتمالاً این کلمه «الله» است.
۵. با توجه به فضای موجود و آثار باقی مانده، ممکن است متن «لِيعْبُدُوا الله لا اله الا هو سبحانه و تعالی» باشد که نسبت به متن رسمی «الها واحداً» را کم دارد (در عوض آن «الله» آمده است) اما پس از «سبحانه» عبارت «و تعالی» را اضافه دارد.
۶. فضای مابین این نقطه و راه در سطر قبل بیشتر از فضای مورد نیاز برای «کون» است.
۷. آثاری که در ابتدای این بخش وجود دارد با «أَنْ يَطْفُوُوا» مطابقت ندارد. این آثار ممکن است به «لِيطْفُوُوا» مربوط باشد.
۸. بخش ناخوانا برای عبارت «وَيَأْتِي الله إِلَّا أَنْ يَتَمَّ» بسیار کوچک است؛ به علاوه حرف نخست ظاهراً یک الف است نه یک حرف دندانه ای شکل. متن می تواند «و الله يَتَمَّ نَوْزَهٌ مُتَمَّ نَوْزَهٌ» باشد.
۹. آثاری شبیه به یک هاء ابتدایی یا وسط، دقیقاً بالای علامت جدا کننده آیه دیده می شود. احتمالاً کاتب در ابتدا گذاشتن علامت پایان آیه را فراموش کرده و «هو» را نوشته اما سپس «هو» را پاک کرده علامت پایان آیه را اضافه کرده است. اما این امر چندان محتمل نیست، چرا که فضای کافی پیش از نقطه برای گذاشتن علامت پایان آیه وجود داشته است. و یا اینکه این آثار ممکن است متعلق به یک نشانه خاص برای نشان دادن آیه سی ام باشد و گرنه ممکن است لکه باشند.
۱۰. این «و» احتمالاً غیر رسمی است.
۱۱. آثار موجود پیش از نون با نویسه «حد» و «با احتمال کمتر» «حدو» مطابقت دارد. بنابراین احتمالاً این کلمه «يَاخُذُونَ» باشد.

۲۶

برگه 20A (سورة توبة: ۷۰-۸۰)

- 1

ق. ۱۰۰

21.

آٹا:

5.

۱. در

آٹا.

فض

- برگه 20B (سورة توبة: ۸۱-۹۰)

- | | |
|-------|---|
| { ١ } | { ١٤ [ا] / [ا]و (ن) نا (ف) / / (و) ٥ [ظ] ر (سو) [ل] } |
| { ٢ } | { و (كر) [ه] (و) ١ (ا) / / (ح) [ه] (د) [و] (ا) / (م) / / } |
| { ٣ } | { / [م] / (د) / [نل] (ا) / [له] / و [ل]و ١ [لا] (سف) / (و) } |
| { ٤ } | { (ل)ح و ا (ل) / (ر) ٩ (ح) [م] اسد حر // (ل)و كا } |
| { ٥ } | { / [ه] / // ٥ [ف] (لد) [ص] (د) [ك] و ا (لف) [لا] (و) لسك // اكسر (ا) } |
| { ٦ } | { كيو (ا) معملون ٥ / / ر [ع] ك (ل)له الى } |
| { ٧ } | { [هم] فاسد يو ك في الحر و ح (ف)ل } |

۲. در اینجا بخشی از برگه از دست رفته، اما آثاری قابل رؤیت است که ممکن است متعلق به یک نون و الف باشد.

۴. از آنجا که این بخش از دست رفته فضای کافی برای «فَرَج» دارد معلوم نیست که در یک سوم پایانی آخرین سطر از طرف A چه چیزی نوشته شده بوده است. چه بسا بخش اخیر از سطر ۲۵ در طرف A برگه در همان زمان کتابت متن آسیب دیده بوده و بنابراین هیچ متنی در آنجا نوشته نشده؛ یا متن طولانی‌تر از متن رسمی بوده است.

۶. ظاهرًا متن «النَّارُ جَهَنَّمُ» است و الف و لام تعریف در اینجا اشتباهی نگارشی است. آثاری پس از الف و لام تعریف، نسبتاً نزدیک به آن وجود دارد که ممکن است نشان دهنده نون یا لام باشد. به احتمال زیاد این آثار لکه‌اند، اما به‌جز این احتمال، می‌توان گفت این حروف مفروض چه بسا بخشی از تصحیح جمله به «إِنَّ نَارَ» یا با احتمال کمتر «فُلْ نَارَ» باشند.

- ۸ { و ا معی اند (ا) و (ل) بـ (ب) لو ا مـ [ع] ی عد [و] }
 ۹ { [م] ر صـ صـ مـ بـ لـ (ع) د ه ا و [ل] (م) ر ه (ف) فـ (ع) د }
 ۱۰ { الحـ لـ (ب) ی () [و] لا (بـ صـ لـ ع) ی ا (حـ د) مـ [بـ] (هـ) [م] }
 ۱۱ { بـ د (ا) و (لا) بـ عـ ی فـ [بـ] (ر) ه ا بـ (هـ م) [کـ ر و] }
 ۱۲ { [و] [له] (و ر) [سـ] (و لـ) [هـ] (و) مـ ا و (ا و) هـ [م] فـ سـ (ف) [و] ن }
 ۱۳ ' [و] ا د ا (فـ) [ل] ا مـ و ا [بـ] (لـ) [هـ] و حـ (هـ) [د] و (ا) [مـ] عـ ر (سـ) و
 ۱۴ / / (ا) سـ د [بـ] ک (ا و) [لـ و] ا (لـ ط) و لـ مـ سـ [م] و [فـ] [د] / /
 ۱۵ (د ر) [بـ] کـ رـ ن (مـ) عـ (ا) لـ عـ د سـ [ر] صـ رـ و / / (بـ) یـ نـ کـ و [نـ و]
 ۱۶ [ا مـ] عـ [لـ حـ و] [لـ فـ] [طـ] [بـ] عـ [عـ] لـ ی فـ لـ و بـ هـ م فـ هـ م
 ۱۷ لا بـ عـ [هـ] و (ن) [] [کـ] (ن) [ا لـ ر] سـ [و] ل [ا لـ د] [بـ] (ن) ا مـ [نـ و] ا
 ۱۸ / / [هـ] (حـ هـ د) و ا [بـ] مـ [و] لـ هـ [م] و (ا) [بـ] [سـ] [م] فـ ی / / [بـ] [د] [ل]
 ۱۹ اللـ (هـ) ا و لـ (بـ ک) لـ (هـ م) (ا لـ حـ) [بـ] (ر) [بـ] و ا و لـ (بـ ک) هـ /
 ۲۰ / / (هـ) [و] (و) [ن] (ا) عـ د ا (لـ) [هـ] (هـ م) حـ بـ (حـ ر ی)
 ۲۱ / / (ن) حـ [نـ هـ] ا [لا] (بـ) [هـ] حـ لـ د سـ [فـ] [هـ] ا د [بـ] ک ا
 ۲۲ / / [ر] [لـ] [عـ طـ م] () / / (ا) [لـ] [م] / / [ر] و ن [م] (ن) ا لا
 ۲۳ [عـ ر ب] [لـ] [و] [د] (ن) لـ هـ [م] (و عـ) [و] [لـ د] (ن) کـ د
 ۲۴ [دـ] (ا) { } [] [] [و] ر سـ (و) لـ (هـ) سـ (صـ) [بـ] (ا لـ د) (ن) { }
 ۲۵ { } [کـ ر] [و] [و] [عـ] [] [بـ] (ا) [لـ م] [] { }

برگه 22B (سورة توبة: ۱۲۱ - ۱۲۹ و سورة مريم: ۵۱)

- ۱ { } و (لا) [فـ] و ن بـ (فـ) [هـ] [صـ] عـ / (لا) { }
 ۲ ن و (د) نـ ا [لا] کـ [بـ] لـ (م) (لـ) [حـ] [] [بـ] هـ م { }

۱. آیه ۸۵، از قلم افتاده است. نیامدن این آیه ممکن است نشان دهنده جهش نگاه باشد از یک مورد «سـ» — که پس از آن علامت پایان آیه آمده در انتهای آیه ۸۴ — به مورد دیگری از «سـ» که پس از آن علامت پایان آیه آمده است در انتهای آیه ۸۵.

۲. حرف پس از واو بیشتر شبیه به واو است تا میم.

۳. آثاری از حرف واو در این بخش نیست و فضای کافی هم برای «و حـ» وجود ندارد. آثاری وجود دارد که ممکن است متعلق به حرف جیم باشد و آثار دیگری که ممکن است مربوط به یک الف انتهایی باشد اما فاصله میان آن‌ها نسبتاً بزرگ است مثل آنکه حرف دیگری مابین آن‌ها نوشته شده باشد.

۴. فضای پس از میم مفروض بزرگ‌تر از فضای مورد نیاز برای عین و دال است. احتمالاً این کلمه «المُعْتَذِرُونَ» باشد که این قرأت برای ابن مسعود و سعید بن جبیر گزارش شده است (الخطیب، المعجم، ۴۳۶/۳).

۵. در این سطر، متن تقریباً از نیمه سطر آغاز شده است. دلیل آن این است که سطر قبلی نزدیک به انتهای برگه آغاز شده و به تدریج به سمت بالا جهت یافته و جا را برای یک سطر دیگر در زیر باز کرده است.

- ۳ (م) کابوا عملون ○ ما [ک]ان ال {
- ۴ (ک) (ه) [ف]لو لا نعر من کل امره {
- ۵ / / هو ا فی الد (ن) [و] لند [ر] (و) / / {
- ۶ (ر) جعوا (ا) [ل] / (ع) (هم) بحد (ر) و [ن] ○ ناسه // الد // /
- ۷ امر (و) افند [و] الد (ن) نلو بکم [م] ا [لک] (ف) و
- ۸ لند و) افنکم عطه و اعلم (م) و ا [ن] ن الله مع
- ۹ المند (ن) ○ (و) اد ا بر لب سو [ره] (ف) [مد] هم
- ۱۰ (م) نفل ابر (کم) (ر) ادبه هده امننا فاما
- ۱۱ الد ن امنوا ف ابر اد (هم) ا (ب) منا و هم [مسند] (س)
- ۱۲ و ن ○ و ا (م) الد (ن) فی فلو بهم ر حسن فر د [ن] (ه) //
- ۱۳ ر حر الی (ر) حس [هم] و ما نوا و هم ف (س) [و] ن ○ ا [و] //
- ۱۴ (ن) و اسهم [ن] // [و] ن فی کل عام مره او مر نس بم
- ۱۵ لا (ن) و ن و لا (ن) د ک و ن ○ و اد ا [ن] (ل) [ب]
- ۱۶ سور ه نظر بعضهم الی (بعض) هل نر بنا من ا (ح) //
- ۱۷ فاب [صد] (ر) (و) افصر ف الله فلو (ه) // دلک (ن) (د) // [م]
- ۱۸ (ف) و م لا نفهون ○ (و) لد حاکم (کم) ر سول مند (کم)
- ۱۹ عر بر (ع) [ن] (ه) ما عنکم^۲ حر نص [ع] لنکم نال [مو] مس ر [و]
- ۲۰ ف ر حد [م] ○ ف / / (ن) و لوا [ع] (ن) کل فعل (س) [ن] ی ال (ل) ه
- ۲۱ (ا) لدی لا ال [ه] الا ه (و) علیه // کل / /^۵
- ۲۲ العرس ال [ع] (ط) / (ه) ده حنم (ه) سور ه ا // (ن) [و]
- ۲۳ (ن) ه ~~~~~ (س) م الله الر (ح) [م]
- ۲۴ الر حنم کهنص ذکر [ر] ح [م] ه ر یک عد ه (ر) [ک] //
- ۲۵ { } (نا) اد نادى ر یک ر ک [ر] ناند ا حن [ا] ○ و فل ر ی
- ۲۶ { } اسعل الر اس سنا و لم اک ر ب (د) عا (ک) { }

۱. آثار پس از لام در بخش ناخوانا، مطابقت بیشتری با «نفع» دارد تا «نفع». احتمالاً این کلمه «لیفقهوا» باشد.
۲. فاصله میان هاء و دال زیاد است و حکایت از آن دارد که حرف دیگری مابین آن‌ها بوده است. ممکن است که این کلمه «یحتضرون» باشد که مترادف «یَحْضَرُونَ» است.
۳. شکلی شبیه به یک عین میانی، بالا و اندکی سمت راست میم قابل مشاهده است. این نقش یا شکل ۷ شکل شاید مربوط به کلمه‌ای باشد که کاتب در ابتدا اینجا نوشته بوده است.
۴. این کلمه احتمالاً «عَنْتَكُم» باشد.
۵. آشکاری وجود دارد که با کلمه «رب» مطابقت می‌کند، اما نه آثار موجود پیش از «رب» مفروض با «و هو» همخوانی دارد و نه جای کافی برای آن وجود دارد.

- ۲۷ { } سعا ○ و حر(ف) المول من و [ر] ای [و] //ک/ { }
 ۲۸ { } (ا) / / [ـ] // [عـ] را (ه) [هـ] (ب) لی من لد نک { }

برگه 22B (سورة مریم: ۶-۲۹)

- ۱ { } ا (ل ب) [عـ] // ب و احطه ر ب ر ص(د) (○) { }
 ۲ { } (هـ) و هسا لک^۲ علما ر کنا ○ و سر نه
 ۳ { } (۹) من فـ(ل) سـ/مـ^۳ ○ فل ر ب ا //یـ (کـ) و ن لی (عـ)لمـ^۴
 ۴ { } [کـ] بر عسا ○ (فـ) ل کـ لک بـل [ر] بـ(کـ) هـ [و] علی
 ۵ { } (حـ) [ـ] ک من هل و لم بک سای (○) فل ر ب ا
 ۶ { } بـل اسـک (الا) بکلم الناس بـ(لـ) لـ/لـ سونا ○
 ۷ { } { [م] حر ح (عـ)لی (و) مـ/مـ من المـ(د) ر ب ا (و) حـ(ی) الـ(ب) هم ان سـحو
 ۸ انـکره (و عـسـ)ا (سـد) [ـ] (ی) ا حـ(د) الـ(کـ) بـ(ب) نـوه و علمـه ا
 ۹ لـ(د) کم صـسا ○ حـننا من لد نا [و] (ر) کـ(و) ه و کا ن بـسا ○ و بر اـد / ۹

۱. نوشتن پیش از این نقطه می توانسته با متن دو سطر قبلی تداخل ایجاد کند.
۲. ظاهراً حرف دیگری، احتمالاً هاء یا عین، در ابتدا به جای لام کتابت شده بوده است.
۳. مابین سین و میم فضای کافی برای یک حرف دیگر وجود دارد. به علاوه آثاری پیش از سین ابتدایی وجود دارد که با یک دندانۀ مطابقت می کند. یا این کلمه «سَمِیَا» نیست یا کاتب ابتدا کلمه دیگری (همچون شبیهاً) قبل از جایگزینی آن با «سَمِیَا» کتابت کرده است.
۴. با توجه به آثار موجود بخش های از دست رفته در سطر ۲ و ۳ احتمالاً به ترتیب «یا زکریا اِنَّا» و «بِیْحٰی لَمْ نَجْعَلْ لَهُ» باشند.
۵. ظاهراً کاتب در ابتدا کلمه «وَلَد» را اینجا نوشته، اما بعد آن را پاک کرده و کلمه «غُلَام» را به جای آن نوشته است.
۶. با توجه به طول بخشی که از لحاظ فیزیکی در ابتدای سطر از دست رفته است، احتمالاً متن «وَكَاَنَ اِمْرَاَتِی عَاقِرًا» را ندارد.
۷. شاید این کلمه «ثُمَّ» باشد.
۸. آثار پس از میم بیشتر شبیه به هاء میانی یا ابتدایی است تا هاء آخر. احتمالاً کاتب ابتدا هاء میانی را کتابت کرده اما بعد سعی کرده آن را به هاء آخر تغییر دهد.
۹. پس از حرف دندانۀ ای شکل، یک لام یا الف آمده است. پس از این حرف آثاری در زیر خط هست که می تواند مربوط به حرف سوم یا چهارمی باشد، احتمالاً یک هاء یا عین پایانی (بعید است که این آثار به سطر بعدی مربوط باشد). امکان دارد که کاتب در ابتدا (بخشی از) یک کلمه را در اینجا نوشته و بعداً آن را پاک کرده باشد، چراکه هم حرف دندانۀ ای شکل و هم آثار پس از آن، کم رنگ تر از کلمات هم جوار است؛ وگرنه این آثار ممکن است کلمه ای (فی المثل «بَلِیغ») را تشکیل دهند. با این همه، این سناریوی دوم بعید و نامحتمل می نماید، چراکه چنین کلمه ای باید در حالت نصب باشد، درحالی که آثار موجود یک انتهای منصوب را نشان نمی دهند.

- ۲۵ / / ○ / [ب] (ت هو) [مه] (ا) // (حملة فلو) ا (م) [م] لعد انتت
 ۲۶ { } / [ب] / [ب] / [ب] // (ب) هر [و] ن (ما) کا (ن) انو [ک] (ا) [و] (ا) { }
 ۲۷ { } [و ما] / / [مک] / (ا ○ فاسر) ب ا (لی) [د] { }

برگه 23A (سورة مريم: ۲۹-۵۴)

- ۱ { } // (ی) ا [مه] (د) / [لو] { } (ک) [ف] (ک) / [ب] (د) { }
 ۲ [ا] (نا) ع // [ب] [ب] / [ب] / [ب] / { }
 ۳ کا انما کتب [و] امر نی [نا] / [ه] // { }
 ۴ د م (ب) // نا ○ و بر ا (و) ل (د) [نی] (و) ل (م) [ب] (د) [ب] // [ح] { }
 ۵ ا (م) ل (م) (و) ل (د) [ب] / (ب) / (م) (و) / { }
 ۶ د [ک] ع // سی ا (ب) م ر م فو ل (ا) [ح] (د) ی کا { }
 ۷ ممر و ن ما [ک] (ن) الل [ه] ا ن نحد (و) ل (د) ا [س] (د) ه ا د ا فسی
 ۸ امر ا فایما بقول له کن فب [ک] و ن ○ ا ن الل (ه) ر نی و ر
 ۹ ب (ک) م (ف) عا عد [و] ه ه ا صر بط (م) س (ف) م ○ ف ا حلف ا لا
 ۱۰ حرب بس (ه) [م] عا امر هم فو ل ل (د) ک [ه] و ا (م) مسهد
 ۱۱ نوم عظم ○ اسمع بهم و انصر نو (م) د (نا) نو بنا لکن
 ۱۲ لظ (م) و ن الوم فی صلا م (ب) ○ فاند [ر] (هم) نوم (ا) [س] ر
 ۱۳ ه ا د فسی الا م و هم فی عطفه و هم لا نو من [و] ن ○ ا
 ۱۴ نایص (ر) ب الار ص و من علیها و الل (ب) ا بر ح (و) ن ○ [و] ا [د]
 ۱۵ ک // فی (ا) ل (ک) ب ا بر هم ا نه کا (ن) صد بقا نسا ا د فل لا
 ۱۶ نه نایب لم بعد ما لا سمع و لا ننصر [و] ما لا [ب] (م) [ب] ی
 ۱۷ ع (ب) ک سنا ○ نایب ا نی فد حانی من العلم ما لم نایک
 ۱۸ فاینعی ا (ه) د ک صر بطا سونا ○ نایب لا بعدا [س] (ط) [ن]
 ۱۹ ا ن السطن کا ن للر خم عصا ○ نایب ا [ب] (ی) ا ح (ف) ا ن
 ۲۰ ب (م) ک عدا [ب] م ن الر خم فیکو ن للسطن [و] لنا ○ (فل)

۱. این کلمه ممکن است «بذی» باشد.

۲. بخش از دست رفته فضای کافی برای سه کلمه را دارد. بنابراین لام مفروضی که پیش از این بخش قرار دارد احتمالاً مربوط به فعل «جَعَلْنَا» از آیه ۳۰ است (نه جَعَلْنَا در آیه ۳۱). اگر حروفی را که پیش از این لام به سختی می‌توان مشاهده کرد، متعلق به کلمه «الکتاب» بدانیم، پس ظاهراً بین این «الکتاب» فرضی و «وَجَعَلْنٰی» فضای کافی برای یک کلمه دیگر وجود دارد. احتمالاً در متن «الحکمة» پس از «الکتاب» آمده باشد.

۳. با توجه به حضور «کَانَ» احتمال دارد که متن «کَانَ النَّاسُ» را علاوه بر متن رسمی داشته باشد. در روایات است که مصحف اُمّی بن کعب این عبارت را داشته است (الخطیب، المعجم، ۳۶۶/۵).

- ۲۱ [بائر] (ه) [م] (ا) [ب] / (ن) (له) // [ی] [و] (د) [ب] (ن) [ب] / ۲/
- ۲۲ ح// [ب] ک [و] ا^۲ هجر بی ملنا ○ فل سلّم [علیک سا (س) عفر] [ر] (لک)
- ۲۳ ر نی انه کان بی حفنا ○ و اعر لکم و ما (ب) / (ن) // (ن) /
- ۲۴ و (ا) (له) و ا د عو ا ر بی (و) عسی (ن) لا اکون [ب] د (ع) /
- ۲۵ بی سفنا ○ فلما اعر له // (و) ما بعد و (م) (د) و (ن) //
- ۲۶ لله / [نا] (س) (ح) ی و یعوف و کلا حعلنا بسا /
- ۲۷ / [ب] / / (ا) / / (د) / / [ب] / ۵/
- ۲۸ // (ع) (لنا) ○ و ا د کر (فی) الک (ب) موسی انه کان / /
- ۲۹ { / / ○ / ۱۶ / (ا) / / [و] / / [نه] م حـ { الطو / / } {
- ۳۰ { / { / ۷ / / م ر حمنا (ا) حاه { (ر) / / [ب] // [ب] ○ / / }

برگه 23B (سوره مریم: ۵۴-۷۴)

- ۱ { [ع] / / اسمعل انه کان صدق الو ع [د] { }
- ۲ { / { / [و] ۹-۱۰ (و) کان [ب] [مر] ا هله [ه] نا لصلو
- ۳ { / / [ب] (ن) [عد] ر (ب) (مر) صنا ○ و ا د کر (ر) هی
- ۴ { [س] ا (ه) کان (ص) [د] بعا (ب) (ا) ○ (و) ر فع (ب) ه ا
- ۵ { / { / ۷ [○] او لک الد // انعم اللله [ه] عل [ب] هم

۱. اگر این حرف و باشد، در آن صورت جمله پیش از آن احتمالاً سؤالی نیست. این جمله ممکن است «یا ابراهیم انت راغب عن آلهتی» باشد.
۲. ظاهراً این بخش ناخوانا طولانی‌تر از چیزی است که برای متن رسمی مورد نیاز است. آثاری از یک خط افقی که در آغاز این بخش (و حتی پیش از آن، زیر «لین») قابل رؤیت است می‌تواند مربوط به یک پاء آخر باشد، هرچند متن رسمی دارای پاء آخر نیست.
۳. این آثار با «ها» نیز مطابق است.
۴. کلمه‌ای که در بخش ناخوانای قبلی وجود دارد احتمالاً «بشّراه» است.
۵. این سطر فضایی بیشتر از فضای مورد نیاز برای متن رسمی متناظر با آن دارد. همچنین آثار موجود با متن رسمی همخوانی ندارد.
۶. مابین «کان» (در سطر قبل) و علامت پایان آیه، فضای کافی برای حدوداً دو کلمه وجود دارد.
۷. اگر نخستین کلمه از آیه «إنا» باشد، کلمه بعدی می‌تواند فعلی باشد که مفعول آن «موسی» است.
۸. ظاهراً متن عبارت «فَرَبَّاهُ نَحِيّاً» را ندارد. احتمالاً عبارت دیگری به جای آن وجود دارد، پانویس قبل را ببینید.
۹. آثار موجود نه با «رسولاً» و نه با «نبیاً» همخوانی ندارد. همچنین بخش‌های ناخوانا و مفقود نیز به روی هم فضای بیشتری نسبت به فضای مورد نیاز برای عبارت «وَكَانَ رَسُولاً نَبِيّاً» دارند.
۱۰. پس از الف، اثری از علامت پایان آیه وجود ندارد و نزدیکی الف با حرف بعدی حاکی از آن است که احتمالاً در اینجا چنین علامتی وجود نداشته است.
۱۱. احتمالاً متن در انتهای این آیه «الی مکاناً علیاً» باشد.

- ۶ { } // [ن] [د] [ر] به ادم و [م] [حم] ۴/۵ [ع] یوح و (م) د
 ۷ ر نه ابر ه (ب)م و (ا) [سم] // ل [و] [م] [من] هد بنا [و] (ا) [ح] [ب] [ن] (ب) ا اد
 ۸ ا (ب) [ل] ی ع // (م) اب ال (ر) ح (م) ح (ر) و ا (س) حد ا (و) [ب] [ک] [ا] ○
 ۹ فحلف ب (م) [د] ه [م] حلف اص (ع) و ا [ص] ل و ا (س) ع (و) ا
 ۱۰ السهوب ف [س] و ف ب ل و ن // [ب] [ا] ○ الا من ناب و [ا] [م] (ن) و
 ۱۱ عمل صلحا فا (و) لک ند حل (و) ن ال (ح) [د] [ه] و لا بظلمون
 ۱۲ سنا ○ حب ال حد الی و (ع) در (ب) ک ع (ب) ده ا ن و عد
 ۱۳ [ر] نک (ک) نا / ا / (ب) ا / (م) // (ن) ۲ [ف] [ب] [ه] علی الار نک
 ۱۴ // نسمعون ف (ه) ل (و) او لا ناسما (و) ل (ه) // ف (ب) [ر] ر
 ۱۵ [ف] [م] نک و [ع] // با ○ [ب] لک بور بها (م) عد با من کان
 ۱۶ [ب] [ف] (ه) ○ و ما نب (ب) ل ال [ب] [ا] (م) [ر] ۲ ر // لک له / [ن] [ا] (ب) نکم و
 ۱۷ / / حلفکم و ما نب [ن] دلک و ما (ک) [ا] (ن) ر نک بسد // ○ ر ب (ا)
 ۱۸ // (س) [م] ب (و) ال (ر) ص و م (ا) نب (ب) (م) فا ع (د) ه و اصطر [ن]
 ۱۹ [لعدن] [ب] [ه] (و) لا (س) ر (ک) (ب) هل بظلم له (س) (ب) [ا] ○ و نفو
 ۲۰ (ل) [ا] لا [س] ا د امب و (ک) تب (ب) ر نا و عظم (ا) ابی لم (ع) و
 ۲۱ [ب] ح (ب) [ا] (○) او لا (ب) د کر الا (س) انا حلفه من (فل) و
 ۲۲ [م] نک (س) [ا] ○ ف [و] ر [ن] نک // [ح] [س] ر (ه) [م] و (س) ط [ب] [م] ح (و) ل
 ۲۳ / / [ح] // [ا] ۲ (○) (م) ل / ۵ / (ع) من کل س [ع] ۴ (ه) من کا (ن) اسد (ع) ی
 ۲۴ (الرحد) [م] (ن) [ع] [ب] [ا] (○) و [ل] [ف] (د) ع [م] [ا] او لنکم بها (و) ص [ا] ۶

۱. شاید این کلمه «بالغیب» باشد.
۲. حرف پیش از دندان‌ها احتمالاً میم است. شاید این کلمه «مُنعمین» یا به احتمال کمتر «مُنکین» باشد.
۳. شاید این حرف در عوض میم باشد.
۴. آثاری بر روی خط پس از هاء ابتدایی دیده می‌شود که ممکن است مربوط به علائم اعجام حروف صامت یا نقطه‌گذاری برای حرف ثاء باشد.
۵. آثار پس از دندان‌ها چندان با «نر» همخوانی ندارد شاید به نویسه «فر» مربوط باشد. بنابراین ممکن است این کلمه «لُتْفِرْعَن» باشد، به معنای تسلیم کردن؛ «یقیناً از هر دسته‌ای کسانی از آنان را که بر [خدای] رحمان سرکش‌تر بوده‌اند بیرون خواهیم کشید.»
۶. به نظر نمی‌رسد آخرین نویسه گزاره مستقل باشد. بنابراین واو ماقبل آن احتمالاً واو عطف نیست. احتمالاً واو و نویسه پس از آن متعلق به یک کلمه واحد، «وَصَلَّيَا» یا با احتمال کمتر با توجه به همناوی کمتر با نظم و فاصله آیه، «وَصَالَّيَا» باشد. شایان ذکر است که کلمه متناظر در متن رسمی قرآن، قراء را سردرگم کرده و ایشان آن را به اشکال مختلف همچون «صَلَّيَا»، «صَلَّيَا» یا «صَلَّيَا» قرائت کرده‌اند. ابن مجاهد گفته است که این لغت را اصلاً نمی‌شناسد (الخطیب، المعجم، ۳۸۴/۵). عبارت انگلیسی حاوی برداشتی با مسامحه از متن عربی است. عبارت ابن مجاهد چنین بوده است: قال ابن مجاهد: إنه لا يعرف له في العربية أصلاً (مترجم).

- برگه 7A (سوره حج: ۱۵-۲۶)

۱. وجود دو دندانۀ قلی، از نوں به حای یک دندانۀ، اشتباه نگارش، است.

۲. پس از لام فضای کافی برای کلمه «الظالمین» وجود ندارد. با توجه به آثار به جا مانده، کلمه‌ای که در اینجا هست باید «الْكَفَّار» باشد.
۳. در وسط بخش ناخوانا، آثاری روی سطر وجود دارد که ممکن است مربوط به علانم اعجام حروف صامت یا نقطه‌گذاری برای حرف تاء باشد.
۴. این کلمه ممکن «دینهم» باشد.
۵. این کلمه ممکن است «تَرَوَا» یا «یَرَوَا» باشد.
۶. شاید آخرین حرف، دال یا باء باشد. ممکن است کلمه «يُخَيِّتُ» باشد. در غیر این صورت، چه بسا کاتب به اشتباه «سجد» را به جای «سجد» نوشته باشد.
۷. این کلمه ممکن است «الشَّجَر» باشد.
۸. با توجه به کلمات قابل رؤیت در سطر ۸، ۹ و ۱۰، بخش از دست رفته از این سطر ممکن است حاوی اسم‌های «النجوم» و «الدواب» و فقرات اضافه باشد.
۹. آثار موجود در اینجا با یک راء تنها همخوانی دارد، اما می‌تواند نشان دهنده ابتدای یک باء تنها نیز باشد.
۱۰. متن به جای «فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرَمٍ»، احتمالاً «فَلَا مُكْرَمَ لَهُ» است.

- برگه 7B (سوره حج: ۲۷-۳۹)

۸. با توجه به کلمات سطر ۲-۵، متن می تواند «وَلْيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ وَلْيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقْنَاهُمْ مِنْ نِعْمَةِ الْأَنْعَامِ وَلْيَأْكُلُوا مِنْهَا وَلْيَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» باشد.

- ۷ { فهِ [و] حنر له (ع) در نه // ا حنل }
- ۸ { (ب) لای [ع] لکم (ف) با (حب) // (بو ا ا ل) // (د) }
- ۹ { (فو) ل ا (لر) و ر ○ ح (ف) با ل [ه] ع }
- ۱۰ { سر (ک) [ن] با لله (ف) کها (نم) با (س) ر [م] (ن) }
- ۱۱ { او (ب) هو ن (نه) ا [ل] ر (یح) [م] مکن }
- ۱۲ { [س] بحر ا (ل) لاه فا (ب) با مرن [تقوی] (ا) }
- ۱۳ { (ف) [ن] (ب) با م (ف) ع الی ا حل م (م) ی نم م [د] } { (ا) لنب [ا] }
- ۱۴ لعنق (○) و (ل) کل ام / [ع] / (ا) / / { (س) (ک) و ه (د) }
- ۱۵ ک [ر] و ن اسم الله [ع] الی [م] با [ر] (ف) [م] من بهیمه ا (لا)
- ۱۶ (ب) [ع] (م) [و] ام (ب) کرم) امه [و] ح / / { (ن) ا [د] (ا) [د] / [ر] الله }
- ۱۷ فاس (لمو) او سر المخذ (تن) ○ ال { (ن) ا [د] (ا) [د] / [ر] الله }
- ۱۸ // (ح) لب (ف) (و) // (ب) // وال (ص) بر بن علی { (ا) ص (ب) هم و الم (ب) م ○ }
- ۱۹ (ا) [لصلو] ه (و) م (ب) / (ف) [م] (ب) (ف) (و) (ن) [○] (و) اللذن (ح) ع (ب) با لکم
- ۲۰ من [س] بحر الله (ف) با ذکر و ا (ا) / (م) الله (ع) // (ب) با صو (ف) ۵
- ۲۱ فاد او حب / [ب] و بها [ف] (ک) [و] (ا) منها (و) اطعم (و) الل (ف) // ع
- ۲۲ (و) (ا) ل (م) [ر] // [ع] [ر] کما [س] (ح) // (ه) با ل (ک) م من هل لعل (ک) [م] س [ک] و ن ○
- ۲۳ (ا) ن (ا) ل [ه] [ن] لا لحو م (ب) و لا [د] مو ها و لک ۶
- ۲۴ [ن] لاله اللقوی (م) // (ک) م (ف) (ب) // و ا (ا) ل [ل] (ه) علی (م) با [د] اکم
- ۲۵ // (س) حر لکم من الل (م) با و ا (لا) ر ص و [س] // (ا) ل (م) حس (ب) ○
- ۲۶ [ا] ن الله [ن] { { { ۷ فع عن الد (ن) ا [م] نو [ا] ن الله }
- ۲۷ لا حب کل [ح] و ا [ن] ک (و) ر ○ و اد [ن] (ل) ل (ن)
- ۲۸ / / (ل) / (ن) [ف] ی [س] (ب) / / (ل) [ه] ۸

برگه 31A (سورة یوسف: ۱۷-۲۰)

۱ { [ا] // [ب] نمو }

۱. شاید این کلمه «یخزوا» باشد.
۲. وجود نون به جای یاء، احتمالاً اشتباه نگارشی است.
۳. ممکن است متن در اینجا «مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ» باشد.
۴. کلمه پس از «أُمَّة» شاید «واحدة» باشد.
۵. احتمالاً این کلمه «صوافن» (جمع صافنة) باشد. در غیر این صورت احتمالاً «صواف»، «صوافیا» یا اشتباه کاتب در «صوافی» یا «صوافی» است. نک. الخطیب، المعجم، ۱۱۵/۶-۱۱۷.
۶. نبودن نون احتمالاً اشتباه نگارشی است.
۷. ناحیه پس از «ند» ظاهراً آسیب دیده است.
۸. ظاهراً متن در اینجا «یقاتلون فی سبیل الله» است.

- ۲ { (و ه) ع [ل] / (فم) / [د] / { }
 ۳ { (ل) [ب] [ک] / [ک] [م] (ا) / { }
 ۴ { (ل) / [ع] [ی] [ما] [نص] [ف] (و) // [و] [و] { }
 ۵ { (عل) // [ص] [ا] [س] / (و) [ر] [س] (و) [و] [ر] [د] { }
 ۶ { د [ی] (د) [و] // (و) [س] [ی] [ه] [ا] [علم] و { }
 ۷ { نصعه و (ا) [ل] [ع] [م] [ن] [و] [س] و { }
 { } { } { } { } { } { } { } { } { } { }

برگه 31B (سورة يوسف: ۲۷-۳۱)

- ۱ { } / { }
 ۲ { } // [م] // [ا] [ل] [د] (ف) [ب] // (و) [و] { }
 ۳ { (ف) [ا] [ه] // [ک] [د] [ک] (ا) { }
 ۴ { [ص] [ع] (ع) [د] (ا) [ا] [س] / [ف] [ر] (ی) [د] [س] { }
 ۵ { [ن] [و] (و) // (ف) [ل] [س] (و) [م] (ا) [ل] [د] [ب] [ه] { }
 ۶ { // [ف] [د] [س] [ع] [ف] [ه] [ا] [د] [ب] [ف] [ه] [ا] [ن] [ل] [ر] [ه] (ی) { }
 ۷ { // [م] [ن] [س] (ن) [و] [ف] [ل] [م] [س] [ع] [م] [ک] [ر] [ا] [ر] [س] [ل] { }
 ۸ { } / { } (و) { } (ح) [م] [ا] [ل] [ه] // (م) [ک] [و] [ا] [ب] // (ل) [ل] { }
 ۹ { } { } { } { } { } { } { } { } { } { }

برگه 32A (سورة يوسف: ۱۱۱ و سورة كهف: ۵-۱)

- ۱ { [ی] [ن] (ی) { }
 ۲ { (د) [ک] [ب] // { }

۱. شاید الف به حرف قبلی متصل باشد که در این صورت این کلمه به جای «وَأَرْسَلُوا»، «فَأَرْسَلُوا» خواهد بود.
۲. فاصله میان «المدينة» در سطر قبل و «قَدْ» در این سطر برای گنجانیدن متن رسمی متناظر آن بسیار کوچک است. احتمالاً عبارت «تراود فتاها عن نفسه» در اینجا غایب است.
۳. علاوه بر آثاری که ممکن است به کلمه «حُب» مربوط باشد، یک خط افقی کوچک اندکی بالاتر از سطر نزدیک به انتهای کلمه وجود دارد. کارکرد این خط مشخص نیست. ممکن است متعلق به حرفی باشد که در ابتدا نوشته شده و بعداً پاک شده است.
۴. متن می‌تواند «قَدْ شَغَفَهَا حُبُّ فَتَاهَا» باشد.
۵. به نظر نمی‌رسد که دندانهای قبل از میم ابتدایی بوده باشد.
۶. ظاهراً ناحیه پیش از این نقطه خالی است، احتمالاً به این دلیل که نوشتن در اینجا می‌توانسته با سطر قبل تداخل ایجاد کند.
۷. شاید ناحیه پیش از این نقطه خالی باشد احتمالاً به این دلیل که نوشتن در اینجا می‌توانسته با سطر قبل تداخل ایجاد کند.
۸. احتمالاً «تفصیل الكتاب» به جای «تفصیل کُلِّ شیء» در متن آمده است.

{	{ [س] (و) // (ه) د [س] [ف] }	۳
{	نسم (ا) للله (الر) ح (م) (ا) (ل)	۴
{	ا (ب) ر [ل] (ا) لکب (ع) ی (عد) ه	۵
{	(د) // (د) // [ب] // [ب] سدند (ا) م (ل) (ل) //	۶
{	/ / (ا) [لص] [لح] [ب] (ا) (ل)	۷
{	/ / { [ا] [ب] (د) ا و (ل) ب }	۸
{	{ / / { } / { } بکرت }	۹
{	{ (ل) // [ف] }	۱۰

برگه 32B (سوره کهف: ۱۵-۱۸)

{	{ کد [ب] }	۱
{	{ [د] و ن ا (ل) [له] }	۲
{	{ (م) (م) ر حم }	۳
{	{ (ر) ی ا / (م) [س] }	۴
{	{ (و) ا ده ا عرب }	۵
{	{ (فحوه نس) د لک د [لک] }	۶
{	{ لله (فهو) الم (ه) د و من }	۷
{	{ د و نه و لنا مر سدا و }	۸
{	{ ر فو د بعا / [م] د ا [ب] ا لنم (ن) و }	۹
{	{ (هم) بس [ط] (د ر عه) نا (ل) // ص [ند] }	۱۰
{	{ لو لب [م] (ه) [م] / / { (و) لم لب }	۱۱

۱. نخستین حرف در این بخش ناخوانا ممکن است یک عین ابتدایی و حرف آخر الف باشد. شاید «عملوا» به جای «یعملون» در متن آمده باشد.
۲. فضای موجود مابین «لَیُنْذِرَ» در سطر قبل تا این نقطه، برای گنجانیدن متن رسمی متناظر با آن، بسیار کوچک است. شاید عبارت «مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ» از قلم افتاده است.
۳. اگر الف قبلی متعلق به کلمه «كَذِبًا» باشد، باید یادآور شد هیچ اثری از علامت پایان آیه بعد از الف — که بسیار نزدیک به حرف بعدی خود است — وجود ندارد.
۴. حرف «الی» پیش از «الله» از قلم افتاده است. احتمالاً متن به جای «الی الله»، «مِنْ دُونِ اللَّهِ» باشد.
۵. آثاری کم رنگ از دو حرف دیگر در اینجا قابل رؤیت است: یک دال (پس از واو) و یک الف (بلافاصله پیش از دال). احتمالاً کاتب ابتدا در اینجا «دا» را کتابت کرده و الف ابتدایی «إذا» را فراموش کرده اما متوجه اشتباه خود شده لذا این دو حرف را پاک کرده و «إذا» را دوباره کتابت کرده باشد.
۶. ظاهراً متن نسخه، عبارت «مِنْ دُونِهِ» را اضافه بر متن رسمی قرآن دارد.

- ۱۱ / / ۱ / ۲ [ا] ندا کد لک (ب) [ح] ر (ی) الله ا [م] // [ف] // [و] (ا لد) د / ۳ /
 ۱۲ / / (ا) [لم] [سک] [ه] / بن (و فـ) // [س] // [م] [علک] اد د // [و] / /
 ۱۳ / / [ب] [ع] / (د) ن // [هل] [ط] (ر) [و] ن لا ا [ن] [ب] [ه] // ۱ /
 ۱۴ [لم] // [که] [ا و] / ۵ [ع] [ص] (ا ب) ر (ه) کد لک [ع] // /
 ۱۵ / / [م] [ف] / (و) [م] [ظلم] / [له] // لکس ک / /
 ۱۶ / / د / [د] / ن // (فا) [ص] / [ه] [م] [سنب] / [ما ع] [م] [د] // (ا و ح) / /
 ۱۷ [ه] [م] [م] [ک] // نو (ا) [ب] [د] / (و) // (و) [ه] [ل] (ل) الد (س) [ک] // [ا لو]
 ۱۸ { } [س] [ا] / م / ۶ (و) / [ر] [م] [ا] / ن دو نه / ۶ /
 ۱۹ { } (و) / / (ا) ما [کد] / [ب] (ن) [م] [فلهم] و [هل] [ع] / /
 ۲۰ { } [و] // ۱۱ [لا] د / ۱۱ [د] [د] ا [ر] [س] [د] (ا) [ف] [م] / /
 ۲۱ { } [د] // ۱۲ (ا) ن ا ع / د و (ا) [ا] / (و) [ح] [نو] ۱۳ (ا) [ط] / (ه) / /
 ۲۲ { } / / (د) / [م] [ه] / م / (ح) [ب] [ع] [ه] ا [ص] / /
 ۲۳ { } [ط] [س] / [و] ۱۳ / (لا) ر [ص] [ف] [ب] [ط] // (ا) کد [ف] [ن] / /
 ۲۴ { } [لمک] / [و] [ا] [ن] [ند] // ص علی [د] [ه] / [ن] // (د) / { }

برگه 13B (سورة نحل: ۳۷-۵۹)

۱ / / (م) [د] / [ب] [صر] // [ن] [و] (ا ف) سمو ا [ب] // [ل] // { }

۱. احتمالاً این کلمه «خالدین» است.
۲. احتمالاً این کلمه «فیها» است.
۳. مشخص نیست که آیا پیش از «الذین» نویسه دیگری نوشته شده است یا خیر.
۴. ظاهراً «و قیل» به جای «یقولون» در متن آمده است.
۵. فضای موجود برای «یأتی» نسبتاً بزرگ است احتمالاً این کلمه «یأتیهم» باشد.
۶. حرفی که پیش از این بخش ناخوانا آمده است قطعاً الف نیست. شاید کاف باشد که در این صورت احتمالاً «کفروا» به جای «اشرکوا» در متن آمده است.
۷. آثار باقی مانده با «اشرکنا» مطابقت دارد.
۸. احتمالاً این کلمه «حرّما» است.
۹. این فضا برای عبارت «من شیء نحن» نسبتاً کوچک است. احتمالاً در متن «شیئاً» به جای «من شیء» آمده است.
۱۰. با توجه به حضور واو در اینجا، احتمالاً این کلمه به جای «الرّسل»، «الرّسول» است.
۱۱. به نظر نمی‌رسد که الف و لام تعریفی قبل از دندانه‌ای که پیش از این بخش آمده وجود داشته باشد همچنین فضای کافی نیز برای این حرف تعریف موجود نیست.
۱۲. احتمالاً «من قبلكم» پس از «فی أمم» آمده باشد.
۱۳. به نظر نمی‌رسد بیش از دو دندانه مابین حاء و واو مفروض وجود داشته باشد.
۱۴. احتمالاً این کلمه «فلیسروا» باشد.

- ۱۵ // [و] / ۱ / [ف] (ی) لار ص (ب) [نه] (ط) / [د] / [و] ۲ (و) ۱ (لا صد) [ل] ع /
 ۱۶ / [من] [و] عند الس (منل) [له] سح (د) او هم (د) حرو ن () / /
 ۱۷ / ۳ [م] [ف] (ی) [ی] [س] (موب) و الا (ر ص و) ۱ [م] (له) سح و (ن) / /
 ۱۸ / ۲ [س] / و (ن) // [حفو] ن [ر] [ن] / (ن) [ف] // [ف] / [و] [ف] (د) و (ن) / /
 ۱۹ // [ن] [و] (فل) [ا] [ف] // [ه] لا (س) ح (د) [و] ۱ // [د] // [ه] (ن) ۱۵ // [ن] (ن) ا (ما) هر (و) ا ا
 ۲۰ / ۲ [ف] (ف) [ی] [ف] // [ه] (ن) [و] [د] (ما) می [س] / ب و م (ا) [ف] ی
 ۲۱ (لار ص و) // [ا] (ا) لد (ب) / و / [ی] (ا) فع [ن] (ا) / ن // ۷ [م] ۱ [ن] (کم) [م] [ن]
 ۲۲ // [ع] / [ف] (ن) [ن] الله (و) ۱ // (ا) / (الص) (فا) [ه] [د] [ر] و [ن] () م { }
 ۲۳ / / (ا) کسف [ا] [ص] / م / (م) [ن] / [و] { }
 ۲۴ / (ف) [ر] و [ا] [ا] [د] [ی] [س] / فل [ن] (و) // [ف] (س) [ف] [د] [ن] / [ن] // { }
 ۲۵ / / لما (لا) [س] (ن) حر ۱ ۹ [م] // ر [ف] (ن) (م) [ن] / [ن] / [س] { }
 ۲۶ [عما ۱۱] [م] [ن] (و) [و] [و] حلو // (ل) [ه] [ل] [س] / [و] [د] { }
 ۲۷ { } / [س] (ن) [و] [ا] (ا) [و] [د] [ر] [د] [م] [ن] (لا) [ی] / / { }
 ۲۸ / / (و) [و] کطا / [و] [ن] (ا) [ف] [و] [م] [ن] / / ی ۱۱ [م] { }
 ۲۹ / / (علی) [و] // (ما) ۱۲ ند [س] [ف] (ی) [د] / ب / { }

برگه 14A (سورة نحل: ۶۷-۶۹) ۱۳

{ } / { }

۱. با توجه به فضای موجود در انتهای سطر پیشین و ابتدای این سطر، احتمالاً متن نسخه «الْم يَرَوَا» یا «الْم تَرَوَا» باشد.
۲. احتمالاً این کلمه «بِالْفُؤْدِ» و کلمه بعدی «وَالْأَصَال» است.
۳. با توجه به کلمات بعدی، احتمالاً ابتدای آیه «وَكُلُّ» باشد.
۴. با توجه به سیاق، عبارت «لِلَّهِ وَلَا» احتمالاً بین «سحدون» و «يستكبرون» مفروض نوشته شده است.
۵. به نظر می‌رسد لام ابتدایی و هاء مفروض، با یک حرف از هم جدا شده‌اند؛ احتمالاً یک دندان که نشان دهنده مَصَوِّت بلند /آ/ است.
۶. احتمالاً کاتب قصد داشته عبارت «إِنَّمَا أَنَا اللَّهُ» را کتابت کند اما به اشتباه «هو» را قبل از «أَنَا» نوشته است.
۷. به نظر نمی‌رسد هیچ واوی در اینجا نوشته شده باشد.
۸. معلوم نیست که آیا الف به حرف قبلی متصل است یا خیر.
۹. احتمالاً این کلمه «خِزَاءٌ» باشد.
۱۰. آثار موجود با «عَن مَا» نیز مطابق است.
۱۱. احتمالاً این کلمه «خِزَى» است.
۱۲. احتمالاً این کلمه «إِنَّمَا» است که در این صورت «إِنَّمَا يَمْسِكُ» به جای «وَيَمْسِكُ» در متن آمده است.
۱۳. متن باقی مانده آن قدر کم است که دشوار می‌توان این احتمال را نادیده گرفت که این عبارات احتمالاً متعلق به بخش دیگری از قرآن است.

{	{ [ن] احد }	{	۲
{	{ م [ک] لی // }	{	۳
{	{ ب (د) // (ح) }	{	۴

برگه 14B (سورة نحل: ۷۷-۷۹)

{	{ / / }	{	۱
{	{ [هـ] [م] }	{	۲
{	{ النص [ر] ' }	{	۳
{	{ [و] // [ل] }	{	۴

برگه 9A (سورة احزاب: ۵۱-۵۷)

{	{ (ب) ر حری } [م] ب (سا) [م] هـ / (و) [و] ی [الک م] // [سا] }	{	۱
{	{ و م (ا) [ا] [ب] [ب] [م] [ا] [ع] // (ر) [ا] ب (ف) لا (د) ح [ع] [ب] (ک) }	{	۲
{	{ دلک ادبی ا (ن) نعرن عوبه و لا (ب) / ن و نر }	{	۳
{	{ صر (ب) ب (ما) او (ب) کلن و الل (ه) نعل [م] م (ا) هـ ی (فلو بکم) }	{	۴
{	{ و (ک) (ن) الله عل (ب) ما حلما } (ما) بکل لک النساء (من) }	{	۵
{	{ بعد و لا ان بدل من (ن) ار و حا و لوا [ع] حک }	{	۶
{	{ حسنه (ن) الا ما مل [ک] // ب [م] (ک و ک) ن الل (ه) عل }	{	۷
{	{ کل [س] ای ر (ف) بنا } نا (ه) [ا] لدن امنو (ا) لا }	{	۸
{	{ حلوا سوب (ل) بی الا (ن) بودن لکم (لی) }	{	۹
{	{ عبر بطرس (ا) ب (د) // و [ک] // ا [د] ا د (ع) [ب] م (فا) }	{	۱۰
{	{ فاذا (طعم) هم (ف) (ب) سر و او لا مسد }	{	۱۱
{	{ ان (د) لکم (ک) [ن] بود [ی] الل (ب) ی (و) بسد }	{	۱۲
{	{ لا تسجنی (من) (ا) لحق // د اسل }	{	۱۳
{	{ (ه) [ن] من و را ححب (ب) دلک اط (ه) }	{	۱۴
{	{ ب (ه) و م (ا) کان لکم (ن) ان (و) د و ا }	{	۱۵
{	{ لا (ب) کحو ا (ر) و حه من بعده }	{	۱۶
{	{ (ع) [ب] د الله عظمنا } ان ب [ب] (د و) ا }	{	۱۷
{	{ ن الله کان ب (ک) ل سای علمنا (ا) }	{	۱۸
{	{ سه // و لا انسا ب (ه) و لا ا [ح] }	{	۱۹

۱. احتمالاً به جای «الابصار» در متن رسمی قرآن، در متن نسخه، «البصر» آمده است.
۲. همچنین آثاری از یک لام در ابتدای این نویسه قابل رؤیت است. احتمالاً کاتب اشتباه کرده و بعداً آن را تصحیح کرده است.

{	نهان و بنا) ی ا ح و ب ه ی و لا	۲۰
{	(ا ب) { (و ا ب) [ه ی] الله (ا)	۲۱
{	// { [ن] (ا) [ه ی] (و)	۲۲
{	{ [ن] (ا م) // (و ا)	۲۳
{	{ [] / {	۲۴

برگه 9B (سورة احزاب: ۵۷-۷۲)

{	{ [عد] (با مه) // [] () [و] (الد) // [ن] نو د [و] (ن) ا (ل) مو	۱
{	{ منس (و) المو (م) بنس (ب) [ع] // [ر] ما [ک] (س) بو ا (فعد)	۲
{	{ احب (م) لو ابهس (ا) و [ا] د ما (م) // (ب) با () (ب) بها (ک) // (ی)	۳
	فل لا ر و حک و نس (ب) ک و نس (ا) الم (و) منس (ن) ند (ب) نس	۴
	عنه ی (من) ح (ل) نس (د لک) ا دی ا ن [ع] (ر) ه ی (لا) سو د نس	۵
	و کان الله عو (ر) ار ح (م) با () لئ لم نس (ه) الم (ب) عه // (ن) ۲	۶
	(و) الم (م) // حقو ن ف [ی] الم [د] (ب) [نه] (و) الد نس فی فلو (ب) هم	۷
{	{ [ص] لئ // (ر) نس (ک) نه [م] (ب) [م] لا [ب] حو رو ک فها الا	۸
{	{ [لا] () ملعو (ب) نس اس (م) نه (ف) و ا ا (ح) د (و) ا (و) ف [ب] لو ا	۹
{	{ () [نسب] الله فی الد نس (م) نس (ل) و لن نحد نس (ه)	۱۰
{	{ [د] (ب) لا () [ب] نس (ک) ال (با) س عن السا (عه) فل	۱۱
{	{ عدا لله (م) ندر ک لع (ل) السا [ع] ه	۱۲
{	{ ان الله لعن الکفر نس و ا عد لهم	۱۳
{	{ (ن) ف (ب) ا اندا لا حدو ن و لنا و	۱۴
{	{ نس (ف) [ب] و حو (ه) م (ف) (ی) ا / و	۱۵
{	{ طعن (ا) ا (ل) [ه] و اطعنا الر سو	۱۶
{	{ ا (با) عر (ص) با و (ا) طعنا (س) د // (با)	۱۷
{	{ // (ل) [س] / ل [] [ر] / [] (ا) [ب] // صغ [ف] نس من	۱۸
{	{ [] / [] [م] [ع] با کسر (ر) ا () نا بها الد نس	۱۹
{	{ (ل) د [ن] // د و (ا) موسی فیر (ا) [ه] ا	۲۰

۱. ممکن است متن «و لا بنای» باشد که همزه وصل آن افتاده و همزه آخر به یاء تبدیل شده است. تسهیل همزه، برای این مورد از «ابناء» که پیش از «اخوانه» آمده گزارش شده است (الخطیب، معجم، ۳۱۷/۷). در غیر این صورت، باید گفت شاید کاتب می خواسته «بنی» کتابت کند که باز هم جمع کلمه «این» است، اما کاتب اشتباه کرده و الف را پیش از یاء کتابت کرده است.
۲. نون آخر از حرف ماقبلش جدا نیست. این امر بر کلمه «المنافقین» اشارت دارد که از نظر نحوی ناصحیح خواهد بود.

{	{	{ (د) ۱ [ل]له و حر(د)ها نا [ب]ه//لد /ن	۲۱
{	{	{ [ف] (و) لا ۱ ف// (لا) سرد ند) ۱ [و] (ب)صلح	۲۲
{	{	{ (د) نو نكم و من بطع] ۱ (ل) { / / {	۲۳
{	{	{ (۱) (و) نا ع[ر] / ۱۷ { / / {	۲۴
{	{	{ [ف] (۱) / (۱) / { / {	۲۵
{	{	{ / { / {	۲۶

برگه 25A (سورة زمر: ۲۵-۳۶)

{	{	{ حب لا نسد// (رو) [و] {	۱
{	{	{ لد // [و] (ل) [ع] (د) [ب] [لا ح] {	۲
{	{	{ و ل[ف] // [صد] / (۱) لنا (س) فی {	۳
{	{	{ لعلهم ند کرو (و) (و) هر (ب)ها [عر] {	۴
{	{	{ نعرف[و] (و) // [صر] ۱ // (لا) [ه] / (لا) ر {	۵
{	{	{ [سل] / [ل] / [ه] / [د] / [د] {	۶
{	{	{ (و) (ف)ها د / م[ب] و (۱) [ه] / (و) [و] / {	۷
{	{	{ نكم ند / (و) [و] / [ف] (۱) {	۸
{	{	{ (و) [ك] / [د] / [صد] / {	۹
{	{	{ (لک) [ف] / (و) / [د] {	۱۰
{	{	{ / (۱) / { / {	۱۱
{	{	{ (ل) [ك ند] // (ی) ۱۶ [ل] / { / {	۱۲
{	{	{ / [ف] ۴ // { / {	۱۳
{	{	{ (ل) (ه) د / { / {	۱۴

برگه 25B (سورة زمر: ۴۲-۴۷)

{	{	{ (ل) م[س] / ۱ا فی (د) {	۱
{	{	{ (و) // (و) ۱ [ند] (د) // امن) دو	۲
{	{	{ (لو) کا / و (۱) [لا] [م] لکو	۳
{	{	{ فل ان (۱) لسف(ه) الله حر(م)عا	۴
{	{	{ [ر] ص و ال(ه) هر (حع) [و] (و) و	۵
{	{	{ ادا [د] كرب الله و حد [ه] ۱ (س) {	۶

۱. این خطایی است که به دلیل همانندی با عبارت های مجاور رخ داده است.

۲. در متن احتمالاً «كذلك نجزي المحسنين» به جای «ذلك جزاء المحسنين» آمده است.

۳. حرف پیش از میم ممکن است هاء باشد که در این صورت احتمالاً این نویسه بخشی از کلمه «يَجْزِيَهُمْ» باشد.

{	۷ (ب) الدین لا [ب] و مد {
{	۸ و نه فاد ا (هم) }
{	۹ (ا) لسم (و) ب و ا [لا] }
{	۱۰ } ا (ب) فاحکم ند / {
{	۱۱ } خلوف ۱ (و) لو [ا] (ن) ل {
{	۱۲ } (ص) حم [نع] (ا) // {

برگه 26A (سورة زمر: ۵۱-۷۰)

{	۱ و ما هم بمعمرین ۱ (و) }
{	۲ فی دل (ک) لا (ب) ل (ف) [و] }
{	۳ علی ا (ف) [س] ه [م] لا }
{	۴ بـ / (ا) ل (د) ب و ب حمعا }
{	۵ // (ب) [ب] و ا (ا) لی (ا) ل (ل) [ه] و ا }
{	۶ [ب] بـ (م) لا (ب) ص [ر] (و) ۱ (و) ۱ }
{	۷ / / (ف) بـ (ل) ا ن نا بـ / کم }
{	۸ [۱] (و) بـ (ف) و ل نفس بـ (س) }
{	۹ (ک) بـ (م) (ف) بـ (ل) ل م ا }
{	۱۰ فاکو ن (م) (ا) ل (م) نفس (۱) }
{	۱۱ (ن) لی کر [ه] فـ // کو }
{	۱۲ // (ب) [ب] هـ (و) اسکنر }
{	۱۳ م (ه) بـ // ای الدین }
{	۱۴ ا (و) ل [ب] س فی جهـ [م] }
{	۱۵ بـ (و) ا (م) [ف] بـ (م) }
{	۱۶ ا لله خلق کل }
{	۱۷ [ف] لـ // د (س) مو ب }
{	۱۸ م الا حسر (و) ۱ (و) ۱ }
{	۱۹ [ه] (ا) ا (ل) جهـ (و) ۱ (و) ۱ }
{	۲۰ هـ (ک) ل (س) ا [س] // }
{	۲۱ ر بـ (ن) ۱ بـ [ل] // }
{	۲۲ ر و الله }

۱. با توجه به این حرف و طول بخشی از سطر ۲ که به لحاظ فیزیکی از دست رفته، احتمالاً متن به جای «وَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ»، «وَلَهُ» بوده است.
۲. پیش از سنین، یک حرف دیگر قرار گرفته که ممکن است سین باشد. احتمالاً این کلمه «فَنَسِيَهَا» است.

{	۲۳	// (ا) لاه // (ه) (و)
{	۲۴	{ (و) نعلی ع (م) یا (د) [د] //
{	۲۵	{ ع (و) من (ه) د // (م) یا
{	۲۶	{ ی فا (د) ا (ه) //
{	۲۷	{ (د) و ر ر بها //
{	۲۸	{ هدا و فا /
{	۲۹	{ بد (ب) کل

برگه 26B (سوره زمر: ۷۰ - ۷۵ و سوره غافر: ۸-۱)

{	۱	/ ما ع [م] (د) /
{	۲	ن ک / [ا] ی (ا) ل [ل] [۲]
{	۳	ه // (و) (ل) حر (د) د // ه (ا)
{	۴	عد (ب) ر / / (و) /
{	۵	ع (ک) ی [ا] ل [ک] / / (و) [ف]
{	۶	ن [ف] ه // فس [س] منو
{	۷	(ه) // [ا] (ا) لی الحد
{	۸	اد حل [و] ها / /
{	۹	ل (حمد) لل [ه] / /
{	۱۰	فی (ا) ر ص د
{	۱۱	حر العمل (ب) (و)
{	۱۲	ر بهم (د) (س) // (و)
{	۱۳	نا (د) / / و ف (ل) ا
{	۱۴	(حد) [مه] سو (ر) ه
{	۱۵	د (سم) ا [ل] (ل) ه
{	۱۶	من (ا) ل (ل) ه

۱. پیش از سین، یک حرف دیگر قرار گرفته که ممکن است سین باشد. احتمالاً این کلمه «فَسَّيْتَهَا» است.
۲. احتمالاً در متن «اوتیت» به جای «وَقِيْتُ» آمده است. قس: سوره سجده، آیه ۱۳ [«لَا تَنِيَا كُل نَفْس هَدِيهَا» که در آنجا نیز، فعل «أتى» در کنار عبارت «كل نفس» آمده است.]
۳. احتمالاً در متن «النار» به جای «جَهَنَّمَ» آمده است.
۴. با توجه به آثار باقی مانده و مقدار فضای موجود، احتمالاً به جای متن رسمی قرآن مابین «مِنْكُمْ» و «قَالُوا»، عبارت «يَنْذِرُونَكُمْ عَذَابَ رَبِّكُمْ» آمده است.
۵. شاید آخرین حرف در این بخش ناخوانا، الف یا لام باشد. متن پس از «الجنة» احتمالاً «زُمرأ حتى إذا جاءوها و قال لهم خزننّها ادخلوها سلام عليكم طيتم فيها خالدین» باشد.

{	ل / [ب] [سد] // }	۱۷
{	{ و ا } له ا لم // }	۱۸
{	{ (ک) [ف] // [و] افلا - }	۱۹
{	{ فـ (ب) [هم] هو // }	۲۰
{	{ (کل) امـ (هـ) ر // }	۲۱
{	{ // د [حصو] ۱ [هـ] }	۲۲
{	{ // [فـ] ۱ (ک) ا // }	۲۳
{	{ // لدس کلـ [و] }	۲۴
{	{ [لعر] [س و م] }	۲۵
{	{ [ن] ۲ [م] (ن) فی الا ۳ }	۲۶
{	{ // ر حمه و // }	۲۷
{	{ / [ک و] فه }	۲۸
{	{ [د] ن [۱] [لـ] [و] (ع) }	۲۹

برگه 15A (سورة طه: ۲۳-۶۱)

- ۱ [ک] ای / / (ک) ۲ [م] (ا) [ند] با ا / / ی [ف] ا [د هـ] [ب] [۱] [لـ] [ی] و // (ن) ا / /
- ۲ (فـ) [لـ] [ب] (ا) / / ح لـ ی / / [د] / / ی / / ۱ // لی / / [۱] // (ر) ی (و) // (ا) [ح] [لـ] [عـ] [د] هـ (مـ)
- ۳ (لـ) / / ی / / [فـ] [و] (فـ) [۲] ی (و) (د) [لـ] [ی] و // (ر) امـ ا / / (لـ) ی (و) [هر و] (ن) [۱] حی (و)
- ۴ [و] اسـ [ر] / / [فـ] (ی) [مـ] (ر) ی (و) [سـ] / / [نه] ا ر ی (و) [حـ] / / [کـ] / / (و)
- ۵ // ند (کر) ک [کـ] (سـ) ۱ (بـ) ک [کـ] (بـ) (صـ) / / (و) [فـ] (لـ) (و) [بـ] (سو)
- ۶ / / [نمو] (سی) (و) [لـ] [د] [مـ] (بـ) [عـ] (لـ) ک { (ر) [هـ] ۲ (د) (ی) (و) (د) [۱] (و د) [بـ] [ا] / / (ی) ۱
- ۷ // [کـ] [مـ] (بـ) / / ی ا ن ا (فـ) [نه] (فی) { (لـ) / / [بـ] [مـ] (ا) / / فه (فـ) [ی] ا / / (لـ)
- ۸ / / [فه] ا لم (فی) [لـ] (بـ) (و) // { (و) [لـ] ۶ / / (و) / / [هـ] و [لـ] (ا) / / بـ

۱. بخش از دست رفته در سطر ۲۲، فضای بیشتری نسبت به آنچه که برای «الحق» و «فَأَخَذْتَهُمْ» لازم است دارد.
۲. بخش از دست رفته در سطر ۲۵، برای گنجانیدن متن رسمی قرآن مابین «وَمَنْ» و «لِّلَّذِينَ» نسبتاً کوچک است. احتمالاً عبارت «وَيُؤْمِنُونَ بِهِ» در اینجا وجود ندارد.
۳. احتمالاً «لِّمَنْ فِي الْأَرْضِ» به جای «لِّلَّذِينَ آمَنُوا» در متن آمده باشد.
۴. احتمالاً «كَي تَرِيكَ» به جای «لِتَرِيكَ» آمده باشد.
۵. شاید نخستین حرف در بخش ناخوانا صاد/ضاد یا کاف باشد. و احتمالاً آخرین حرف باء/تاء/ثاء باشد.
۶. این کلمه احتمالاً «تَارَةً» است.
۷. ظاهراً در متن به جای خوانش رسمی «لِي»، «لَنَا» آمده است.

- ۲۹ [کم] و / / ۷ / / ۵ / / و (ا) [ن] / / (ا) [ن]اس / / [ی] [و] / /
 ۳۰ [فجمع] [ز] // [ع] // [ن] // (ب) // [ه] [م] // (ی) / / [موس] (ی) نو (ب) [ن] // ۷ /
 ۳۱ / / (و) / / [ی] [ن] // (د) / / [کا] ۳ / / { }

برگه 15B (سورة طه: ۶۱-۸۰)

- ۱ [نع] (د ب و) [قد] // [ب م] (ا) [هر] ی هـ / / [م] // (ه) // (ند) // (ه) //
 ۲ نم [فا] [مو] [ا] [و] // (س) (و) [ا م] (ن د و ب) [هم] (ا) [ل] (و) [ی] [و] فا [ن] (و) ا
 ۳ (م) (ا) [ا] [سحر] [ن] [ن] [ند] [ل] [حک] [م] (م) [ا] (ر) [ص] (م) و [ند] (ه) [ا]
 ۴ مـ [ک] (م) [ا] [ط] [ر] [ف] [ه] [ا] [لم] [ی] [و] (فا) [جمع] و [ک] [م] فا [و] ا
 ۵ صـ (ه) [ا] [ف] [د] [ا] [ف] [ح] [ا] [و] [م] { } [ا] [س] [ب] [م] [ع] [د] // (و) [ا] [ف] (و) [ا] (نموس) [ا]
 ۶ (ب) [ح] (ب) [ا] (و) [ا] [ب] [ا] [و] [م] (ن) [ا] { } [م] [ف] [ا] [ل] (و) [ا] فا [ل] / /
 ۷ ا [ا] [ح] [ا] [ط] [ه] [و] [ع] [ه] { } / / (ن) [ا] [ه] [ا] [م] [س] [د] / /
 ۸ نـ (س) [م] [و] (فا و) [ح] [س] [ف] [ی] [ن] // [س] / / ۵ [ف] { } (نموس) [س] // (لا) [ب] (ح) [ف]
 ۹ // [ک] [ا] [ب] [ا] [ع] [ی] [و] [ا] [ف] { } [ا] [م] [ع] [ک] [ن] [ف] (ما) // [و]
 ۱۰ ۱ [نـ] [ا] [ع] [ا] [و] [ک] [د] / / { } [و] [ا] [ن] / / لا / / (ا) [ل] [سحر] [ح]
 ۱۱ ا (ت) [و] (ف) [ا] / / (ی) [ا] [م] / / ۷ [ف] [ا] [ف] [م] [ا] [و] [ا] [ک] [ا] (ی) [ا]
 ۱۲ [ل] [س] [د] [ر] [ه] [س] [ا] [د] // [و] (فالو) [ا] (ا) / / (ب) [ا] [ه] [و] [و] [موس] [و] (ف) [ل]
 ۱۳ [ف] (ل) ۱ [م] [م] [د] // [ف] [ن] (ا) [ا] [د] [ن] [ل] (ا) / / (د) [ک] [ن] [ر] (ک) [م] [د] / /
 ۱۴ (ع) [م] [ک] (م) [ا] [س] [د] // [ف] [س] [ط] { } (و) [ن] (و) [ا] [ف] [ط] (ن) [د] // { } [و] [ا]
 ۱۵ [ح] [ک] [م] [ا] [م] (ح) [ا] [ب] (و) [ا] [ف] { } [ا] [م] [ف] [ی] [ا] [د] (و) [ع] [ا] [ل] [س] [د] (ل) [و] // (ب) / /
 ۱۶ ا [ا] [س] [د] [ع] [د] (ب) / / [ف] [ی] [و] (فا) [و] (لا) [ص] [ن] [ل] [ن] / / ک
 ۱۷ [ع] [ل] (ی) [ما] [ا] [ب] [ا] [ن] [د] // [ب] [ا] [د] [ی] (ف) [ط] (ن) [ما] / / (ف) [ص] / /
 ۱۸ (ا) [ب] // (ف) [ا] [ب] [م] // (ف) [ی] [ه] [د] [ا] [ل] [ح] [و] [ا] [ل] / / [ا] / /

۱. آخرین حرف در این بخش ممکن است کاف باشد.
 ۲. ممکن است متن «یا ویلکم» باشد.
 ۳. احتمالاً در متن، به جای خوانش رسمی «کَذِبًا»، «افْکًا» آمده است.
 ۴. این کلمه ممکن است «سِحْرِهِمْ» باشد.
 ۵. با توجه به مقدار فضای موجود، کلمه «خِيفَةً» احتمالاً از قلم افتاده است.
 ۶. احتمالاً این کلمه «عَمِلُوا» است.
 ۷. احتمالاً این کلمه «اِنَّهُ» باشد. موارد مشابه را در انعام، ۲۱؛ انعام، ۱۳۵؛ یونس، ۱۷؛ مؤمنون، ۱۱۷؛ قصص، ۳۷ و روم، ۴۵ ببینید.
 ۸. احتمالاً متن «فَالْقَى مَا مَعَهُ» است.
 ۹. کاتب «قال» را دوبار کتابت کرده است.
 ۱۰. احتمالاً این کلمه «اَتَانَا» است.

۱۲	{	فل (ط) / [ل] [س] [م] [س] (و) فل / / {	{
۱۳	{	طر [ف] [ا] [ه] / [ل] [ع] [ک] [ر] (صی) و (لا) [م] / {	{
۱۴	{	م [ن] [ه] [م] / / { (و) [ا] [ر] [ه] [ا] [ل] [ن] [و] [ه] {	{
۱۵	{	و [ر] [ر] [ق] / / { نک (ح) [ر] [و] [ا] [ن] [ع] [ی] [و] (ا) / {	{
۱۶	{	{ [و] [ا] ص (ط) [ن] [ر] (عل) / / لا (ب) [س] [ک] [ر] [ر] [ف] [ه] [ا] {	{
۱۷	{	{ [ل] [ف] [ه] لا { [و] [ا] [ن] [ع] [ی] [و] [ا] [ل] [و] {	{

برگه 30A (سورة انبياء: ۵- ۱۹)

۱	{	/ / { (فلا) / / {	{
۲	{	{ / [ل] [ک] [م] [ن] [و] {	{
۳	{	{ / [ل] [ف] [ل] [ک] [ا] [ل] (لا) [ر] {	{
۴	{	{ / [د] [ک] (ا) / / { کن (م)	{
۵	{	{ کلون ال (ط) (م) و ما	{
۶	{	{ / [و] (عد) فا / (ح) بنا من (س) (و)	{
۷	{	{ (کن) ابر (ل) / / { علیکم (م)	{
۸	{	{ (و) کم فصمنا (م) [ر] [ر] / [ه] {	{
۹	{	{ / (نسا) نا بعد ها (و) (م) {	{
۱۰	{	{ / [س] [ا] [د] [ا] [ه] [م] [م] / [ه] [ا] [ر] [ک] [ص] [و] {	{
۱۱	{	{ / [و] [ا] [ل] [ی] [م] [ا] [ن] [ر] / / { (ه) (و)	{
۱۲	{	{ [ف] [ل] [و] [ا] [ن] [و] [ل] [س] [ا] [ن] [ا] [ک] [ب] [ا] [ط] [ل] [م] [ن] {	{
۱۳	{	{ / / { (حنا) ح (ط) / (ح) [ص] [د] [ا] {	{
۱۴	{	{ / [س] [م] [و] [ا] [ل] [ر] [ص] [و] [م] [ا] [ن] [د] [ه] [م] [ا] {	{
۱۵	{	{ (ا) [ن] (ن) [د] [ل] [ه] [و] (لا) [ح] [د] [ن] [م] [ن] (ل) [ا] [ن] {	{
۱۶	{	{ / [د] [ف] نا / [ح] [ق] [ع] [ل] [ی] [ا] / [ط] [ل] / [د] {	{
۱۷	{	{ / [ر] [ه] [ق] [و] / / (ا) [و] [ل] [م] [م] [ا] {	{
۱۸	{	{ { نصر (ف) / [و] [ل] [ه] من فی السموات {	{

برگه 10A (بخشی نامعلوم و سورة نور: ۱- ۱۳)

۱	{	الر / / {	{
---	---	-----------	---

۱. احتمالاً متن نسخه «البرّ و التقوی» باشد. قس: سورة مائدة، ۲ و مجادلة، ۹.
۲. احتمالاً متن «و هذا کتاب انزلنا علیکم» است.
۳. از آنجا که کتابت در اینجا می توانسته با سطر قبلی تداخل ایجاد کند، به نظر نمی رسد قبل از این نقطه چیزی نوشته شده باشد.

- ۲۴ { لا (ب)م لا نحد(سو) ه هو سر ل(ک)م [ن]ل (هو د)بر (لکم) { }
 ۲۵ لدی [ن]و (ل) / (ک) { } // له عدا اب عظم [و] لو { }
 ۲۶ (سمع) // ه ط ا [لمو] م(ب) و ا ل(مو) م(ب) نا { }
 ۲۷ [ح] / [ا] [و] (فلو ا) [هد] (ا) افک م(ب) [و] لا د { }

برگه 10B (سورة نور: ۱۳-۲۳)

- ۱ { } // { } { [ما] / (ا) / (ا) { }
 ۲ { } / { } { } / لا / { }
 ۳ { } لله { } دنسا والا حره { }
 ۴ { } // { } عدا اب (عط) [نم] { }
 ۵ [ا] د [ن] / { } // (ک) [و] نا هو حکم ما { }
 ۶ [نس] (لکم) { } نه ه(ب) (و هو عد)
 ۷ [ا] / [ط] / { } د سمعمو ه فلن[م] (ما)
 ۸ / / لنا (ن) [ن] (ک) { } اسحک (ه) [د] نهس
 ۹ (ع) / (له) { } ن / و المنله
 ۱۰ / / کنتم مو م(ب) [و] و لنس(ن) الله لکم [و] ا [ل]له
 ۱۱ (علم) // / (ان الد [ن] [نحو] ان (نسد)ع الفحسه
 ۱۲ [فی] ا (لد) [ن] ا [منو] ا [هم] عدا اب عظم (و) [ف]ی
 ۱۳ / / [نسا و] (ا) [لا حر] (ه) (و) الله نعلم و (ا) ننم لا
 ۱۴ (نعلمو) ن [و] (و لو) لا فصل الله علی(ک) [م] و ر حم[نه]
 ۱۵ // [ان] [ا] / (ر و) ف / (نم) [و] نا (نها) الد س ا م[نو] ا
 ۱۶ { } { نسعوا [حطو] ب السطن [و] من نسع حطو (ب)
 ۱۷ { } { [سطن] فا [نه] نا (مر) نا الفح(س) [ا] (و) المنکر(ر) و لو لا
 ۱۸ { } { [لله] علی(کم) و ر / [مد]ه [ما] ر (ک)ی منکم م ا
 ۱۹ { } { // (ا و) لکن الله [ن]ر (ک)ی من نسا (و) ا
 ۲۰ { } { سمع علم [و] لا نا [نل] او لا الف(صل)
 ۲۱ { } { و الس(عه) (ن) بو نو الف[ق]ر او ا

۱. بخش های از دست رفته و ناخوانا، به روی هم نمی توانند بیشتر از چهار حرف را در خود جای دهند. بنابراین «منهم» احتمالاً از قلم افتاده است.
۲. احتمالاً این الف، آخرین حرف از «بِالشَّهَدَاءِ» باشد؛ هرچند بخش ناخوانای پیش از آن برای نویسه «نالسهد» نسبتاً کوچک می نماید.
۳. آثار موجود در اینجا چندان با «بعود» مطابق نیست، بلکه بیشتر شبیه به «بعد» است.
۴. احتمالاً یک دندانه دیگر پیش از نون باشد که در این صورت این کلمه «لَيَّيْنِ» خواهد بود.

- ۲۲ { [ک]س و الم (ح)ر (ن) فی [س]ا (لله) و لنع[ف]و }
 ۲۳ { لنصعوا الا [ح]ون ان نعوا لله[ل]کم }
 ۲۴ { (ا) لله عورر (ح) [م]م و الدس د/د [و]ن }
 ۲۵ { [م]م (ح)صد // العفل الم (م) / د/د (ب) لنعوا }^۱

برگه 11A (سورة نور: ۲۳-۳۲)

- ۱ (فی) الد [س]ا (و) [لا ح]ر ه و [لهم] عد // (ب) / [م]م [و]
 ۲ يوم سهد عنهم [ا] هو هم واند // هم و ار حله[م]
 ۳ // حلو (د) هم نما کابوا اکسون ○ نو (م) اد [ن] [ل]هو (ن)
 ۴ (ا) لله (ف)ر دی فـ[و] فـ[م] (م) د [ن] [م] (و) بعلم[و] ن ا/ا { }
 ۵ [ل]د (و) [ل]م [س]ا [ل]خـ[د] (ث)ت لل (ح)سـ[ن] و [ل]د [ن] و [ل]سـ[ن]
 ۶ و الطبون للطیب و الطیب لل (طس) او ل (ب) // { }
 ۷ مبر و من ما نعو لون لهم[م] (مع)ر ه (و) ا [ح] // ک [ر] [م] ○ (و لا)
 ۸ ند حل[و] اسنا حـ[ن] سلما علی اهله[و] و سـ[ن]د نو // { }
 ۹ لکم حنر لکم [ل]کم سد کرو ○ (ه)ا ن (ل) [م] (نح)د // (ا)
 ۱۰ فه ا [د] افلا ند حلو احنا بودن [ل]کم { } ن فـ[ل] (ل) (ل) [کم]
 ۱۱ (ا)ر حـ[و] // (ف) [ر] (ح)عوا هو حنر لکم ان [ل] [ل] (ه) [د] // [ر]
 ۱۲ (ب) ما سـ[ن] [و] ن (○) [ل] [س] (علکم حد)ح فی (سب) [عـ] [م] [م] [و] ر
 ۱۳ (د) حـ[و] ه [ف] (ه) (م)نع لکم ان الله يعلم ما سدو و ما
 ۱۴ [ک] (نم)ن ○ فل لل / ه / (ن) / ه / / امن ابصر هم و بد // (طوا)
 ۱۵ ه // و حـ[و] / [د] لک (ا) // کی / / ان الل (ل) [ه] [م] (ن) [م] (ن) [و] [ل] [ن] [و]
 ۱۶ (ن) ○ و فل (للا) [م] [م] [ب] [ن] [ع] [ص] (ص) من ابصر [ر] هم و بحفط [و] [و]
 ۱۷ حـ[و] // [و] لا [ن] [د] [س] [ر] [د] / [ه] [ن] لا // (ط) [ه] [م] [ن] [ه] (و) [ل] [ص] [س]
 ۱۸ // [م] [ه] (ه) علی حـ[ن] و نه و لا ند [د] (ب) [ر] (ب) [ه] (لا) ر و د { }
 ۱۹ او اسه و انا نعو لیه و ننی د // [و] [ل] [ه] او { }

۱. این کلمه می تواند «یَقْدِقُونَ» باشد.

۲. در ناحیه ناخوانا پیش از دال، فضای کافی برای دو حرف وجود دارد. این کلمه ممکن است «الْمُتَصَدِّقَاتِ» باشد.

۳. آثار کم رنگی که در بخش ناخوانا پیش از میم قرار دارد به احتمال زیاد متعلق به دو نویسه است تا یک نویسه. به بیان دقیق تر این آثار احتمالاً متعلق به «الد» است.

۴. این کلمه احتمالاً «اجر» است.

۵. به کار بردن ضمیر مذکر در اینجا، اشتباه نگارشی است.

۶. آثار موجود پیش از میم مفروض چندان با «حـ» مطابقت ندارد.

۷. آثار پس از دندانیه بیشتر با هاء وسط، جور در می آید تا عین وسط؛ احتمالاً کاتب اشتباه کرده و هاء را در اینجا نوشته است.

- برگه 11B (سورة نور: ۳۲-۴۰)

۶. ظاهرًا کاتب در ابتداء فراموش کرده راء را کتابت کند چرا که این راء اندکی بالاتر از سطر در فضای کوچکی نوشته شده که مابین آخرین حرف از «غفور» و حاء کلمه «رحیم» وجود داشته است.

برگه 33B (سوره سبأ: ۲۳-۳۳)

{ } / { } / { } / { } ١
 { } / { } / { } / { } // [كـ] الى [ا] / { } ٢

۱. اگر این راء متعلق به «قدور» باشد، احتمالاً الف بعدی اشتباهی نگارشی است.
۲. متن نسخه چیزی شبیه به «و هم کانوا یعملون له حوالاً» را افزون بر خواش رسمی قرآن دارد.
۳. این کلمه احتمالاً «یَعْلَمُهُمْ» است که فاعل آن می تواند سلیمان باشد.
۴. متن احتمالاً «عَنْ شِمَالٍ وَ یَمِینٍ» است.
۵. ظاهر آ متن به جای «مِنْهَا فِی شَکِّ»، «فِی شَکِّ مِنْهَا» است.
۶. احتمالاً به جای «قُلْ اِذْعُوا الَّذِینَ رَعَعْتُمْ» عبارت «و الَّذِینَ یَدْعُونَ اِتْدَعُونَ» در متن نسخه است.

- { } / { [ف] (ل) (لله) // (ا) (ن) [و] (ا) [ك] (م لا) [ما] }
 { } { } // { (ى) / (فى (ل) [ص] (ل) [م] (ن) // () [و] (ل) [ن] (ع) }
 { } { (ح) (منا و لا [ن] (س) (ل) عمار (م) و (ن) () فل / (ا) (ن) [م] (د) / (ا) }
 / { (ل) (ح) (و هو) (العا) (ح العلم) (ف) (ل) (ا) (ر) // [ى] (ا) لى
 // { (ل) (ح) (م) (ن) (لله) (س) (ك) (ف) (ل) (كلا (ه) [و] (ل) (ل) (ا) [ع] (ا) [ن] (ا)
 { } // { (م) () و (م) (ا) / (ل) (ن) [ك] (ا) (ل) (ل) (س) (ك) [ن] (ه) (ن) [ن] (ا) و
 { } // { (ا) و [ك] (ا) (ك) [ن] (ا) (ر) (ل) (ا) (س لا [ن] (ا) و () / (ا) (مى) }
 { } { [] (ل) [و] (عد) (ا) (ك) [ن] (د) // (ف) / (ف) // (م) (ن) (ب) }
 { } // { (س) (ا) / (و لا / [ا] (ف) (م) و (ن) () [و] }
 { } // { (ا) (د) (ا) (ل) (ن) و لا (ن) (ل) // [ن] (ن) }
 { } { (ل) // (ا) (م) / [ف] (ا) (ل) (ف) / (ص) (م) }
 { } { (ل) (ل) (ا) (ل) (س) (س) (ل) [و] (ل) }
 { } // { (ا) [و] (ل) (ا) (لا) [ن] (ل) (ا) (م) [و] (م) (ن) // (ف) (ل) }
 { } { (ك) (ر) [و] (ل) (ل) (ا) (س) (ل) (ع) [و] (ا) (ل) (ا) / }
 { } { (ل) (ل) (م) (ح) (ك) // (ل) /
 { } { (ن) (ن) (ا) (ل) (ف) (و) (ل) (ل) (ا) / }
 / { (ل) (و) (ل) (ل) (ه) (ا) [ن] / { } / { }
 { } // { (ع) (ل) (ه) (ا) / { } / { }

۱. ممکن است متن «وإنا وإياكم لإمّا على هدى» باشد.

۲. این کلمه ممکن است «رَبُّنَا» باشد.

۳. با توجه به مقدار فضای موجود قبل از این کلمه، ممکن است عبارت «ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَ» از قلم افتاده باشد.

۴. خط تیره کوچک بر روی دندانان پدین معناست که شاید به تاء اشاره شده باشد.

۵. آثار موجود پیش از میم بیشتر با «ک» مطابقت می‌کند تا «گ».

۶. این کلمه ممکن است «یشکرون» یا «یتفکرون» باشد.

۷. نخستین حرف در بخش ناخوانای پیشین، ممکن است واو یا فاء/قاف باشد. این کلمه شاید «وَقِيلَ» یا «فَقِيلَ» باشد.

۸. احتمال کمی وجود دارد که حرف پیش از دال، عین باشد. بخش ناخوانای پیش از میم حاوی یک یا دو حرف است. همچنین در آنجا آثاری بر روی سطر دیده می‌شود که شبیه به لام است. احتمالاً کاتب «لکم» را بعداً به متن اضافه کرده است.

۹. آثار موجود با «لطمس» همخوانی بیشتری دارد تا «لطمون».

۱۰. متن نسخه ممکن است «یلقى بعضهم» باشد.

۱۱. احتمال دارد حرف پیش از صاد، عین باشد. ظاهراً کاتب مرتکب اشتباه شده و عین را پیش از صاد نوشته، به جای اینکه آن را بعد از صاد بنویسد.

۱۲. حضور این الف، حاکی از آن است که متن نسخه، متفاوت از خوانش رسم، قرآن است.

{ } / { } / () { } ۲۱

برگه 34A (سورة سبأ: ۴۰-۴۷)

{	لا //	۱
{	سو [] /	۲
{	ملک [] //	۳
{	د (ب) [] //	۴
{	عل [] / - //	۵
{	/ /	۶
{	/ /	۷
{	/ (و) /	۸
{	{ } // س کفر و ا م ۳ /	۹
{	{ } // { } / (ن من) (ب) (ه) / م /	۱۰
{	{ } // { } (و) (ر) (ل) / [] / [] ۲	۱۱
{	{ } // { } (ن) [] (ب) [] (ف) [] ۵ /	۱۲
{	{ } { } [] (و) (ل) (م) (ب) (و) (ر) (د) (م)	۱۳
{	{ } { } (ن) (ل) (و) (ر) (س) (ن)	۱۴
{	{ } { } (م) [] سا ل //	۱۵

برگه 34B (سورة رعد: ۱-۵)

{	۱
{ (لک) ب	۲
{ (ن) ا کثر	۳
{ [] (ا) ل (مو)	۴
{ (ف) [مر]	۵

۱. احتمالاً این نویسه متعلق به «أَهْوَلَاء» است.
۲. با توجه به آثار موجود در سطرهای مجاور، ظاهراً این مورد از «کفروا» متعلق به آیه ۴۳ نیست. احتمالاً آیه ۴۴ «الَّذِينَ كَفَرُوا» دارد.
۳. معلوم نیست این میم ابتدایی، میانی، انتهایی است، یا میم تنها.
۴. ظاهراً متن نسخه عبارت «فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَذَّبُوا/كَفَرُوا» را اضافه بر خوانش رسمی قرآن دارد.
۵. آثار پیش از الف، بیشتر با «مد» همخوانی دارد تا «سم».
۶. از آنجا که کتابت در اینجا می توانسته با سطر قبلی تداخل ایجاد کند، تا پیش از این نقطه چیزی نوشته نشده است.

{ [ب] ل[له] // [م]	{	۶
{ ا لا [ر] ص	{	۷
{ ل[ل] ف[ف] [ن] [ه] [م]	{	۸
{ کل رو حس ا [س] //	{	۹
{ (ن) فی دلک لا (ب) }	{	۱۰
{ ا لا (ر) [ص] [ف] [ط] [ع] (م) حور [ب] }	{	۱۱
{ ب[ب] (و) ل[ل] ص[و] [ن] [ا] و عر }	{	۱۲
{ حد و (نص) ل[ل] (ن) [م] [ع] [ل] }	{	۱۳
{ [ف] [ی] // لک لا ب ل[ل] (و) م }	{	۱۴
{ [ب] هو [لهم] / / [م] - // }	{	۱۵

برگه 35A (سورة رعد: ۶-۱۴)

{ (و) }	۱
{ لع }	۲
{ و[ا] }	۳
{ (ن) [نص] (ا لا) }	۴
{ // [د] { (م) [د] (ر) (و) // (ل) }	۵
{ [ل] [ک] [ر] (ا) (ل) [م] [ع] (ل) (و) س }	۶
{ { // [ح] [و] (ا) (ل) / / }	۷
{ { // { (م) [ع] / / [ب] / / }	۸
{ [د] [ب] (ه) // { // [ف] [ن] [و] [ه] (م) (ا) (م) }	۹
{ ما (ب) [ف] // [م] [ح] [ب] (ا) / / [ر] (ا) }	۱۰

۱. با در نظر گرفتن کلمات خوانا، متن می‌تواند «وَجَعَلَ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَنْبَتْنَا / وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» را به جای متن رسمی قرآن مابین «أَنْهَارًا» و «يُغْشَى» داشته باشد.

۲. احتمالاً عبارت «وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ» به جای اینکه قبل از عبارت «وَوُزْغٍ» بیاید، پس از آن آمده است.

۳. ممکن است این کلمه «مِثْنًا» باشد.

۴. با فرض اینکه حروف قابل رؤیت در سطر ۲ متعلق به کلمه «الْعُقَابِ» (آیه ۶) باشد، حروف موجود در سطر حاضر نمی‌تواند به «کفروا» مربوط باشد که تنها دو کلمه بعد از آن قرار دارد، مگر اینکه «کفروا» در جای دیگری متفاوت با مکانش در متن رسمی قرآن آمده باشد. همچنین سطر ۲ و ۳ فضایی کمتر از آن چیزی دارد که برای متن نسخه مابین «الْعُقَابِ» و «تَغِيصُ» (آیه ۸) انتظار می‌رود.

۵. با توجه به آثار روی سطر بعدی، متنی که پس از معقبات آمده، ممکن است «من خلفهم و من بین یدیه» یا حتی عبارتی بلندتر همچون «من خلفهم و رقیب من بین یدیه» باشد که به ابن عباس نسبت داده‌اند (الخطیب، معجم، ۳۹۴/۴).

۶. احتمالاً متن نسخه «یرقبونه» باشد به جای «یحفظونه».

{	ر [ا] د (ا) [ل] له نعو م {	۱۱
{	مرن) وال ○ (ه) [و] (د) {	۱۲
{	طمعاو (نسی) الس [د] {	۱۳
{	بحر (مد) ه وال (م) (ب) [ک] {	۱۴
{	{ (ه) { (ب) نه {	۱۵
{	{ (و الله) {	۱۶
{	{ (ل) [د] {	۱۷

برگه 35B (سورة رعد: ۱۶-۲۱)

// {	}	۱
{ [ق] // { [س] (ی)	}	۲
{ [نر] (ل) [م] ا { / {	}	۳
{ [ر] ه [ف] (ا) [حم] (ل) [س] (ل)	}	۴
{ [له] (ه) [ی] [ل] // [ر] (ا) // [ن] (ا) [د] (ب) ه / /	}	۵
{ صر الله ال { (ی) { (ا) ل [ط] (ل) { }	}	۶
{ و ا (ما) / / (ه) // (ا) ل [ی] س	}	۷
{ ب (ص) ر ا [ل] ه (ا لا) م [ل]	}	۸
{ / / (ا) [د] (سی و) الد (ن)	}	۹
{ [ی] // { (فی ا) لار ص	}	۱۰
{ حو ه و او ل (نک) ل [ه] م	}	۱۱
{ // [م] و [ن] [س] (ا) لم [ه] (○)	}	۱۲
{ ر ب [ک] ا (ل) حق کم هو	}	۱۳
{ ل د (ن) ب { / { }	}	۱۴
{ ل د { // { }	}	۱۵
{ // { (م) [م] { }	}	۱۶

برگه 36A (سورة رعد: ۲۵-۳۱)

{	{ (ل) // (ل) // ۱۳ {	}	۱
---	----------------------	---	---

۱. بخش از دست رفته بعدی، برای گنجاندن متن رسمی قرآن مابین «بقیوم» و «من وال» کوچک است.
۲. متن نامعلوم است. ممکن است «یستخرجوه» یا «لیستخرجوه» را اضافه داشته باشد. وگرنه ممکن است «لیستخرجوه» را به جای «لأَقْتَدُوا بِهِ» داشته باشد.
۳. احتمالاً لام اول و دوم به یکدیگر متصل اند که در این صورت این کلمه می تواند «الله» باشد.

برگه 36B (سوره رعد: ۳۳-۴۰)

۱. ممکن است این کلمه «فرحوا» باشد (آیه ۲۶).

۳. با فرض اینکه نویسهٔ نزدیک به انتهای سطر قبلی «لا» باشد، میم قابل رویت در اینجا ممکن است متعلق به «تصییهم» یا «یما» باشد. اما فضای مابین «لاء» مفروض و نقطهٔ موجود، برای متن رسمی مابین «لاء» و «تصییهم» بسیار کوچک است. احتمالاً در متن نسخه «ظلموا» (که میم را نشان می‌دهد) به جای «کفروا» آمده که این قرائتی است که به ابن مسعود و مجاهد نسبت داده‌اند (الخطیب، معجم، ۴/۴۲۷).

۴. با فرض اینکه حرف فاء مفروض در انتهای سطر ۲ به فما تعلق داشته باشد، بخش از دست رفته در انتهای

۵. متن در اینجا احتمالاً «أكلها وظلها دائماً» است.

۷	{ } / [و] // و عفی (ا) [ک] // { } [ن] // (و) لاس { }
۸	{ } // (ا) [ک] [ب] [ز] // { } (م) // (ن) [ک] (ن) [ک] { }
۹	(من الا) [ح] // (ب) / { } (ب) // (ک) / [صه] [ک] (ب) عو ۱۱
۱۰	/ / (ح) [ب] (ه) / { } (ا) [ه] // [ف] (ل) [م] (ب) (ب) ان
۱۱	[عد] (ل) [ه] / { } / { } / [د] [ع] (و) [و] الله
۱۲	/ / [ب] [و] / { } / { } عر بنا و لسن { }
۱۳	{ } { } / { } { } [ک] [م] [ن] (ا) [م] { }
۱۴	{ } { } / { } / { } / { }
۱۵	{ } { } / { } / { } / { } ماکان
۱۶	{ } { } (ح) / { } / { } / { } لله (ل)
۱۷	{ } { } / { } / { } / { } و عد
۱۸	{ } { } / { } / { } / { } (م)
۱۹	{ } { } / { } / { } / { } [ب] { }

برگه 16B (سورة قصص: ۱۹-۲۴)

۱	{ } { } کو (ن) { }
۲	{ } { } د سه (س) عی فل { }
۳	{ } { } لوک فا (ح) ح { }
۴	{ } { } [م] (ب) حفا (ن) { }
۵	{ } { } (ا) لحطس (و) و [م] // { }
۶	{ } { } (ه) [د] بی (س) و ۱۱ { }
۷	{ } { } حد علس (ه) [م] { }
۸	{ } { } (هم) ام (ا) [ن] { }
۹	{ } { } اس فل (ب) // { }
۱۰	{ } { } اس (ج) [ک] { }
۱۱	{ } { } ل و (فل) { }

۱. آثار به جا مانده ممکن است مربوط به یک الف باشد که در این صورت متن به جای «آتیانهم»، باید «آتوا» باشد.

۲. متن اضافه شده احتمالاً با «کلّ یدعوا ... الی جنبه/جانبه» آغاز می شود.

۳. آثار پیش از هاء چندان با «الف» تطبیق نمی کند؛ به ویژه آنکه حرف پیش از هاء به جای باء، احتمالاً لام است.

۴. خط افقی مابین لام و دندانه از دیگر حروف پررنگ تر است.

برگه 16A (سورة قصص: ۳۰-۳۵)

{	{ } // [ا] الله ر //	۱
{	{ } ها ب [ه] (ب) ر کا	۲
{	{ } ب (مو) سی ا (ه) ل (و)	۳
{	{ } ب (د) ک [ه] ی (ه) ب (ص)	۴
{	{ } (ص) هم الیک حید	۵
{	{ } ر نک الی (ه) ر [ع]	۶
{	{ } ه { (ه) س } (ه) ر ب	۷
{	{ } { (و) اخی هر (و) [ن]	۸
{	{ } { [ص] د فی ا (نی)	۹
{	{ } { (د) // (ک و بد)	۱۰
{	{ } { (ب) ب (ب) اند	۱۱

برگه 28A (سورة صافات: ۱۵-۳۳)

{	{ } (و) هلا هدا { } // س { } (ا) د ا / / [ب] ب (ب) { }	۱
{	{ } (ع) [ط] (ما) / / ا (د) / / (و) ن (و) ا / / [و] / / [و] ل و [و]	۲
{	{ } قل نعم و ا ب [م] [د] ح ر و ن (و) فا (ب) { } ح (ر) ه (و)	۳
{	{ } حده فاداه [م] مح (ص) [ر] / / { } / / [و] نلنا	۴
{	{ } ه // ا ب (و) (م) الدس { } (ه) // (ا) نو // { } [صل] // (د) // (ی)	۵
{	{ } ک [ب] // (م) / / (ب) [و] ن (و) ا ب (ه) و (ا) { } (ط) // [م] (و) ا //	۶
{	{ } ما کانو ا (ب) [ع] (ند) و [ن] م د { } (فا) [ه] /	۷
{	{ } (م) الی صر نطا (لد) حم // { } /	۸
{	{ } ل و ن (و) ملک لا یبصر (و) / / { } /	۹
{	{ } (م) // [نس] (مو) ن (و) ه (ا) ب [ل] // { }	۱۰
{	{ } (ه) و { } و ا (نکم) [ک] // [م] { }	۱۱
{	{ } نل لم بکرو ب و ا / { }	۱۲

۱. احتمالاً این کلمه «قمیصک» باشد.

۲. احتمالاً متن در اینجا به جای «بنظرون»، «محضرون» باشد.

۳. این کلمه احتمالاً «ابعثوا» است.

۴. فضای مابین نون و میم مفروض برای دو ستون از علائم جداکننده آیات که در این برگه به کار رفته، نسبتاً کوچک است.

۵. احتمالاً این کلمه «تناصرون» (با الف) باشد یا «تناصرون» که به عنوان قرائت ابن مسعود گزارش شده است (الخطیب، معجم، ۲۰/۸).

- ١٣ { (من) سلط(ر) نل [ك]ـ[ب]ـ }
 ١٤ ل / (ب)ـ(ا)ـ // {
 ١٥ { (عو) // [ن]ـ [و]ـ (فا) [ـ]ـ // }

برگه 28B (سورة صفات: ٤٣-٦٨)

- ١ { حب (ا) [ـ]ـ (نع) // [و]ـ ع[ی]ـ سر ر منـ[ف]ـ(ل) { [و]ـ نطاف عنـ(هم)
 ٢ [ـ]ـ(ك)ـ اس ملـ ما [ـ]ـ(م)ـ[ـ]ـ // [ـ]ـ(صا)ـ لده للـ[ـ]ـ // [ـ]ـ(ن)ـ (و) لا (ف)ـ[ـ]ـها عو {
 ٣ ل و [لا]ـ (ه) { // [ـ]ـ(ن)ـ[ـ]ـ(و)ـ [ـ]ـ(ن)ـ ع[د]ـ[ـ]ـ(م)ـ [فصـ(ر)ـب الطـ[ـ]ـ]ـ { }
 ٤ // ع[ـ]ـ[ـ]ـ(ن)ـ[و]ـ [ك]ـ[ـ]ـ[ـ]ـ { } // (ص مکـ[ـ]ـ(و)ـ [و]ـ (فا) هل (ب)ـ(عصـ(هم)ـ(ع)ـلا {
 ٥ (د)ـ[ـ]ـ(ص)ـ(ب)ـسلـ(و)ـ { } { بـ(ل)ـ منـ(هم)ـ اسی کان لی فر تـ(ن)ـ (و) نعو
 ٦ ل انک لمـ[ـ]ـ { } { فـ[ـ]ـ[ـ]ـ(ن)ـ (و) ادا (م)ـ[ـ]ـ[ـ]ـ(ا)ـ و [ک]ـ[ـ]ـ(ب)ـ(ن)ـ ناو
 ٧ (ع)ـطـ[ـ]ـ(ا)ـ (ب)ـ { } // فـ[ـ]ـ(ل)ـ ا [ـ]ـ(م)ـ(مطلـ(م)ـ[و]ـ (و) فاطلع
 ٨ (فر)ـ!ـ فی { } { (و) فل نا لله ان (ک)ـ[د]ـ[ب]ـ (لـ(نع)ـو ن
 ٩ [و]ـ (ل)ـ[و]ـ (لا) { } { [ک]ـ[ب]ـ من المحـ(صـ(ر)ـ(ن)ـ [و]ـ (ما)ـ بحـ
 ١٠ / (ن)ـ[ـ]ـ(ب)ـ // (ا)ـ { } { لری) و ما (بـ(حـ)ـ(مـ(ع)ـ(د)ـ(س)ـ [و]ـ ان
 ١١ { } { [و]ـ (لـ(م)ـ[ـ]ـ(ل)ـ(هـ(د)ـ اهلـ[ـ]ـ[ـ]ـ(م)ـ[ـ]ـ(ل)ـ ا
 ١٢ { } { [ا]ـ (م)ـ [سـ(د)ـ // ه المر { } [ف]ـ[و]ـ م
 ١٣ { } { / (ا)ـ(سـ(حـ)ـ // [ـ]ـ[ـ]ـ[ح]ـ فی
 ١٤ { } { [س]ـ[ا]ـ // (ط)ـ[و]ـ [و]ـ فا
 ١٥ { } { ا (ل)ـطـو ن (و) // م ا
 ١٦ { } { ا [ن]ـ مر جمعـ(م)

برگه 29A (سورة صفات: ٨٢-١٠٣)

- ١ { } { (ا) لا حـ[ـ]ـ [و]ـ ا ن من (سـ(عـ // لا (بر)ـ [ه]ـ { }
 ٢ { } { نه نعلـ[ـ]ـ سلـم ا (د)ـ فل (لا)ـ // و [فو]ـ { }
 ٣ { } { (نـ(م)ـ(د)ـ و [ا]ـ (ب)ـ(کـ(ا)ـ و (ن)ـ الله الهـ[ـ]ـ { }
 ٤ { } { (م)ـ[ا]ـ [ط]ـ // (کـم نـ(ب)ـ ا [لـ(ع)ـ(لـ(م)ـ(ن)ـ [و]ـ (نـ(طـ(ر)ـ[ـ]ـ[ط]ـ)ـ // { }
 ٥ { } { // (فل)ـ ا (نی)ـ(سـ(فـ[ـ]ـ[م]ـ { } { فـ[ـ]ـ[و]ـ لـ[و]ـ ا [ع]ـ[ـ]ـ[ه]ـ // { }
 ٦ { } { [ا]ـ لی الـ(ه)ـ(بـ(ه)ـ // [ف]ـ[ا]ـ // { } { [ا]ـ لا [ـ]ـ[ا]ـ [ک]ـ[و]ـ { }
 ٧ { } { (ن)ـ // [فر]ـ / / لـ(هم)ـ(صـ)ـ // [ا]ـ نا لـ[ـ]ـ[ـ]ـ / { }
 ٨ { } { (نـ(فـ(و)ـ // [و]ـ فل ا (بـ(عـ(د)ـ[د]ـ (و)ـ ما بـ[ـ]ـ[ـ]ـ // { }
 ٩ { } { و مـ // { } { (و)ـ [و]ـ (ل)ـ // (ل)ـ // { }
 ١٠ { } { فی ا { } { (ف)ـ [ا]ـ (ر)ـ(د)ـ و (ل)ـ // [ه]ـ // { }

۱۱	{ (س)فلن } { [ل] اى د ه / (ا) // }
۱۲	{ لى من (ا) } { (ص)لحن () (ف) // [ر] // }
۱۳	{ مع / (ل)س[عى] فل ننى (ا) // }
۱۴	{ د (ب)حک (ا) // (ط)ر م }
۱۵	{ (س)بحد نى ا (ن)س }
۱۶	{ / / }

برگه 29B (سورة صافات: ۱۱۸-۱۴۴)

۱	{ { (ال)ص } / [م] و بر کنا }
۲	{ { (ح)ر // (ن) // [س][م] [ع]لى (مو) [س]ى و هر (و) ن } کد }
۳	{ { (س)ر (ن) } ا بهم من عد [د] نا (الم) و م / [ب] }
۴	{ { من المرسلن } ا د (فل) لرف [و] / (ا) }
۵	{ { ن (ب) [ع] لا و د (ر) و } { احسن) الحد [ف] // }
۶	{ { انا (ب) [ک] (م) ا (لا) } { [ل] // [] [ف] (و) // (ف) }
۷	{ { [] // [] (لا) } { [ب] (د) الله) [ل] // [ح] (ص) [ن] و }
۸	{ { (لا) حر // } (س)لام على ا [ل] (ب) [س] // {} // {} [د] لک ^۱ }
۹	{ { کان (م) عد (ب) [ا] // [م] } { (ن) [] و }
۱۰	{ { (ا) [مر] س (ل) [ن] } [] (د) { (و) ا }
۱۱	{ { (ا) / / (ل) [عد] // ن } (ب) م ما }
۱۲	{ { [ع] (ل) به (ا) [مص] } { [ن] [] و نائل }
۱۳	{ { (ب) و { [س] لمن [ل] (لم) سلس }
۱۴	{ { [س] حو [ن] [] [س] به [م] فکان }
۱۵	{ { (و) ب [و هو] ملنم } () }
۱۶	{ { [ل] // (ف)ى د / }

برگه 18A (سورة حجر: ۴-۳۳)

۱	{ { [] / / (لا) و ل (ه) // کتب م / [و] (م) / (ا) / }
۲	{ { [حله] (ا) و [] // سحر و ن } (ه) لو انا به (ا) الد (ى) ابر ل) عله }
۳	{ { [ک] [ل] [م] (حنو) } [] [و] ما نا ب (ب) نا لمل (ک) [ه] (ا) ن (ک) [ب] }
۴	{ { (ن) [] (و) م [] سر [ل] ا (ل) ملن [ک] به الا (ب) (لحق) و م (ا) کا }
۵	{ { [و] (ا) ا د ا (م) بطر (ب) [] [] (ا) // (ا) یح [ب] بر (ل) الود (ک) // (و) ا // (ل) // ل (ح) قط }

۱. با توجه به مقدار فضای پیش از دال مفروض، احتمالاً متن «کذلک» باشد، نه «إنا کذلک».
 ۲. آثار به جامانده در اینجا بیشتر با «القرآن» مطابقت دارد تا «الذکر».

- ۶ ن ○ و لغدار سلیمان (ف) (ک) فی سبع الا و (ل) (ن) (○) و ما د // نه { }
- ۷ من رسول الا (کا) [نو] (ا) به نسهر و ن ○ کذ لک سلکه { }
- ۸ فی قلوب (ا) [م] (ح) [ر] / / [ن] // لا بو مر (ب) و انه و قد حلب س (ه) الا { }
- ۹ { } [ن] (ن) ○ و لو ف [ن] (ح) (ب) (ع) نه // نا (نا) من السما ف [ن] (طو) ا نه نعر { }
- ۱۰ حو ن ○ لفل [و] ا اما س (ک) ر با نصر نائل نحن قوم مسح { }
- ۱۱ ر ^۲ (ن) ○ و (ل) ف (ح) نه فی ا (ل) ما بر [و] (ح) (ا) و (ر) نه (ل) (ط) [ن] (○) و { }
- ۱۲ (ح) ف (ط) نه من کل سبط [ر] (ح) (ن) ○ (ا) لا من اسر و السمع { }
- ۱۳ ف ا نبعه سهام / (ن) ○ (و) الار ص مد د نه (و) الف { }
- ۱۴ (ف) نه (و) [ر] (و) سی و اسنا / نه من کل سائ (مو) // [و] (ن) (○) و (ح) نه // { }
- ۱۵ لکم [م] (ف) [ن] نه مع (ن) و من لسم نه بر (ر) // [ن] (○) (و) / / ۳ (ن) سا [ی] (ا) { }
- ۱۶ لا (ب) [ن] ند سا حر نه و (م) نه بر (له) ^۴ الا بعد [ر] معلوم ○ و ار { }
- ۱۷ (س) نه (ل) ریح لو ف [ح] فا نه (ن) نه (ل) نه (م) السما ما ف [ن] (س) نه سکو { }
- ۱۸ ه (و) [م] (ا) [ن] [م] نه حره [ن] (○) و انا نحن بحری و (ب) نه / و (ا) [ن] نه (ل) (ح) [ن] { }
- ۱۹ الار و ن ○ و ا [ن] نه (ل) لسم نه (ل) [م] نه (س) نه (م) نه (م) نه (س) نه (ل) نه { }
- ۲۰ لسم بحر [ن] ○ و ا / / ر نک (ل) بحسر ^۵ // ا نه [ن] نه (ح) [ن] (ک) [م] نه علم (○) و { }
- ۲۱ (د) // [ن] نه (ا) لا نس من صلصل من [ح] نه ما مر (س) و ن ○ و { }
- ۲۲ ا (ل) ح حلف / من نه (ل) (م) نه (ب) نه (س) نه (م) [ن] (○) و ا د فل ر نه [ن] { }
- ۲۳ للرم نه (ل) نه (ب) // حلق [ن] نه (س) [ر] (ا) من ص نه (ص) نه من حما مسر و ن { }
- ۲۴ ف // (د) سو نه و نهف نه (ف) نه [ن] نه (م) نه ر و (ح) نه نه [و] نه { }
- ۲۵ سجد ن [○] ف سجد الرم نه (ک) نه [ن] نه (ا) جمع ن ○ الا ا نسل [ن] { }
- ۲۶ // [ن] نه (ا) نه (ک) نه (ن) مزع (ا) نه [ن] نه (س) نه (ل) نه نال نه (س) مالک { }
- ۲۷ [ا] نه (لا) نه [ن] من ا نه [ن] نه (○) نه (ل) نه لم / / (لا) / / { }

برگه 18B (سورة حجر: ۳۳-۷۴)

- ۱ { } نه [س] حلف / من صلصل م [ن] نه (حما) مسو ن ○ فل نه [ح] (ح) / / نه { }

۱. دندان و یک خط افقی در زیر فاء قابل رؤیت است. احتمالاً کاتب ابتدا «فی» کتابت کرده و سپس آن را به «فیه» تغییر داده است.
۲. هیچ اثری از واو پس از راء دیده نمی شود؛ همچنین فضای کافی نیز برای یک حرف وجود ندارد.
۳. آثار به جامانده در اینجا بیشتر با «ما» مطابقت دارد تا «ان».
۴. ظاهراً کاتب در اینجا مرتکب اشتباهی شده و آغاز کلمه را با یک دندان به جای دو دندان کتابت کرده است.
۵. روشن نیست که آیا پیش از هاء ابتدایی دندانهای قرار گرفته است یا خیر.
۶. آثار به جامانده پیش از هاء چندان با یک میم ابتدایی که پس از آن یک دندان آمده باشد مطابقت ندارد، بلکه با یک میم، یا دو دندان، یا یک لام و یک دندان مطابقت دارد.

- ۲ { ۱۱ نگ (ر) حنم (○) و ا ن ع ل ن ک ل ع د (ب) ا ل ی ی و م ا ل د (ب) ی (○) ف ل }
- ۳ { { ب ف ا ن ط ر ی ا ل ی ی و م (ب) ی ع ی و ن ○ ف ل ف ا ن ک م ن (ا) } { [ب] (ن) ○ }
- ۴ { { ل ی ی و م ا ل و (ف) ب ا ل م ع ل و م ○ ف ل (ر) ب ن م ا [ا] / [ب] // ل ا ر }
- ۵ { { ی ل ه م ف ی ا ل ا (ر) ص و ل ا ع و ن ی ه م ا [ح م] ی س ○ ا [لا] (ع) ی ا }
- ۶ { { د ک (م) م ی ه م (م) ا ل م ح ل ی س ○ ف ل ه د ا ص ر ط // ل ی^۲ (م) ی س ی ع (م) ○ ا ن^۳ ع د ی }
- ۷ { { ی ه م (م)^۴ ل ر ی س } ل ک ع ل ی ه م (س) ل ط ی و ل ا س { } ل ا م ا ل ی (ب) ی ک م ی }
- ۸ { { [م] و [ب] (○) و ا ن ح ی ه م (م) ی ع د (د) [م] // [ا] ع د (ن) // ل ه ا س ی ع ا ی و (و) }
- ۹ { { ک ل (ب) ا ب م / م (م) ح ر (م) ی س و [م] ○ ا ن ا ل م ی ی س ف ی ح ی ب (و) }
- ۱۰ { { [و] ن ○ ا د ح ل و (و) ه ا ی س ل م ا م ی ی س ○ ا ح و ن ا ع ل ی س ر م ی ی ل ی س ○ }
- ۱۱ { { (ا) ل ی س ی ه م ف ل ی ه ا (م) ی ی ی ل ی ب و م (ا) ه م م ی ه ا ی (م) ح ر ح ی س ○ // ی ع د ی }
- ۱۲ { { ی ا ن ا (ا) [ع] و // (ا) ل ر (ح) ی م (○) و ا ن ع د ی ه و ا ل ع د (د) ا ب }
- ۱۳ { { ل ی م (○) و ی ی (ب) ی ه م ع ی (ص) ی ف ا ی ر ه م ○ ا د د ح ل و ا ع ل ی م (م) }
- ۱۴ { { [ف] (ف) ل و ا س ل م (م) (ف) ل ا (ب) ی م ی ک م^۵ و ح ل و ن ○ ف ل و ا ل و ی (ح) ل (م) ی }
- ۱۵ { { [ب] ی س ر ک ی ع ل ی م (ع) ل ی م (○) ف ل ی س ر ی م و // ی ع ل ی ا ن م ی س ی }
- ۱۶ { { [ا] ل ی ل ی ر ی ه م ا^۶ ی س ی ر و ن (○) ف ل و ا (ب) ی س ر ک ن ا ل ی و (ل) ی ک ی (م) ی }
- ۱۷ { { [ا] ل ی ق ی ط ر ی ی ○ ف ل [و] م ی ی ع ی ط م ی ر ح ی م (ه) ر ی ه (ا) ل ا ل ی (ص) ل ی و ن ○ }
- ۱۸ { { [ف] (و) [م] // ح ی ط ی ک م ا ی ه ا ل م ر ی س ل و ن ○ ف ل و ا ن ا ر / ل ی ا }
- ۱۹ { { [ی] / / م ح ر م ی س ○ ا ل ا ل ل و ط ا ن ا م ی ح و (م) ا ح [م] / ی س ○ ا ل ا }
- ۲۰ { { (م) ی ه م ا ی (ه) ی (ک) ی ب م ی ا ل ع ی ر ی س ○ ف ل م ا ح ا (ل) ل و ط (ا) }
- ۲۱ { { [م] ی س ل ی ی ○ ف ل ف و (و) م (م) ی ک ر و ن (○) ف ل و ا (ب) ی ح ی ک ی م ا (ک) ی و }
- ۲۲ { { (ه) ی م ی ر^۷ و ن ○ و ا ی س ک ن ا ل ی و ا ن ا ل ی ص د (ف) ی س (○) // [س] ر }

۱. اینکه الف به حرف قبل از خودش متصل باشد یا خیر روشن نیست.
۲. به نظر می‌رسد که کاتب ابتدا نوشتن «علی» را در اینجا فراموش کرده، چرا که «علی» اندکی بالای سطر، در فضای کوچکی مابین «صراط» و «مستقیم» کتابت شده است.
۳. شاید بتوان حرف نون را به دلیل وجود خط تیره کوچکی درون آن، تشخیص داد.
۴. ممکن است این کلمه «مِنْهُمْ» باشد که در این صورت جمله نامناسب و خراب خواهد شد؛ یا می‌تواند «علیهم» باشد که در این صورت این کلمه اشتباهی نگارشی خواهد بود، چرا که «علیهم» دوباره پس از «لَکَ» آمده است.
۵. احتمالاً این کلمه «سَبِيل» باشد.
۶. شکل الف نشان می‌دهد که قسمتی از «لا» نیست. احتمالاً متن در اینجا «ما» باشد.
۷. شاید بتوان حرف نون را به دلیل خط تیره کوچکی که بالای دندان است تشخیص داد.
۸. الف آخر جز در قسمت انتهایی اش نسبتاً کم رنگ است. شاید کاتب آن را پاک کرده باشد.
۹. به نظر می‌رسد که کاتب ابتدا در آخر این نویسه، واو کتابت کرده، اما بعداً آن را به راء تغییر داده است.

- ۲۳ { [ب] هلك بـ(ف) طع (م) النبل و اـ(ب) ع ا د بر (ه) م و لا بـ(ل) / ب
 ۲۴ { // (ك) م ا ح د و ا م ص و ا ح ب ن ا م ر و ن ○ (و) فـ[ص] بـا اله
 ۲۵ { [د] لك ا ل ا م ر و ا ن د بر هو لا مـ[ط] و ع م ص ح ن ○ و ح ا
 ۲۶ { // المـد بـه بـسـ[ب] / سـر و ن ○ فل صـغـی فلا بـعـ(صـحـو) ن ○ و اـبـ(فـو) ا
 ۲۷ { { لله فلا نـحـر و ن ○ فـلـو ا ا و لـم بـيـهـك (ع) ن الـعـ(لـم) / ن ○ فل هو (لا)
 ۲۸ { // [ن] ا [ن] كنـم فـعـلـن ○ لـعـ(مـر ك ا بـهـم) لـغـی (سـ) [كـر] هـ(م) / /
 ۲۹ { // حـد بـهـم الـصـرـبـ[ه] مـر سـر هـ(فـ) / ن ○ و [حـ] / (لـنـا) // [ب] / (هـا سـ) // [هـ] }

برگه 19B (سورة حجر: ۸۷-۹۹ و سورة فرقان: ۱-۸)

- ۱ { (ا) ن [ل] عـطـ /
 ۲ { [م] و لا (نـحـر) ن [عـ] بـ[هـم]
 ۳ { بر (مـسـ) ○ [كـم] ا / لـنـا
 ۴ { بـر (ا) ن [عـصـ] / ن ○ و [ر] بـ[ك]
 ۵ { بـعـمـلـو ن ○ فـا (صـد ع) / (ا)
 ۶ { / ن ○ ا // [ك] [بـ] ك الـمـسـد / ن
 ۷ { لـسـ[هـ] ا (حـر هـ) [سـ] و ف بـعـلـمـو (ن) ○ [و] /
 ۸ { [ك] مـ(ا) / لو ن ○ فـ(سـ) بـج (نـحـمـد) ر // (ك)
 ۹ { [عـ] بـد ر بـك (حـ) نـا د / ك الـنـفـسـ(ن) ○ /
 ۱۰ { ~~~~~
 ۱۱ { [حـ] / (م) ○ [بـ] // [ك] (ا) / / (ل) / (ق) / [عـ] / (ه)
 ۱۲ { (د) // (ر) ا ○ الـدی (له) [مـ] (ك) [ك] (ا) لـسـمـو ب
 ۱۳ { [م] بـنـحـد صـد / [بـ] (هـ) و (لا) [و] لد^۱ [و] // [لـق] كـل
 ۱۴ { (و) ا حـد و ا مـسـ(د) ن الـ(له) الـهـه لا

۱. اثری از دندان‌ه پیش از هاء وجود ندارد. ممکن است این کلمه «شکرهم» باشد که قرائت اعمش گزارش شده است (الخطیب، معجم، ۵۷۷/۴).
۲. ظاهراً متن نسخه «نذیر مبین» بوده است.
۳. روشن نیست که آیا پیش از میم ابتدایی، یک دندان‌ه وجود داشته یا خیر.
۴. روشن نیست که آیا در اینجا چیزی نوشته شده یا خیر؛ آثاری در ابتدای آن به‌جا مانده که احتمالاً متعلق به یک الف است.
۵. امکان دارد این کلمه علی باشد که در این صورت احتمالاً پس از «عبده»، کلمه «الفرقان» نوشته شده است.
۶. بخش از دست‌رفته این سطر بزرگ‌تر از فضای مورد نیاز برای عبارت «وَالْأَرْضِ وَنَمَّ» است. احتمالاً متن حاوی یک عبارت اضافه همچون «و ما بینهما» پس از «وَالْأَرْضِ» بوده است.
۷. به نظر می‌رسد عبارت «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيبٌ فِي الْمُلْكِ» از قلم افتاده باشد.

{ ۱ [م] لکن ^۱ مونا و لا حنو) ه و لا سور ا (○) }	۱۵
{ (ا) ا (ه) [د] ا (لا) ا (ه) [ک] (ا) هر (ب) ه و }	۱۶
{ (ح) س (○) لافد (ح) و ا (ط) // (ک) // (ا) / (و) ر (ا) (○) و فلو }	۱۷
{ (ن) ○ اک [سد] ها هه (ی) [سم] لی (ع) لـ (ه) سـ (ک) ره [و] }	۱۸
{ [ه] [الدى سعل] ا (ک) / (ی) [لس] (م) (و) ا لا }	۱۹
{ (ا) ر حنا ○ (و) فلو امل (هد) ا [ل] ر }	۲۰
{ سی فی الا (س) و ی (لو) لا ا [ل] ر (ل) }	۲۱
{ ن در ا ○ ا [و نکو] ن له کـ (ب) // (ا) }	۲۲
{ بها و فل ا (ک) [ط] // } { (ا) } { سعو } }	۲۳

برگه 19A (سوره فرقان: ۱۴-۲۷)

{ و (اد) }	۱
{ ا (لح) [لد] الـ (ی) }	۲
{ // (مص) [یر] ا (○) له (م) فـ (ه) }	۳
{ (ع) د ا مسولا ○ و نوم // }	۴
{ انم اصللـ (ب) م [ع] بندى هو }	۵
{ فلو ا ر بنا ما کان نسعى }	۶
{ من او لنا و لکن منع هو (لا) }	۷
{ کر و کا بو ا هو ما نور ا ○ هـ }	۸
{ ن ^۲ لک صر فا و لا بصـ (ر) او مـ (ن) }	۹
{ عدا [لـ] ^۳ (ک) [لـ] ر ا ○ و ما ا (ر) [س] لنا }	۱۰
{ الا من هـ (و) نا (ک) ل من الطعم و }	۱۱
{ و (ح) علنا نعصم لنعص فنه ا (ب) صد }	۱۲

۱. این بخش که از لحاظ فیزیکی از دست رفته، برای حدود سه کلمه جا داشته است. احتمالاً متن در اینجا «يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَلَا» بوده است.

۲. روشن نیست که آیا پیش از میم حرف دیگری وجود داشته یا خیر.

۳. فاصله میان طاء و لام نسبتاً زیاد است، اما به روشنی مشخص نیست که آیا مابین آن‌ها حرفی کتابت شده است یا خیر.

۴. بخشی از سطر قبلی که به لحاظ فیزیکی از دست رفته است، برای حدود چهار کلمه جا دارد که این فضا به زحمت برای نگارش متن رسمی قرآن پس از «صَرَفًا» جا دارد. احتمالاً عبارت «بِمَا يَقُولُونَ» از قلم افتاده است.

۵. می‌توان یک خط افقی کم رنگ - مختم به الف - را مشاهده کرد. احتمالاً کاتب ابتدا یک باء آخر در آنجا نوشته، اما سپس دنباله آن را پاک کرده و به جای آن، یک الف اضافه کرده است.

۱۳	{	نصر (ا) و قل الدین کفر و الا لا د	{
۱۴	{	{ [ب] بر ل الملک (که) (ل) هذا (س) کبر (و) افری (ی) }	{
۱۵	{	{ { ع (و) اکبر (ب) را و (ب) [و] م (سر) ل المل }	{
۱۶	{	مند [ل] مح (ر) من و قالوا احرا مح (و) ر (ا) }	{
۱۷	{	{ { لو (ا) م (ن) عم (ل) فح [ع] لله هنا منو (ر) ا و }	{
۱۸	{	{ { ح [ر] مسفر او احس معلا و }	{
۱۹	{	{ { و) نزل الملک (ب) / (ب) لا و }	{
۲۰	{	{ { حص و } (ا) { لى الکفر [ب] [ب] و (ما) }	{
۲۱	{	{ { (ا) } ل { على يده نفو }	{

برگه 24B (سورة روم: ۳۸-۵۰)

۱	{	{ [م] سکس (و) اس ا / [ل] (د)	{
۲	{	{ [ه] (ا) للآه و (ا) و [ب] (ک) [ه] م }	{
۳	{	{ (ب) // (ل) [ر نو] ا فی (ا) [مول]	{
۴	{	{ و [م] اسهم من ر [ک] (و)	{
۵	{	{ (ا و ل) [ک هم] ا (لم) / }	{
۶	{	{ [م] (نم) / م بم (نم) کم }	{
۷	{	{ (ل) / (ا) / [ی] / [نحه] و بعلی }	{
۸	{	{ [ف] (ی) (ا) [ل] / و (ل) [بحر] [م] (ا) }	{
۹	{	{ { (ه) [م] (ب) / / الدی (ه) [م] (لو) } }	{
۱۰	{	{ (ر) و ا (فی) ا (لا ر ص) فا }	{
۱۱	{	{ لدس [م] (ن) (ه) کم کا (ن) }	{
۱۲	{	{ او (ح) کم (کم) هل (نو) } }	{
۱۳	{	{ [د] عو و [و] (مهم) [و] (ه) (ه) }	{
۱۴	{	{ / [ه] / [و] (مهم) [و] (ه) (ه) }	{

۱. با توجه به کلمات قابل رؤیت، ممکن است بخشی که از لحاظ فیزیکی از دست رفته است، شامل عبارت «لا ترجوا لقاء الله حتی» یا «لا تؤمن لک حتی» بوده باشد.
۲. در این سطر پیش از این نقطه هیچ نوشته‌ای وجود ندارد؛ شاید بدین علت که احتمال داشته با سطر قبلی تداخل پیدا کند.
۳. به نظر می‌رسد «یعملون» به جای «عملوا» آمده باشد.
۴. احتمالاً در متن «فاقیموا وجهکم» یا «فاقیموا وجهکم» آمده باشد (گزارش شده که ابی بن کعب به جای «ووجهکم»، «ووجهکم» می‌خوانده است (الخطیب، معجم، ۸۱/۲).
۵. ظاهراً عبارت «أَنْ يَأْتِي» از قلم افتاده است.

{ // (ل) / {	15
{ // (ر) / (ل) (ج) {	16
{ (ل) (ر) ی (ا) [ف] [ک] فی ۱ {	17
{ (ل) [و] (ل) (ل) / [ک] (و) {	18
{ (ر) (ل) ۱ / [هم] {	19
{ [م] (ن) [ل] / (و) ۱ {	20
{ [س] [و] (ه) ۱ ۱ ۱ / [ی] بر {	21
{ [ط] [فی] (ل) / [ک] [ف] ۱ {	22
{ [د] (ل) [ت] نه {	23
{ [س] / {	24
{ (م) [م] (ل) [س] / [ف] [د] {	25

برگه 3B (سوره فاطر: ۳۹-۴۰)

{ // {	۱
{ // ۱ {	۲
{ [ف] (ن) / (ف) هم {	۳
{ [م] د [و] (ن) {	۴
{ ص ۱ / هم {	۵
{ (ل) [ه] / [ک] [د] (ه) [ف] (ه) {	۶
{ [ص] [هم] / [ص] ۱ {	۷

برگه کریستیز ۲۰۰۸، پشت (سوره منافقون: ۱۱-۱ و سوره جمعة: ۱۱-۱)

۱ [سم] (ل) (ل) (ل) / (ن) (ل) [ر] / (م) (ل) [د] (ل) (ل) [ک] [ن] [ف] [و] / [د] و ۱ /	
۲ ر [س] (ل) (ل) (ل) (و) (ل) [ه] [د] [م] [ک] [ر] [و] [ل] (ن) ۱ /	
۳ لکد نو (ل) (ل) (ل) (ل) [م] (ه) (د) [ه] [د] [ص] و [ع] [س] (ل) (ل) [ه] [هم] /	
۴ (ل) [ک] [و] / (ل) (ل) [ک] [د] [هم] [م] (ک) [ف] (ن) و ۱ / [م] [د] و (ل) /	

۱. احتمالاً متن عبارت «فی البحر» را اضافه بر خوانش رسمی قرآن دارد.

۲. احتمالاً در متن «هو» به جای «الله» آمده است.

۳. احتمالاً متن «فَيُبْسِطُهُ فِي السَّمَاءِ كَسُفًا» باشد.

۴. این حرف احتمالاً متعلق به «عليهم» است که در این صورت «مِنْ قَبْلِهِ» از قلم افتاده است.

۵. احتمالاً «انزلنا عليهم» به جای «اعطيناهم» آمده است.

۶. احتمالاً در متن «شَهِدُوا» به جای قالوا «نَشْهَدُ» آمده است.

- ۵ ۱۱ قطب[ع] علی فلو بهم د // یک نایم قوم (لا نف) فهو ۱ (و) // ا ح و ک [بعد] /
- ۶ ا حسم // و ا ن فو لو (ا نس) مع / لو [بهم] (کا) / / حسب مسنده [س] / ن /
- ۷ صبحه // لنهم (هم) ال ع // و ف[ا] (ح) د // و [ه] // (ف) ب[ا] [م] / ا / ه ا بی (رو) فکو [ن] (و) /
- اد // [ف] /
- ۸ لهم // [ع] لو ا / د / (لکم) / / [و] (ل الله) [ه] / / (و) [س] (هم) و ر نهم بصد و ن (و هم)
- ۹ م[س] (سک) / / ن / / ا / / استعفر [ب] [بهم] / / [س] (س) / / (لهم) ل ن [ع] هر الله [بهم]
- ۱۰ ا [ن] [الله] لا [بهم] / / الف (و) م // الف (س) (د) ۱ (هم) الد / / [ن] / / (لا) ب فو ا علی /
- ۱ [ع] / / س و ل ا [له] حسا [س] ص[و] ا م (و) [له] (و) لله حر [ن] ا / / [ب] و (ا) لار [ص]
- ۱۲ و [لک] (ا) ن الم (ف) کس (لا) / / (هو) ۱ (و) / (و) ل[و] [ن] (لا) ن ر (ح) عا الی الم /
- / [ننه] / [ح] ر
- ۱۳ (ح) ا لا [ع] [م] (س) ا لا (د) ل و [له] الم[ر] ه (ح) [م] / [ع] [و] ل[ر] [س] و ل و الم[و] [م] /
- ۱۴ و (ک) [ک] (ا) [م] (ن) [ع] / / (لا) ن // (ع) لمون ۱ (و) [س] (ا) [م] (و) / / (و) [ک] (م) [ک]
- ۱۵ و (لا) // ل[د] [ک] (ع) ذکر الله [و] [م] (ن) [ع] [ل] د / / (ف) [و] / / [م] [ه] (ا) /
- ۱۶ [و] ۱ (و) [ا] (ب) [و] [م] [ن] [ا] [ن] [ما] / / ا ح ک م [ا] / / [ب] و / / ل [ر] (س) (و)
- ۱۷ لا (ح) / / ۱۷ الی ا حل [ع] / / (ب) ف[ا] بصد[ق] و [ا] [ک] // [ن] [م] [ا] [ص] [ح] (و) (و) [ن] نو حر [ا]
- ۱۸ لله / / [س] [ب] (ع) ا ن بد / / ا ح (ک) [ه] و الله (ح) // [ر] [ب] [ما] // [ع] / / [ن] ۱ (ح) [م] (و) سو) / /
- ۱۹ ا (ک) / / (ف) [ن] ۱ (و) [س] [م] (م) [ل] [له] ال[ر] حم /
- ۲۰ / / حنم ۱ (و) [س] [ع] [م] [ا] (و) [ب] و ما فی ا (لا) [ر] [ص] (ا) [ک] (ل) [ه] // (و)
- ۲۱ س ا / / [ع] [ر] [ا] [ح] [ک] (و) [ا] [ل] / / [ب] فی الا من[ن] [ر] [س] و لا مبهم [ب] (ا) [ا] / / [ه] (هم) [س]
- ۲۲ و بر ک[ا] (و) // [ب] [ع] [م] (ک) [ک] / / و ا / / (ح) [ک] [م] [ه] // ا ن کانو (ا) [م] [ف] [ل] (و) [ف] (ص) [ل] (و)
- ۲۳ م[ن] [ن] // (و) ا [ح] / [ن] / / ل / / د / / [ا] / / [ل] / / [ف] (و) [ا] [ب] [هم] // ه /
- لعر) بر (ا) / / (ک) هم ۱
- ۲۴ [د] لک (ف) [ص] (ل) ا (ک) [له] نو / / [م] [ن] // [س] (و) [ل] (و) [ا] لفصل) العظم[م]
- () / / ل
- ۲۵ / / [ن] [ح] [ا] / / [ا] / / [ر] [ب] [ه] [م] [ل] [م] [ح] / / [ه] / / [ل] [ا] [ک] [حم] [ر] [ب] [م] (س) [س]

۱. ظاهراً علاوه بر خوانش رسمی قرآن، عبارت «ثم ازدادوا کفراً» هم در متن هست.

۲. این کلمه احتمالاً «فاحذروهم» باشد.

۳. بخش ناخوانایی که پیش از «واو» قرار دارد برای نویسه «نه» نسبتاً بزرگ است. به علاوه در ابتدای آن آثاری دیده می‌شود که احتمالاً مربوط به یک الف است. شاید علاوه بر عبارت رسمی قرآن، یک «او» وجود داشته باشد.

۴. شاید این کلمه همچون نساء، ۷۷، «أَخْرَجْنَا» باشد.

۵. شاید این کلمه «و اکون» باشد.

۶. شاید این کلمه «یجیء» باشد.

۷. متن نسخه احتمالاً «و آخرین منهم من بعدهم» است.

- ۲۶ مثل (ا) / م (الد) / (ک) [د نو] / [ا] / (ل) [ه] و (الله) لا یهدی العرؤم [ا]
 ۲۷ (ل) [م] / [ا] / فل / (ل) [د] ن (هد و) / (ن) [ر] (ع) [م] / [ک] / او لنا [ا] لله فی الا
 ۲۸ (ح) [ر] ه من / ان الناس (ه) [م] / [و] / (ا) [ک] / [م صد] / (و) لن یمنوه
 ۲۹ اند // [نم] (ا) قد مت [ا] [د] [م] و [ا] [له علم بال] [ط] [م] / (ن) [و] (فل) ان الموت
 ۳۰ لدی / ار // (ن) [م] (ه) فا // (ه) [م] (کرم) نم برد [و] [ا] [لی] [ع] / (ا) / [ب] و [ا] [س] (د) ه
 ۳۱ [ف] [س] [ک] [م] [د] / (ا) [ک] [م] / [م] / [م] / [ن] / [ا] [ن] (ا) [ا] [د] [و] [دی]
 ۳۲ // (ا) [م] / او ه [م] (ن) [د] [و] [ا] [م] [م] [ه] [ف] [س] [و] // [لی] [د] [ک] / (ا) [ل] [ه] و د
 ۳۳ [ر] و [ا] [ا] [س] [ع] [د] [ک] [م] [ح] [ر] [ک] / (ا) [ن] [ک] [م] [م] [ط] [م] / (ن) [و] (ا) [د] [ف] / [ب] ا
 ۳۴ { لصلوه (ه) / (و) / (فی) [ا] [ل] [ر] [ص] // (ا) [ن] [ع] [و] [م] [ن] / (ل) [ا] [ل] [ه] و {
 ۳۵ { ذکر و (ا) [ل] [ه] [ک] [س] [ا] [ل] [م] / (ا) / (و) [د] / [ح] [ن] [ر] [ه] [ا] و (ا) [ه] [و] { }

برگه کریستیز ۲۰۰۸، رو (سورة فجر: ۱-۳۰ و سورة بلد: ۱-۶)

- ۱ // / [ا] [ن] [ه] [ا] [و] [ر] (ک) [و] / (ا) فل [ع] / (ا) [ل] [ه]
 ۲ // / [م] [ن] // [ل] [ه] [و] و [ا] [ح] [ر] (ه) و [ا] [ل] [ه] (ح) / (ا) [ل] [ه] / [ف] / (ه) //
 ۳ // / [ح] [م] [ه] سور ه (ا) [ح] [م] [ه]
 ۴ // / (ا) [ل] [ر] (ح) [م] / (ا) [ل] / (ح) / (و) [ا] [ف] [د] [ر] و [ل] [ب] /
 ۵ // / (و) [ا] (لو) [ر] [و] [ا] [ل] [ا] [ل] [ا] [د] [ا] [س] [ر] [و] [ل] [ه] [ف] [د] [ل] [ک]
 ۶ [م] [س] [م] [ل] [د] [ی] [ح] [د] // (و) [م] // [ک] [ف] [ف] [ع] [ل] [ر] [ک] // [ع] [ا] // [و] [ر] [م]
 ۷ د (ا) ب (ا) [م] / [م] / [و] / [ل] / [ا] / [و] / [د] / [و]
 ۸ // / (و) [د] / [ا] / [ح] [و] [ا] [ل] [ص] / [ا] / (ا) [و] / (ن) [ف] [ر] [ع] [و] [ن] [د] [ی]
 ۹ // (لا) و (د) [و] [ا] / (ن) [م] [و] [ا] / (ا) [ل] [د] [ا] [و] (ف) [ا] [ک] [ر] [و] [ا] [ف] [ا] [ه]
 ۱۰ // / [ا] [ر] [س] [ل] / [ا] [م] [ر] [ک] [س] [ط] / (ا) [ب] / [ا] [ن]
 ۱۱ // / لنا / [ا] [ص] [د] / [ا] [م] / (لا) [ب] [م] [س] [ا] [د] [ا] [س] [ل] [ه] [ر] [ه]
 ۱۲ // [ا] [ک] [ر] [م] // [ب] [ع] [م] [ه] (ب) [و] [ل] / [ا] / [م] // و [ا] [م] (ا) [د] [ا]
 ۱۳ // [ن] [د] [ا] [ه] (و) / (ه) [و] / [ا] / (ع) [ا] / [ر] // (ف) [ف] [ع] [و] [ل] / (ی) [ا] [ه] [ن] [و]

۱. ممکن است این کلمه «بالصلوة» باشد.
۲. این دال به طور غیر عادی بلند است و بنابراین به کاف ابتدایی می‌ماند.
۳. احتمال دارد حروف پس از میم، «ند» باشند.
۴. ظاهراً آیه با «أو تر» آغاز می‌شود (به موازات «آلم تر» از آیه ۶).
۵. اثر به‌جا مانده با «و ا» نیز همخوانی دارد.
۶. کلمه پس از «و» می‌تواند یک فعل باشد که شاید مفعول آن، «ه» بر «الانسان» دلالت داشته باشد. حرف یکی مانده به آخر این کلمه می‌تواند حاء (ح)، عین وسط (ه) یا یک حرف دندانه‌دار باشد.
۷. شاید در عوض این حرف، فاء باشد.

- ۱۴ // (لا تل) / ن [ا] لند/م' و لا ند[صد] (و) // [ع] [لی طعم] (ا)
 ۱۵ // [مسک] / (و نا) [ک] // [و] ن ا / ب ا [ک] // ۷ / ۷ (و) ند(ون)
 ۱۶ [لم] حنا حرم // (د) ا [د کب] ا (لا) ص // [ک] (د)
 ۱۷ [ک] (و) حنا // نک و ا (ل) ملک (صد) // ص [ف] // و حنا (ی) سو
 ۱۸ مند ند[ه] [م] / [م] / ند // کر ا (لا) نس(ن) و (ا) بی له ا (ل) [د]
 ۱۹ کر (ی) // ند[و] ل / [ف] // (م) [ب] لحد[ب] (ی) // بو مند لا بعد[د] [ب]
 ۲۰ (ع) [د] / [د] / (و) لا (نو) [ی] و ند // (حد) [ب] (ب) بها ا
 ۲۱ لند[ف] / / م / ۷ / المطم / [ه] ا سی ر نک [ر] (صد) / (م) ص(ب) [ه] (و)
 ۲۲ / / [ف] // [ند] / (و اد) حل حصد // (و) ه / حصد[م] ه ا /
 ۲۳ (و) [ب] (ل) / ل / ۴ / ۴ ~~~~~ د / ۱ / لا / ۱ (ل)
 ۲۴ [ح] / [د] / [ر] / (م) [و] لا / [م] / ۵ / ۱۱ لند(د) و / ۱ / (حل)
 ۲۵ سه ۱۱ لند[ب] (و) [و] (ل) [د] و / ۷ / (ل) (و) (ل) / (ل) / (ل)
 ۲۶ { } د / [ف] // (کرب) / [ا] ن لند / علی[ه] / ۱ / د / ل { }

برگه 17A (نامعلوم)^۶

- { } ۱ / ۷ (ل) { } ۱
 { } ۲ / ۷ { } ۲
 { } ۳ [و] لا م { } ۳
 { } ۴ / ۷ (ع) { } ۴

برگه 17B (نامعلوم)

- { } ۱ ع / د { } ۱

۱. احتمالاً هیچ جداکننده آیه‌ای در اینجا ترسیم نشده است، چراکه فضای کافی برای درج دو ستون از جداکننده‌ها که در این برگه به کار رفته وجود ندارد.
۲. شاید این کلمه «الآمنة» باشد که برای مصحف ابی بن کعب گزارش شده است (الخطیب، معجم، ۴۳۲/۱۰).
۳. روشن نیست که آیا پیش از الف، فاء آمده است یا نه.
۴. شاید عبارت پس از خاتمه (ختمه)، «الفجر و لیال عشر» باشد.
۵. اثر به جا مانده پس از «لا»، بیشتر با «هسم» مطابقت دارد تا «اهسم». عبارت ممکن است به جای «لا اقسام»، «لا قسم» باشد.
۶. با توجه به مقدار ناچیز متن، هنوز نتوانسته‌ایم تشخیص دهیم که کدام بخش از قرآن است.
۷. حرف پیش از الف، می‌تواند هاء باشد یا یک حرف دندانه‌دار.
۸. عین و دال هم می‌توانند متصل باشند و هم اینکه یک حرف دندانه‌دار مابین آن‌ها باشد.

ضمیمه ۱: درباره متن زیرین

جدول زیر قرائات منسوب به صحابه و دیگر شخصیت‌ها را که با خوانشی غیر معیار در متن زیرین همخوانی دارند، معرفی می‌کند. علائم اختصاری جدول از این قرارند: معجم: الخطیب، معجم القرائات؛ مصاحف: ابن ابی داود، کتاب المصاحف (بیروت: دار البشائر الاسلامیة، ۲۰۰۲)

مس-ع: قرائت ابن مسعود به روایت اعمش، نقل شده در کتاب المصاحف ابن ابی داود، ۱: ۳۰۲-۳۳۸.

برای توضیح درباره چگونگی تغییر متن زیرین نسبت به متن معیار در موارد بقرة: ۹۶، توبة: ۹۰، مریم: ۲۴ و بلد: ۱، به پانویس‌های مربوط به هر کدام از آنها در متن تصحیح شده مراجعه کنید. اختلافات در بقرة: ۲۱۷ و ۲۲۲، و مائده: ۴۵، پیش‌تر نیز در این منبع ذکر شده است: Fedeli, "Early Evidences," 293-316.

قرائت‌های شبیه به متن زیرین	متن معیار	متن زیرین	سوره: آیه برگ: سطر
أَبَىٰ بِن كَعْبٍ: عَلَىٰ الْحَيَاةِ (معجم، ۱: ۱۵۶)	عَلَىٰ حَيَاةٍ	(ع)أبى(ه) [د] [ه] [أ] [ل] (ح) // [ه] ۱ (ل) [د] [س] //	بقره: ۹۶ 28: 2A
ابن مسعود: يَنْخُزِرْجِه (معجم، ۱: ۱۵۶)	يَنْخُزِرْجِه	[ه] / [ح] [ه]	بقره: ۹۶ 1: 2B
ابن مجاهد: مِكَال (معجم، ۱: ۱۶۰)	مِكَال	مك(ل)	بقره: ۹۸ 6: 2B
این کلمه به اشکال مختلفی قرائت شده است؛ اما تنها قرائت ابن محصین است که با آنچه در رسم الخط صحاحی آمده سازگار است.			
اعمش: وَلَا النُّشُورُ (معجم، ۱: ۱۶۹)	وَلَا النُّشُورُ	لو ۱ المسر (كو) ن	بقره: ۱۰۵ 26: 2B
ابن مسعود: ابن عباس، عكرمة، اعمش، ربيع: عَزَّ وَقَالَ فِيهِ (معجم، ۱: ۲۹۸). مساح: عَزَّ وَقَالَ فِيهِ (مصحف، ۱: ۳۰۷)	وَقَالَ فِيهِ	[و] [ع] (ن) هل [د] [ه] (ه)	بقره: ۲۱۷ David 25: r
ابن مسعود و انس: وَلَا تَقْرُبُوا النِّسَاءَ فِي مَحِيضِهِنَّ وَأَنْتُمْ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (معجم، ۱: ۳۰۸-۳۰۹)	فَاتَقْرُبُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ	[د] [ه] { } // (و) [و] [ا] (س) [ه] [ف] [ي] (محصن) // (ن) ح(س) [د] [ه] [ا] [ر] [ا] ن	بقره: ۲۲۲ David v: 19
قرائت يَطْهُرْنَ برای ابن مسعود، انس و ابی بن کعب گزارش شده است؛ در حالی که قرائت يَطْهُرْنَ برای حمزة، کسایی، عاصم (از طریق ابوبکر و مفصل)، اعمش، جحدری، ابن مجاهد و خلف گزارش شده است (معجم، ۱: ۳۰۸).	يَطْهُرْنَ	[د] [ه] [ا] [ر] [ا] ن	بقره: ۲۲۲ David v: 20

سوره: آیه برگه: سطر	متن زیرین	متن معیار	قرائت‌های شبیه به متن زیرین
حج: ۳۹ 7B:28	/ (د) / (ن) [هـ] [س] (ت) / (ک) [هـ]	يَقَاتِلُونَ	ابوعمر و، ابن کثیر، عاصم (از طریق ابوبکر)، حمزة، کسائی و یعقوب: يَقَاتِلُونَ (معجم، ۶: ۱۲۱).
کهف: ۱۶ 32B:2	{ } و ا [د] [هـ]	إِلَّا اللَّهُ	ابن مسعود: مِنْ دُونِ اللَّهِ، مِنْ دُونَنَا (معجم، ۵: ۱۶۱).
کهف: ۳۷ 13A: 24	ا [و] ا [س] [هـ] // ص	إِنْ تُخْرِضْ	ابراهیم نخعی: وَإِنْ تُخْرِضْ (معجم، ۴: ۶۲۷).
نحل: ۳۸ 13B:2	[و] (ع)	وَعْدًا	ضحاك: وَعْدًا (معجم، ۴: ۶۳۰).
نحل: ۴۴ 13B: 10	[و] (نا) (ر) (س)	وَالزُّبُرِ	قرانت بالزُّبُرِ به جای وَالزُّبُرِ در آل عمران: ۱۸۴ برای مصاحف شام و قاریان زیر گزارش شده است: ابن عباس، ابن عامر، ابن ذکوان، هشام و الحلواني (معجم، ۱: ۶۳۸).
احزاب: ۵۱ 9A:4	(س) ا و (س)	يَمَّا أَتَيْنَهُمْ	ابن مسعود: يَمَّا أَتَيْنَهُمْ (معجم، ۷: ۳۰۴). مسأع: يَمَّا أَتَيْنَهُمْ (مصاحف، ۱: ۳۳۰).
احزاب: ۵۳ 9A:13	سختی	يَسْتَحْيِي	بیشتر قاریان این کلمه را يَسْتَحْيِي خوانده‌اند که با رسم متن زیرین همخوان است و لهجه‌ای حجازی محسوب می‌شود؛ در حالی که ابن کثیر، ابن مجین، یعقوب و مجاهد آن را يَسْتَحْيِي خوانده‌اند که مطابق با روش قرانت تمیمی دانسته می‌شود (معجم، ۱: ۶۷؛ ۷: ۳۱۰).

سوره: آیه برگ: سطر	متن زبورین	متن معیار	قرائت‌های شبیه به متن زبورین
۶۷ احزاب: ۹ب: ۱۸	// [س] [د] / ل	الشیلا	کزارش شده که این مسعود در این آیه الشیلا در آیه ۱۰ الفنون و در آیه ۶۶ الزمر داشته است (معجم، ۷: ۲۵۷). فارین کوفی و بصیری زیر نیز الف پایانی در آیات ۱۰ ۶۶ و ۶۷ را چه در وقف و چه در وصل تلفظ نمی کرده‌اند: حمزة، ابوعمرو، جحدری، یعقوب و اعمش (معجم، ۷: ۲۵۵). مساح: الزمر (مصحف، ۱: ۳۳۰).
۳۱ طه: ۱۵ا: ۴	[و] [س] [ر] // [د] [و] [ا] [ر] [ی] (و) [س] [ا] / [ب] [ا] [ر] [ی] (و)	اشند به آری و اشیریه فی آری	اینت بن کعب: اشیریه فی آری ○ واشند به آری (معجم، ۵: ۴۳۰).
۴۰ طه: ۱۵ا: ۱۰	(و) [د] // [ا] [ک]	قرجناک	اینت بن کعب: قرجناک (معجم، ۵: ۴۳۴).
۶۳ طه: ۱۵ب: ۳	(ه) [ا] [د] [ا] لا (تحر ن)	إن هذان لساخران	اینت بن کعب: ما هذان هذان إلا ساجران، إن هذان لساخران، إن هذان لساخران؛ این مسعود: إن هذان هذان إلا ساجران، أن هذان إلا ساجران، إن هذان لساخران (معجم، ۵: ۴۵۲-۴۵۳).
۶۳ طه: ۱۵ب: ۳	(و) [د] [ه] [ا] [د] [ا] [د] [ا] [ر] [ه] [ا]	وینها بطریقکم المنفی	این مسعود: این بن کعب، عبدالله بن عمرو بن عاص، ابرجاء العطار: وینها بالطریق (معجم، ۵: ۴۵۳).
۱۲۸ طه: ۳۰ب: ۸	او (لم) [د] //	أقم یه	این مسعود: أقم یه (معجم، ۵: ۵۱۲).

سوره: آیه برگ: سطر	متن زبورین	متن معیار	قوانت‌های شبیه به متن زبورین
۱۱ رعد: 35A:8	{ (ع) [ب] / (ا) } { ساد سه }	مُعَقَّاتٌ مِنْ تَبِينٍ يَكْبَهُ وَمِنْ خَلْفِهِ	ابن عباس، ابو عبد الله: الْمُعَقَّاتُ مِنْ خَلْفِهِ وَزَوَيْتُ مِنْ تَبِينٍ يَكْبَهُ؛ ابن عباس و ائمت بن کعبه: مُعَقَّاتٌ مِنْ تَبِينٍ يَكْبَهُ وَزَوَيْتُ مِنْ خَلْفِهِ. ابن عباس: مُعَقَّاتٌ مِنْ تَبِينٍ يَكْبَهُ وَزَوَيْتُ مِنْ خَلْفِهِ (معجم، ۴: ۳۹۴).
۲۵ صافات: 28A:9	سصح (و) //	تَكَصَّرُونَ	ابن مسعود و خالد: تَكَصَّرُونَ (معجم، ۸: ۲۰).
۵۶ صافات: 28B:8	ل(د)ک رن	لُتَرَدِينِ	ابن مسعود: لُتُورِينِ (معجم، ۸: ۳۱).
۵۴ حجر: 18B:15	سدر سو الی	أُسْرُتُتُرْفُفِي	اعمش و اعرج: بُسْرُتُتُرْفُفِي (معجم، ۴: ۵۶۲).
۶۶ حجر: 18B: 24	(و) (ع) ص (ا) الله [د] لک لا مر و ا ن د بر هو لا محط (ا) و ا ح	وَقَصَبْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنْ دَابِرَ هُوَ لَا مَقْطُوعٌ	ابن مسعود: وَقَصَبْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ وَقُلْنَا لَهُ أَنْ دَابِرَ هُوَ لَا مَقْطُوعٌ (معجم، ۴: ۵۷۳).
۷۲ حجر: 18B: 28	(س) (ک) (م)	سُكْرِيهِم	اعمش: سُكْرِيهِم (معجم، ۴: ۵۷۷).
۱۹ فرقان: 19A:8	{ ن لک صر ها }	فَمَا يَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا فَمَا يَسْتَطِيعُونَ لَكُمْ	ابن مسعود: فَمَا يَسْتَطِيعُونَ لَكُمْ لَكُمْ؛ ائمت بن کعبه: فَمَا لَافَا يَسْتَطِيعُونَ لَكُمْ؛ اعمش: فَمَا يَسْتَطِيعُونَ لَكُمْ (معجم، ۶: ۳۳۴).

۱. با آنکه این نام در معجم القراءات (عبدالمطیف الحطیب) آمده، هورت وی و مراد از این شخص نامعلوم است. (مترجم)

سوره: آیه برگه: سطر	متن زیرین	متن معیار	قرائت‌های شبیه به متن زیرین
فرقان: ۲۵ 19A: 19	بر لب الملک	نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ	آیتی بن کعب: نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ؛ ابن مسعود: نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ؛ ابوعمرو: نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ (معجم، ۳۴۲-۳۴۴).
روم: ۲۳ 24B: 12	{ او (ح) (کم) }	فَأَقِمْ وَجْهَكَ	بنابر گزارش‌ها، آیتی بن کعب به جای وَجْهَكُمْ در نساء: ۴۳، أَوْجْهَكُمْ داشته است (معجم، ۸۱: ۲).
روم: ۴۹ 24B: 25	{ (م) (ل) (د) / (ل) (د) / (ل) (د) / (ل) (د) }	عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَئِيْلَيْسَ	ابن مسعود: عَلَيْهِمْ لَئِيْلَيْسَ (معجم، ۱۷۰: ۷).
منافقون: ۷ Chris. v: 11	حد(ا) سد[ا]ص[او] ا من حد(و) [ه]	حَتَّى يَنْقَضُوا	عبارت حَتَّى يَنْقَضُوا مِنْ حَزَلِهِ در گزارش‌های درباره شأن نزول این آیه آمده است، و به ابن مسعود و زید بن ارقم نسبت داده شده است. ابن حجر انتساب آن به مصحف ابن مسعود را زیر سؤال برده است (معجم، ۴۷۴-۴۷۵: ۹).
منافقون: ۱۰ Chris. v: 17	فلا تصدق	فَأَصْدَقْ	ابن مسعود، آیتی بن کعب و سعید بن جبیر: فَأَصْدَقْ (معجم، ۴۷۸: ۹).
منافقون: ۱۰ Chris. v: 17	و [ك] // [ن]	وَأَكْفُرْ	قوانت وَاكْفُرْ برای ابن مسعود، اُکْفِرْ بن کعب و همه قاریان به جز ابن کثیر، نافع، ابن عامر، عاصم، حمزة و کسانی نقل شده است. عید بن عبید: وَاكْفُرْ (معجم، ۴۷۹: ۹-۸).
فجر: ۲۷ Chris. v: 20	[ا] (-) بها	يَا أَيُّهَا	زید بن علی: يَا أَيُّهَا (معجم، ۴۳۱: ۱۰).

ضمیمه ۲: درباره متن رویی

در برخی مواضع، متن رویی با تمام مصاحف توصیف شده در منابع، از لحاظ افزودن یا حذف نشانه‌های پایان آیات، متفاوت است. مواردی که به طور خاص و فقط در این نسخه یک نشانه پایان آیه اضافه شده است، عبارتند از: بقره: ۲۶۷ (تَنْفِقُونَ)، بقره: ۲۸۵ (وَالْمُؤْمِنُونَ)، انعام: ۱۵۷ (يَصْدِقُونَ)، سجده: ۲۲ (الْمُجْرِمِينَ)، احزاب: ۳۵ (وَالصَّابِرِينَ). دو مورد آخر ممکن است خطاهای نگارشی باشند. مواردی که به طور خاص فقط در این نسخه نشانه پایان آیه از آنها حذف شده، عبارتند از: احزاب: ۴، الرحمن: ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، واقعه: ۴۱، ۴۳. چهار مورد مربوط به سورة الرحمن همگی در برگه 33A، سطور ۱۷-۱۸ رخ داده‌اند. این دو سطر بسیار فشرده‌تر از حد معمول هستند و شامل هیچ نشانه‌ای مربوط به پایان آیه که قابل دیدن باشد، نیستند. احتمالاً کاتب ابتدا بخشی از آیه را جا انداخته و بنابراین بعداً این دو سطر را پاک کرده و متن کامل را به این شکل فشرده بازنویسی کرده تا بتواند تمام آن را در این دو سطر بگنجاند. پس احتمالاً نشانه‌های پایان آیات را برای آن حذف کرده که بتواند حداکثر استفاده را از فضای این دو سطر بکند.

جدول زیر مواضع اختلاف در شمارش آیات در متن رویی را بر مبنای آثار دانی و اشیپتالر (نک.: کتابنامه) فهرست می‌کند. در مواردی که گزارش‌های مختلفی درباره یک شهر وجود داشته، اشیپتالر آنها را با نشانگرهای (a)، (b)، (c) و... مشخص کرده و ما هم در اینجا از همین روش او پیروی کرده‌ایم. معانی علائم اختصاری مذکور در جدول از این قرار است:

ب: در اینجا آیه تقسیم شده است.

خ: در اینجا آیه تقسیم نشده است.

مد: مدینه مک: مکه ک: کوفه
ب: بصره د: دمشق ح: حمص

آیه	متن روی	شهرهای شبیه به متن روی	شهرهای متفاوت با متن روی
بقره: ۲۸۲ (وَلَا شَهِيدٌ)	خ	مد، ک، ب، مک (a)، د، ح	مک (b)
نساء: ۴۴ (السَّيِّلِ)	خ	ب، مک، مد	ک، د، ح
مائده: ۱ (بِالْعُقُودِ)	ب	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک
انعام: ۶۶ (يُوكِّلِ)	خ	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک
انعام: ۷۳ (فَيَكُونُ)	ب	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک
انعام: ۱۶۱ (مُسْتَقِيمِ)	ب	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک
اعراف: ۱ (المص)	خ	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک
ابراهيم: ۳۳ (وَالنَّهَارِ)	ب	ک، مک، مدا، مد۲، د، ح	ب
مریم: ۴۱ (إِبْرَاهِيمَ)	ب	مک، مد۲	ک، ب، مدا، د، ح
مریم: ۷۵ (مَدًّا)	ب	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک
طه: ۱ (طه)	خ	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک
طه: ۳۳ (كَثِيرًا)	ب	ک، مک، مدا، مد۲، د، ح	ب
طه: ۳۴ (كَثِيرًا)	ب	ک، مک، مدا، مد۲، د، ح	ب
طه: ۳۹ (فِي الْيَمِّ)	خ	ک، ب، مک، مدا، مد۲، د	ح
طه: ۳۹ (مَتَّى)	ب	مک، مدا، مد۲، د، ح	ک، ب
طه: ۴۰ (تَحْزَنَ)	خ	ک، ب، مک، مدا، مد۲، ح (a)	د، ح (c)
طه: ۴۰ (فَتَوَنَّا)	خ	ک، مک، مدا، مد۲	ب، د، ح
طه: ۴۰ (مَذِينِ)	خ	ک، ب، مک، مدا، مد۲، ح (a)	د، ح (c)
طه: ۴۱ (لِنَفْسِي)	خ	ب، مک، مدا، مد۲	ک، د، ح
طه: ۷۷ (مُوسَى)	خ	ک، ب، مک، مدا، مد۲، ح (a, c)	د، ح (e)
طه: ۷۸ (مَا غَشِيَهُمْ)	خ	ب، مک، مدا، مد۲، د، ح	ک

آیه	متن رویی	شهرهای شبیه به متن رویی	شهرهای متفاوت با متن رویی
طه: ۸۶ (أَيُّهَا)	ب	مک، مدا، ح	ک، ب، مدا، د
طه: ۸۶ (حَسَنًا)	خ	ک، ب، مک، مدا، د (a, b, c)، ح (a, c)	مدا، د (d)، ح (c)، (e)
طه: ۸۷ (السَّامِرِيُّ)	ب	ک، ب، مک، مدا، د (a, b)، ح (a, c)	مدا، د (d)، ح (c)، (e)
طه: ۸۸ (مُوسَى)	خ	ک، ب، مدا، د، ح	مک، مدا
طه: ۸۸ (فَنَسِيَ)	ب	ک، ب، مدا، د، ح	مک، مدا
طه: ۸۹ (قَوْلًا)	خ	ک، ب، مک، مدا، د (a, d)، ح (a, c, e)	مدا، د (b, d)، ح (b, c)
طه: ۹۲ (صَلُّوا)	خ	ب، مک، مدا، مدا، د، ح	ک
طه: ۹۵ (سَامِرِيُّ)	ب	ک، ب، مک، مدا، مدا، د (a, c, d)، ح (a, c, e)	د (b)، و ح (b)
طه: ۱۰۶ (صَفْصَفًا)	خ	مک، مدا، مدا	ک، ب، د، ح
طه: ۱۲۳ (هُدًى)	ب	ب، مک، مدا، مدا، د، ح (b)	ک، ح (c, e)، (a)
طه: ۱۲۴ (صُنُكًا)	خ	ک، ب، مک، مدا، مدا، د، ح (c)	ح (a, b, c)
انبیاء: ۶۶ (يَضْرُكُكُمْ)	خ	ب، مک، مدا، مدا، د، ح	ک
عنکبوت: ۲۹ (السَّبِيلُ)	ب	مک، مدا، مدا، د، ح	ک، ب، د
فاطر: ۷ (شَدِيدٌ)	خ	ک، مک، مدا، مدا	ب، د، ح
الرحمن: ۳۵ (نَارٍ)	خ	ک، ب، د، ح	مک، مدا، مدا
الرحمن: ۴۳ (الْمُجْرِمُونَ)	خ	ب	ک، مک، مدا، مدا، د، ح
واقعه: ۸ (فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ)	ب	ب، مک، مدا، مدا، د، ح	ک
واقعه: ۱۵ (مَوْضُوعَةٍ)	ب	ک، مک، مدا، مدا، د، ح (a)	ب، د، ح (b)
واقعه: ۱۸ (وَأَبَارِقُ)	ب	مک، مدا	ک، ب، مدا، د، ح
واقعه: ۲۲ (عَيْنٌ)	خ	ب، مک، مدا، مدا، د، ح	ک، مدا
واقعه: ۲۵ (تَأْتِيًا)	خ	مک، مدا	ک، ب، مدا، د، ح

آیه	متن روی	شهرهای شبیه به متن روی	شهرهای متفاوت با متن روی
واقعه: ۲۷ (وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ)	ب	ب، مک، مد، د، ح	ک، مد، ۲
واقعه: ۳۵ (إِنْشَاءً)	ب	ک، مک، مد، د، ح	ب
واقعه: ۴۷ (يَقُولُونَ)	خ	ک، ب، مد، د	مک، ح
واقعه: ۴۸ (الْأُولُونَ)	ب	ک، ب، مک، مد، د، ح	ح
واقعه: ۴۹ (وَالْآخِرِينَ)	خ	مد، د، ح	ک، ب، مک، مد، ۱
واقعه: ۵۰ (لَمَجْمُوعُونَ)	خ	ک، ب، مک، مد، ۱	مد، د، ح

متن رویی چند ویژگی منحصر به فرد هم در ارتباط با ساختار شکلی تک‌واژه‌ها دارد. در این متن، به جای اَللَّسْتُمْکُمْ (حجر: ۱۱۶) السَّنَاتِکُمْ، به جای مَوْعِدِي (طه: ۸۶) موعِدتی، و به جای تَلَبَّثُوا (احزاب: ۱۴) لبثوا آمده است. چند مورد منحصر به فرد نیز در ارتباط با نقطه‌گذاری حروف در آن دیده می‌شود، مثل شوری: ۱۱ [که به جای يَذْرُؤُكُمْ] نذرؤکم آمده است. چند مورد خاص شکلی - تک‌واژی هم در آن هست که با آنچه در مصاحف برخی شهرها آمده مطابقت دارد. این موارد در جدول زیر فهرست شده‌اند:

آیه	متن روی	شهرهای مشابه متن روی	شهرهای متفاوت با متن روی
انعام: ۶۴	أَنْجَبَتْنَا (انجبتنا)	همه شهرهای دیگر	کوفه: أُنْجَانَا (انجنا)
اعراف: ۳	تَذَكَّرُونَ (تذکروں)	همه شهرهای دیگر	شام: يَتَذَكَّرُونَ (یتذکرون)
فرقان: ۲۵	وَنُزِّلَ (و[و] نزل)	همه شهرهای دیگر	مکه: وَنُزِّلَ (وننزل)
زخرف: ۶۸	بعدادی، البته به نظر می‌رسد که «یاء» پایانی بعدا به متن اضافه شده	مدینه و شام	کوفه، بصره و احتمالا مکه: يَا عِبَادَ (یعباد)
محمد: ۱۸	أَنْ تَأْتِيَهُمْ (ان تاتیهم)	مکه و شاید کوفه	همه شهرهای دیگر: إِنْ تَأْتِيَهُمْ (ان تاتیهم)
الرحمن: ۷۸	ذِي الْجَلَالِ (ذی[ذی] الحلل)	همه شهرهای دیگر	شام: ذُو الْجَلَالِ (ذو الجلال)

تصاویر مصحف صنعاء ۱
نسخه 01-27.1، لایه زیرین

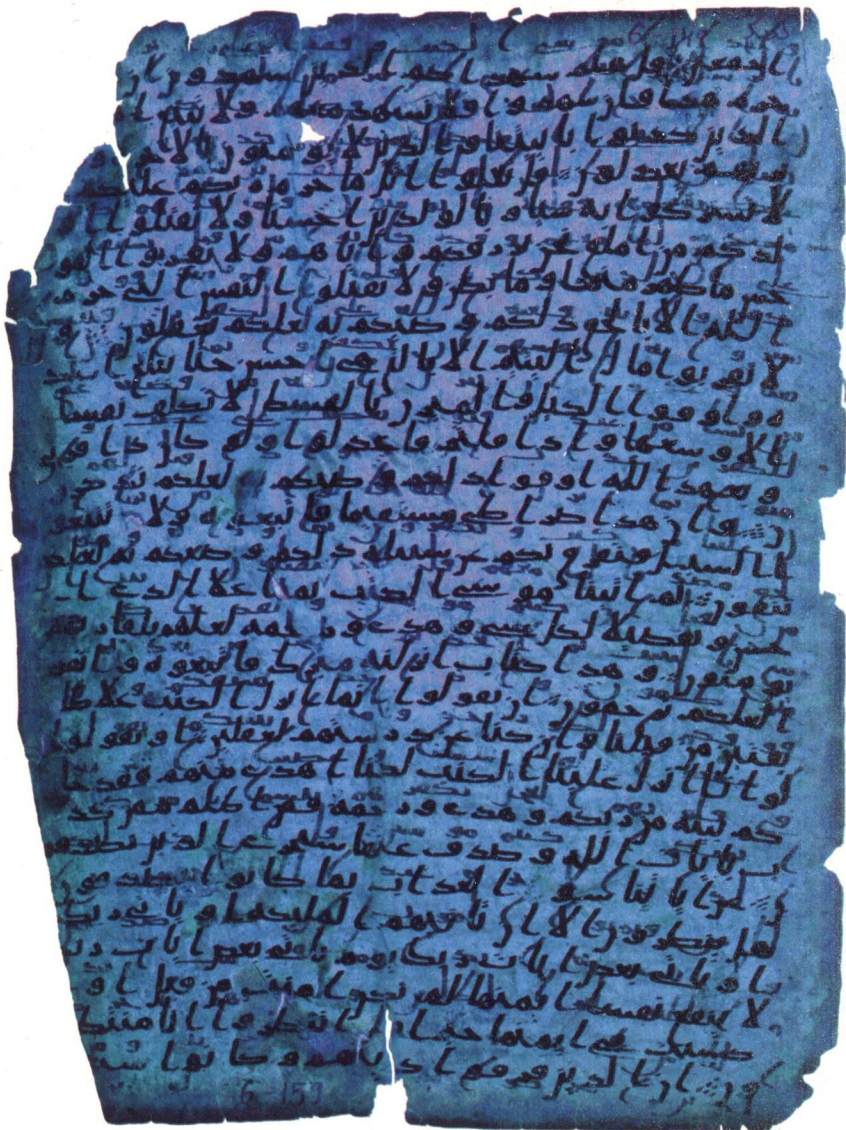
خوانش صادقی و گودرزی از لایه زیرین نسخه 01-27.1 دارالمخطوطات صنعاء که در کتاب حاضر (ص ۹۳-۱۶۸) آمده، با تکیه بر بررسی دقیق و مقایسه تصاویر نور مرئی و ماورای بنفشی است که در این بخش قرار داده شده‌اند. آنها در این کار که با دشواری بسیار همراه بوده است، کوشیده‌اند از لابلای سطور لایه فوقانی، کلمات و نشانه‌ها در لایه زیرین را خوانده و بازنویسی کنند. به جز این، تصاویر دیگری نیز بر اساس کار یک گروه ایتالیایی و به دست آقای فابریزیو فنوچی با استفاده از نرم‌افزار فتوشاپ ساخته شده که مبنای اصلی خوانش اسماء هلالی بوده است (نک.: همین کتاب، ص ۳۳). من این تصاویر فتوشاپی را در کتاب حاضر نگنجانده‌ام. اشکال تصاویر فتوشاپی آن است که در برخی جاها، بخشی از لایه زیرین را بازسازی نکرده، و به عکس در پاره‌ای مواضع، تکه‌ای از لایه رویی را متعلق به لایه زیرین گرفته است. از همین رو، خوانش خانم اسماء هلالی از لایه زیرین نسخه 01-27.1 حاوی اشتباهات متعدد است. نکته دیگر آنکه دو برگ 14 و 29 از آغاز کشفیات صنعاء در شمار اوراق نسخه 01-27.1 قرار گرفته‌اند، اما امروزه می‌دانیم که به این نسخه تعلق ندارند (نک.: همین کتاب، ص ۱۹). طبیعتاً تصاویر لایه رویی این دو برگ در بخش بعدی قرار گرفته، اما تصویر لایه زیرین آنها (با تکنیک ماورای بنفش) در این قسمت نیامده است.

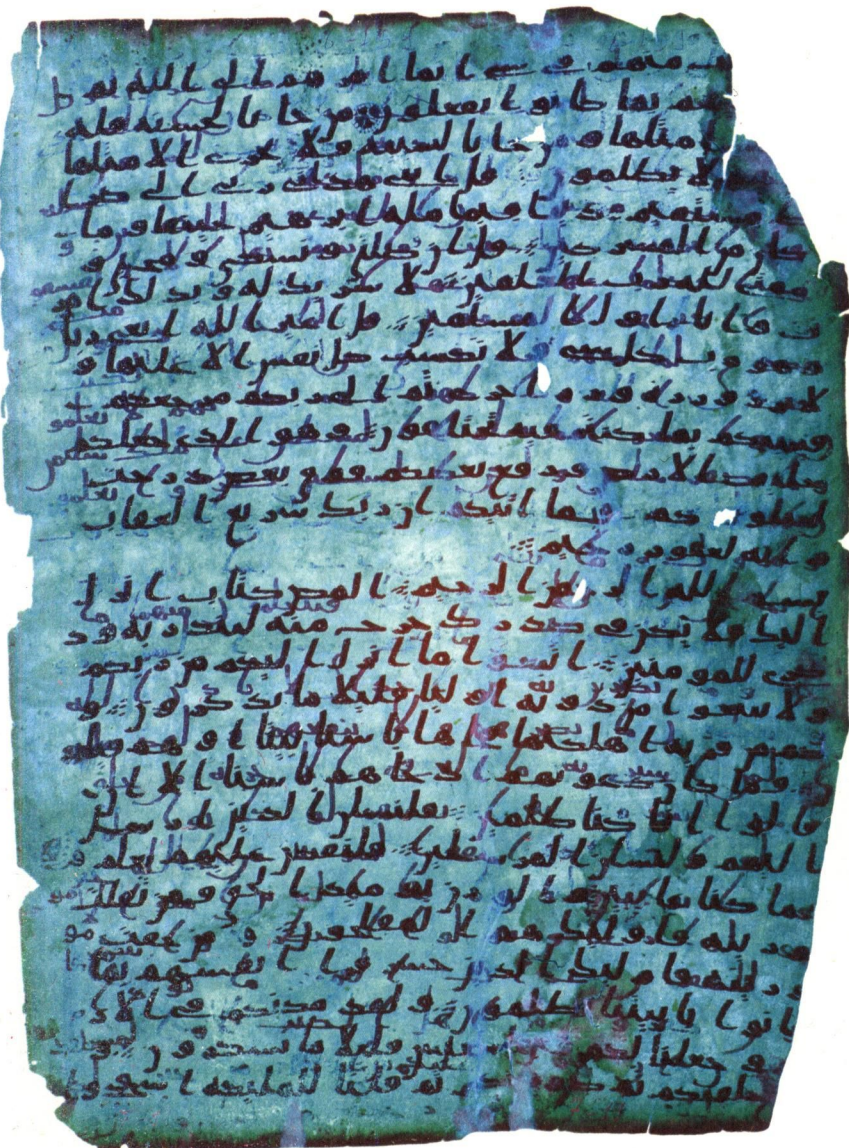
لازم به ذکر است که این تصاویر از سوی کریستیان رُبن و سرجیو نویا نوسدا در نخستین دهه قرن بیست و یکم میلادی تهیه شده و تاکنون انتشار رسمی نیافته، اما از سال ۲۰۱۹ میلادی بر روی برخی سایت‌های اینترنتی قابل دسترسی است.

https://drive.google.com/file/d/1UGXqK4xgRoW-u5iX2qWGux_PRWj4u5Wc/view

https://drive.google.com/file/d/1fRBDJxW_5ETm-aS23A9oGA37vsg1jE8X/view

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ 1B؛ ناخوانا





تصاویر مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین ۱۸۹

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 3A؛ ناخوانا



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 3B؛ فاطر، ۳۹-۴۹

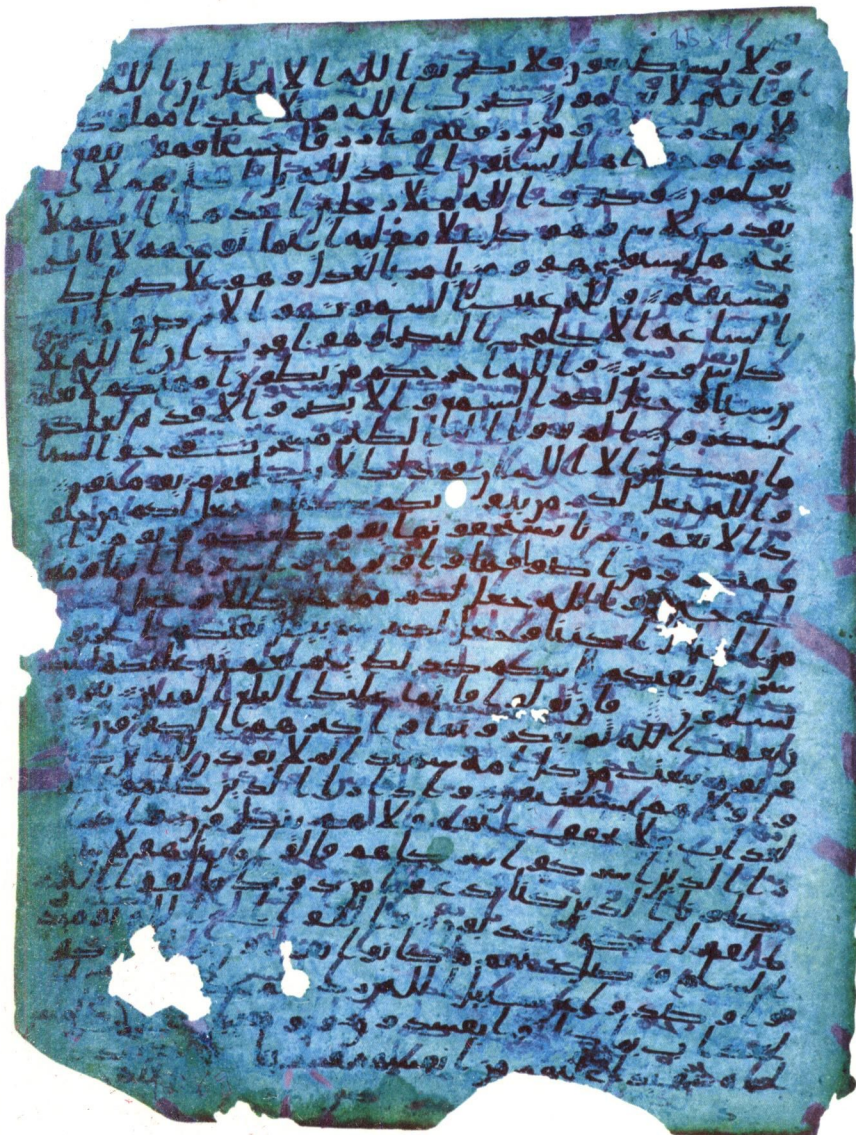


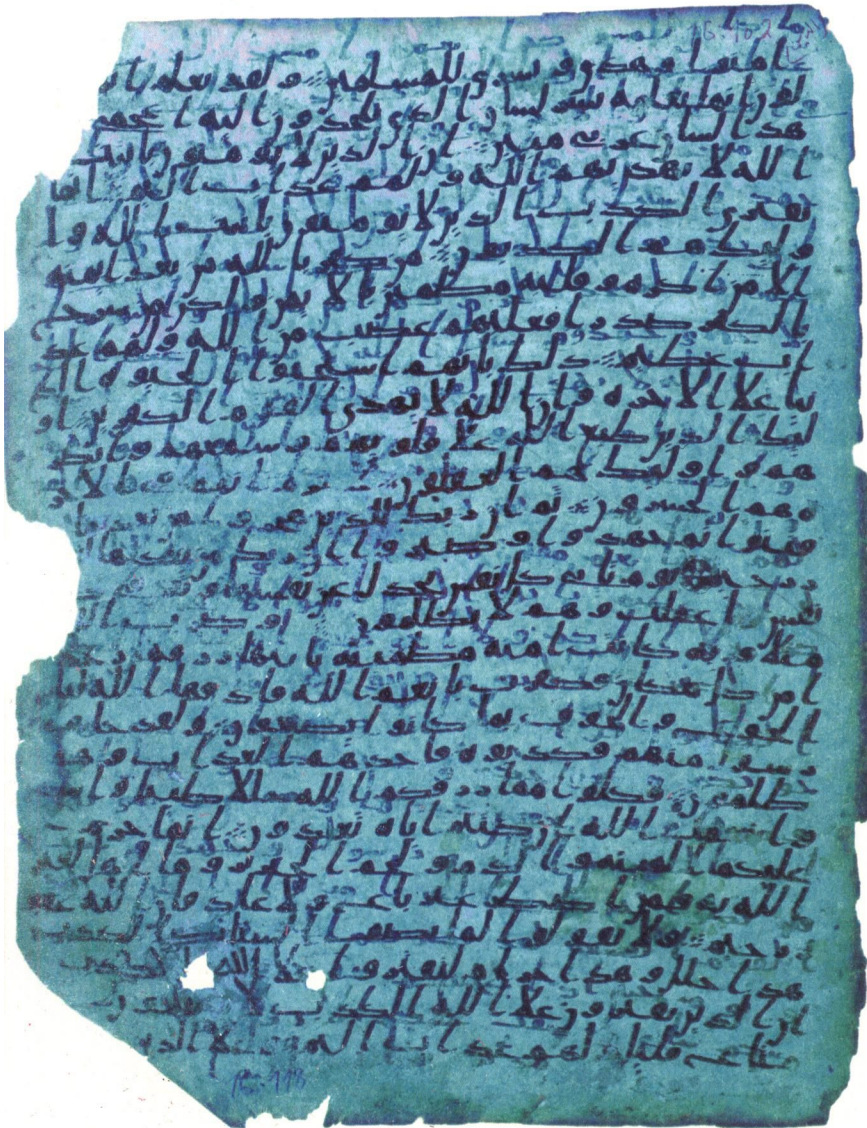
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 4A؛ هود، ۱۰۵-۱۱۲



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 4B؛ هود، ۱۲۰-انفال، ۳







مصحف صنعاء ١، نسخة 01-27.1،

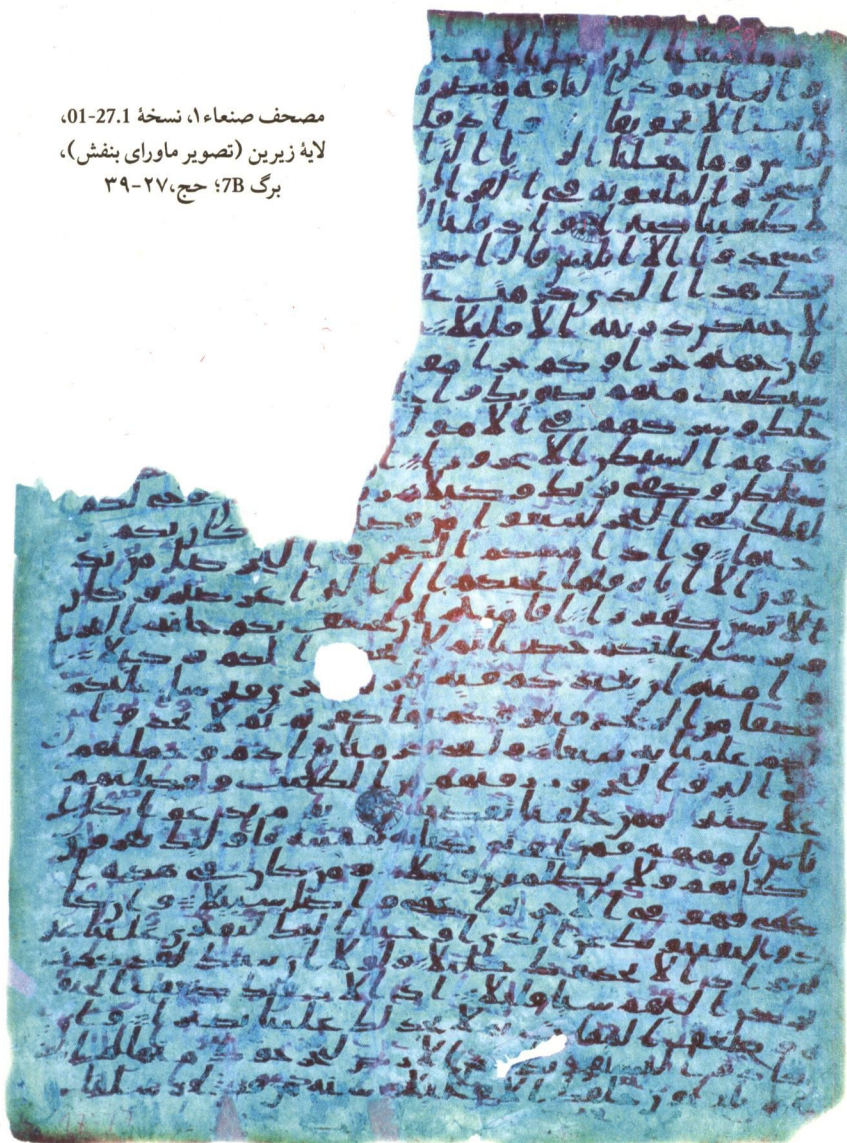
لایۂ زیرین (تصویر ماورای بنفش)،

برگ 7A؛ حج، ۱۵-۲۶

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1،

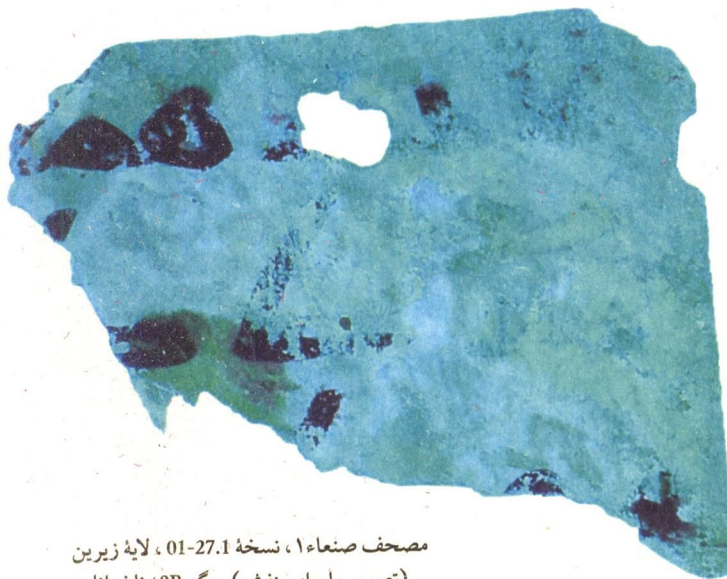
لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،

برگ 7B؛ حج، ۲۷-۳۹

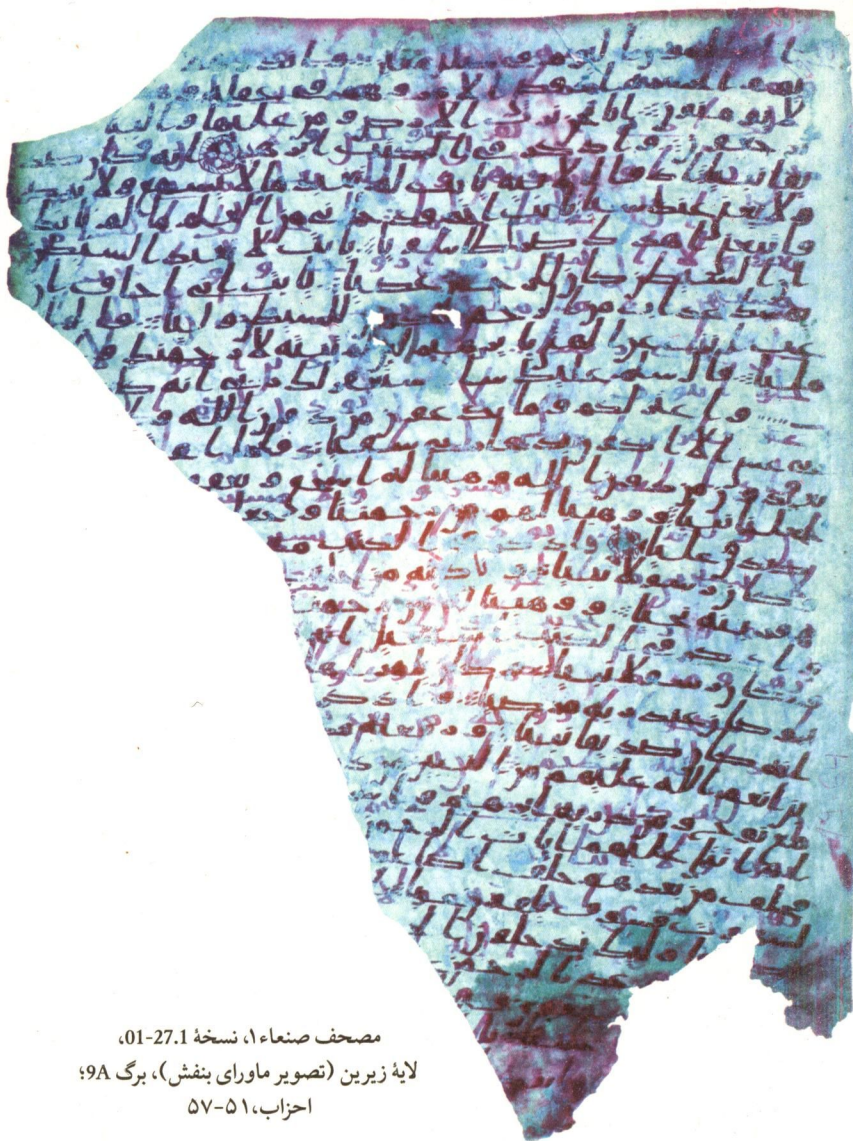




مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 8A؛ ناخوانا



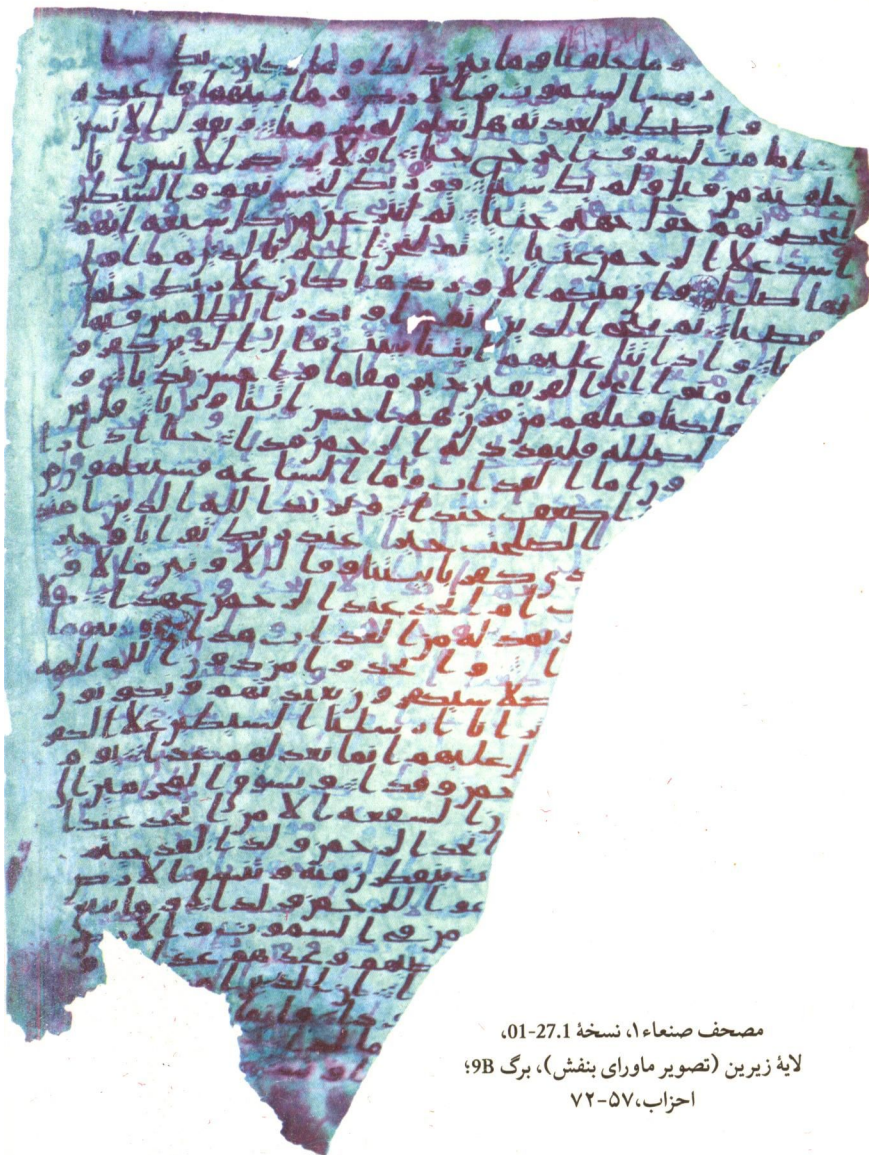
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 8B؛ ناخوانا



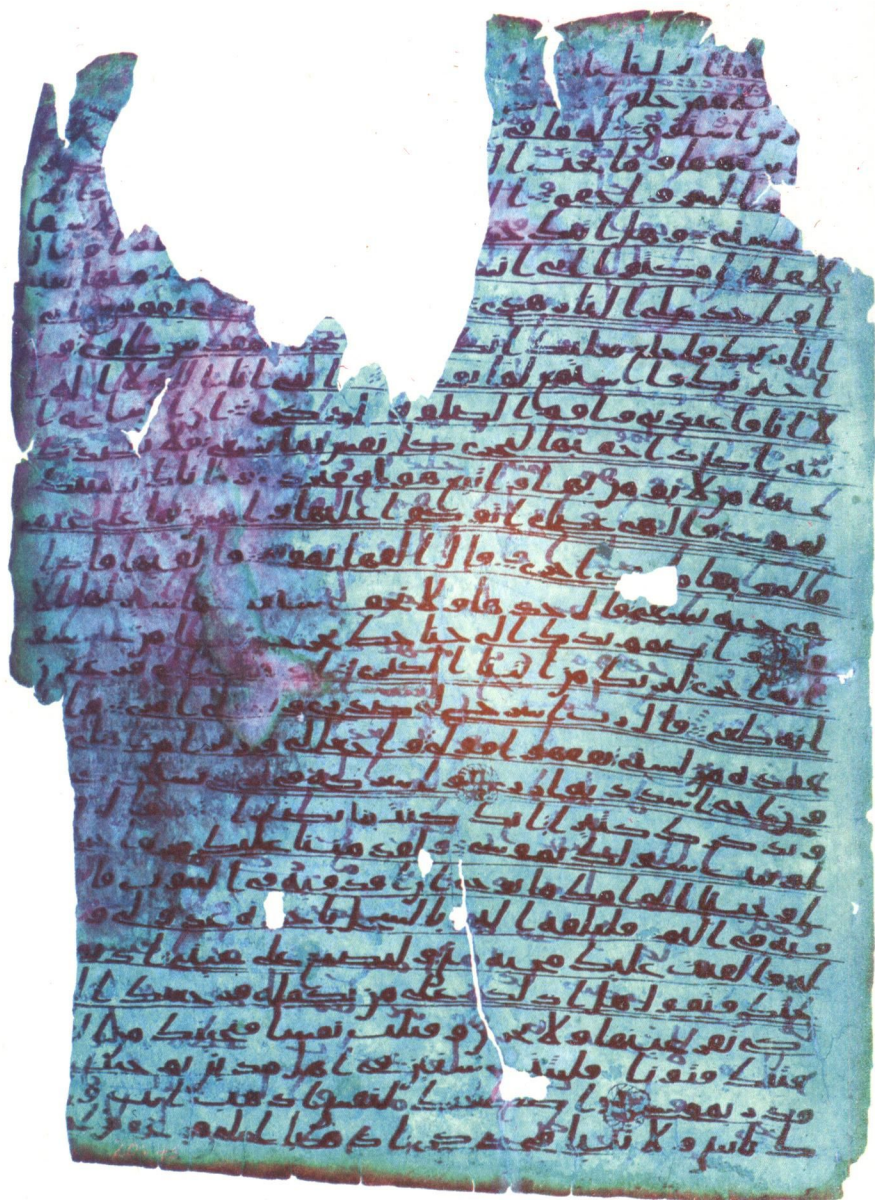
مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱

لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ ۹۸

احزاب، ۵۱-۵۷



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۱، ۰۱-۲۷،
لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ ۹B؛
احزاب، ۵۷-۷۲





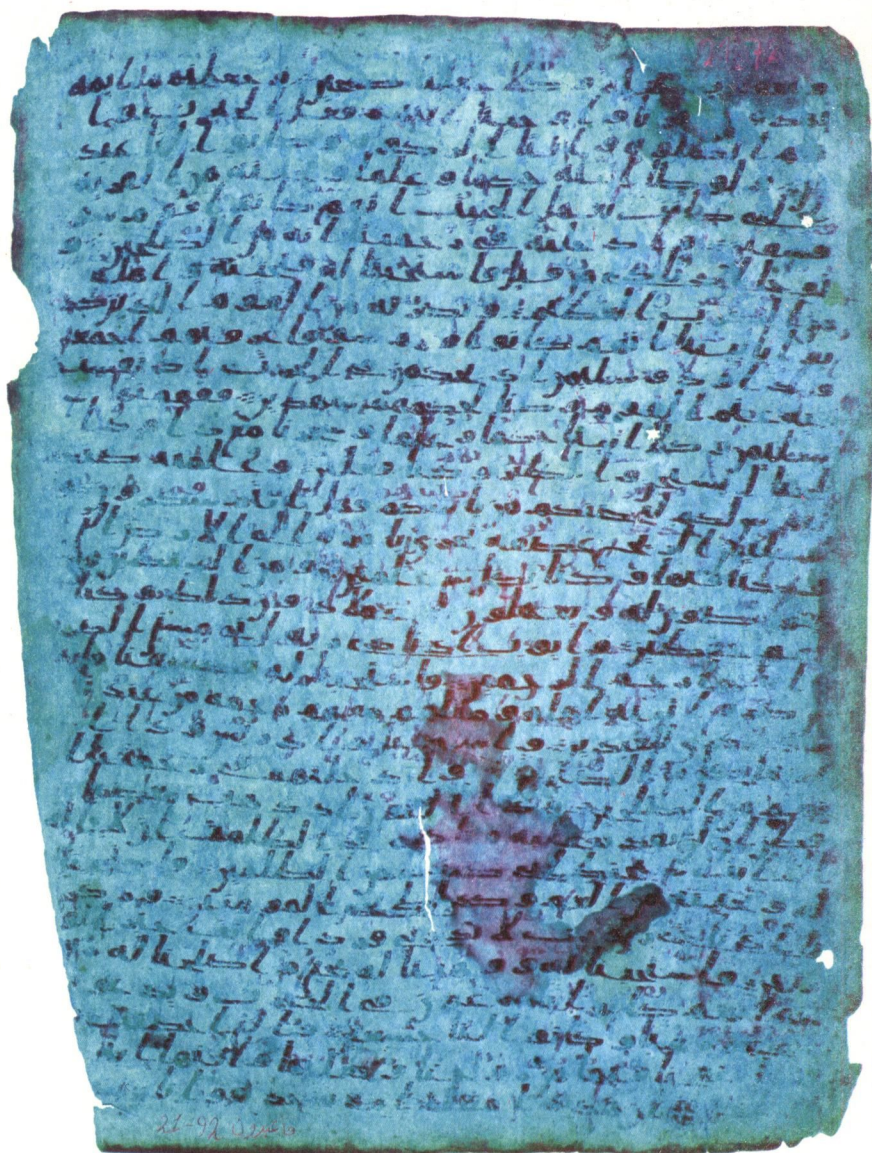
مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ ۱۰۸ب، نور، ۱۳-۲۳

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش، برگ 12A؛ ناخوانا)



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش، برگ 12B؛ ناخوانا)



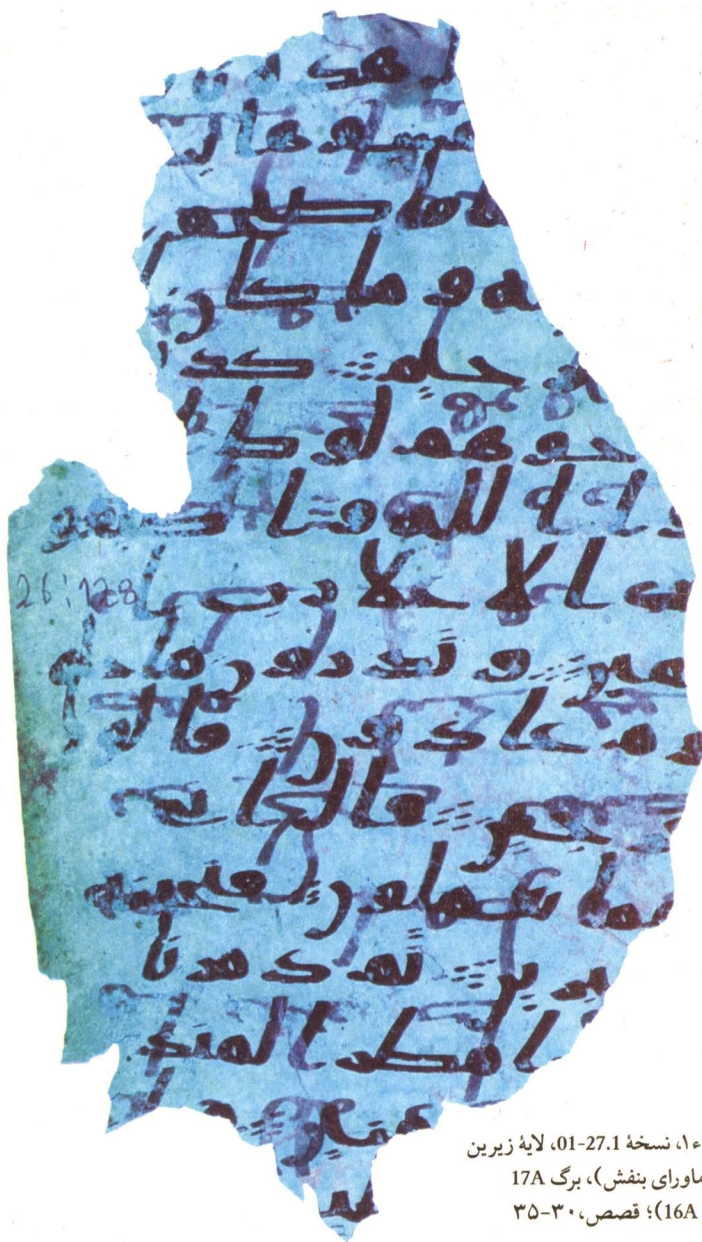


مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 15A
(صادقی 14A)؛ نحل، ۶۸-۶۹



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 15B
(صادقی 14B)؛ نحل، ۷۸-۷۹



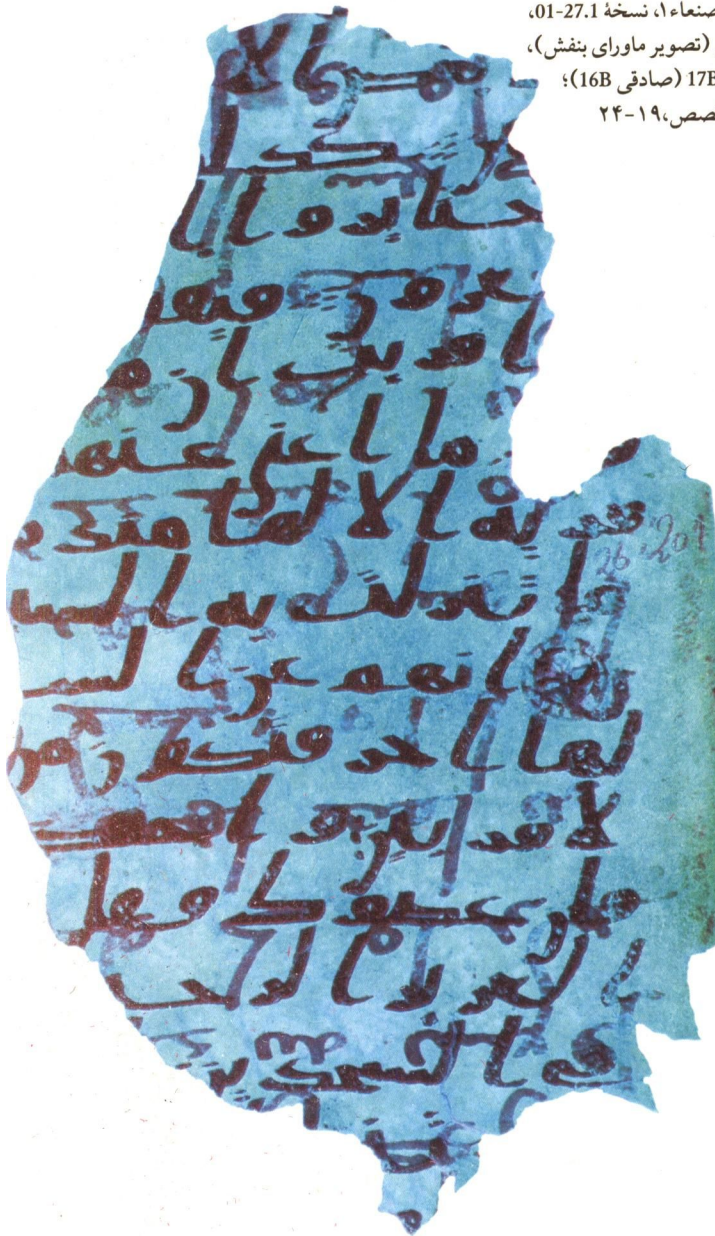


مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین

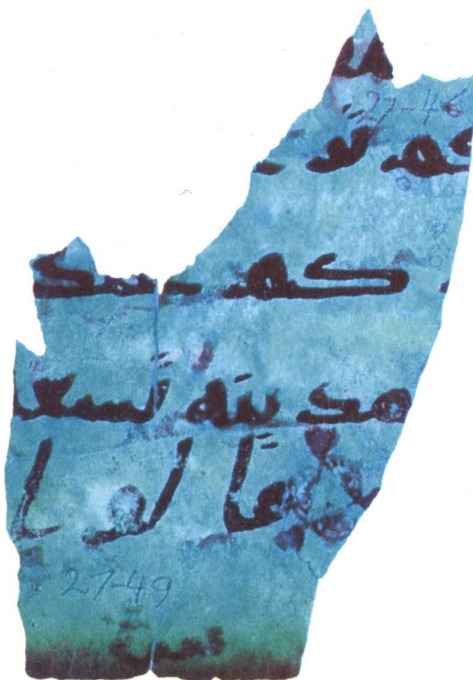
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 17A

(صادق 16A)؛ قصص، ۳۵-۳۰

مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱،
لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،
برگ ۱۷B (صادق ۱۶B)؛
قصص، ۱۹-۲۴



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه
زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ
18A (صادق 17A)؛ بدون حدس



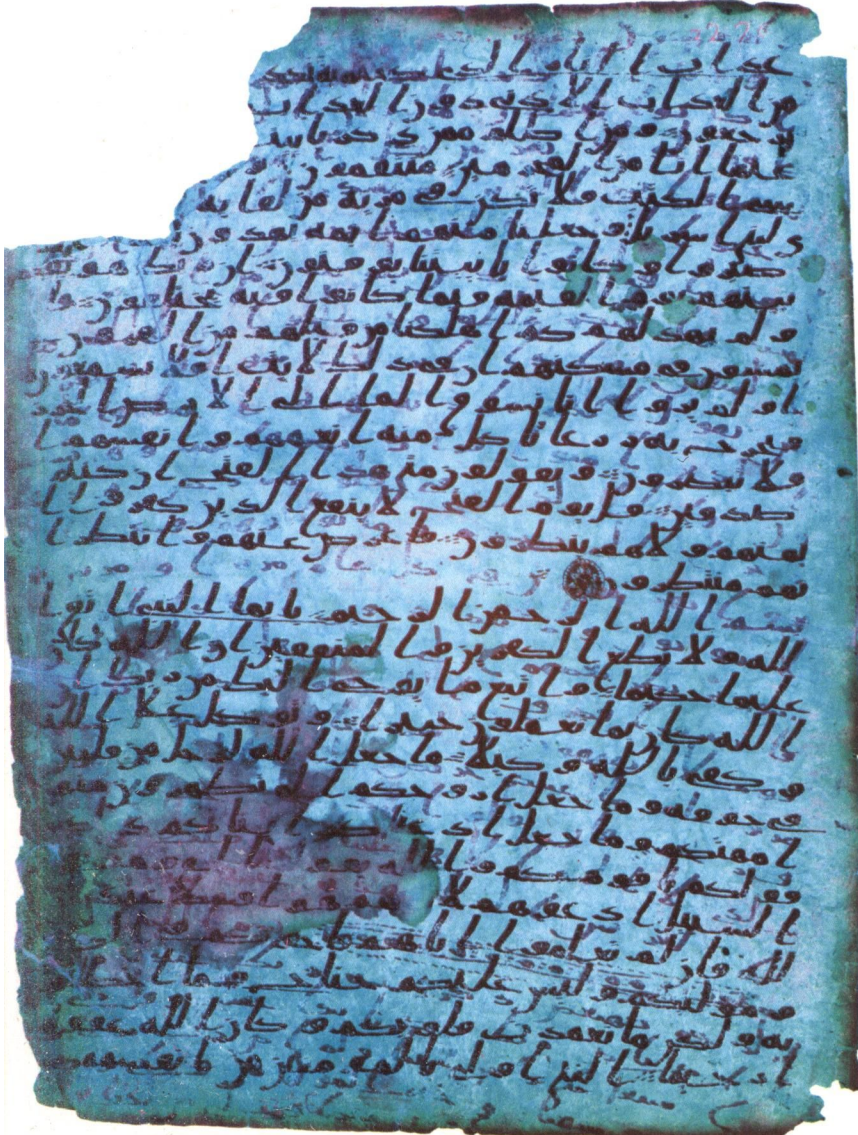
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه
زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ
18B (صادق 17B)؛ بدون حدس

[illegible]



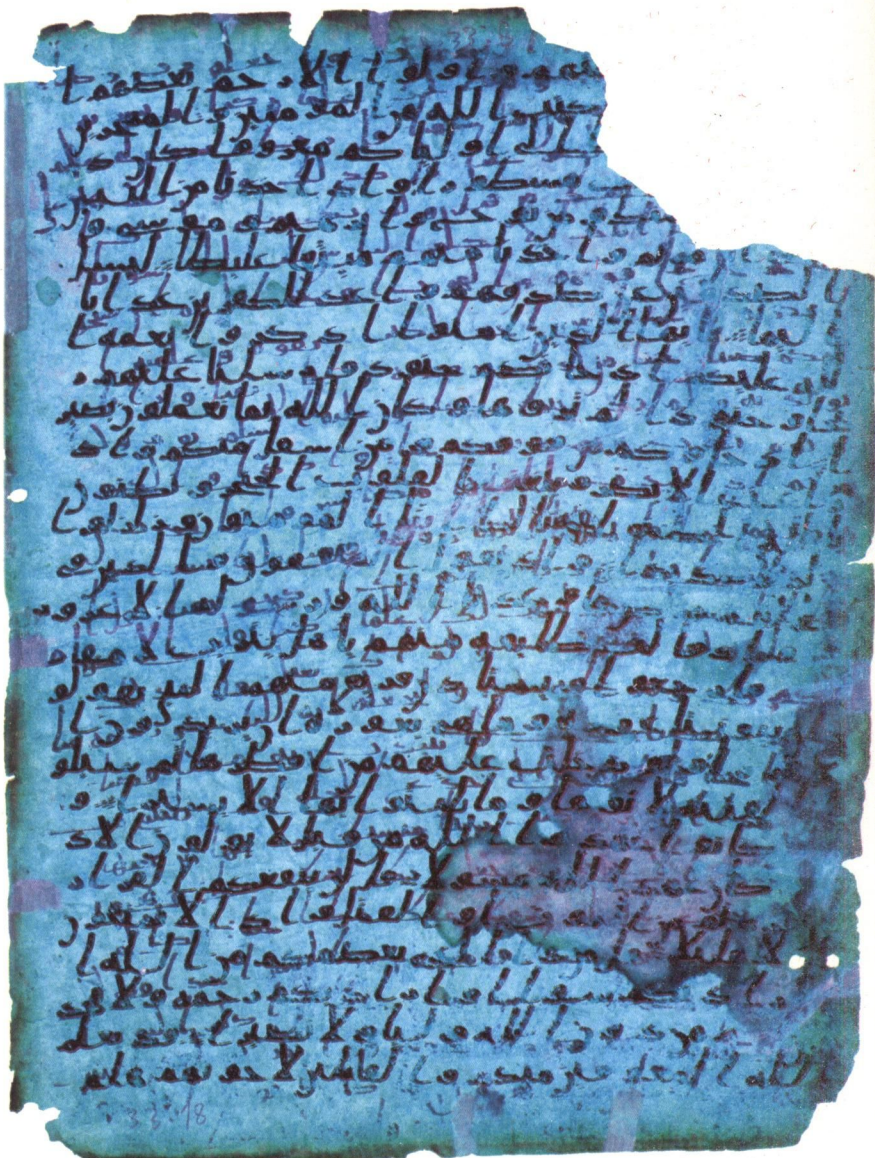
مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ 21A (ضادقی 20A)؛
توبه، ٧٠-٨١



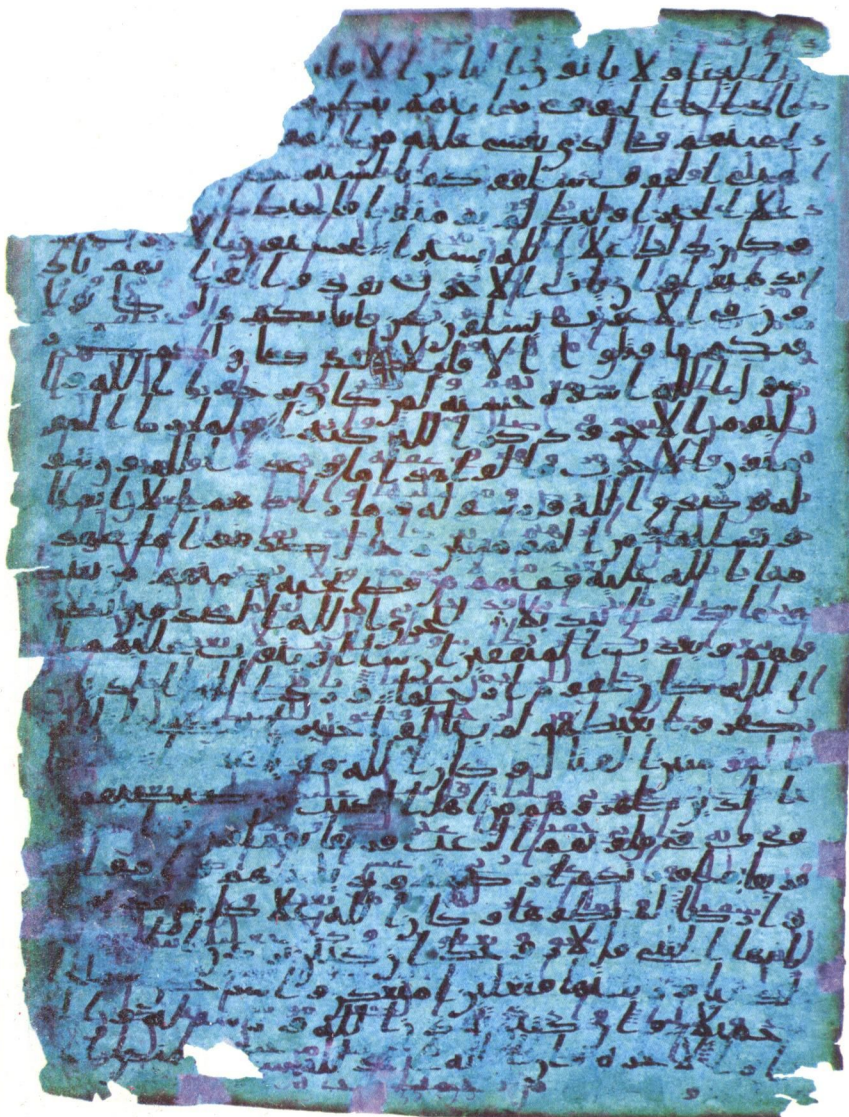


مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ 23A (صادقی 22A)؛

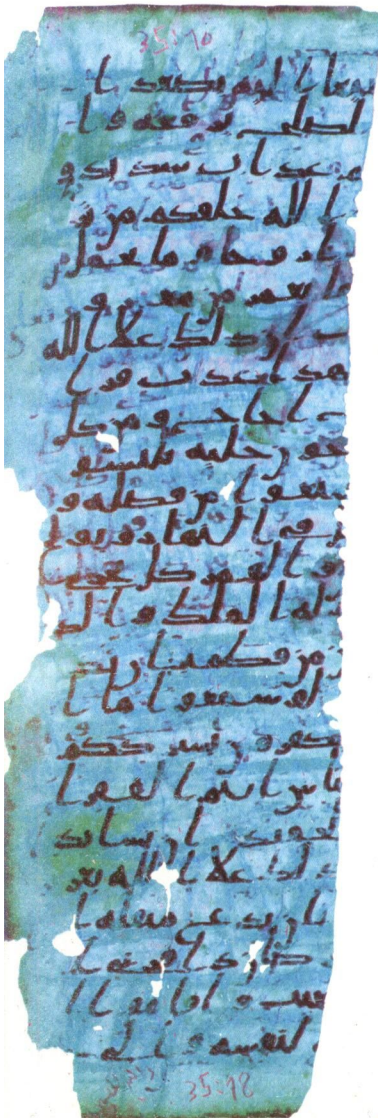
توبة، ١٢١-مریم، ٥



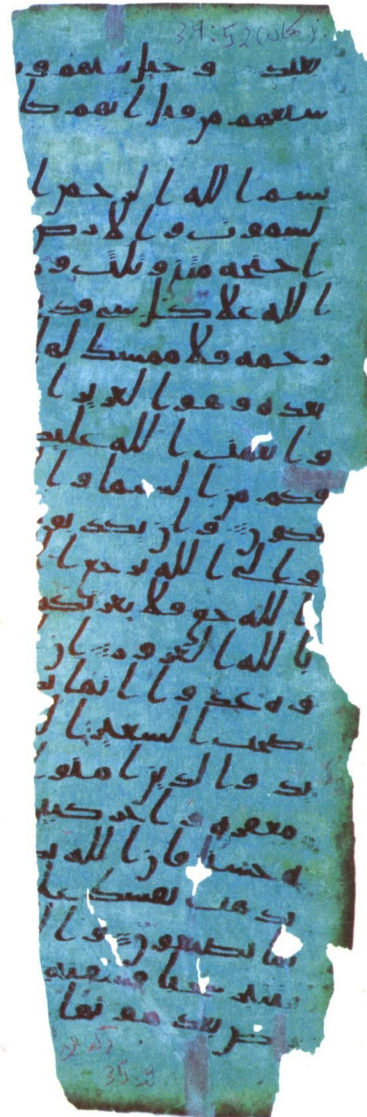
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ 23B (صادق 22B)؛



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای نفث)، برگ 24A (صادق 23A)؛



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۱-۲۷، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ ۲۵۸
(صادقی ۲۴۸)؛ روم، ۳۸-۵۰



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۱-۲۷، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ ۲۵۸
(صادقی ۲۴۸)؛ ناخوانا

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر
ماورای بنفش)، برگ 26A (صادق 25A)؛ زمر، ۲۵-۳۶



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر
ماورای بنفش)، برگ 26B (صادق 25B)؛ زمر، ۴۲-۴۷



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ ۲۷B
(صادقی ۲۶B)؛ زمر، ۷۰-غافر، ۸۰

مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ ۲۷A
(صادقی ۲۶A)؛ زمر، ۵۱-۷۰

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین

(تصویر ماورای بنفش)، برگ 28A

(صادقی 27A)؛ ناخوانا



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین

(تصویر ماورای بنفش)، برگ 28B؛ ناخوانا





مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 30A (صادق 28A)؛
صفحات، ۱۵-۳۳



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 30B (صادق 28B)؛
صفحات، ۴۳-۶۸



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 31A (صادق 29A)؛
صافات، ۸۲-۱۰۳



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ 31B (صادق 29B)؛
صافات، ۱۱۸-۱۴۴

[illegible]

مصحف صنعاء ١، نسخة 01-27.1، لاية زیرین

(تصویر ماورای بنفش)، برگ 32A

(صادق 30A)؛ انبیاء، ۵-۱۹



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ ۳۳۸ (صادقی ۳۱۸)؛ یوسف، ۱۷-۲۰



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ ۳۳۸ (صادقی ۳۱۸)؛ یوسف، ۲۷-۳۱

مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ ۳۴A (صادق ۳۲A)؛
یوسف، ۱۱۱-کف، ۵



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه زیرین
(تصویر ماورای بنفش)، برگ ۳۴B (صادق ۳۲B)؛
کف، ۱۵-۱۸





مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ 35A (صادق 33A)؛
سیا، ۱۳-۲۳



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)، برگ 35B (صادق 33B)؛
سپا، ۲۳-۳۳

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،
برگ 36A (صادقی 34A)؛ سبأ، ۴۰-۴۷



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،
برگ 36B (صادقی 34B)؛ رعد، ۱-۵



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،
برگ 37A (صادق 35A)؛ رد، ۶-۱۴

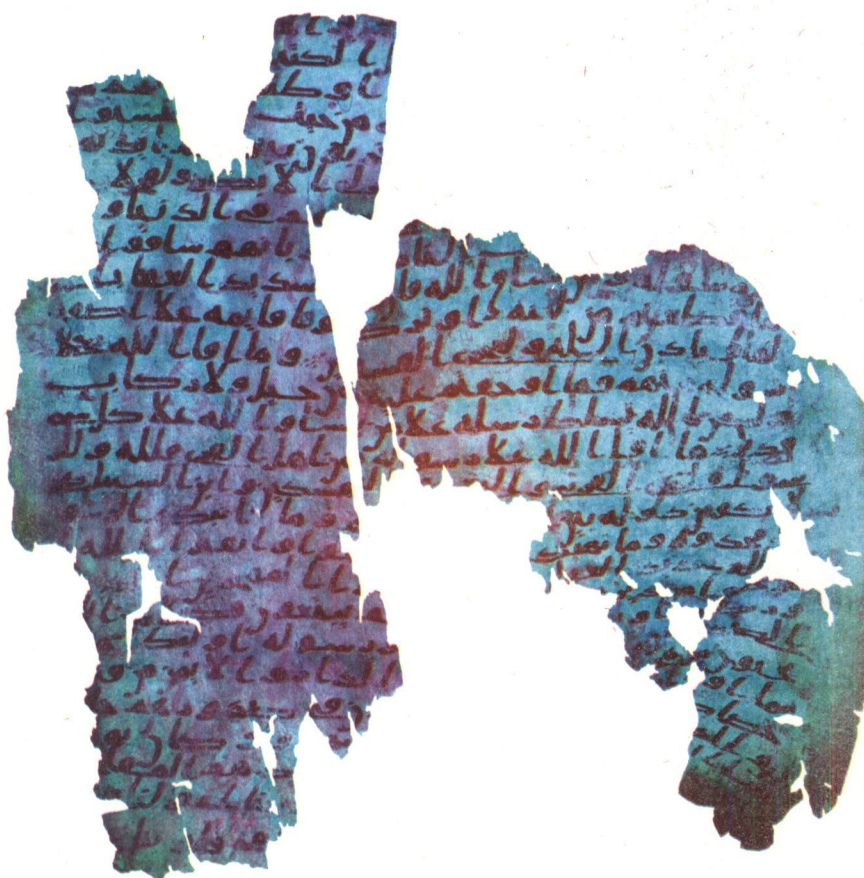


مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،
برگ 37B (صادقی 35B)؛ رد، ۱۶-۲۱.



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،

برگ 38A (صادقی 36A)؛ رعد، ۲۵-۳۱



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۱-27، لایه زیرین (تصویر ماورای بنفش)،
برگ 38B (صادق 36B)؛ رعد، ۳۳-۴۰



تصاویر مصحف صنعاء ۱
نسخه 01-27.1، لایه رویی

6-159

۲۴۷ تصاویر مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی

مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،
برگ ۳۸؛ توبه، ۱۱۲-۱۱۵



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،
برگ ۳۸؛ توبه، ۱۲۴-۱۲۷



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،
برگ 4A؛ ابراهیم، ۳۲-۴۲



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،

برگ 4B: ابراهیم، ۴۲ - حجر، ۱۶



15.73

مصحف صنعاء ١، نسخه 27.1-01، لایه رویی، برگ 5B؛ نحل، ٨٩-١٠٢

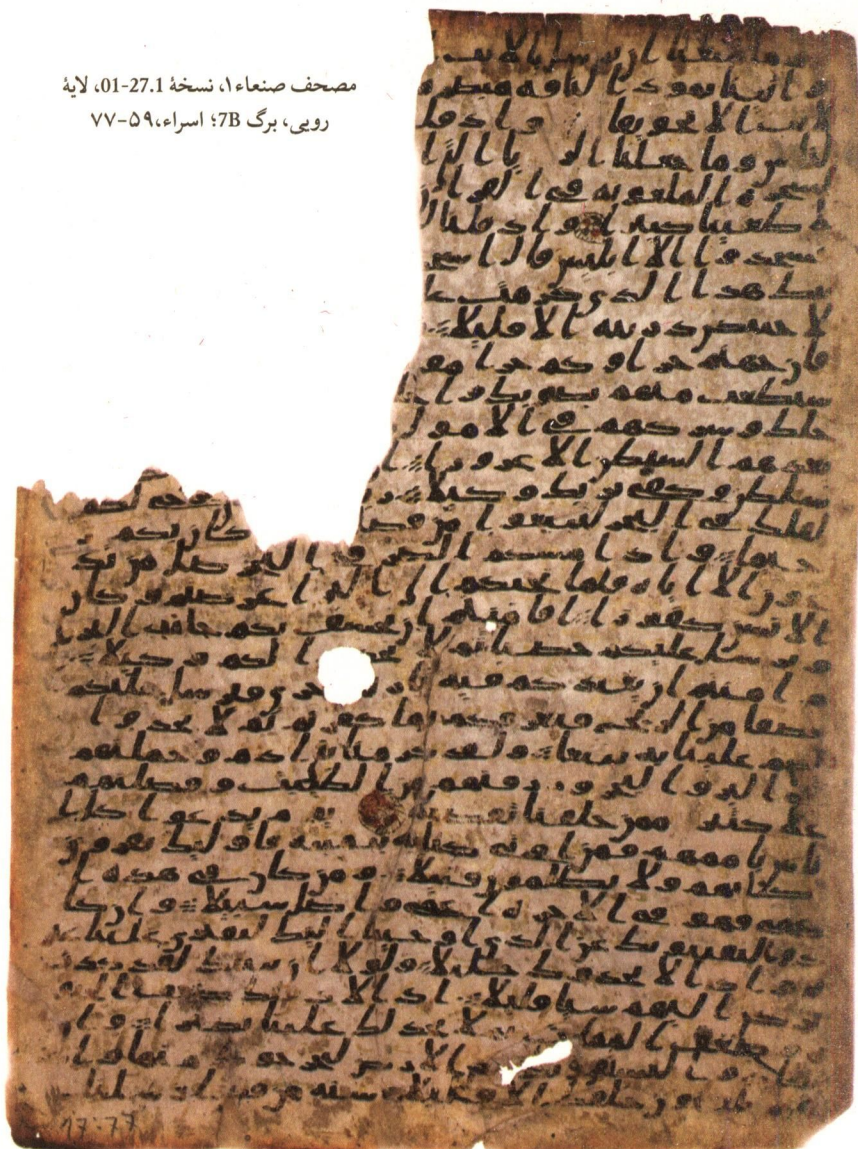
[illegible]

مصحف صنعاء ١، نسخة 01-27.1، لاية رویی، برگ 6B؛ نحل، ١١٨ - اسراء، ٦

مصحف صنعاء ١، نسخة 1-27، 01، لاية
 روى، برگ 7A؛ اسراء، ٣٩-٥٨

مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه

روی، برگ 7B؛ اسراء، ٥٩-٧٧

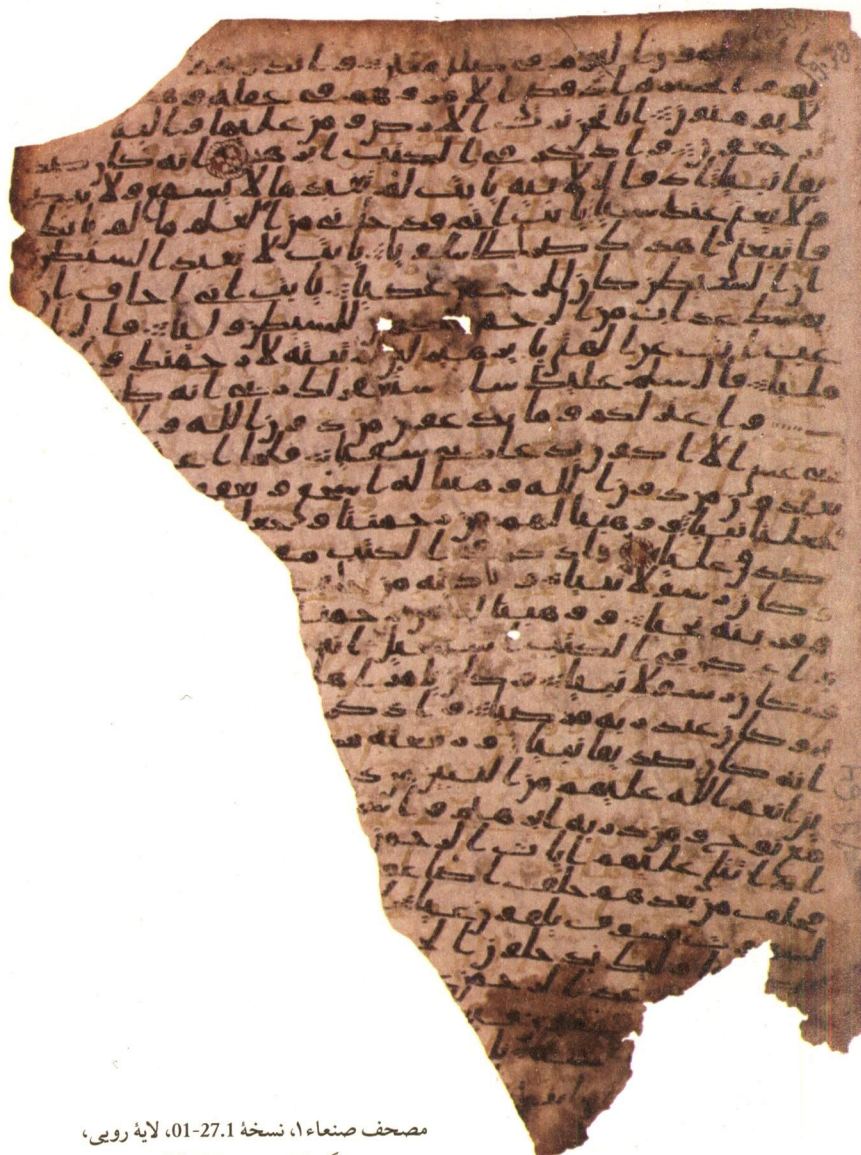




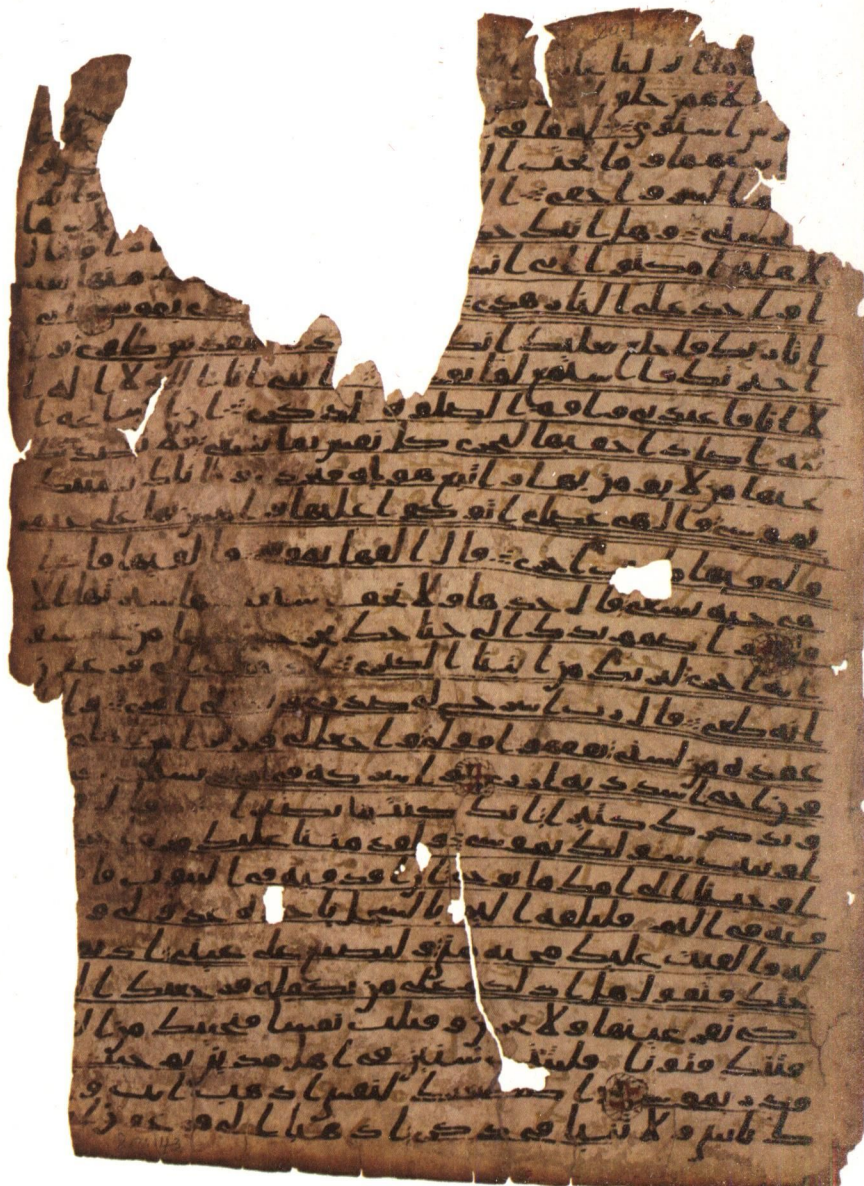
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 8A؛ کهف، ۲۲



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 8B؛ کهف، ۳۲



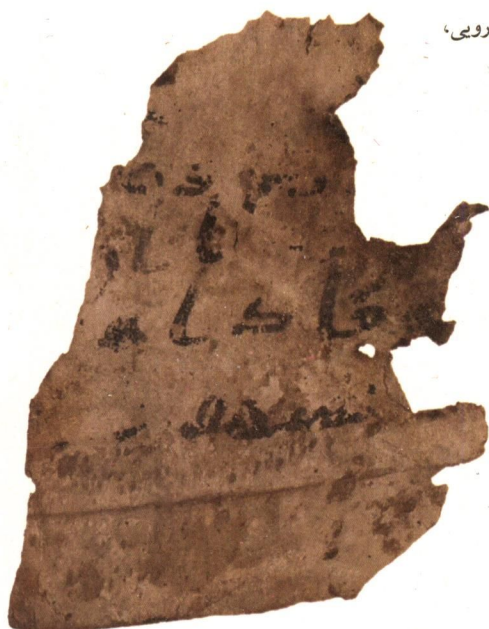
مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،





مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 11A؛ طه، ۷۴-۹۸

25129



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،

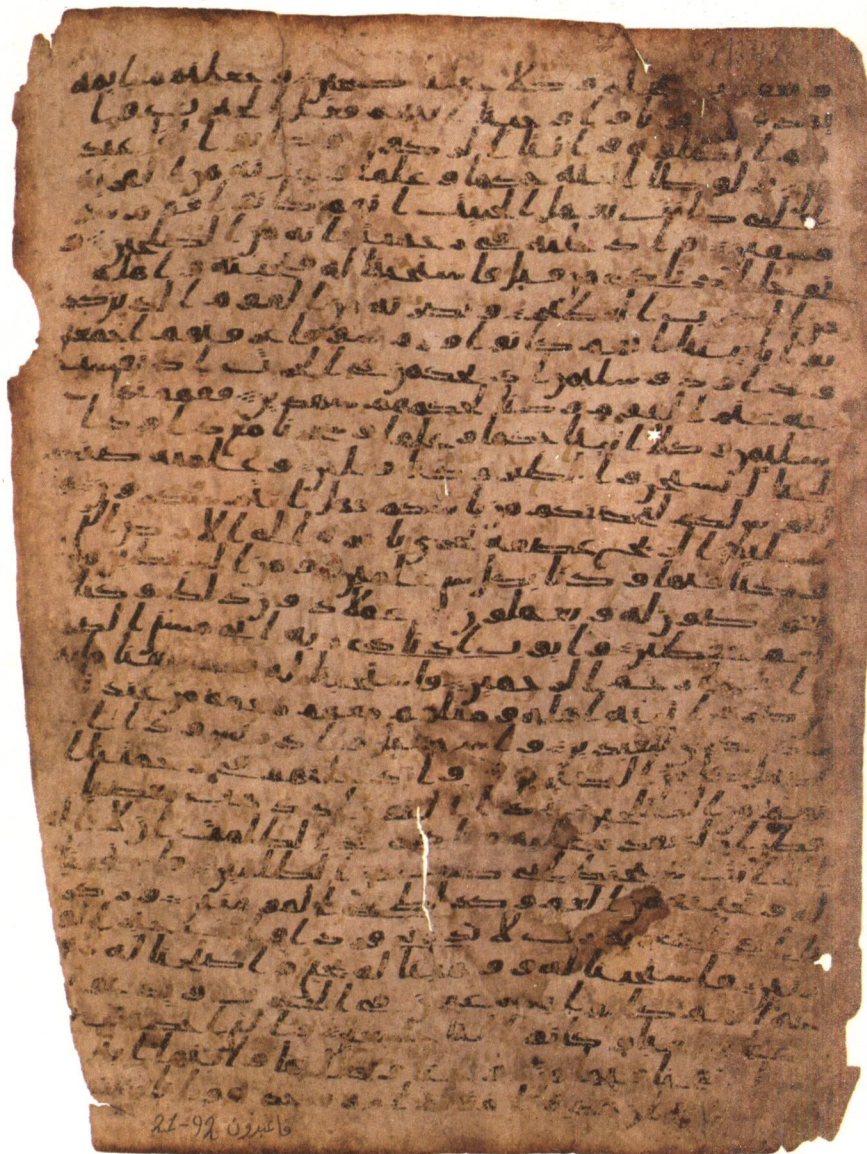
برگ 12A؛ انبیاء، ۱۶-۱۹

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،

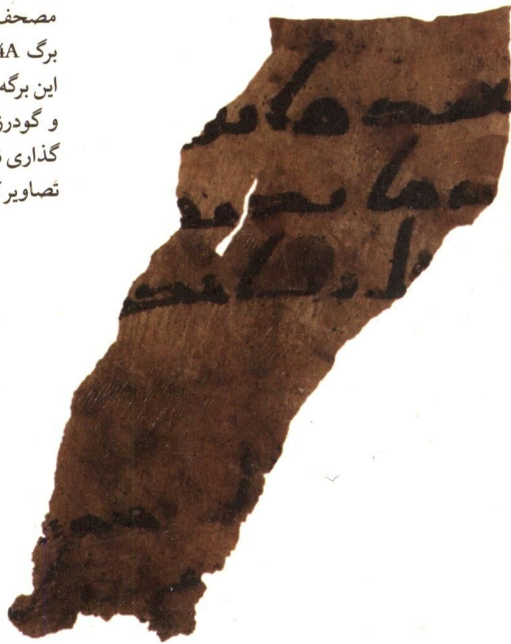
برگ 12B؛ انبیاء، ۳۸-۴۲



٢٨٧
 بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 أن هدانا الله
 والحمد لله رب العالمين
 آمين



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 14A؛ انبیاء، ۱۱۱- حج، ۲ (از آنجا که این برگه در اصل متعلق به نسخه نیست، صادقی و گودرزی این برگه را در محاسبه خود شماره گذاری نکرده‌اند و در اینجا، یک شماره با ترتیب تصاویر کریستیان رُبن اختلاف پیدا کرده‌اند)



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 14B؛ حج، ۹-۱۱ (از آنجا که این برگه در اصل متعلق به نسخه نیست، صادقی و گودرزی این برگه را در محاسبه خود شماره گذاری نکرده‌اند و در اینجا، یک شماره با ترتیب تصاویر کریستیان رُبن اختلاف پیدا کرده‌اند)



تصاویر مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی ۲۶۷

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1،
لایه رویی، برگ 15A (صادق 14A)؛
انبیاء، ۱۱۱ - حج، ۲



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1،
لایه رویی، برگ 15B (صادق 14B)؛
حج، ۱۵-۱۷



2539

مصحف صنعاء ١، نسخة 01-27.1، لاية رویی، برگ 16B (صادقی 15B)؛ فرقان، ٣٤-٥٩

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 17A (صادقی 16A)؛ شعراء، ۱۵۵-۱۷۶

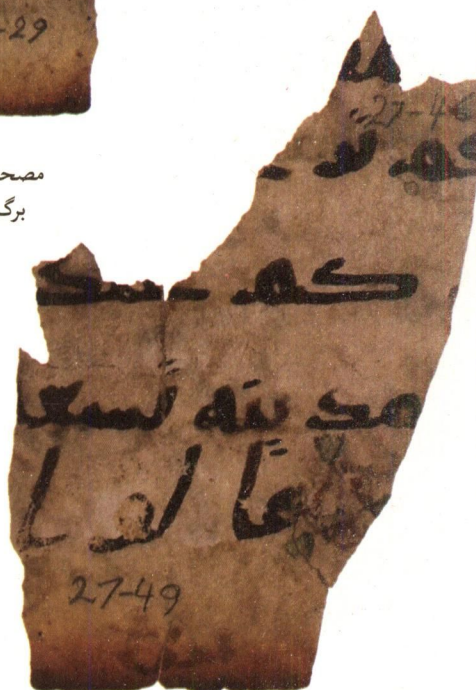


مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 17B (صادقی 16B)؛ شعراء، ۱۹۸-۲۲۳

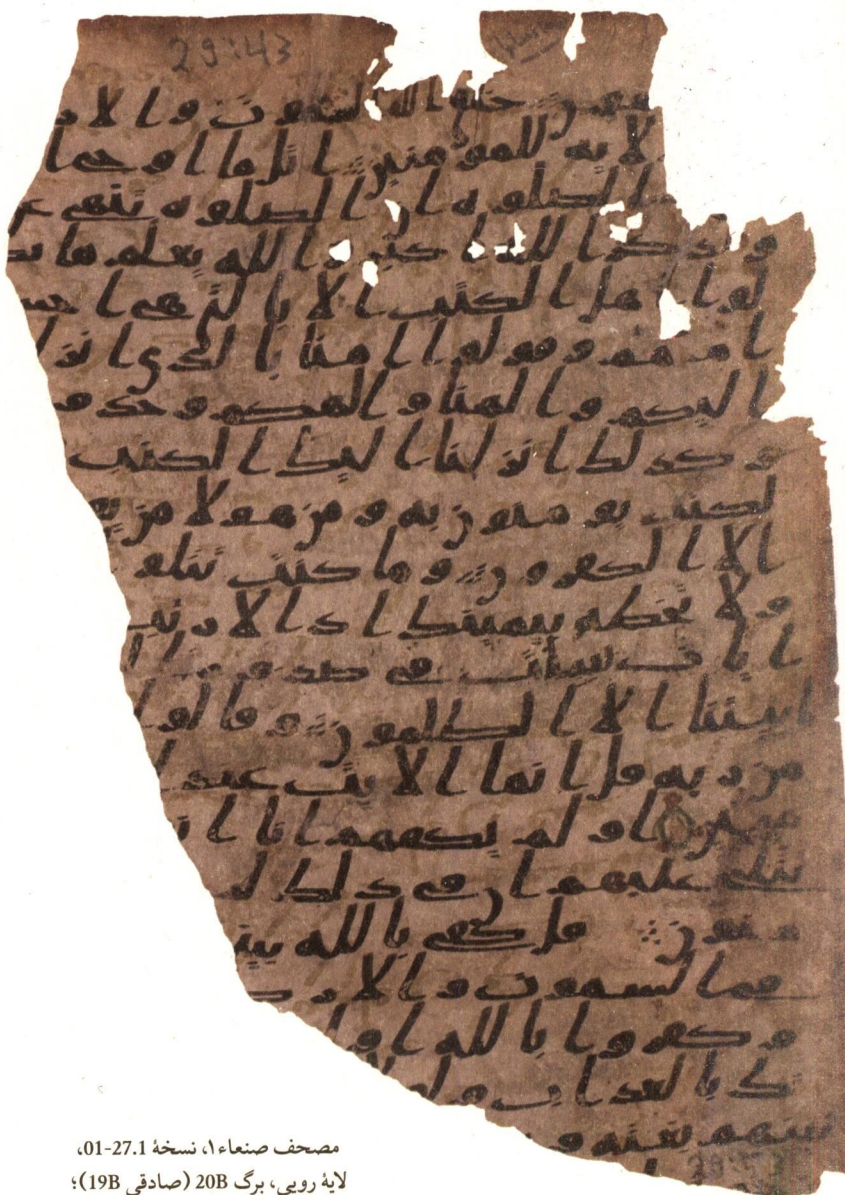
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 18A (صادق ۱۷A)؛ نمل، ۲۵-۲۹



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 18B (صادق 17B)؛ نمل، ۴۶-۴۹



مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 19B (صادق 18B)؛ قصص، ٧٤-٨٦



مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1،

لایه رویی، برگ 20B (صادق 19B)؛

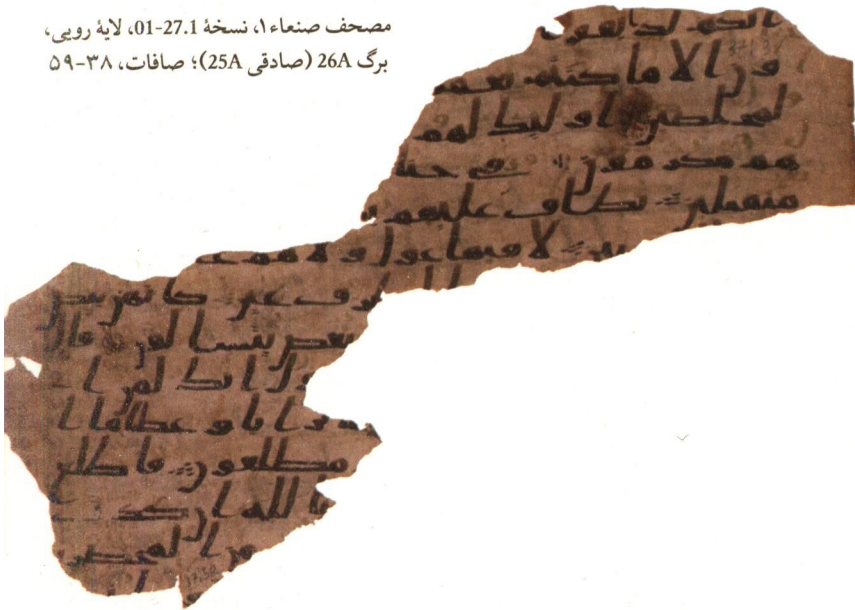
عنکبوت، ٤٣-٥٤

[illegible]

اسم الله الاحمر
 لا يرب فيه مردك
 قد به يرمو
 مر تكم مر عليك

33-18

مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 26A (صادقی 25A)؛ صافات، ٣٨-٥٩



مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 26B (صادقی 25B)؛ صافات، ٧١-٩٠



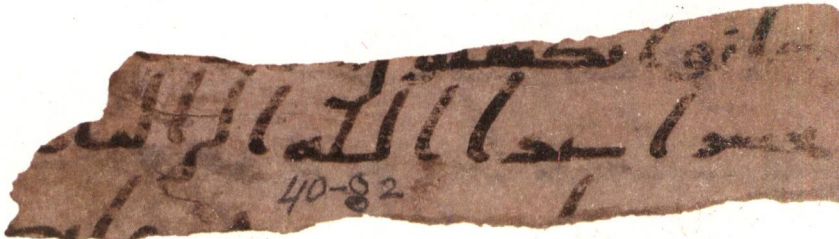
۲۸۶ مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 28A (صادق 27A)؛ ص، ۷۳-۷۵



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 28B (صادق 27B)؛ زمر، ۶





مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 29A؛ فصلت، ۱۷-۲۰ (این برگه را اشتباهاً پوین جزو نسخه 01-27.1 به شمار آورده و کریستیان رُبن نیز تصاویر آن را از همین قرآن شماره گذاری کرده؛ اما درواقع این برگه متعلق به این نسخه نیست؛ از این رو، صادقی و گودرزی آن را از شماره گذاری حذف کرده‌اند)



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 29B؛ فصلت، ۵ (این برگه را اشتباهاً پوین جزو نسخه 01-27.1 به شمار آورده و کریستیان رُبن نیز تصاویر آن را از همین قرآن شماره گذاری کرده؛ اما درواقع این برگه متعلق به این نسخه نیست؛ از این رو، صادقی و گودرزی آن را از شماره گذاری حذف کرده‌اند)



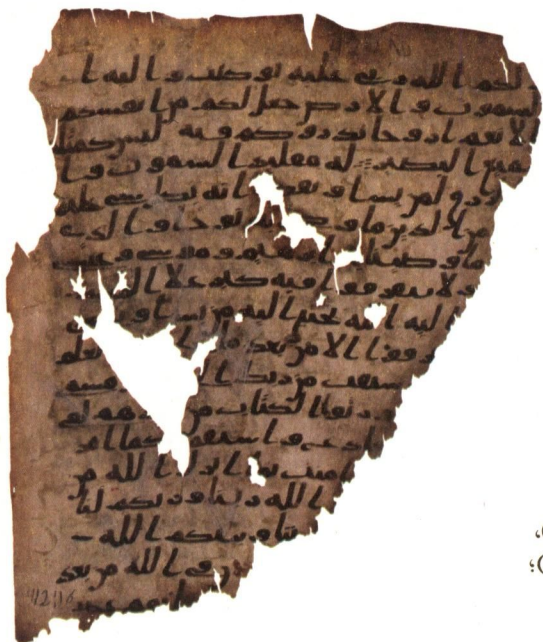
مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 30A (صادقی 28A)؛ فصلت، ١٧-٢٧



مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه رویی، برگ 30B (صادقی 28B)؛ فصلت، ٣٣-٤٣



مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1،
لایه رویی، برگ 31A (صادق 29A)؛
فصلت، ٤٧ - شوری، ٥

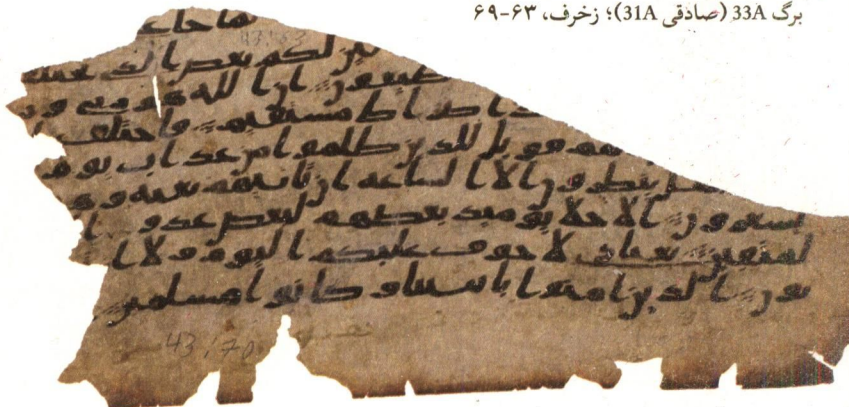


مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1،
لایه رویی، برگ 31B (صادق 29B)؛
شوری، ١٠-١٦

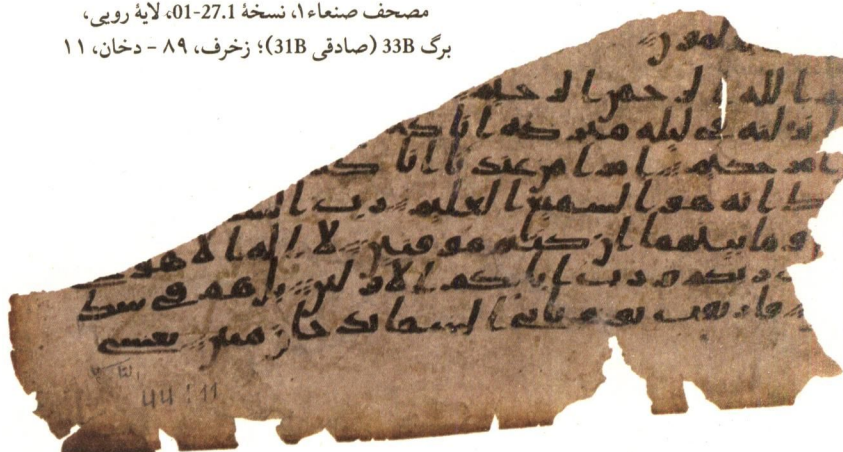
مصحف صنعاء، ۱، نسخه ۱-۲۷، ۰۱، لایه رویی،
برگ ۳۲۸ (صادقی ۳۰۸)؛ شوری، ۲۱-۲۹

مصحف صنعاء ۱، نسخه ۲۷.۱-۰۱، لایه رویی،
برگ ۳۲B (صادقی ۳۰B)؛ شوری، ۳۸-۴۸

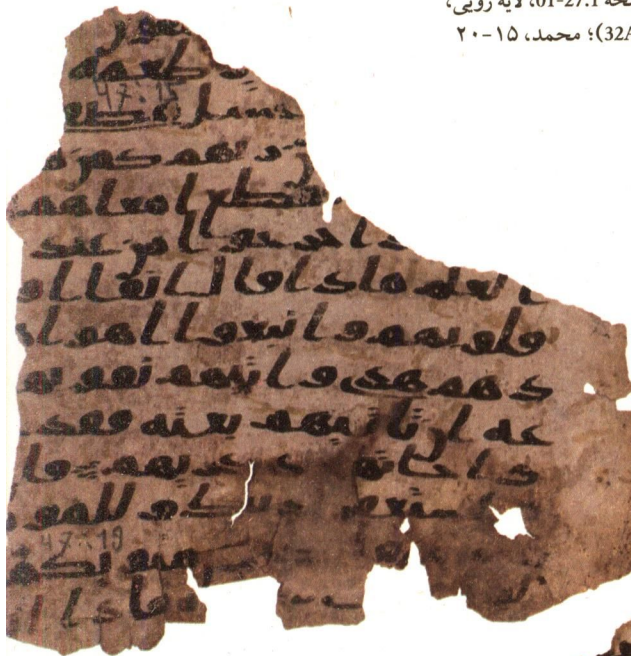
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 33A (صادق 31A)؛ زخرف، ۶۳-۶۹



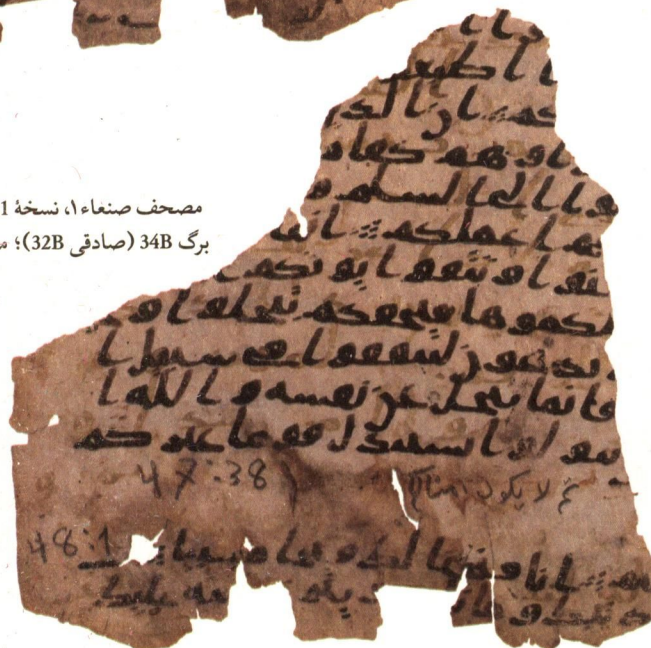
مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 33B (صادق 31B)؛ زخرف، ۸۹ - دخان، ۱۱

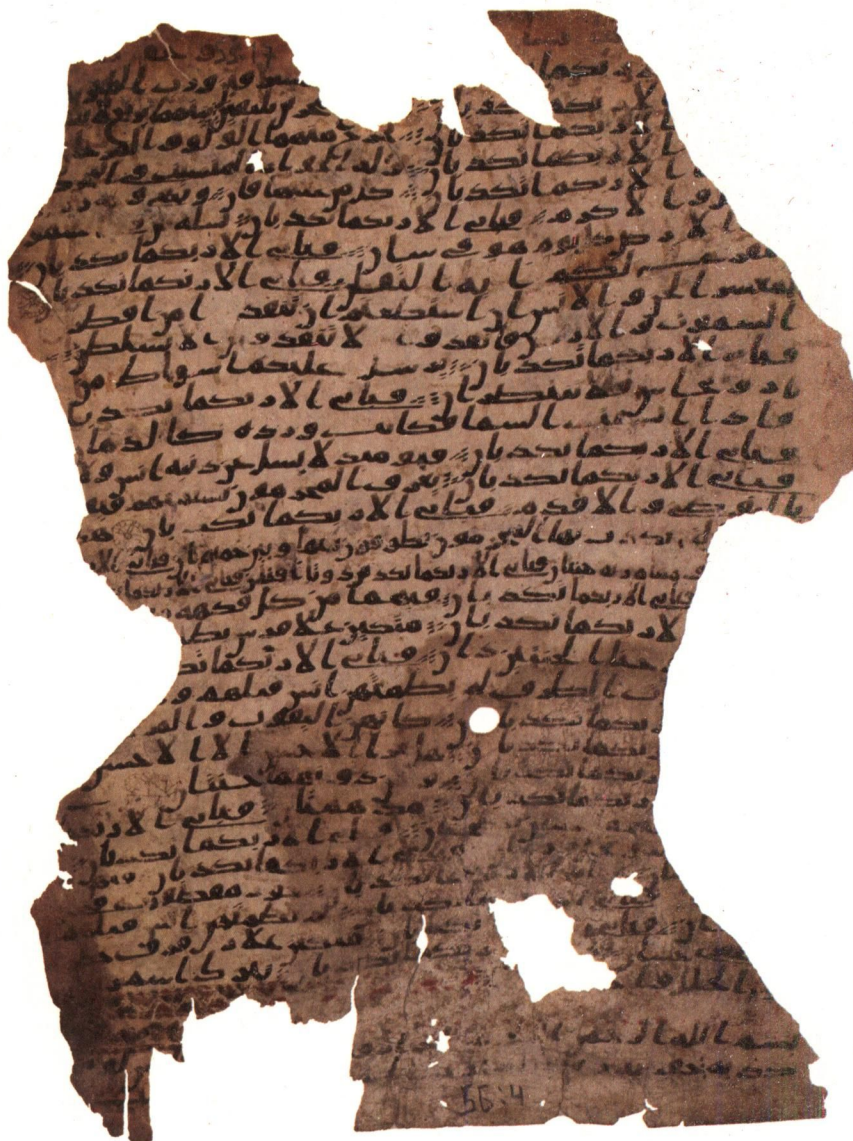


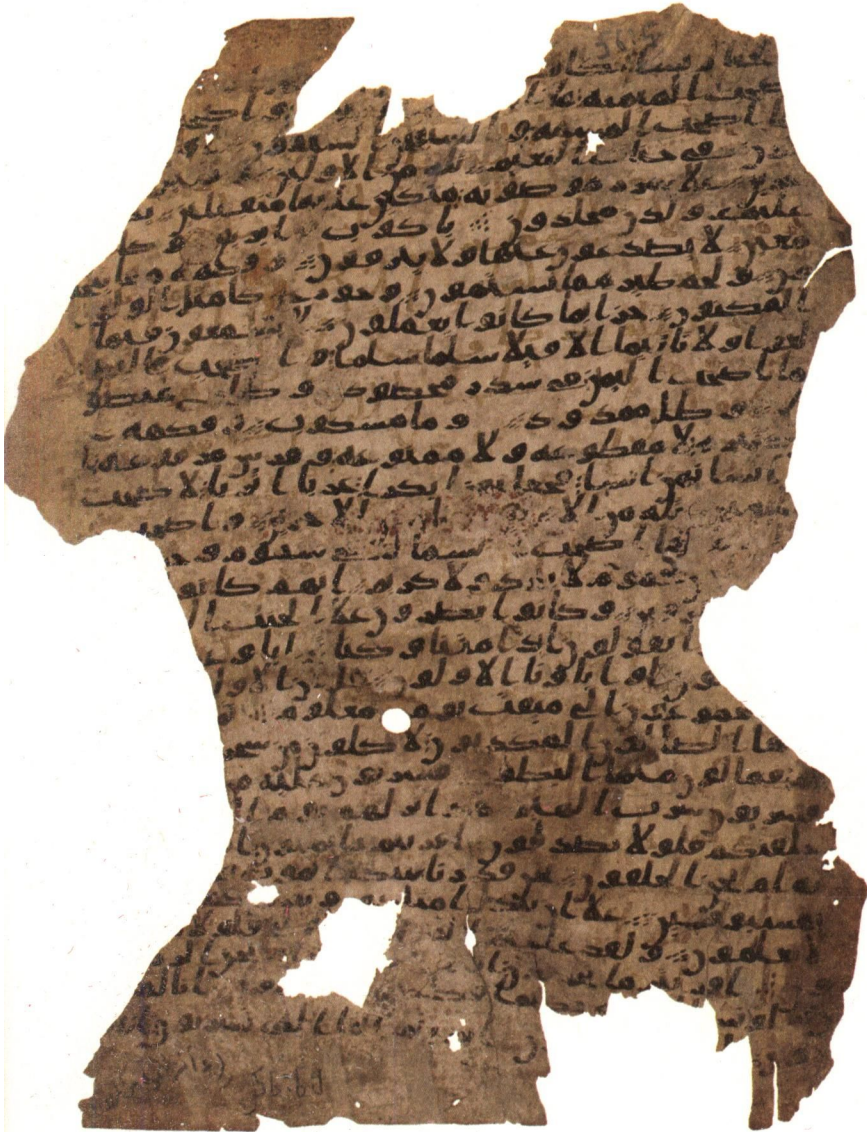
مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،
برگ ۳۴۸ (صادقی ۳۲۸)؛ محمد، ۱۵-۲۰



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،
برگ ۳۴۸ (صادقی ۳۲۸)؛ محمد، ۳۲-۳۳، فتح، ۲

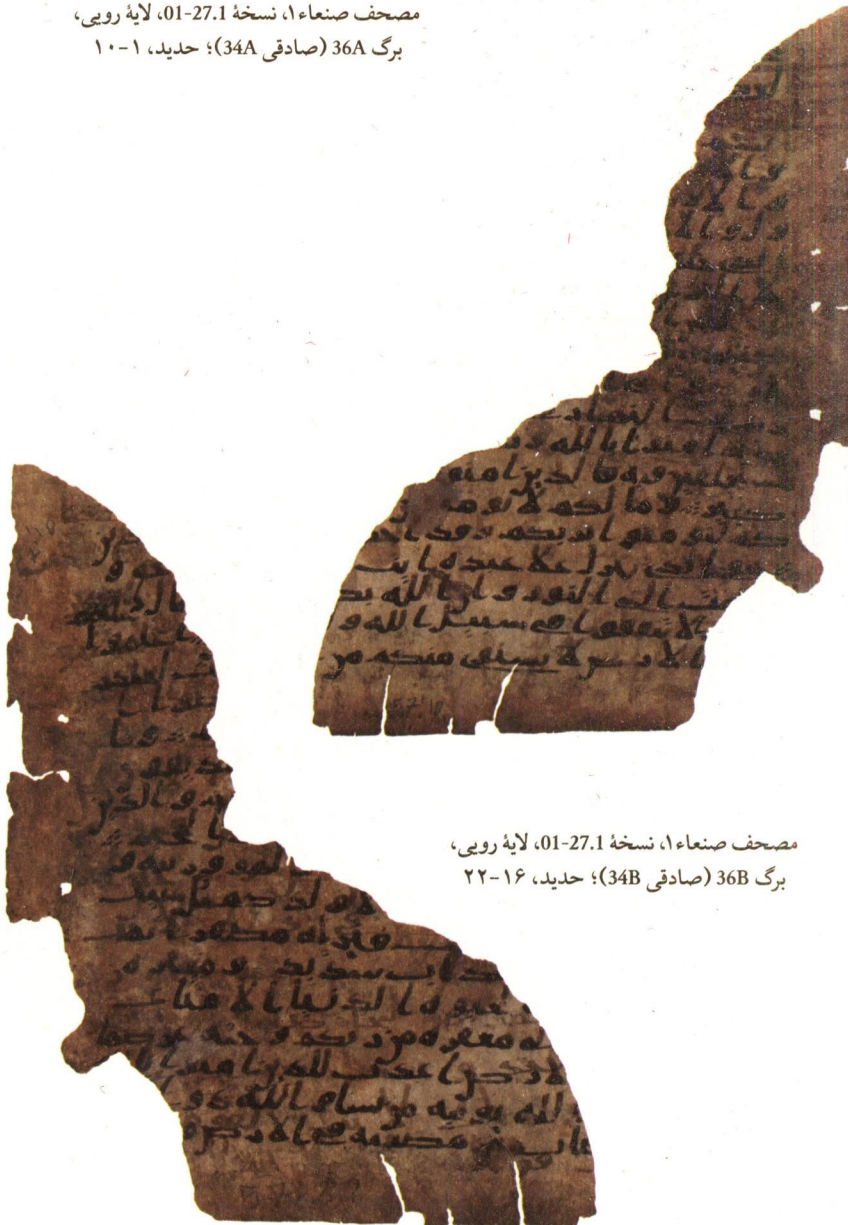






مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی، برگ ۳۵B (صادقی ۳۳B)؛ واقعه، ۵-۶۹

مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 36A (صادقی 34A)؛ حدید، ۱-۱۰



مصحف صنعاء ۱، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 36B (صادقی 34B)؛ حدید، ۱۶-۲۲

مصحف صنعاء ۱، نسخه ۱-۲۷، لایه رویی، برگ
37A (صادق 35A)؛ حدید، ۲۷- مجادله، ۶



مصحف صنعاء ۱، نسخه ۰۱-۲۷.۱، لایه رویی،
برگ ۳۷B (صادق ۳۵B)؛ مجادله، ۱۰-۲۲



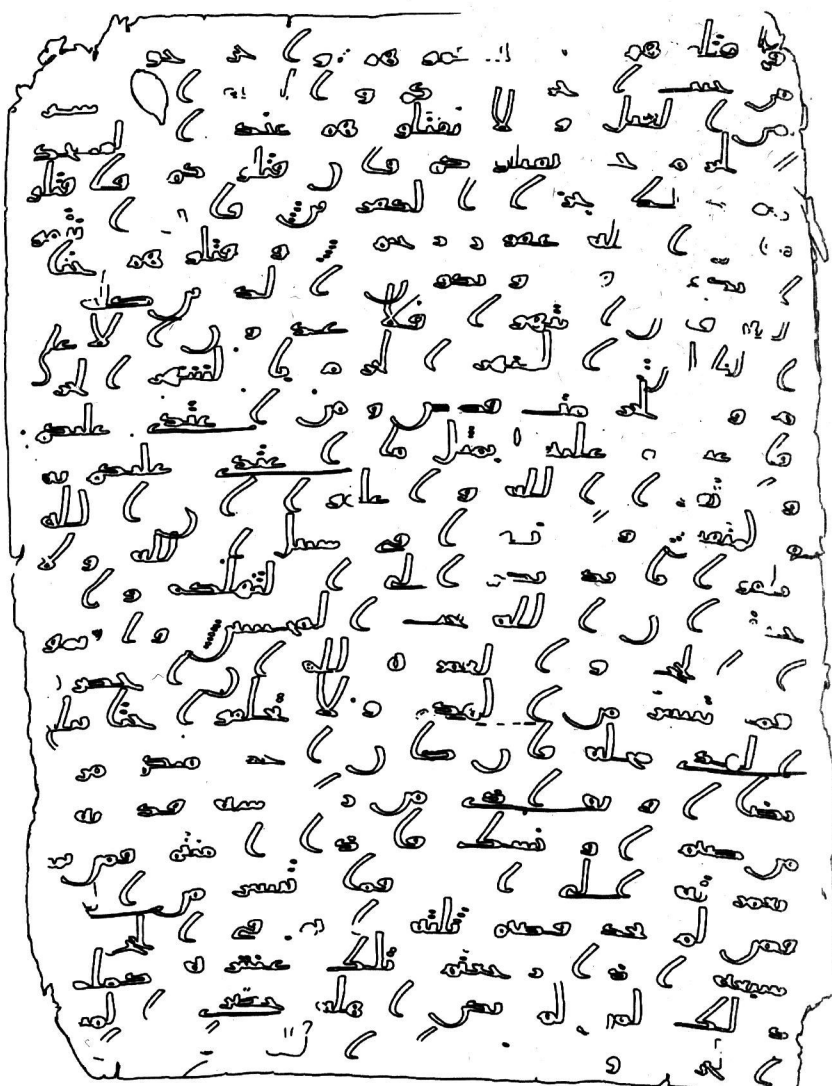


مصحف صنعاء ۱، نسخه ۱-۲۷، لایه رویی، برگ ۳۸۸ (صادق ۳۶۸)؛ حشر، ۱-۱۰

مصحف صنعاء ١، نسخه 01-27.1، لایه رویی،
برگ 38B (صادق 36B)؛ حشر، ١٤ - ممتحنة، ١



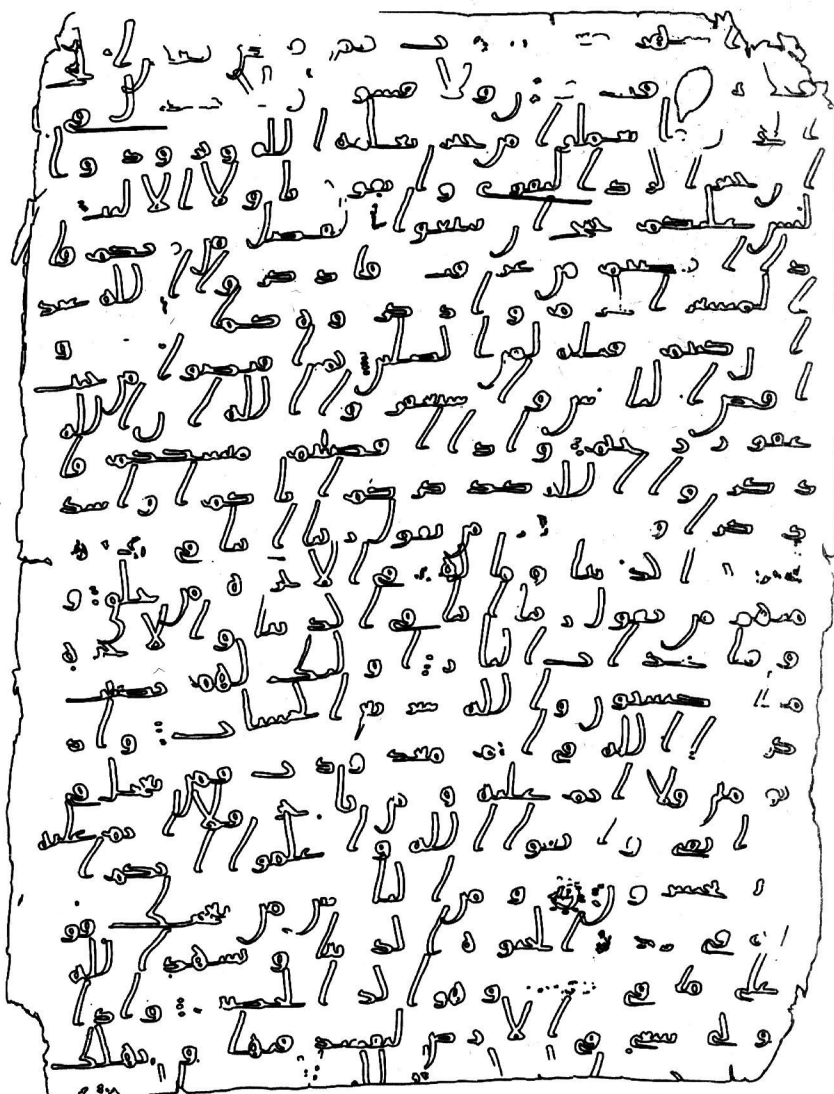
تصاویر مصحف صنعاء ۱
برگه‌های حراج‌ها، لایه زیرین و رویی



مصحف صنعاء ۱، برگه استنفورد ۲۰۰۷ رو، لایه زیرین؛ بقرة، ۱۹۱-۱۹۶ (در پس زمینه سفید)



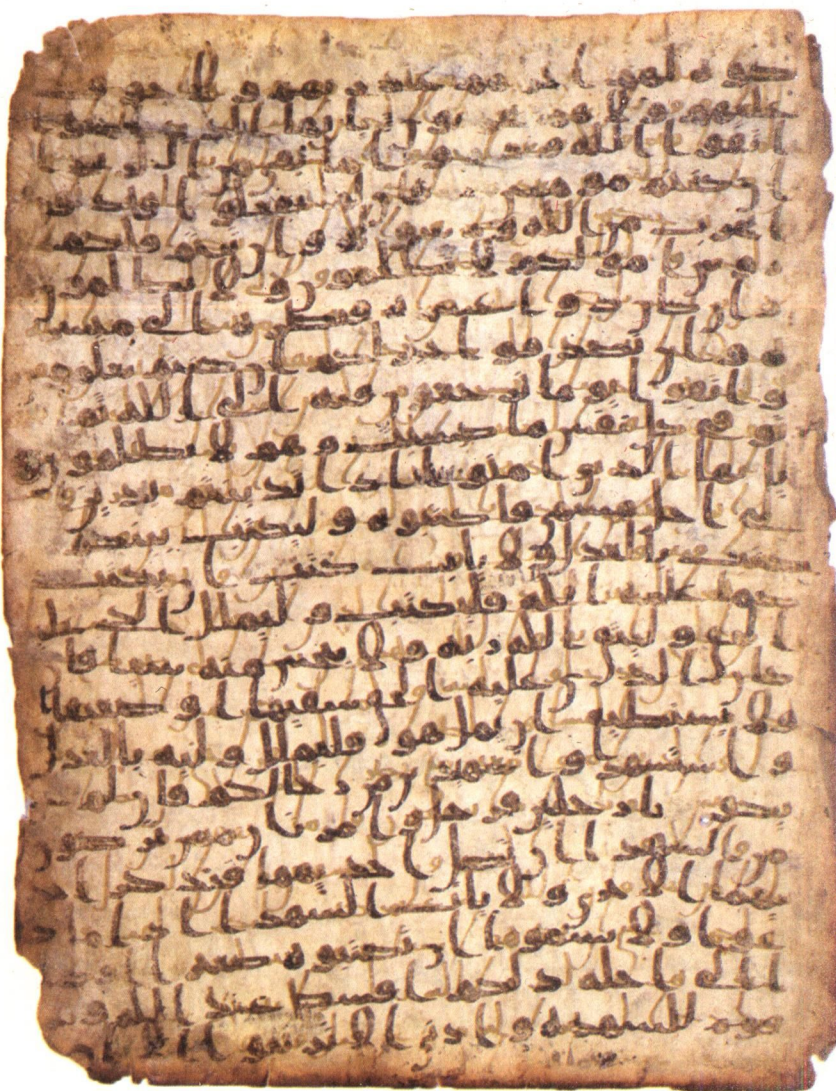
مصحف صنعاء ۱، برگه استنفورد ۲۰۰۷ رو، لایه زیرین؛ بقرة، ۱۹۱-۱۹۶
(باردیایی ترکیبی از آهن و روی)





مصحف صنعاء ۱، برگه استنفورد ۲۰۰۷ پشت، لایه زیرین؛ بقرة، ۱۹۵-۲۰۵
(با ردیابی ترکیبی از آهن و روی و مس)

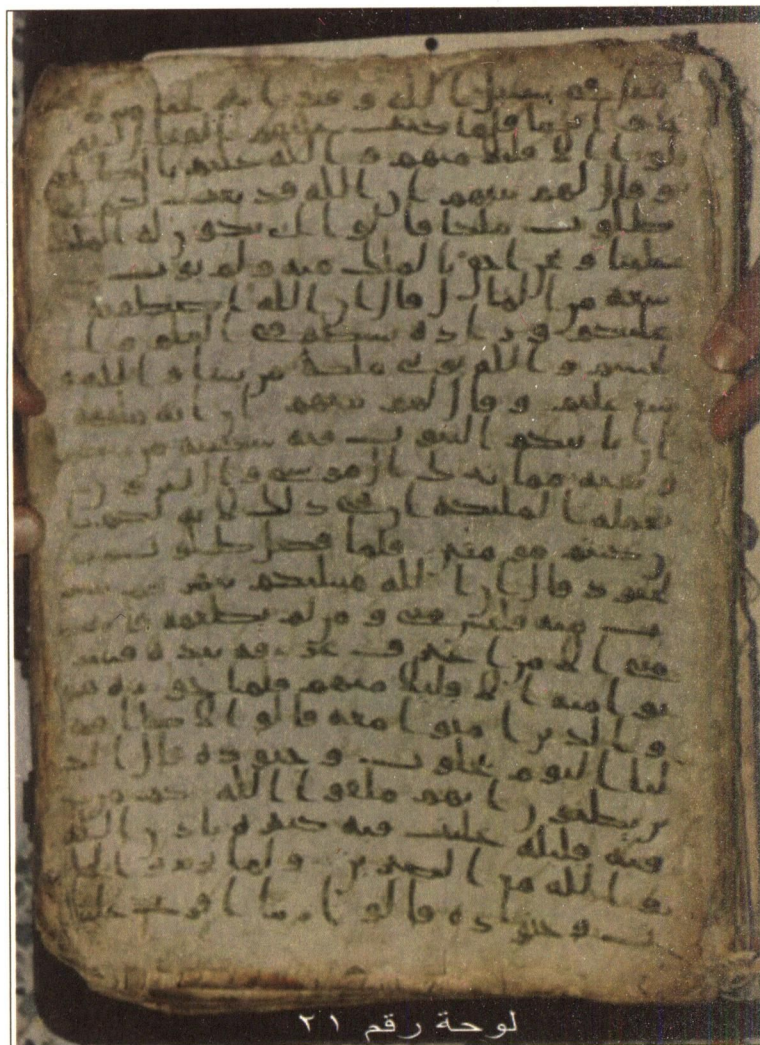
اَمَّا لَعْنَةُ الشَّامِ وَصَلَّى عَلَى الْبَلَدِ
 مَرَّةً عَشْرًا كَمَنْ لَحِنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 بِرَأْسِهِ اَطْلَعُوا عَنِّي قَارِئُهَا يَوْمَ
 فَطَرَ اللهُ مَا تَعْمَلُوْنَ بِعَدْوٍ اَوْ دَاخِلٍ
 كَمَا اَرَادَ رَحْمَةُ اللهِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَخْلُقَ
 مِنْ غَنَمِهَا اَلَا نَعُدُّ لَهُ فَمَا مِنْ كُلِّ اَلْفِ
 صَاعٍ اَلْحَدِ وَلَهُ دَرَّةٌ كَقِيَمَتِهَا كَمَا
 عَمِلَ قَوْمًا فَاَجِدَتْ كَذَلِكَ يَسِّرُ اللهُ
 اَحْمَدُ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَغْفِرُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ
 بِرَأْسِهِ اَطْلَعُوا مَرَّةً طَيِّبَةً مَا كَسَبْتُمْ
 وَهَوَا اَلْحَمْدُ مَرَّةً اَلَا اَمْرٌ لَا يَنْصَرِفُ
 اَللّٰهُمَّ مِنْهُ تَغْفِرُوْنَ وَاسْتَغْفِرُكُمْ
 لَا اَرْتَدُّكُمْ اَقْبُوْا اَعْلَمُوْا اَللّٰهُ
 عَزَّ وَجَلَّ السَّيِّئُ بَعْدَ كَيْفِ اَتَقَرُّوْا بِاَمْرِ
 كَمَا اَللّٰهُ اَللّٰهُ بَعْدَ كَيْفِ مَعْرِفَتِهِ
 فَسَلِّوْا اَللّٰهُ وَسِعَ عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْحُكْمِ
 يَسْأَلُ عَنْ يَوْمِ اَلْحُكْمِ فَقَدْ اَمَرَ بِكُمْ
 كَيْفَ اَوْ مَا يَدْرِي اَلَا اَلَا اَلَا اَلَا
 وَ مَا تَعْمَلُ مِنْ شَيْءٍ اَوْ تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ
 اَللّٰهُ يَلْعَنُ مَا لَطَمَ مِنْ رَأْسِهِ اَنْ تَعْلَمَ
 اَللّٰهُ اَلْحَدِ فَمَنْ عَمِلَ اَوْ تَعْمَلُ مَا
 تَوَدُّ مَا اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ وَ يَكُوْنُ عَمَلُ
 مِنْ عَمَلِكُمْ وَ اَللّٰهُ مَا تَعْمَلُوْنَ زَيْدُ



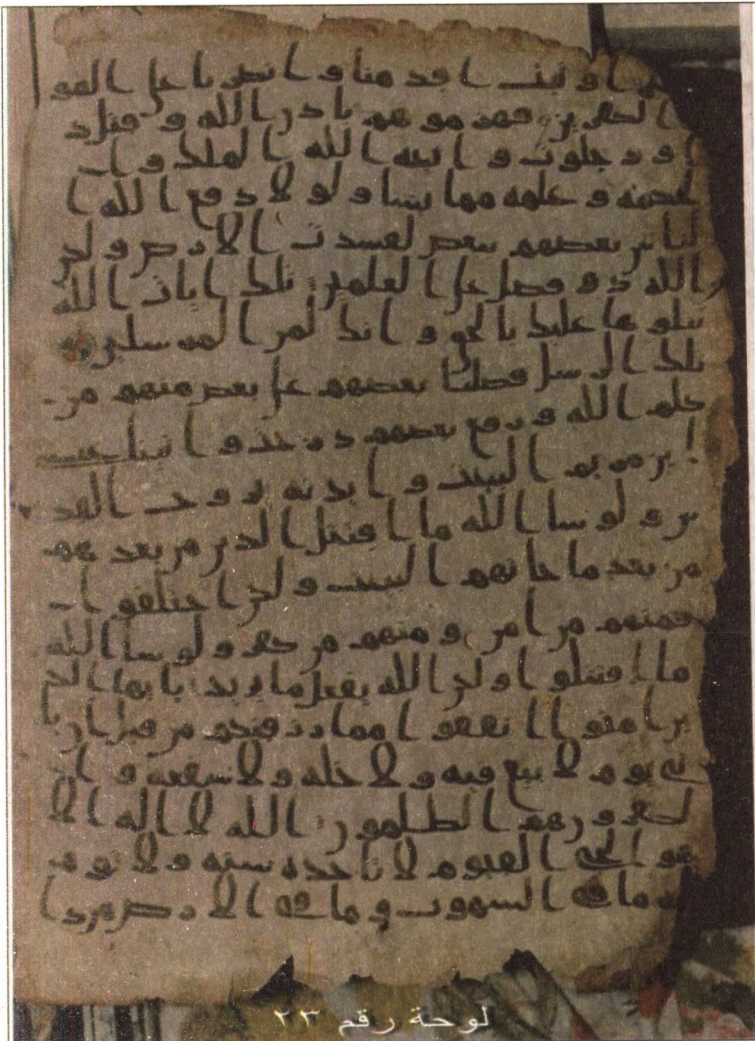
[illegible]

مصحف صنعاء ١، برگه کریستیز ۲۰۰۸ رو، لایه رویی؛ نساء، ۱۷۱- مائده، ۳

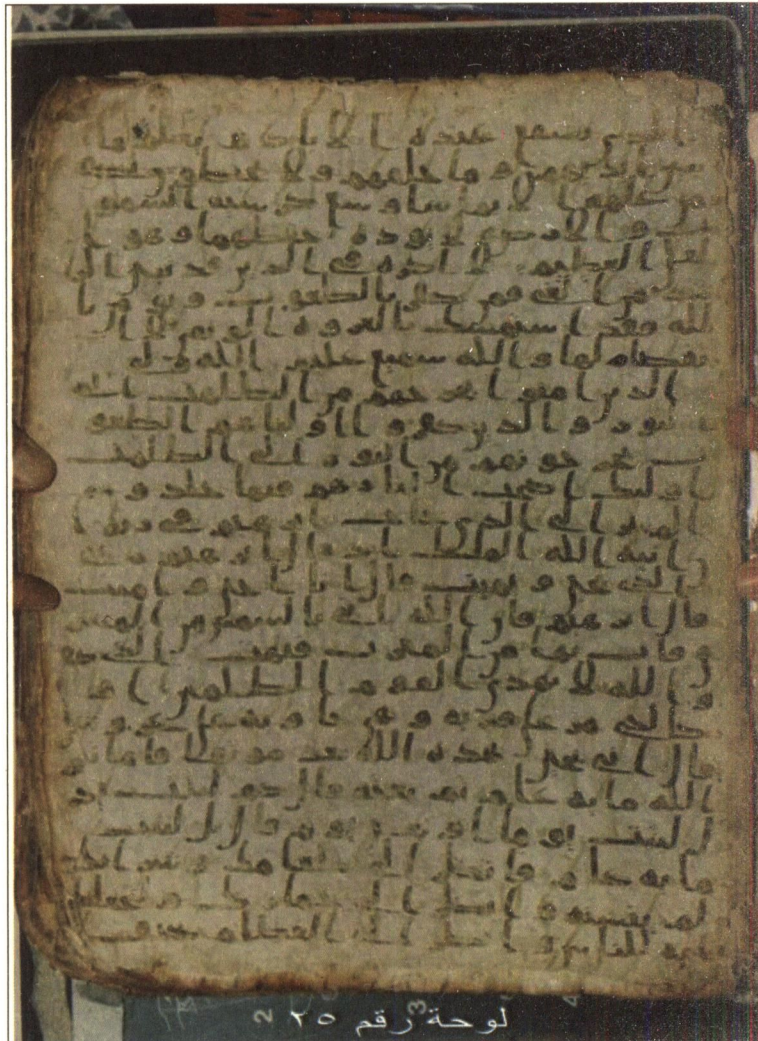
تصاویر مصحف صنعاء ۱
نسخه المكتبة الشرقية لاية روى



لوحة رقم ٢١

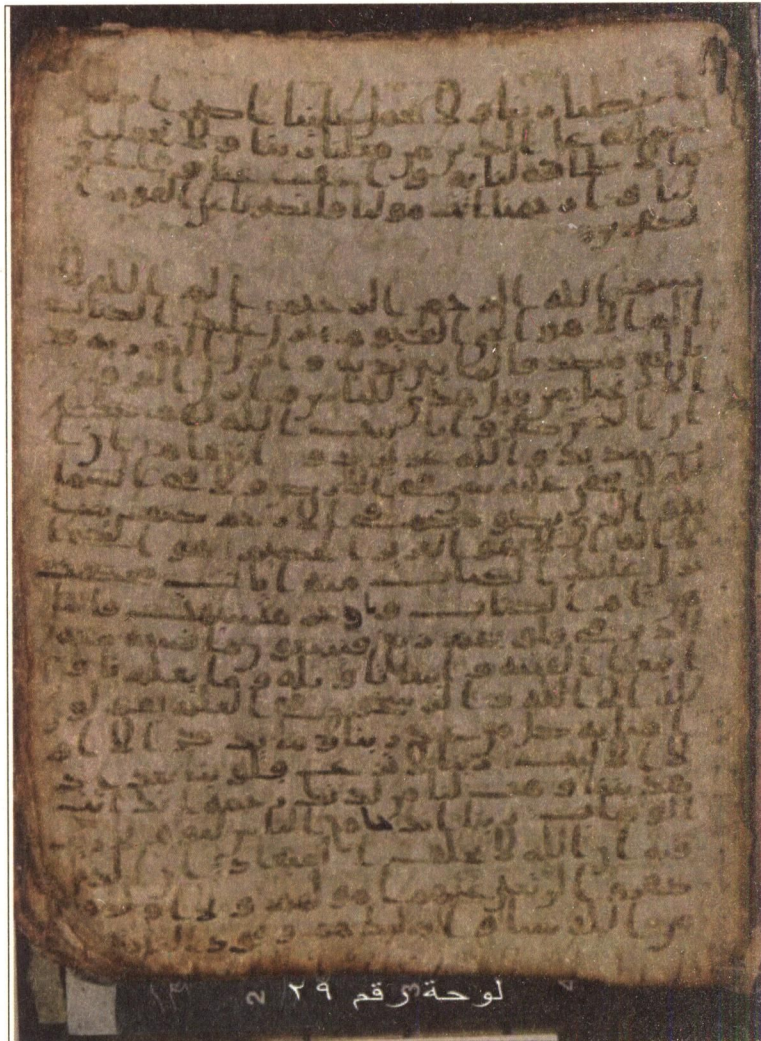


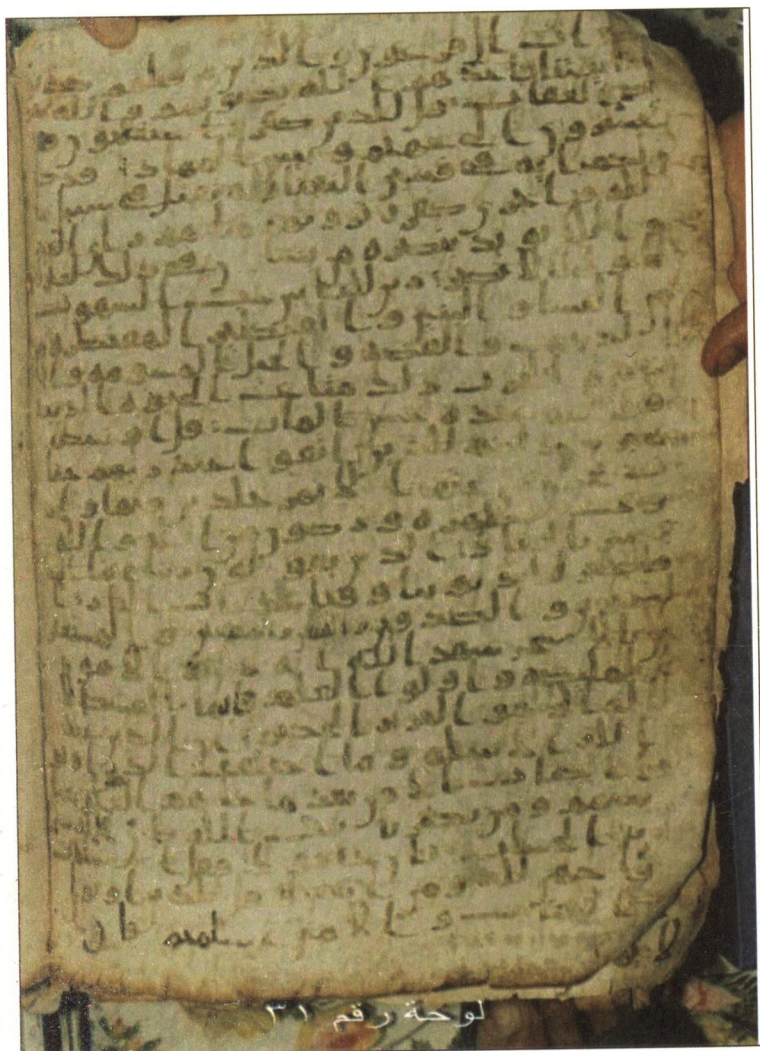
مصحف صنعاء ١، نسخه المكتبة الشرقية، لاية رويي، برگ 1B؛ بقرة، ۲۵۰-۲۵۵



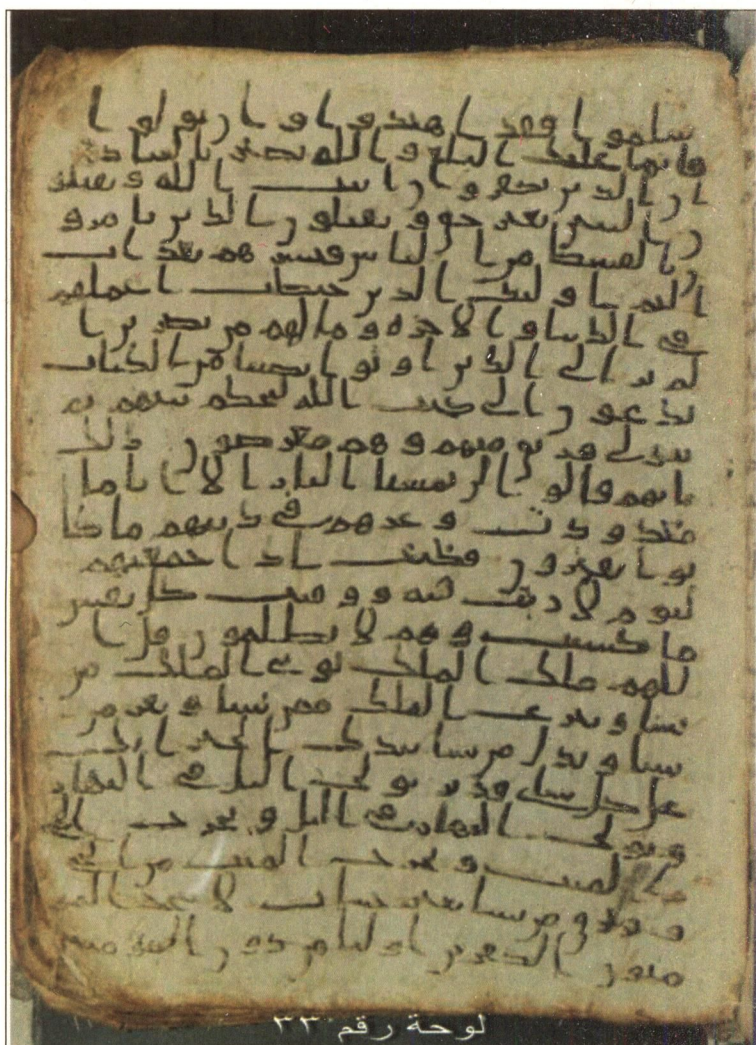


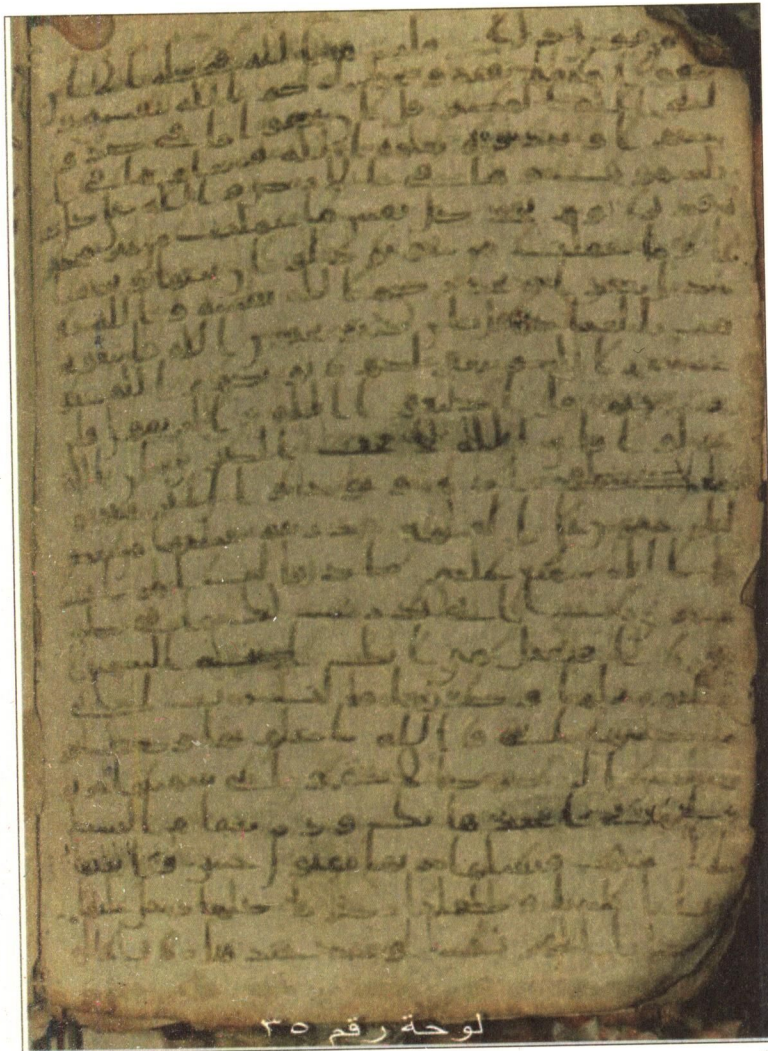
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 2B؛ بقرة، ٢٥٩-٢٦٥



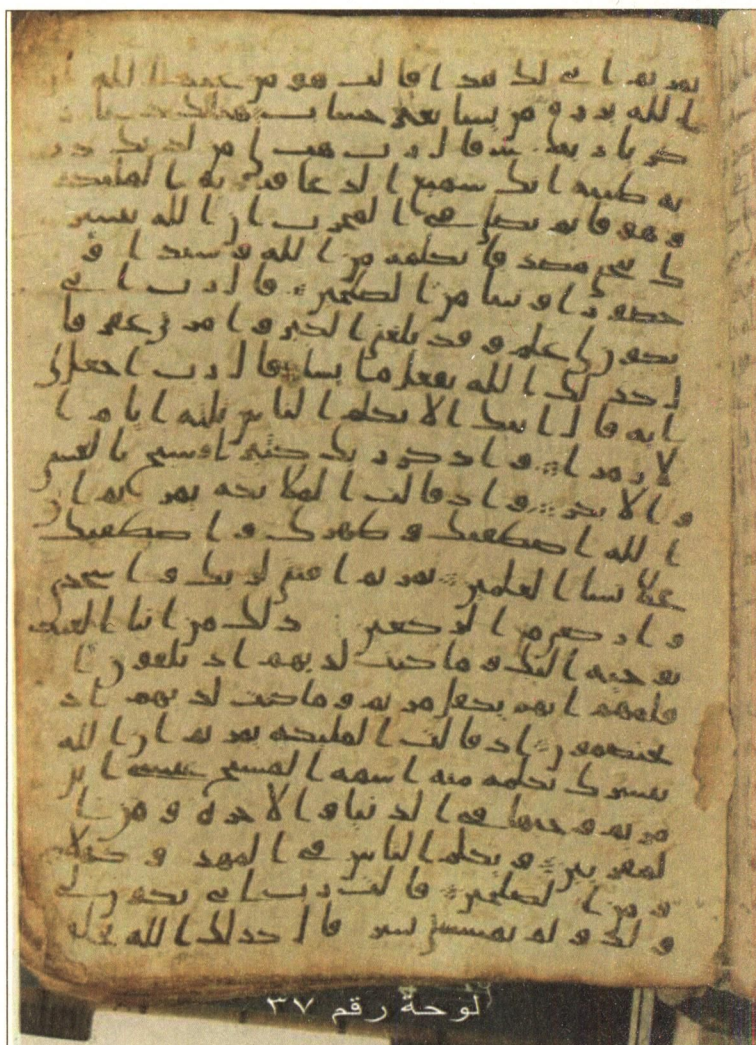


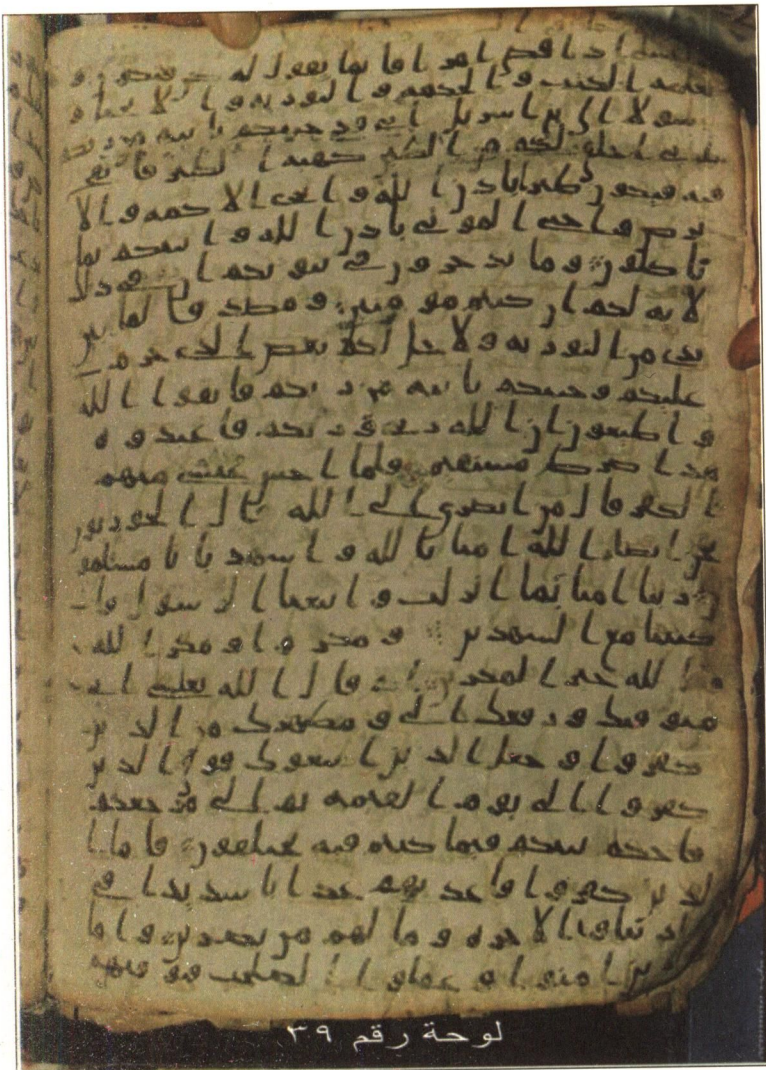
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 3B؛ آل عمران، ١١-٢٠





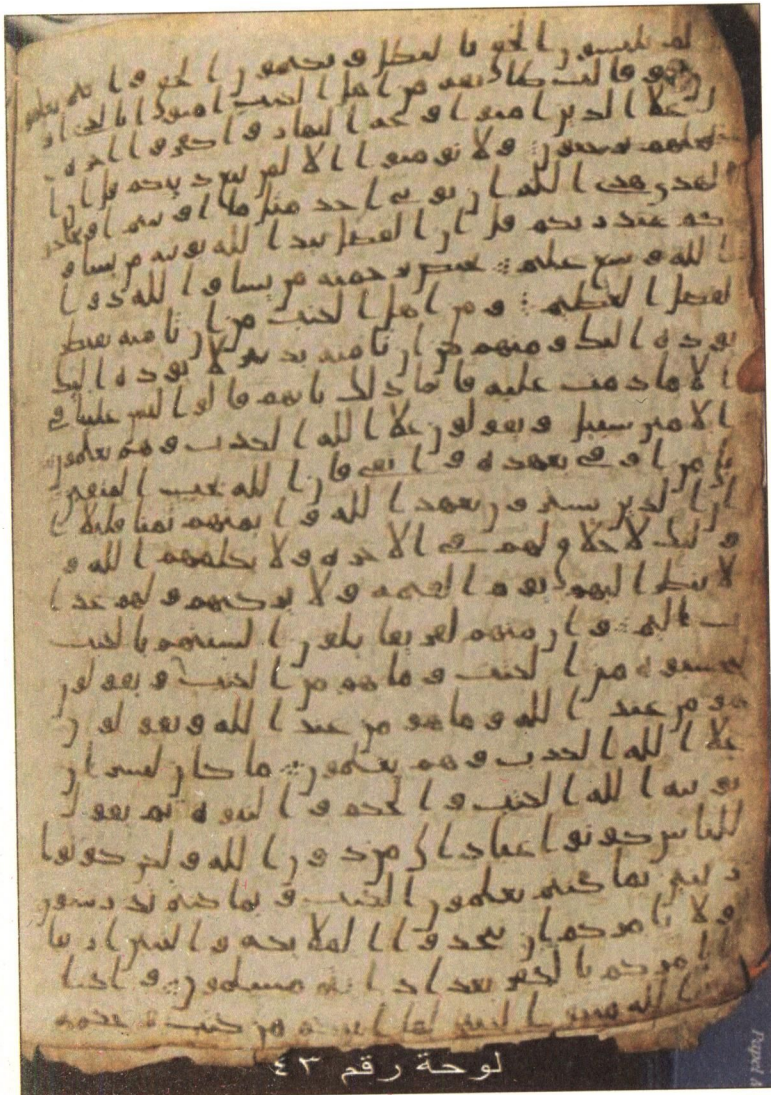
مصحف صنعاء ١، نسخه المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 4B؛ آل عمران، ۳۷-۲۸



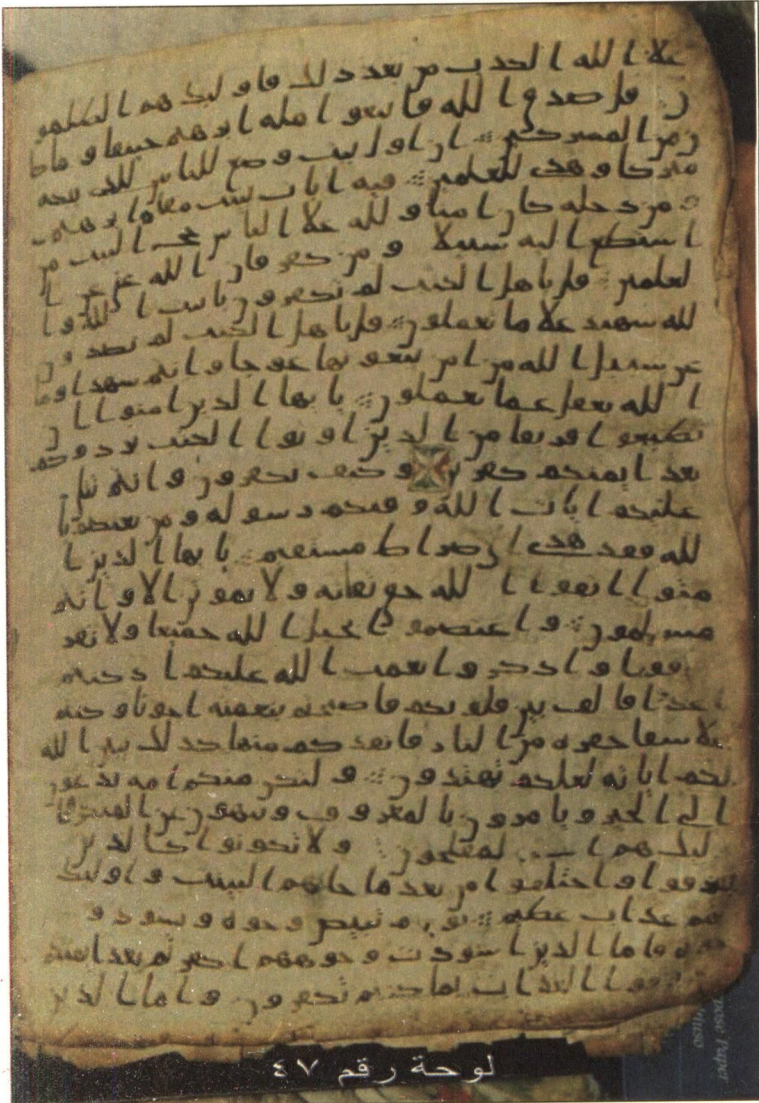


مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 5B؛ آل عمران، ٤٧-٥٧

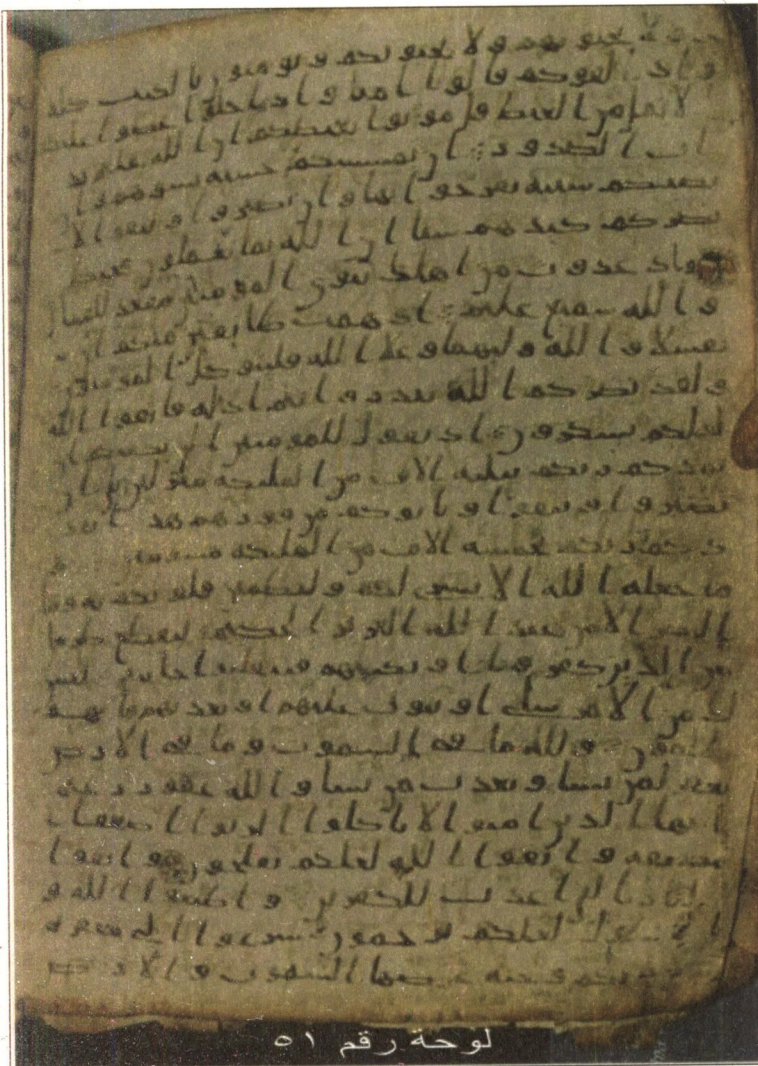




مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 6B؛ آل عمران، ٧١-٨١

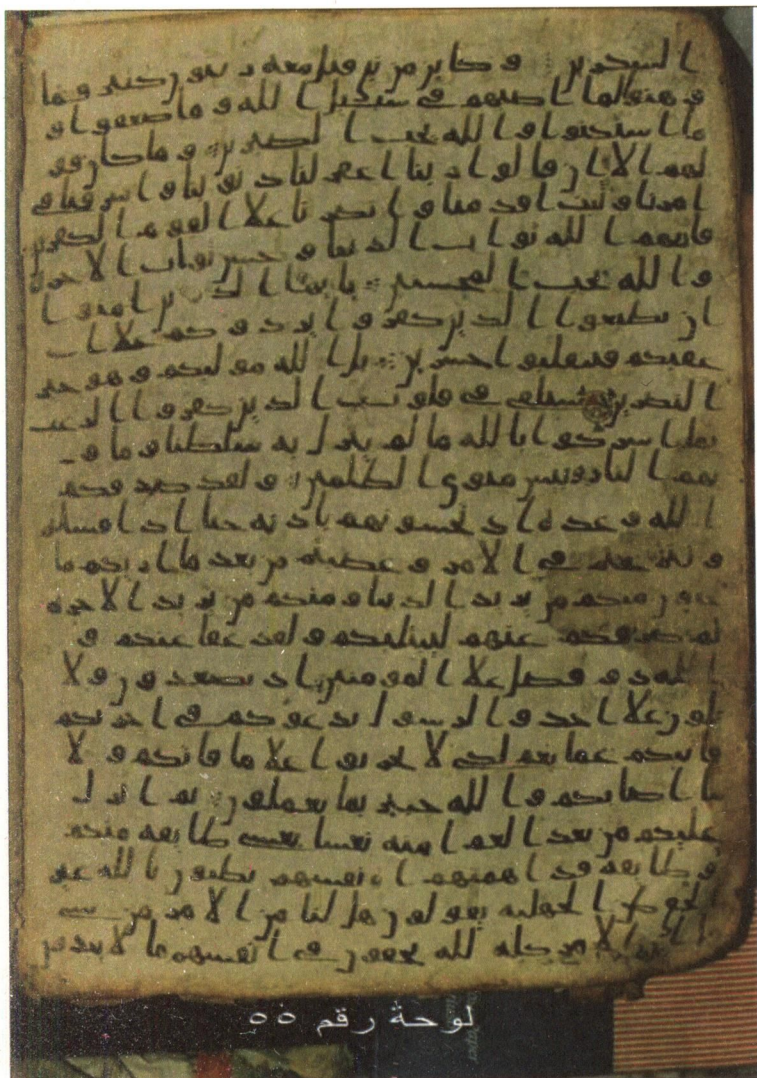


مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 7B؛ آل عمران، ٩٤-١٠٧

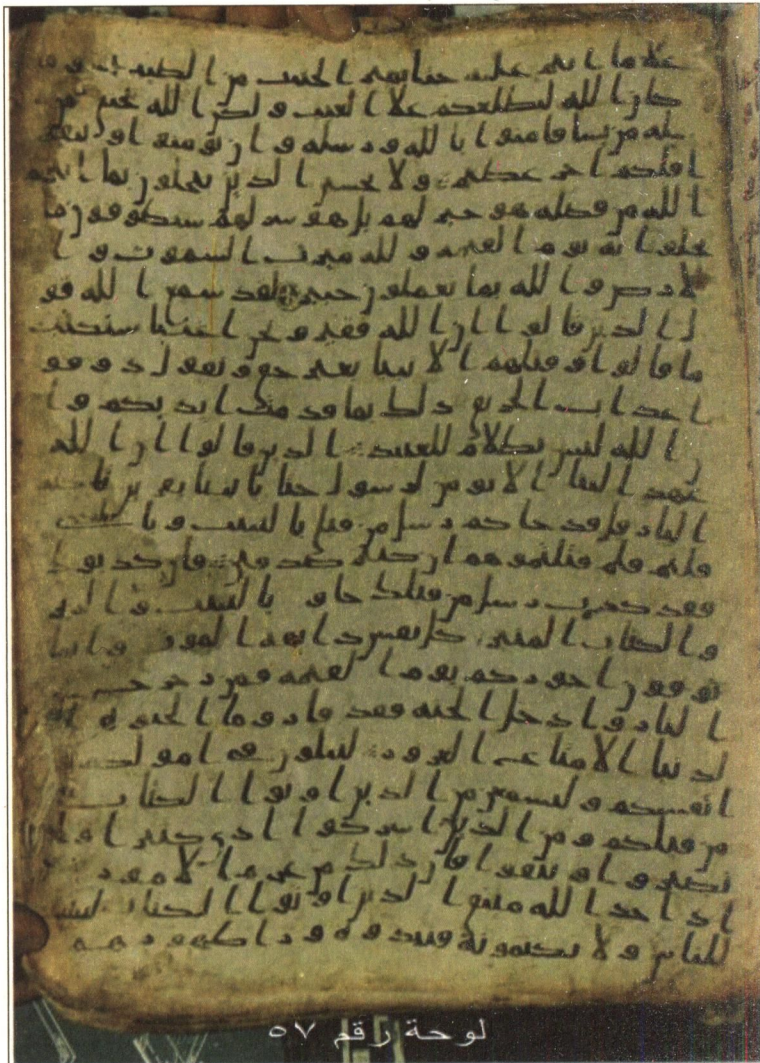


مصحف صنعاء ١، نسخه المكتبة الشرقية، لایه روی، برگ 8B؛ آل عمران، ١١٩-١٣٣

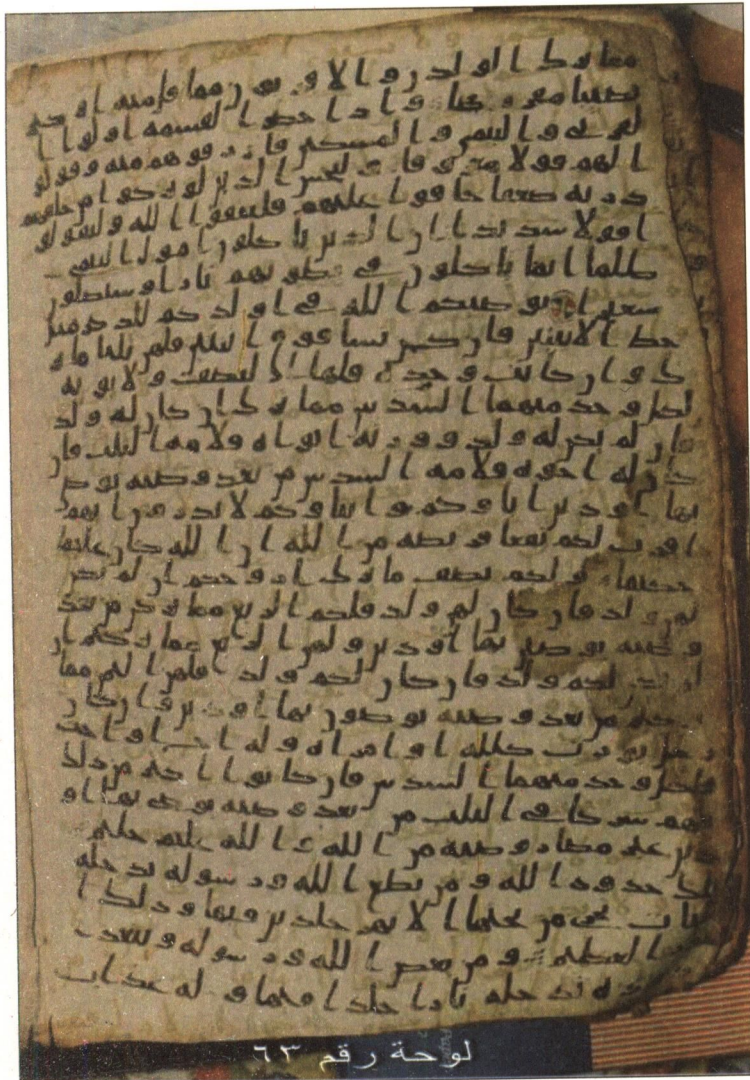




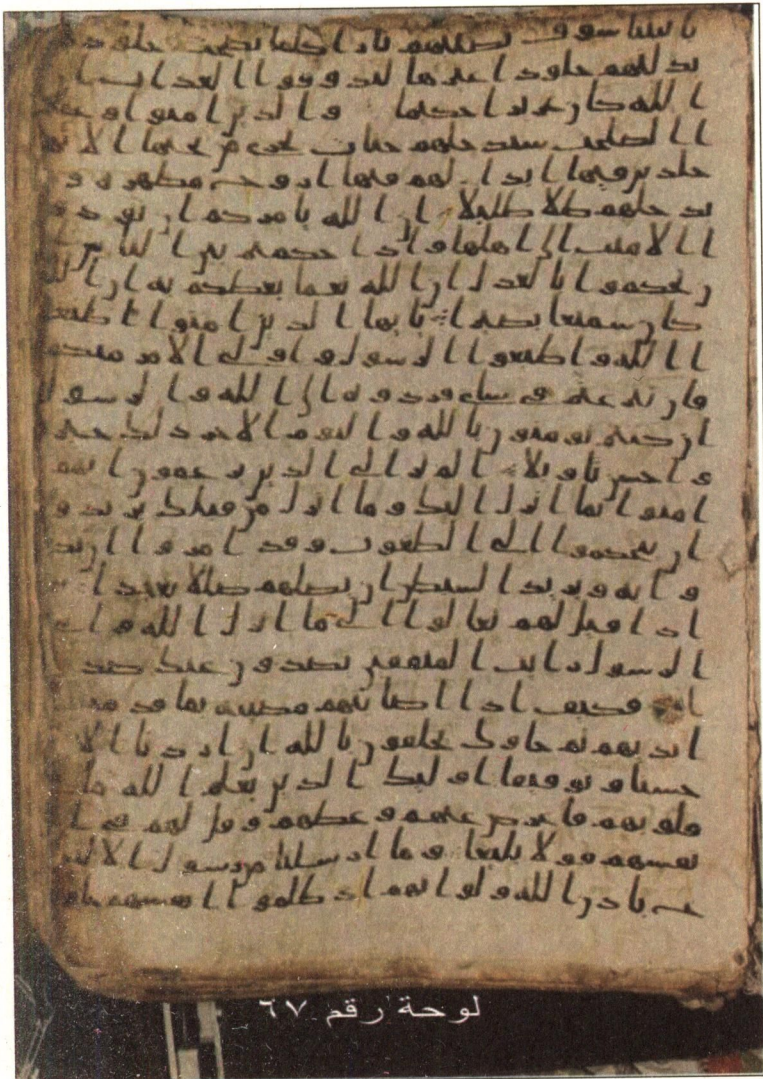
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روي، برگ 9B؛ آل عمران، ١٤٥-١٥٤



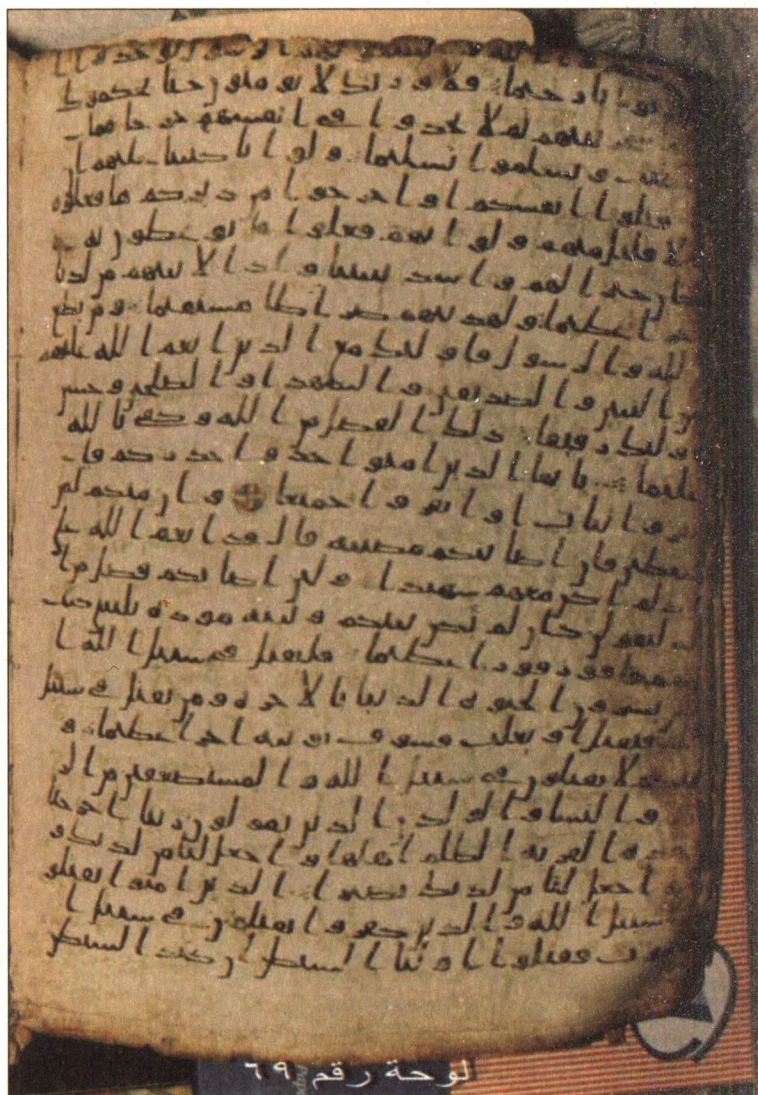


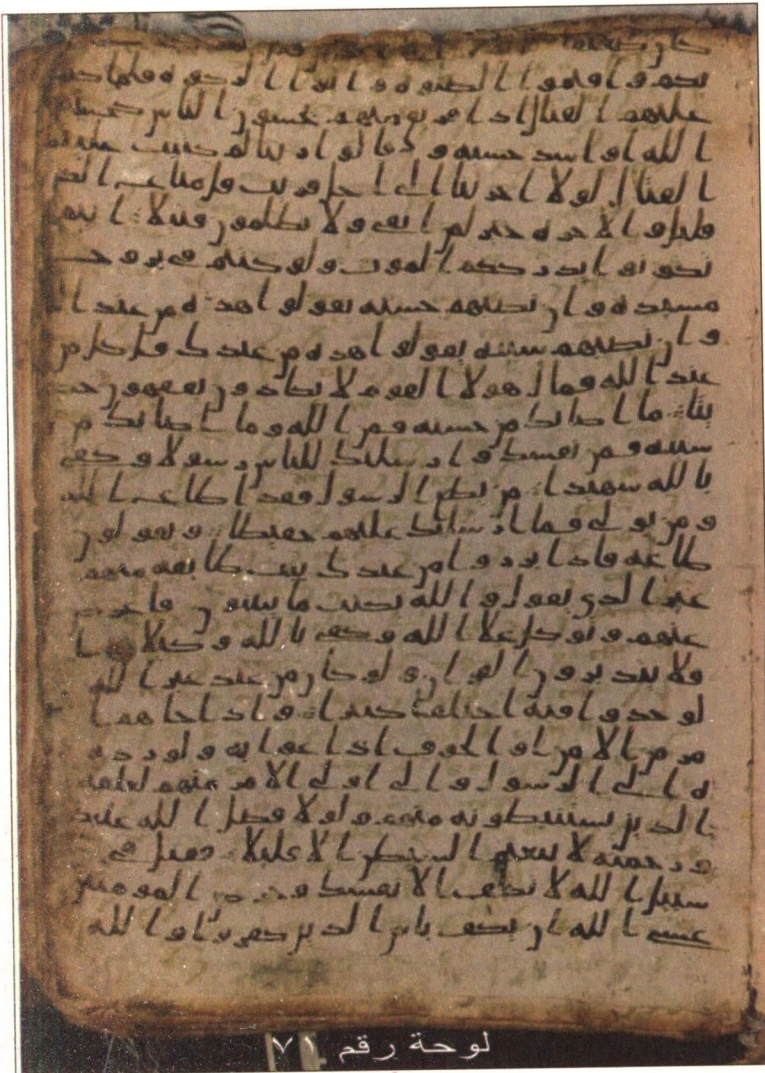


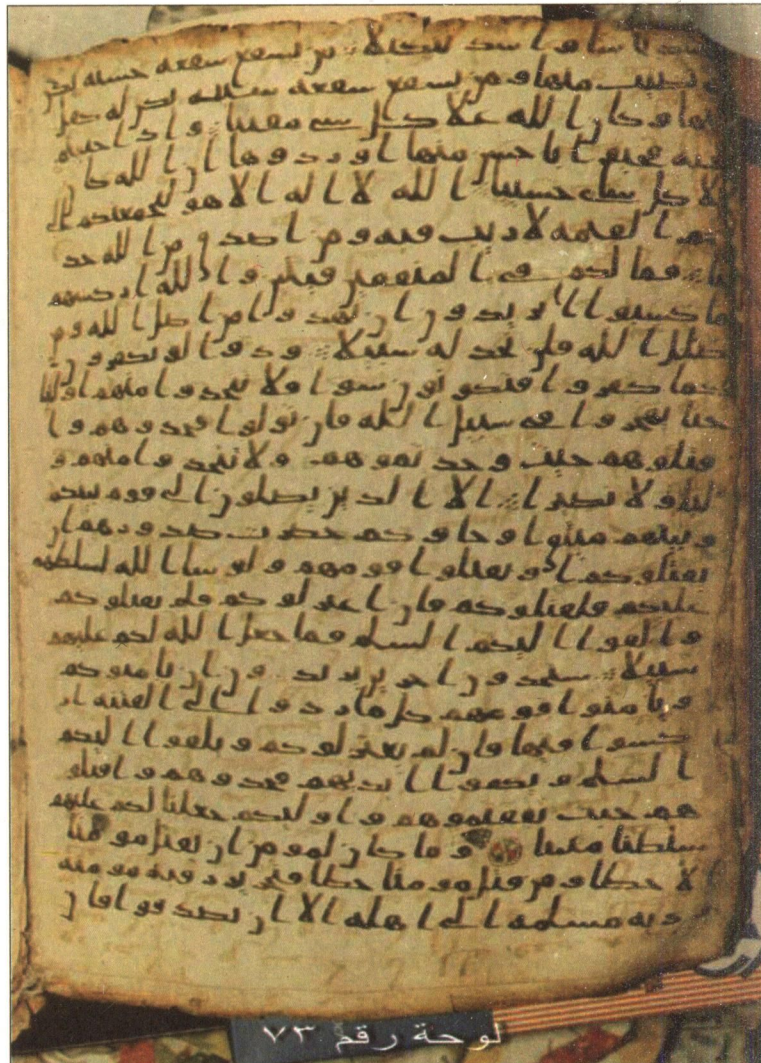
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روي، برگ 11B؛ نساء، ٧-١٤

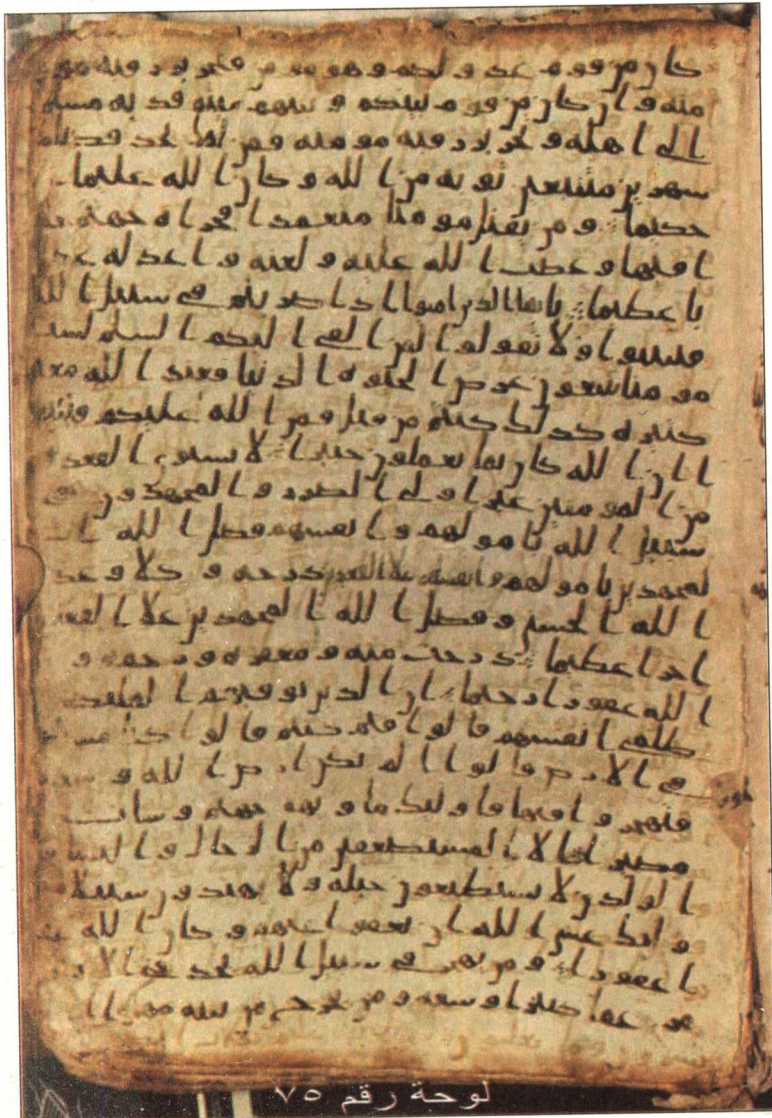


مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 138؛ نساء، ٥٦-٥٤

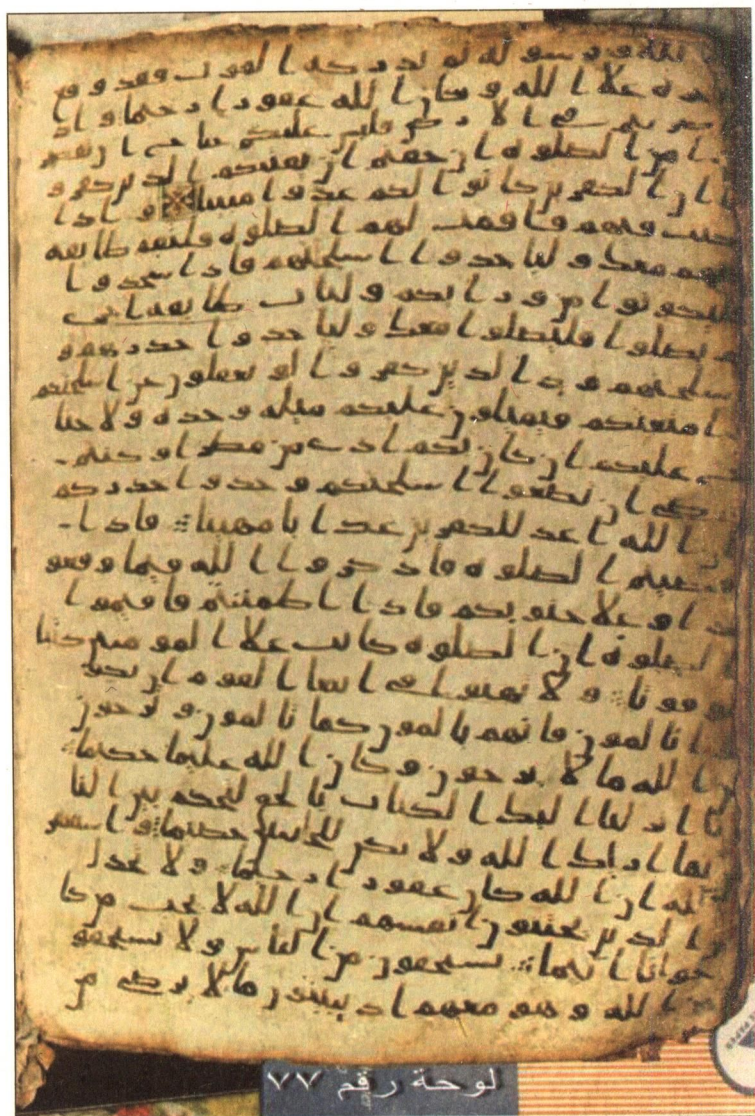


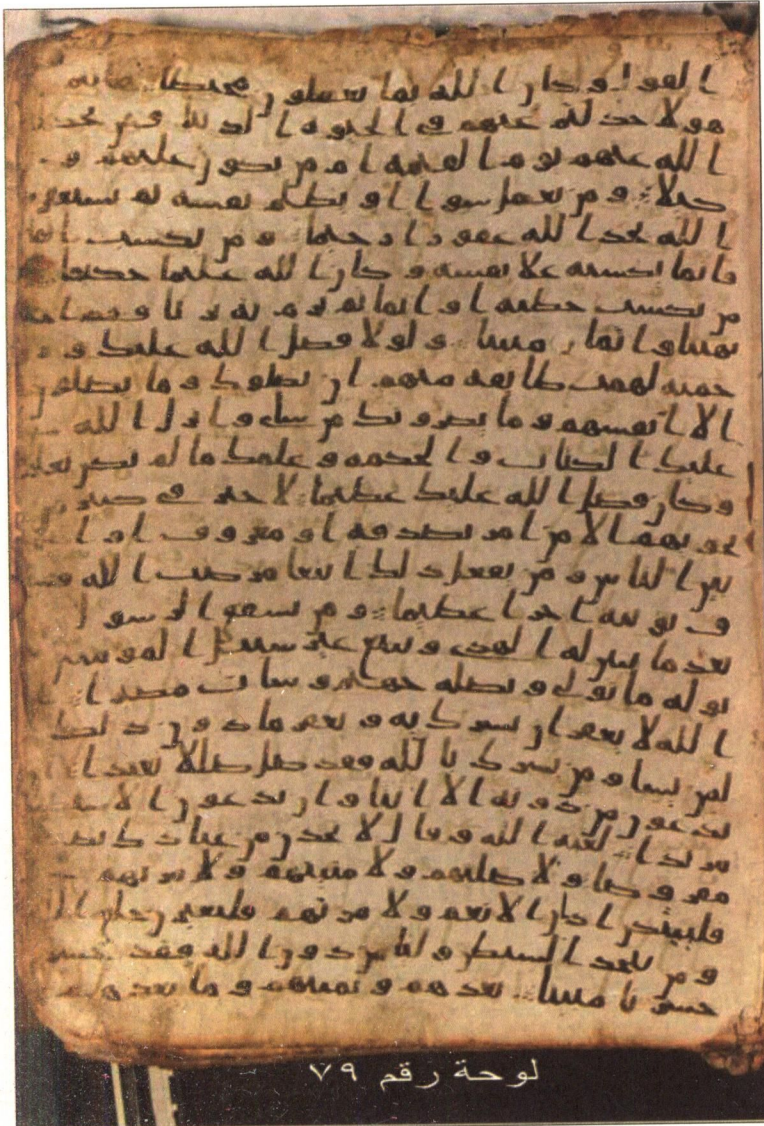






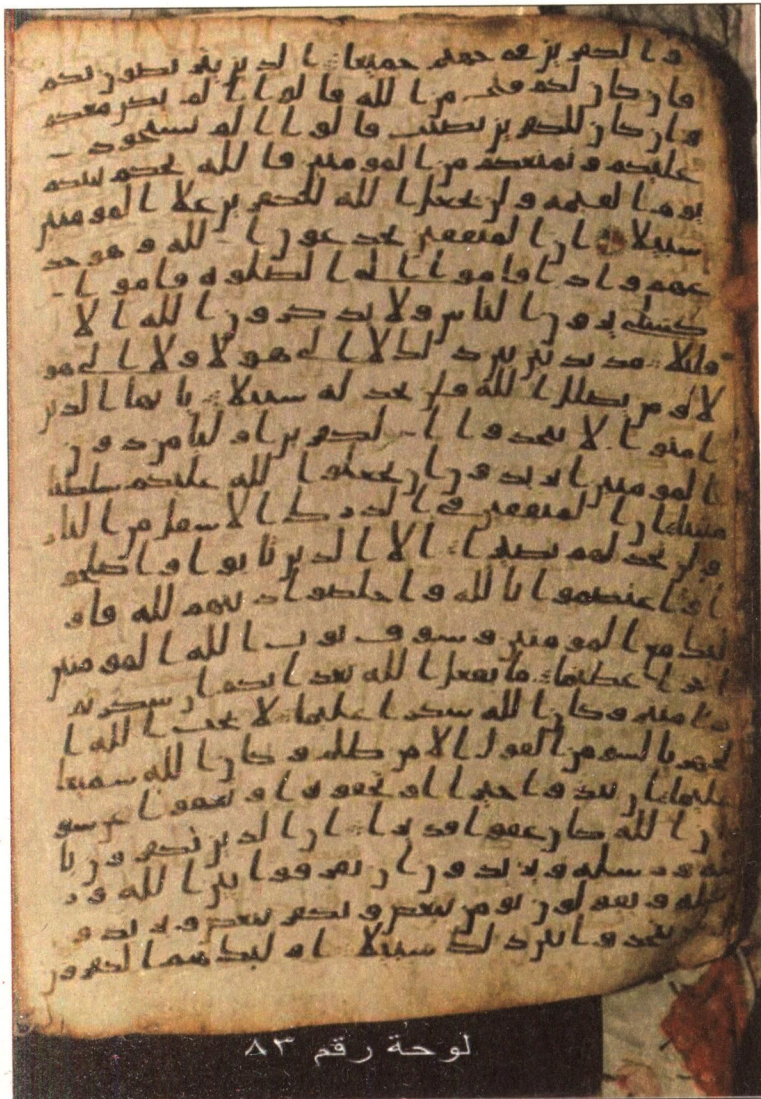
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 15A؛ نساء، ٩٢-١٠٠

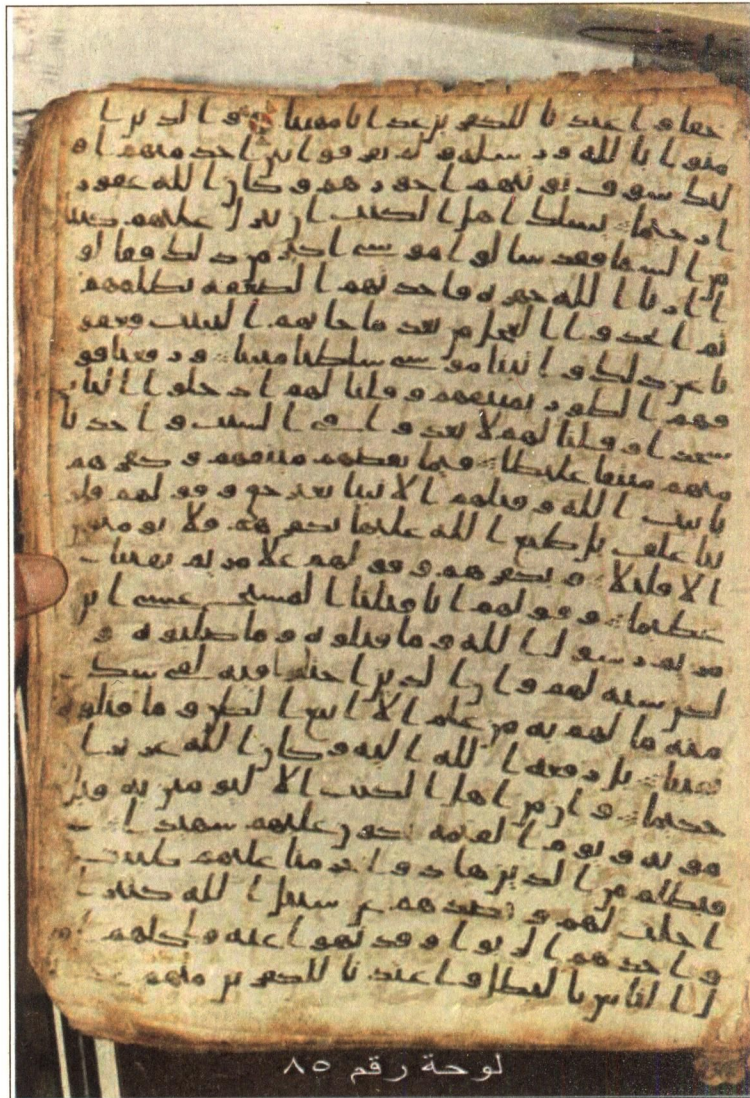


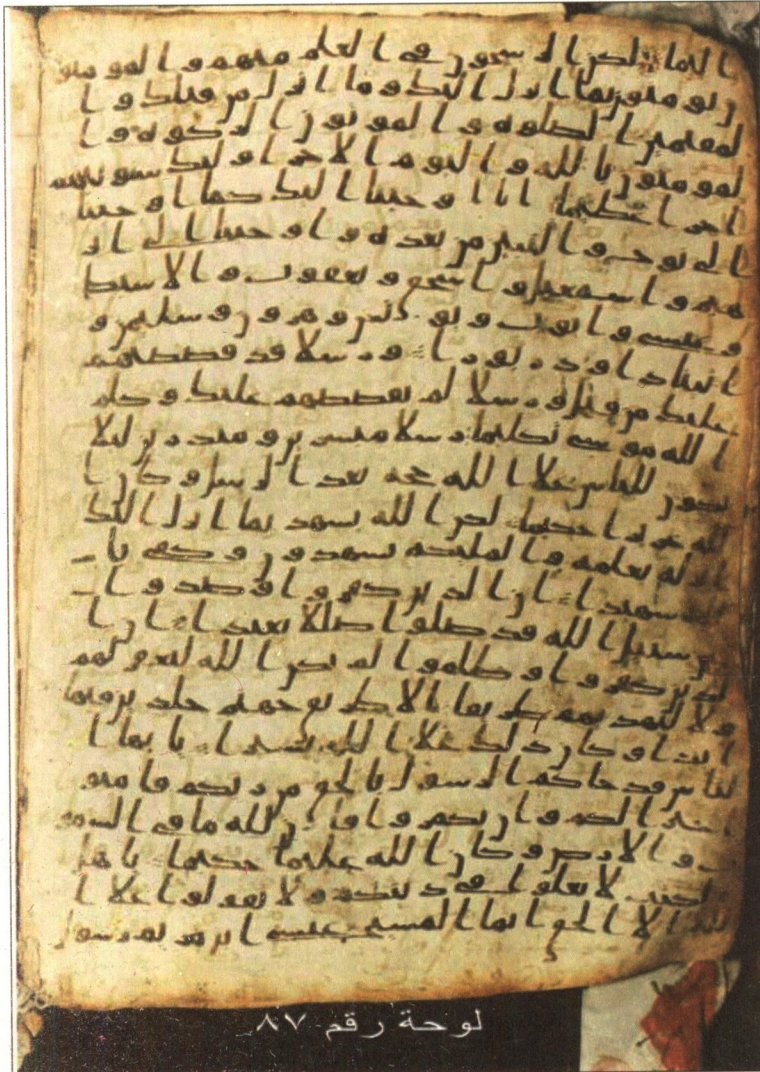


لوحة رقم ٧٩

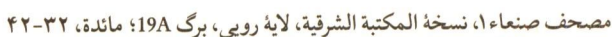


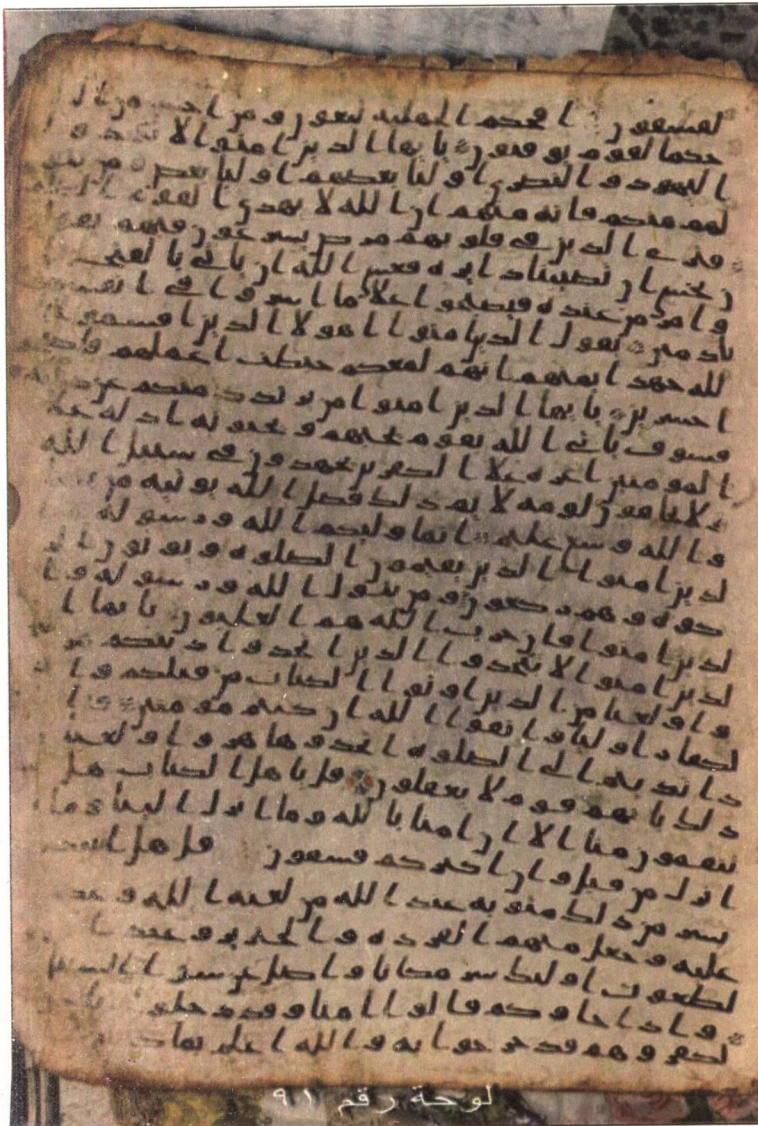




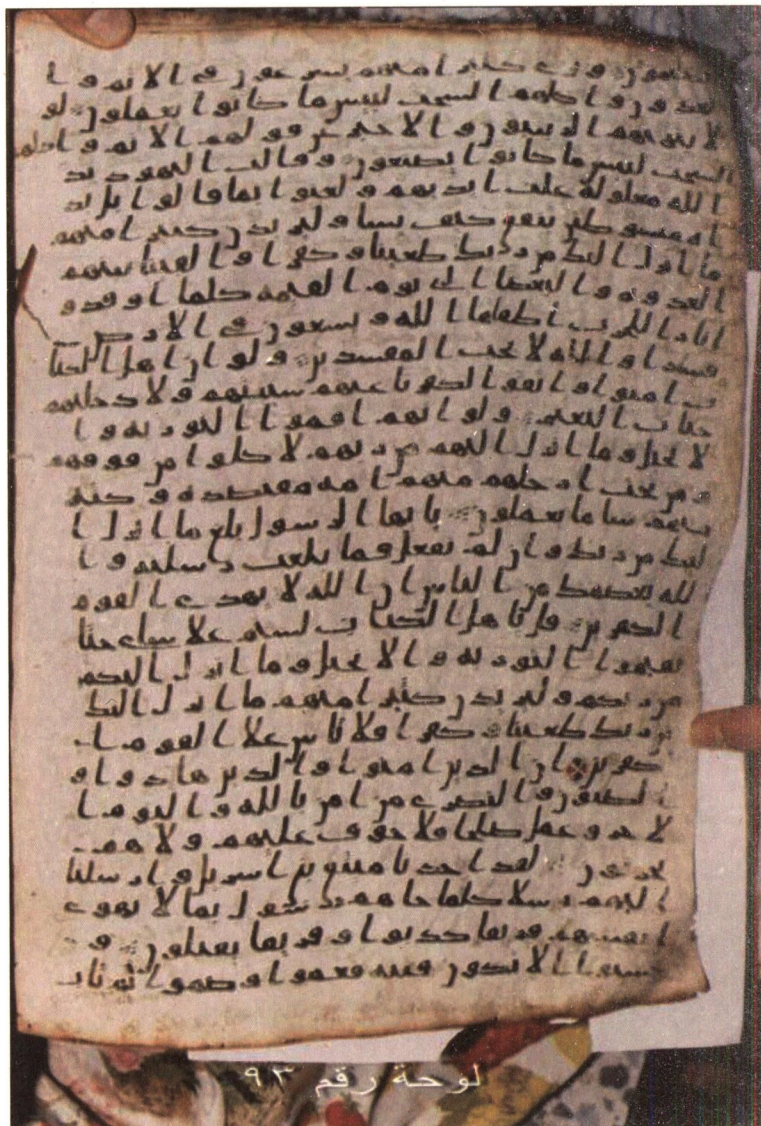


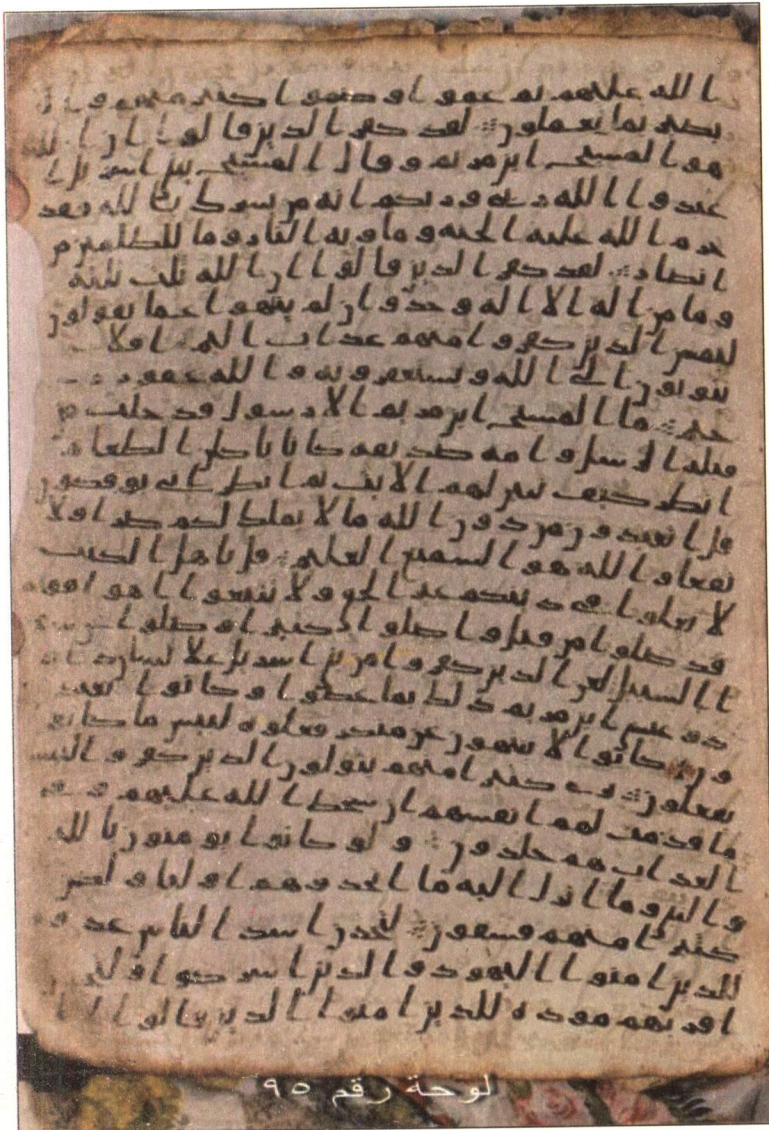
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روي، برگ 18B؛ نساء، ١٦١-١٧١



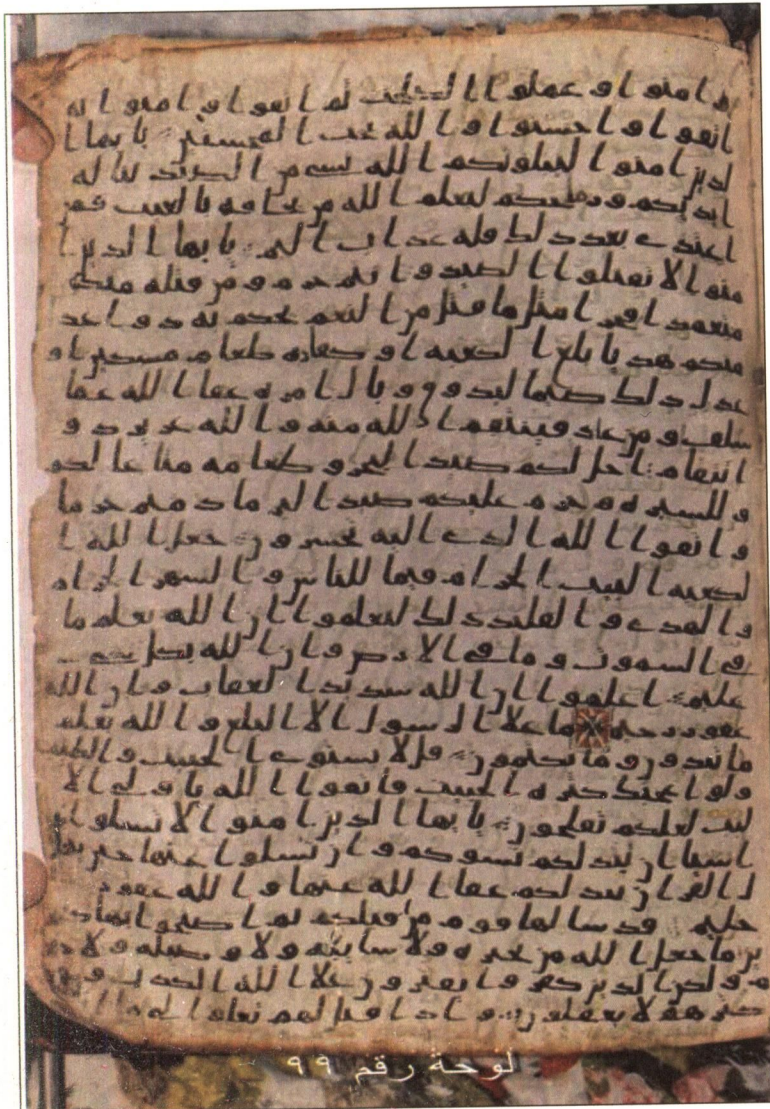


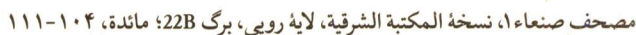
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 20A؛ مائدة، ٤٩-٦١





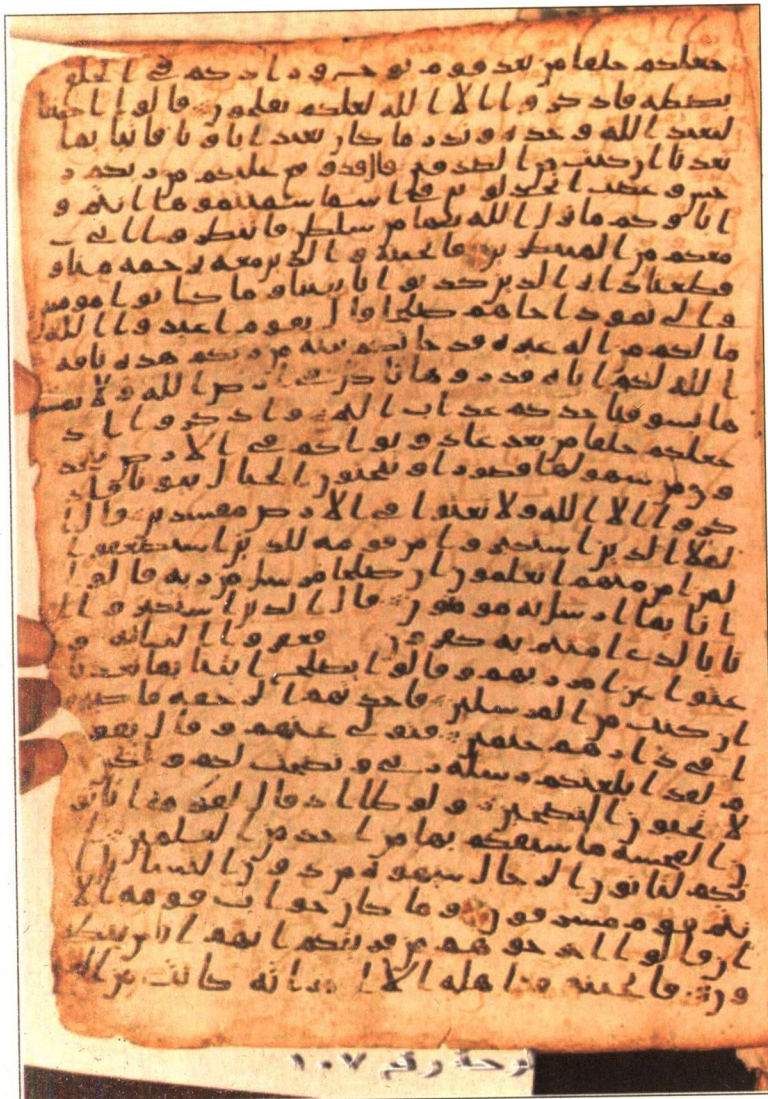
مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 21A؛ مائدة، ٧١-٨٢



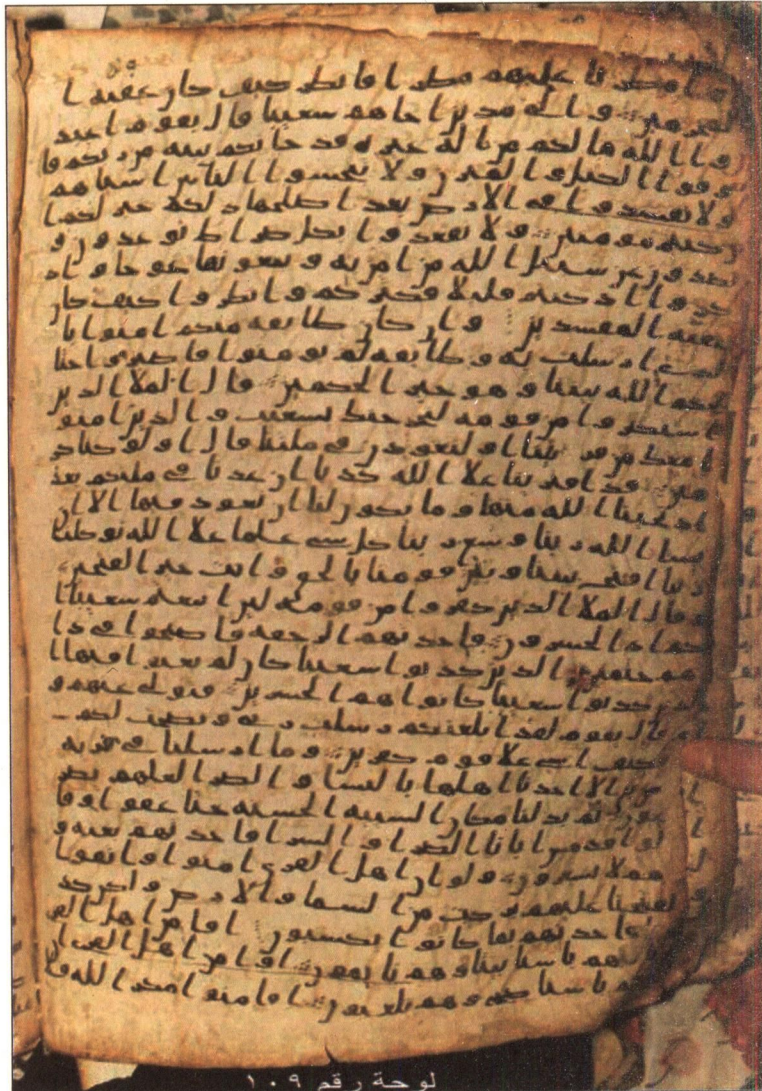




مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روي، برگ 23A؛ اعراف، ٤٠-٥٣



مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 24A؛ اعراف، ٦٩-٨٣



مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية رويي، برگ 24B؛ اعراف، ٨٤-٩٩



مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روي، برگ 25A؛ اعراف، ٩٩-١٢٦



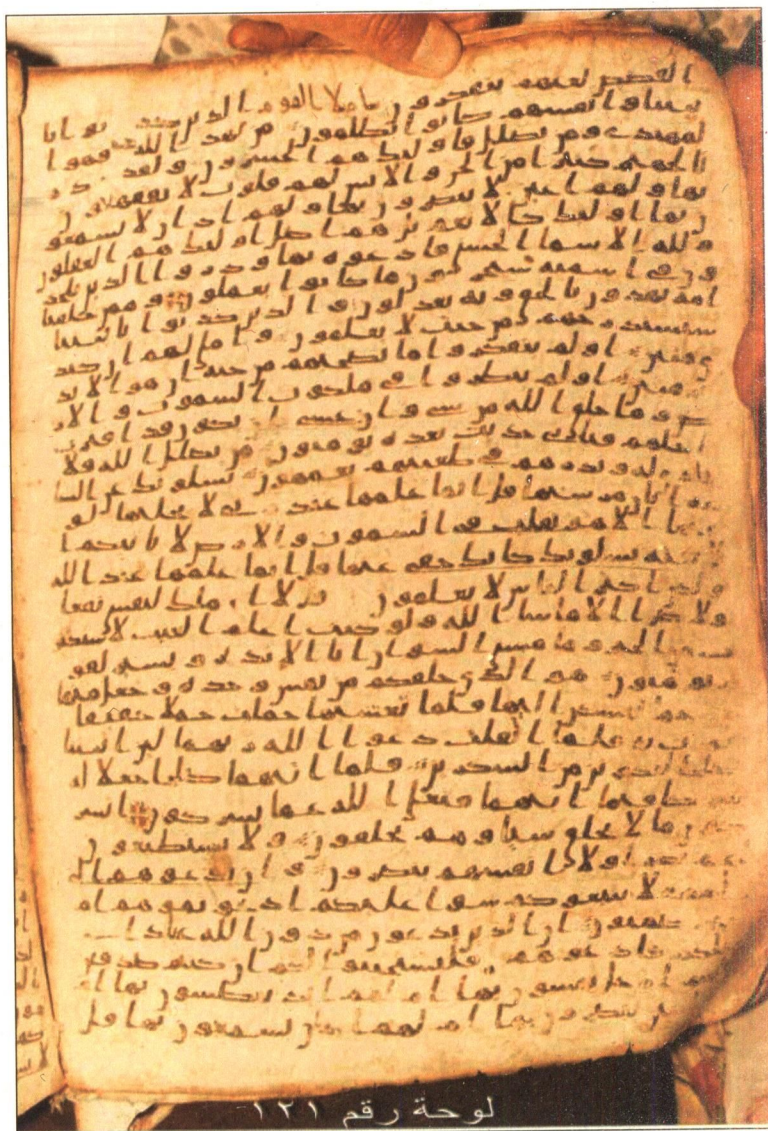


مصحف صنعاء ١، نسخه المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 26A؛ اعراف، ١٤١-١٥٣

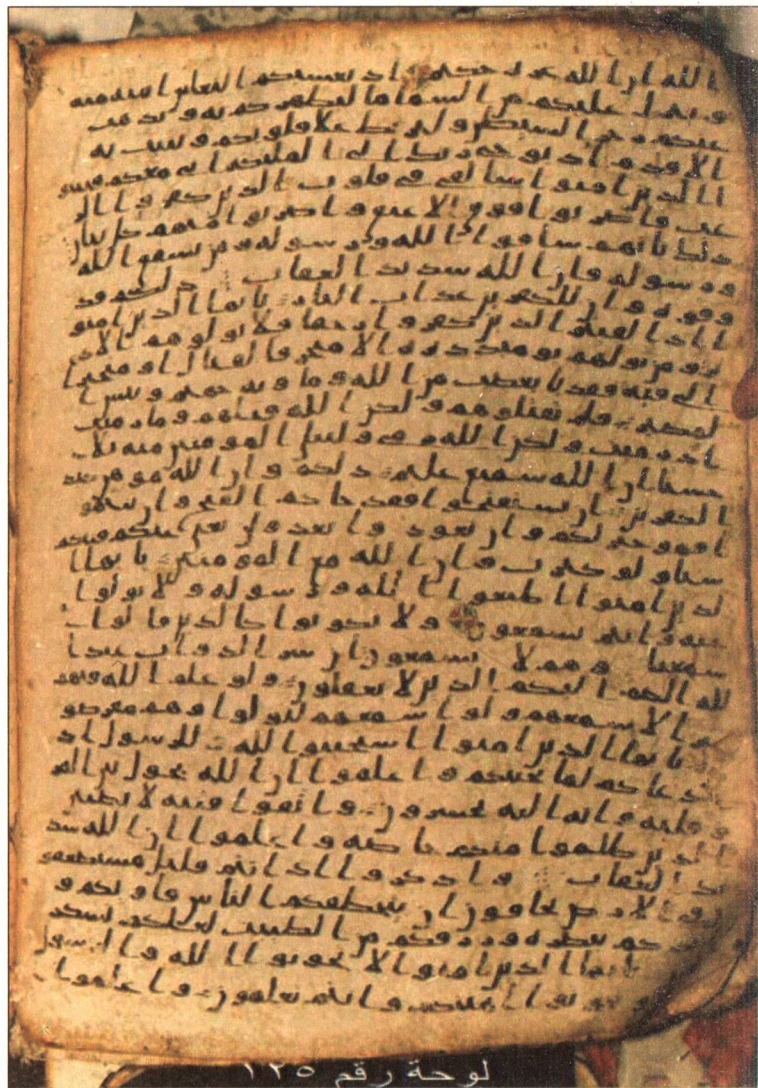




لوحة رقم ١١٩

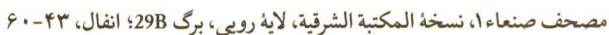




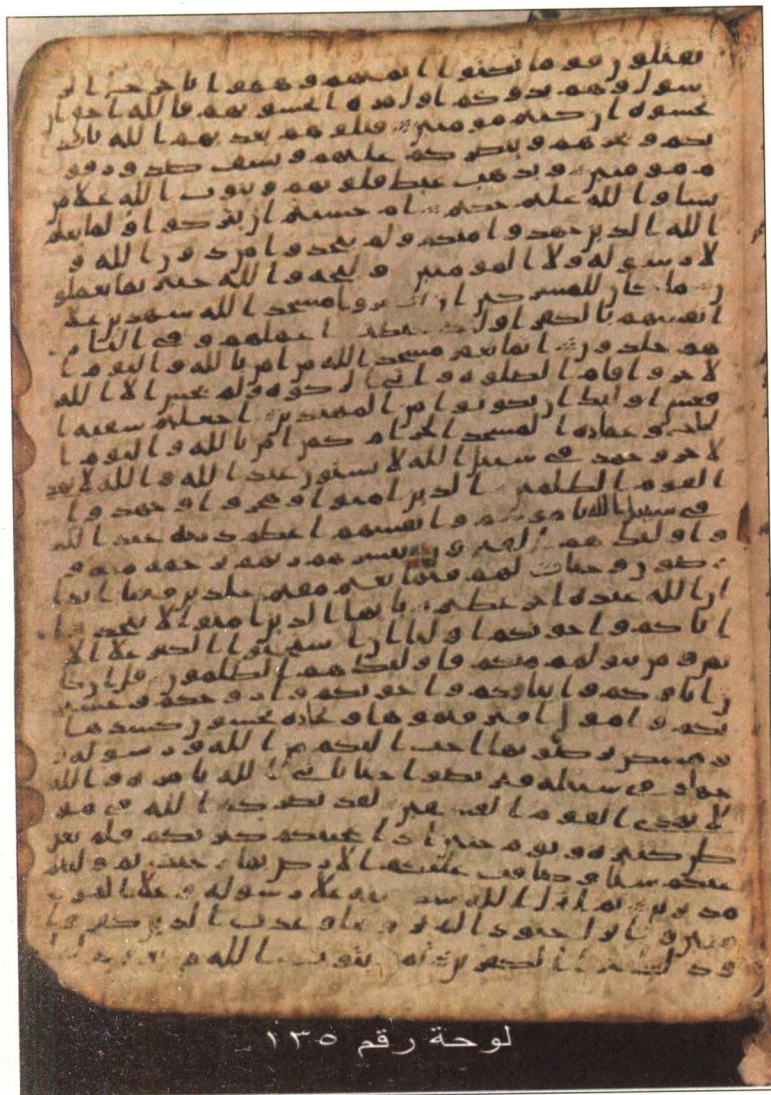


مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية رويي، برگ 28B؛ انفال، ١٠-٢٨

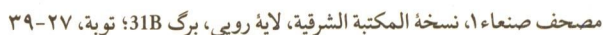


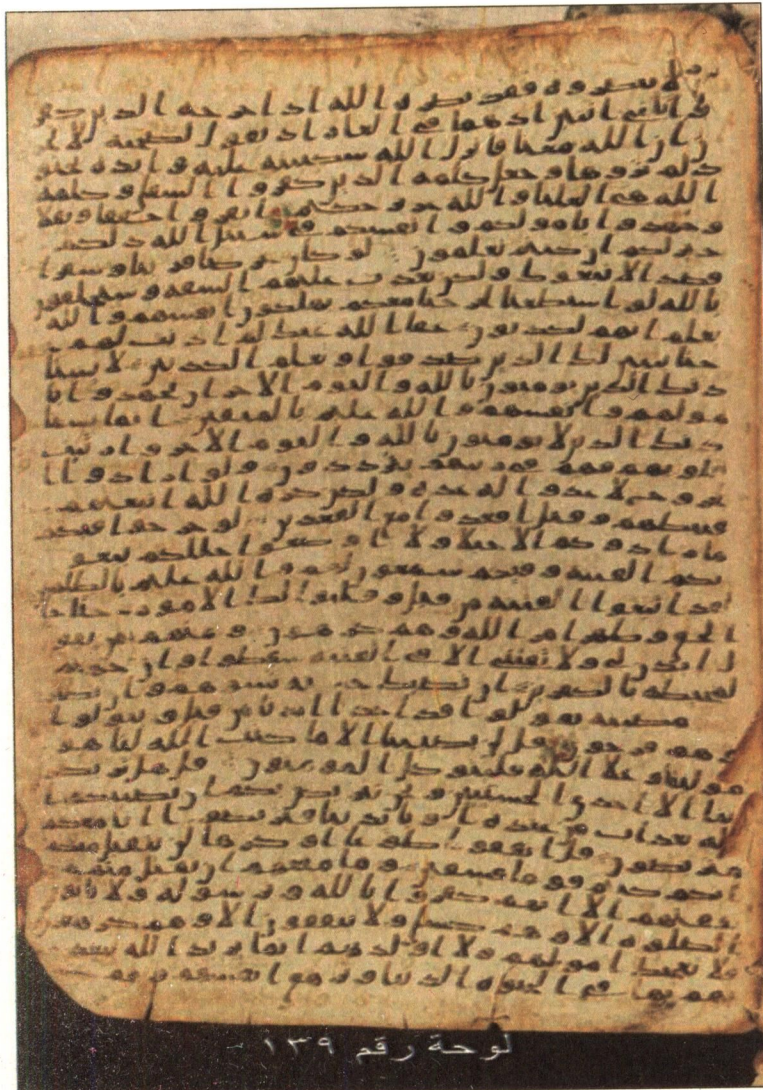


لوحة رقم ١٣١



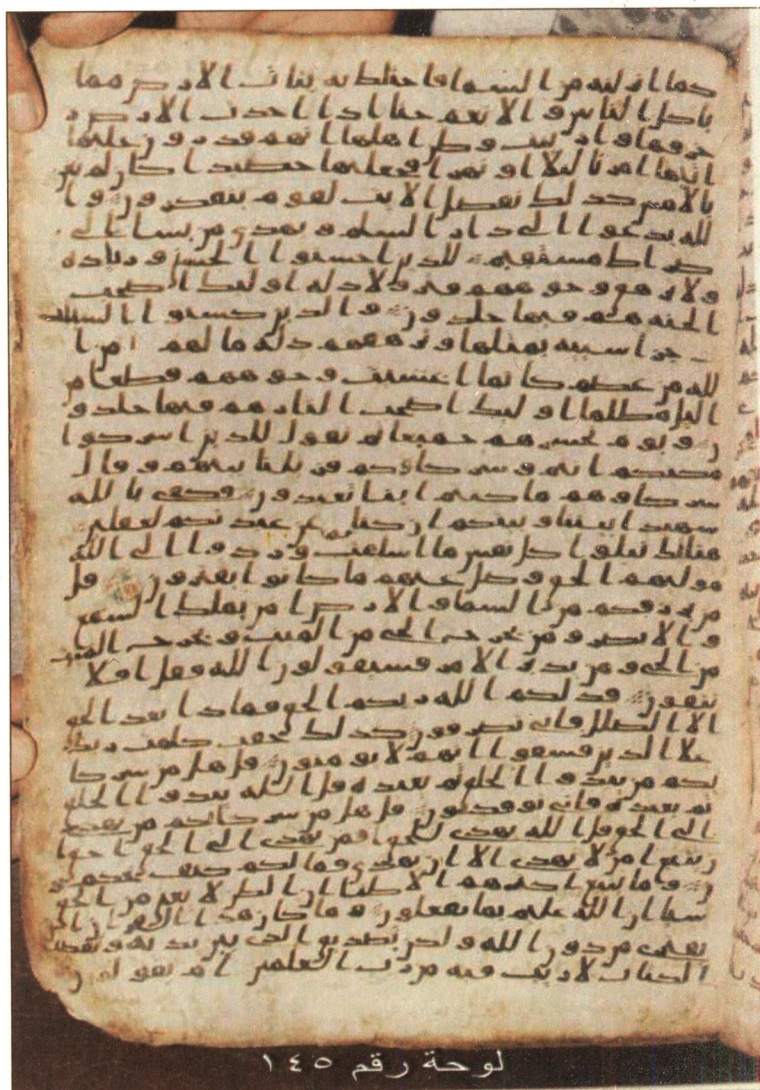
مصحف صنعاء ١، نسخه المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 31A؛ توبة، ١٣-٢٧

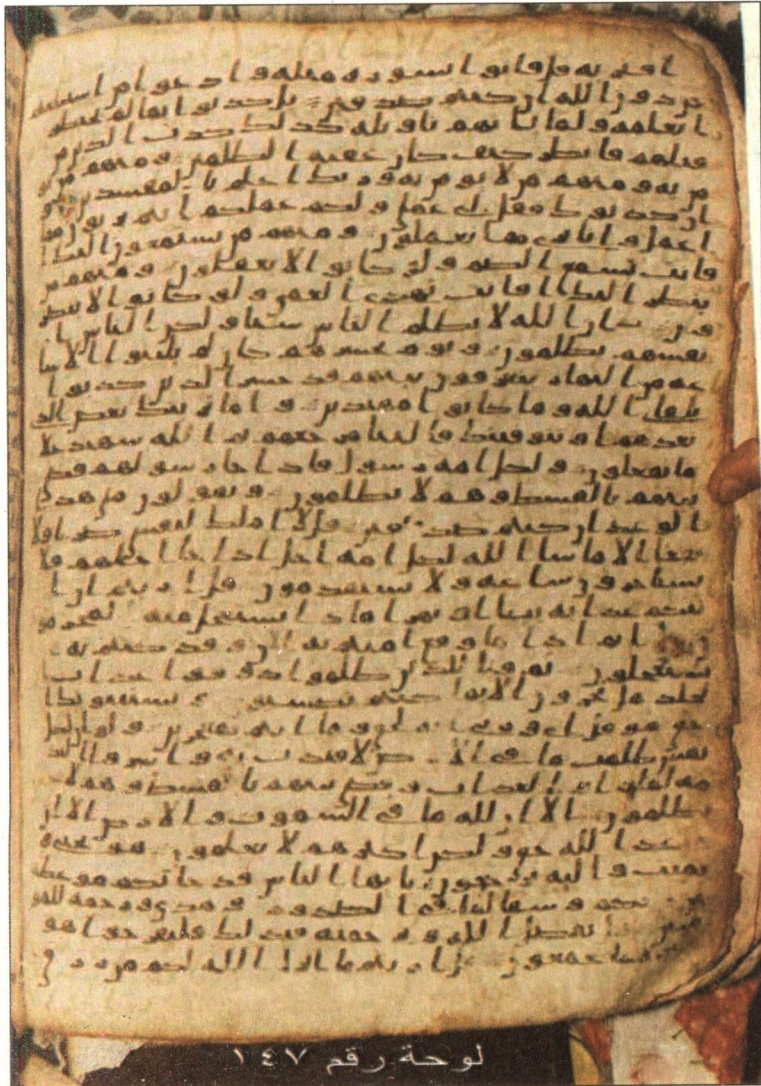




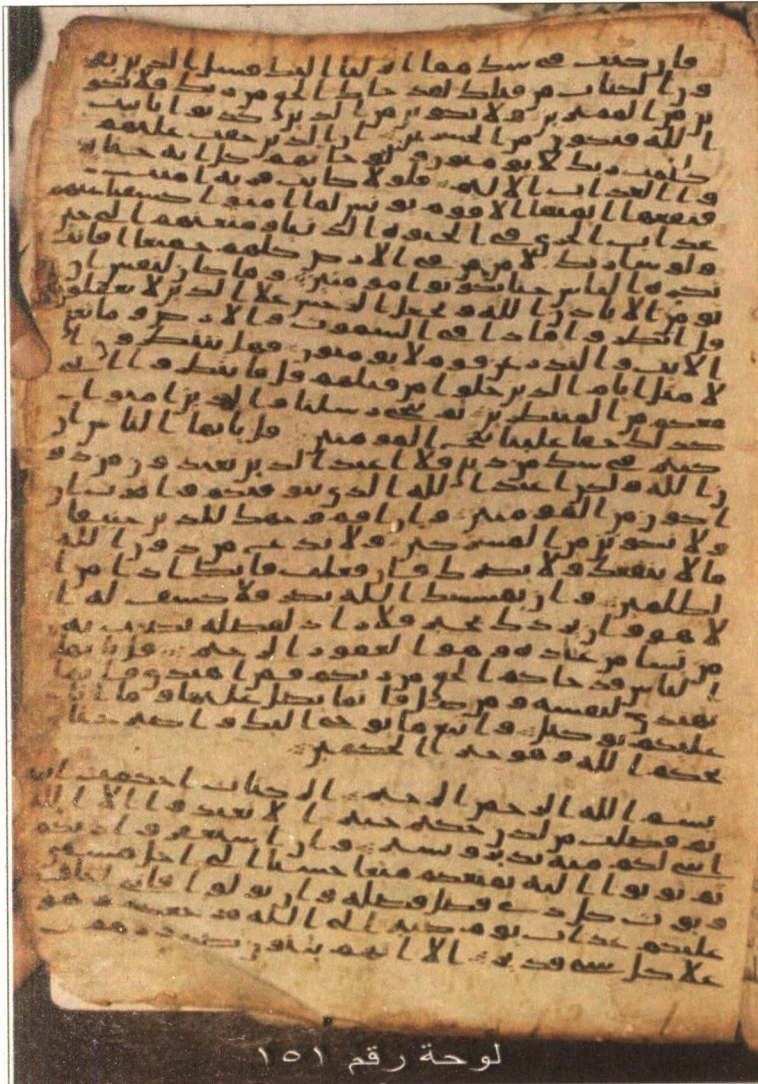


مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 33A؛ توبة، ١٢٨ - يونس، ١٢

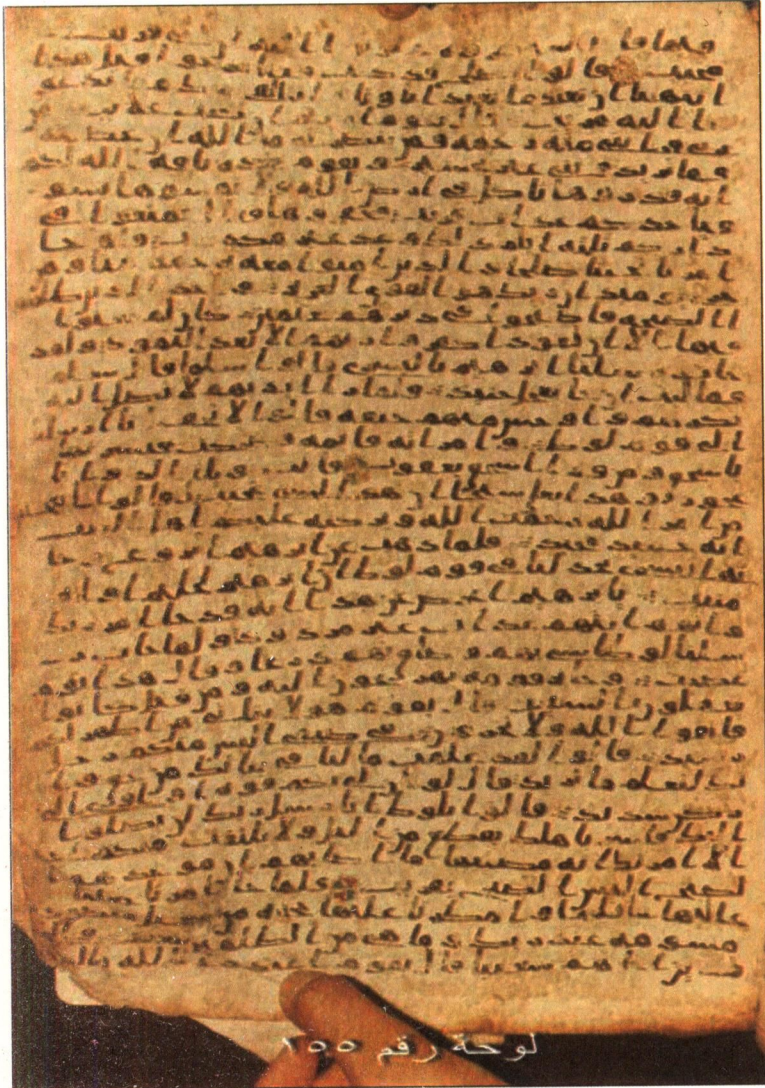




مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 34B؛ يونس، ٥٩-٣٨

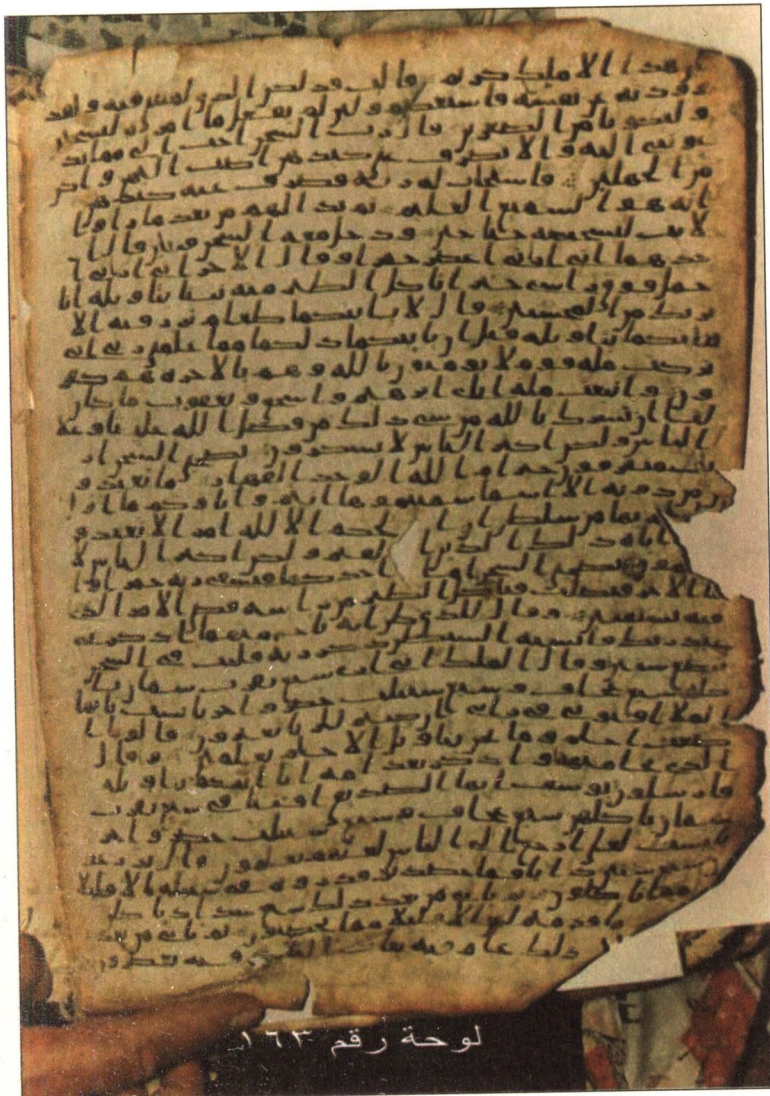


مصحف صنعاء ١، نسخه المكتبة الشرقية، لاية روى، برگ 36A؛ يونس، ٩٤ - هود، ٥





مصحف صنعاء ١، نسخة المكتبة الشرقية، لاية روي، برگ 39B؛ هود، ١١٩ - يوسف، ١٥



لوحة رقم ١٦٣

کتابنامه

- ابن أبي داود. كتاب المصاحف. ٥ ج، چاپ دوم. تصحيح محب الدين واعظ. بيروت: دارالبشائر الاسلامية، ٢٠٠٢/١٤٢٣.
- ابن ابى شيبة، ابوبكر عبدالله بن محمد بن ابراهيم بن عثمان. مصنف ابن ابى شيبة فى الأحاديث والآثار. تصحيح سعيد اللحام. بيروت: دار الفكر، ٨ ج، ١٩٨٩/١٤٠٩.
- ابن الجزري، ابوالخير محمد بن محمد الدمشقي. النشر فى القرائات العشر. ٢ ج، تصحيح على محمد الضبّاع. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن النديم، ابوالفرج محمد بن ابى يعقوب اسحاق، كتاب الفهرست. تصحيح رضا تجدد.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد. الطبقات الكبرى. ٨ ج. بيروت: دار صادر.
- ابن عساکر، ابوالقاسم على بن الحسن بن هبة الله. تاريخ مدينة دمشق. تصحيح علي شيري. بيروت: دارالفكر، ٧٠ ج، ١٩٩٥/١٤١٥.
- ابوداود، سليمان بن الأشعث السجستاني. سنن ابى داود. تصحيح سعيد محمد اللحام. بيروت: دارالفكر، ٢ ج، ١٩٩٠/١٤١٠.
- الحاكم النيسابوري، محمد بن عبدالله بن حمدويه. المستدرک على الصحيحين. ٤ ج. تصحيح يوسف عبدالرحمن المرعشلي، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
- الخطيب، عبداللطيف محمد. معجم القرائات. ١١ ج. دمشق: دار سعد الدين، ٢٠٠٢/١٤٢٢.
- الداني، ابوعمر و عثمان بن سعيد. البيان فى عدّ آي القرآن. كويت: دار النشر، ١٩٩٤/١٤١٤.
- راميار، محمود. تاريخ قرآن. چاپ دوم. تهران: اميرکبير، ١٣٦٢ ش/١٩٨٣ م.

السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابي بكر. الإتيقان في علوم القرآن. ٢ ج. بيروت: دار الفكر، ١٩٩٦/١٤١٦.

السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابي بكر. الدر المنثور في التفسير بالمأثور. ٦ ج، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.

الطبري، ابو جعفر محمد بن جرير. جامع البيان عن تأويل آي القرآن. ٣٠ ج. تصحيح صديق جميل العطار. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٩٩٥/١٤١٥. عبدالعزيز عبدالفتاح القاري. حديث الاحرف السبعة: دراسة لإسناده و متنه واختلاف العلماء في معناه وصلته بالقراءات القرآنية. بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، ٢٠٠٢/١٤٢٣.

الكليني، محمد بن يعقوب. الكافي. چاپ چهارم. ٨ ج. تهران: دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٥ ش.

محيسن، محمد سالم. الفتح الرباني في علاقة القراءات بالرسم العثماني. عربستان: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية، ١٩٩٤/١٤١٥.

المسعودي، ابوالحسن علي بن الحسين بن علي. مروج الذهب ومعادن الجوهر. چاپ دوم. تصحيح يوسف اسعد داغر. قم: دار الهجرة، ١٤٠٩.

مقاتل بن سليمان. تفسير. ٣ ج. تصحيح احمد فريد. بيروت: دارالكتب العلمية، ٢٠٠٣/١٤٢٤.

النسائي، احمد بن علي بن شعيب. السنن الكبرى. تصحيح عبدالغفار سليمان البنداري. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٩٩١/١٤١١، ٦ ج.

Anonymous, "The Qur'an: Text, Interpretation and Translation' 3rd Biannual SOAS Conference, October 16-17, 2003," *Journal of Qur'anic Studies* 6.1 (2003): 143-5.

Atiya, Aziz S. "The Monastery of St. Catherine and the Mount Sinai Expedition," *Proceedings of the American Philosophical Society* 96.5 (1952): 578-86.

Atiya, Aziz S. *Arabic Manuscripts of Mount Sinai: A Hand-list of the Arabic Manuscripts and Scrolls Microfilmed at the Library of the Monastery of St. Catherine, Mount Sinai*. Baltimore: John Hopkins Press, 1955.

- A'zamī, Muḥammad Muṣṭafā al-, *The History of the Qur'anic Text*, 2nd ed. Riyadh: Azami Publishing House, 2008.
- Bothmer, Hans-Caspar Graf von. "Die Anfänge der Koranschreibung: Kodikologische und kunsthistorische Beobachtungen an den Koranfragmenten in Sanaa," *Magazin Forschung* (Universität des Saarlandes), 1 (1999): 40-6.
- Brettar, Claudia. "UdS: Neues Zentrum für Koranforschung? Teil 1." *Campus* 29.3 (July 1999), http://www.uni-saarland.de/verwalt/presse/campus/1999/3/20-UdS_neues_zentrum.html.
- Burton, John. *The Collection of the Qur'an*. Cambridge: Cambridge University Press, 1977.
- Cook, Michael. "The Stemma of the Regional Codices of the Koran," *Graeco-Arabica* 9-10 (2004): 89-104.
- Cook, Michael. "A Koranic Codex Inherited by Mālik from his Grandfather," in *Proceedings of the Sixth International Congress on Graeco-Oriental and African Studies, Graeco-Arabica*. Edited by Vassilios Christides and Theodore Papadopoulos, VII-VIII, Nicosia, 7-8 (1999-2000): 93-105.
- Crone, Patricia and Michael Cook. *Hagarism: The Making of the Islamic World*. Cambridge: Cambridge University Press, 1977.
- Crone, Patricia. "Two Legal Problems Bearing on the Early History of the Qur'an," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 18 (1994): 1-37.
- Crone, Patricia. "What do we Actually Know about Mohammed?" *openDemocracy* (http://www.opendemocracy.net/faith-europe-islam/mohammed_3866.jsp).
- Declercq, Georges. "Introduction: Codices Rescripti in the Early Medieval West in Early Medieval Palimpsests." In *Early medieval palimpsests*. Edited by Georges Declercq, 7-22. Turnhout, Belgium: Brepols Publishers, 2007.
- Dreibholz, Ursula. "Preserving a Treasure: The Sana'a Manuscripts," *Museum International* (UNESCO, Paris), No. 203 (Vol. 51, No. 3, 1999): 21-5.
- Dreibholz, Ursula. "Treatment of Early Islamic Manuscript Fragments on Parchment," in *The Conservation and Preservation of Islamic Manuscripts, Proceedings of the Third Conference of al-Furqān Islamic Heritage Foundation*. Edited by Yusuf Ibish and George Atiyeh, 131-45. London: al-Furqān Islamic Heritage Foundation, 1417/1996.

- Fedeli, Alba. "Early Evidences of Variant Readings in Qur'ānic Manuscripts," in *Die dunklen Anfänge: Neue Forschungen zur Entstehung und frühen Geschichte des Islam*, edited by Karl-Heinz Ohlig and Gerd-Rüdiger Puin, 293-316. Berlin: Verlag Hans Schiler, 2007.
- Fedeli, Alba. "Mingana and the Manuscript of Mrs. Agnes Smith Lewis, One Century Later," *Manuscripta Orientalia* 11.3 (2005): 3-7.
- Fedeli, Alba. "I Manoscritti di Sanaa: Fogli Sparsi che Diventano Corani," *Quaderni di Acme* 101 (2008): 25-48.
- Fedeli, Alba. "A.Perg.2: A Non Palimpsest and the Corrections in Qur'ānic Manuscripts," *Manuscripta Orientalia* 11.1 (2005): 20-7.
- Fedeli, Alba. "The Digitization Project of the Qur'ānic Palimpsest, MS Cambridge University Library Or. 1287, and the Verification of the Mingana-Lewis Edition: Where is *Salām*?" *Journal of Islamic Manuscripts* 2.1 (2011): 100-117.
- Higgins, Andrew. "The Lost Archive," *The Wall Street Journal*, January 12, 2008.
- Krekel, Christoph. "The Chemistry of Historical Iron Gall Inks," *International Journal of Forensic Document Examiners* 5 (1999): 54-8.
- Kristof, Nicholas. "Martyrs, Virgins, and Grapes," *The New York Times*, August 4, 2004.
- Kristof, Nicholas. "Islam, Virgins, and Grapes," *The New York Times*, April 22, 2009.
- Kuhn, Thomas. *The Structure of Scientific Revolutions*, 2nd ed. Chicago: University of Chicago Press, 1970.
- Lester, Toby. "What is the Koran?" *The Atlantic Monthly*, January 1999, 43-56.
- Mingana, Alphonse and Agnes S. Lewis. *Leaves from Three Ancient Qur'āns, Possibly Pre-'Othmānic*. Cambridge: Cambridge University Press, 1914.
- Modarressi, Hossein. "Early Debates on the Integrity of the Qur'ān: A Brief Survey," *Studia Islamica* 77 (1993): 5-39.
- Motzki, Harald. "The Collection of the Qur'ān: A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodological Developments," *Der Islam* 78 (2001): 1-34.
- Noseda, Sergio. "La Mia Visita a Sanaa e il Corano Palineseo," *Istituto Lombardo (Rendiconti Lett.)* 137 (2003): 43-60.
- Popkin, Richard. "Scepticism, Theology and the Scientific Revolution

- in the Seventeenth Century,” in *Problems in the Philosophy of Science: Proceedings of the International Colloquium in the Philosophy of Science, London, 1965, volume 3*, edited by Imre Lakatos and Alan Musgrave, 1-28. Amsterdam: North-Holland Publishing, 1968.
- Powers, David. *Muḥammad is not the Father of any of Your Men: The Making of the Last Prophet*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2009.
- Prémare, Alfred-Louis de. “Abd al-Malik b. Marwān et le Processus de Constitution du Coran,” in *Die dunklen Anfänge: Neue Forschungen zur Entstehung und frühen Geschichte des Islam*, edited by Karl-Heinz Ohlig and Gerd-Rüdiger Puin, 179-210. Berlin: Verlag Hans Schiler, 2007.
- Prémare, Alfred-Louis de. *Les fondations de l’islam: Entre écriture et histoire*. Paris: Le Seuil, 2002.
- Puin, Elisabeth. “Ein früher Koranpalimpsest aus Ṣan’a’ (DAM 01-27.1),” in *Schlaglichter: Die beiden ersten islamischen Jahrhunderte*, edited by Markus Groß and Karl-Heinz Ohlig, 461-93. Berlin: Hans Schiler, 2008.
- Puin, Elisabeth. “Ein früher Koranpalimpsest aus Ṣan’a’ (DAM 01-27.1) – Teil II,” in *Vom Koran zum Islam*, edited by Markus Groß and Karl-Heinz Ohlig, 523-81. Berlin: Hans Schiler, 2009.
- Puin, Elisabeth. “Ein früher Koranpalimpsest aus Ṣan’a’ (DAM 01-27.1) – Teil III: Ein nicht-‘utmānischer Koran,” in *Die Entstehung einer Weltreligion I: Von der koranischen Bewegung zum Frühislam*, edited by Markus Groß and Karl-Heinz Ohlig, 233-305. Berlin: Hans Schiler, 2010.
- Puin, Gerd-Rüdiger. “Observations on Early Qur’ān Manuscripts in Ṣan’a’,” in *The Qur’ān as Text*, edited by Stefan Wild, 107-111. Leiden and New York: E.J. Brill, 1996.
- Puin, Gerd-Rüdiger. “Über die Bedeutung der ältesten Koranfragmente aus Sanaa (Jemen) für die Orthographiegeschichte des Korans.” *Magazin Forschung, Universität des Saarlandes* 1 (1999): 37-40, 46.
- Puin, Gerd-Rüdiger. “Die Utopie einer kritischen Koranedition,” in *Schlaglichter: Die beiden ersten islamischen Jahrhunderte*, edited by Markus Groß and Karl-Heinz Ohlig, 516-71. Berlin: Hans Schiler, 2008.
- Sadeghi, Behnam. “The Traveling Tradition Test: A Method for Dating Traditions,” *Der Islam* 85.1 (2008): 203-242.

- Sadeghi, Behnam, and Uwe Bergmann. "The Codex of a Companion of the Prophet and the Qur'an of the Propheti" *Arabica* 57.4 (2010): 343-436.
- Sadeghi, Behnam. "The Chronology of the Qur'an: A Stylometric Research Program," *Arabica* 58.4 (2011): 210-99.
- Sadeghi, Behnam. "Criteria for Emending the Text of the Qur'an," in *Law and Tradition in Classical Islamic Thought*, edited by Michael Cook, et al. New York: Palgrave Macmillan, forthcoming 2012.
- Sinai, Nicolai. "The Qur'an as Process," in *The Qur'an in Context: Historical and Literary Investigations into the Qur'anic Milieu*, edited by Angelika Neuwirth, Nicolai Sinai, and Michael Marx, 407-40. Leiden: Brill, 2010.
- Spitaler, Anton. *Die Verszählung des Koran nach islamischer Überlieferung*. Munich: Verlag der Bayerischen Akademie der Wissenschaften, 1935.
- Stefanidis, Emmanuelle. "The Qur'an Made Linear: A Study of the *Geschichte des Qorāns*' Chronological Reordering," *Journal of Qur'anic Studies* 10.2 (2008): 1-22.
- Talbi, M. "La qirā'a bi-l-ahḥān," *Arabica* 5 (1958): 183-90.
- Tov, Emanuel. *Textual Criticism of the Hebrew Bible*, 2nd rev. ed. Minneapolis: Fortress Press, 2001.
- Wansbrough, John. *Qur'anic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*. Amherst, NY: Prometheus Books, 2004.

فهرست اصطلاحات مهم

برای سهولت در یافت مطالب کمابیش فنی کتاب، بیان شماری از مهم‌ترین اصطلاحات پُرکاربرد در پایان این کتاب مناسب می‌نمود. با آنکه این فهرست و توضیحات مربوط به هریک از اصطلاحات زیر کامل و مشروح نیست، امیدوارم خواننده فارسی زبان را در دسترسی به مطالب کتاب یاری بیشتر برساند (مترجم).

اختلاف مصاحف الأمصار: مجموعه‌ای از تفاوت‌های متنی در میان نسخه‌های رایج در پنج شهر اصلی کوفه، بصره، شام، مدینه و مکه که برآمده از تفاوت‌های موجود در قرآن‌های ارسالی از سوی خلیفه سوم به این شهرها بوده است. این اختلافات حدوداً ۴۰ گانه در مصادر قرون دوم تا پنجم، از جمله در فضائل القرآن ابوعبید، کتاب المصاحف سجستانی، و المقنع ابوعمرودانی گزارش شده است.

پالیمپسست: نوعی پوست برگه کهن که بر روی آن متنی را نوشته‌اند و سپس به دلیلی، با محو یا شستن آن متن، نوشته جدیدی را بر آن کتابت کرده باشند. پالیمپسست می‌تواند دو یا چند لایه باشد.

رسم: رسم یا هجاء المصحف، به معنای املا و شیوة کتابت هریک از کلمات قرآن در مصحف است.

رسم عثمانی: املائی کلمات مطابق با آنچه که گفته می‌شود در نخستین مصاحف تدوین یافته از سوی عثمان بن عفان، خلیفه سوم رعایت شده است. این املا حاوی استثناهای بسیاری است که مخالف با قواعد املائی کلمات عربی در سایر متون است. مشهورترین منابعی که گزارش رسم کلمات را در مصاحف قدیم ثبت کرده‌اند، یعنی دو کتاب المقنع فی رسم مصاحف الأمصار و مختصر التبیین لهجاء التنزیل، در قرن پنجم هجری تدوین یافته‌اند.

رسم قیاسی: املائی کلمات قرآنی مطابق با قواعد شناخته شده و متعارف عربی. صحابی ۱: یکی از صحابه پیامبر اکرم (ص) — و نمی‌دانیم دقیقاً کدام صحابی

است - که حدس می‌زنیم لایه زیرین مصحف صنعاء ۱ مطابق با روایت و قرائت او کتابت شده است. این روایت روایتی غیررسمی و غیرمتداول در بدنه اصلی جامعه اسلامی بوده است. از آنجا که اطلاعات ما از متن مصاحف منسوب به عبدالله بن مسعود، و ابی بن کعب به طور کامل با روایت موجود در لایه زیرین مصحف صنعاء ۱ مطابقت ندارد، بهنام صادقی این متن را مصحف «صحابی ۱» نامیده است.

صنعاء ۱: یک پالیمپسست دو لایه قرآنی که تاکنون ۸۰ برگ آن در دو کتابخانه در صنعاء یافت شده (پنج برگ آن از یمن خارج شده) است. هر دو لایه این نسخه پوستی، به خط حجازی یا مایل کتابت شده، اما لایه زیرین که قدیمی تر است، تنها نسخه قرآنی کشف شده‌ای است که هم متن آن غیر عثمانی است و هم ترتیب سوره‌ها در آن بر خلاف ترتیب رایج عثمانی است. نام‌گذاری «صنعاء ۱» پیشنهاد بهنام صادقی است که از سوی برخی دیگر از محققان نیز پذیرفته شده است.

عَدَّ الْأَيَّ: نظام شمارش آیات هر سوره از قرآن و تعیین انتهای تک تک (فواصل) آیات. از سده دوم هجری، هفت نظام کوفی، بصری، شامی (دِمَشْقِی)، حُمَصِی، مکی، مدنی اول و مدنی اخیر در تعیین اجزای هر سوره، شمارش آیات آن سوره، و کتابت قرآن‌ها رایج بوده است. امروزه در مشرق اسلامی از نظام کوفی، و در مغرب اسلامی از نظام مدنی و در برخی مناطق آفریقا، از نظام بصری تبعیت می‌شود.

قرآن عثمانی / متن عثمانی قرآن: متن رسمی قرآن آن گونه که همواره تا امروز در اختیار عموم مسلمانان و بدنه جامعه اسلامی بوده و هست، صرف نظر از تفاوت‌های درونی آن از جمله اختلاف در شمارش آیات هر سوره، اختلاف در شکل املائی کلمات، اختلاف مصاحف الامصار، و اختلاف قرائات موجود در خوانش کلمات آن. **مخطوط:** به معنای نسخه خطی، دستنویس، یا دستنوشته از یک قرآن یا کتاب قدیمی دیگر.

حجازی: این اصطلاح به دو معنا به کار می‌رود: نخست «خط حجازی» که گونه‌ای خط عربی اولیه و احتمالاً پیشاکوفی است و مهم‌ترین ویژگی تصویری آن، افتادگی و تمایل آن به سمت راست است. این خط را مایل نیز می‌نامند. این مصاحف لزوماً در حجاز (مکه یا مدینه) کتابت نشده‌اند. کاربرد دیگر این اصطلاح، اطلاق آن بر مصحف‌هایی است که ویژگی‌های متنی آن بر اساس جدول «اختلاف مصاحف الامصار» به مکه و مدینه نزدیک است.

نمايه‌ها

نمايهٔ اعلام

آرام، احمد / ۵۱	۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷
آلتی قولاج، طيار / ۱۱	ابن مقسم / ۱۷۲
آماري، ميكله / ۱۰	ابن نديم / ۱۰، ۷۶
ابراهيم (ع) / ۲۷	ابن وثاب / ۱۷۲
ابراهيم النخعي / ۸۱، ۱۷۲، ۱۷۳	ابوالعالية / ۱۷۸
ابن ابى داود / ۱۶۹	ابوالمثول / ۱۷۲
ابن ابى شيبة / ۸۱، ۸۲، ۸۳	ابوبكر شعبة بن عياش / ۱۷۰، ۱۷۳
ابن جزري / ۸۳	ابوجعفر مدني / ۱۷۲
ابن حجر / ۱۷۷	ابوخزيمة / ۷۵
ابن خزيمة / ۷۵	ابورجاء العطاردي / ۱۷۴
ابن ذكوان / ۱۷۳	ابورزين العقيلي / ۱۷۲
ابن سعد / ۸۲	ابوزيد، نصر حامد / ۲۷، ۸۶
ابن شبنوذ / ۱۷۵	ابوعمران / ۱۷۸
ابن عامر دمشقي / ۸۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۷	ابوعمر بن علاء بصري / ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴
ابن عباس / ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶	۱۷۷، ۱۷۵
ابن عساكر / ۸۱	ابوموسى اشعري / ۶۹
ابن كثير مكى / ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸	أبى بن كعب / ۳۰، ۴۲، ۶۲، ۶۹، ۷۰
ابن مغيصن مكى / ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳	۷۶، ۷۸، ۱۶۳، ۱۷۰-۱۷۲، ۱۷۴
ابن مسعود / ۳۰، ۴۲، ۶۲، ۷۰، ۷۲، ۷۶	۱۷۶-۱۷۸
۸۰، ۸۲، ۸۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۷۰	ارشيدس / ۱۶

- استیل، الگزنندر / ۸۶، ۸۷، ۴۷
 استیوارت، دیوین / ۴۷
 اشیتالز، آنتون / ۱۷۹
 اعرج (عبدالرحمن بن هرمز) / ۱۷۶
 الاعظمی، محمد مصطفی / ۵۳، ۷۶
 اعمش (سلیمان بن مهران) / ۸۱، ۷۱، ۱۶۱
 ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵
 ۱۷۶، ۱۷۸
 الأكوع، قاضی اسماعیل / ۱۲، ۱۳، ۳۳
 انس بن مالک / ۱۷۰، ۱۷۲
 بازرگان، مهدی / ۵۶
 برثن، جان / ۶۹، ۷۰
 برگمن، اوه / ۱۸، ۳۱، ۴۷، ۵۴، ۹۷
 بزّی (راوی ابن کثیر) / ۱۷۲
 بشیر، سلیمان / ۸۶، ۸۷
 بلر، شیل / ۱۰
 پاکین، ریچارد / ۸۷
 پاورز، دیوید / ۴۷، ۴۹
 پوین، الیزابت / ۱۸، ۳۲، ۶۰، ۶۱، ۶۲
 ۶۳، ۹۷
 پوین، گزردو دیگر / ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹
 ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۲
 ۶۳، ۶۶، ۸۵-۸۸، ۹۰، ۹۱
 تمیمی / ۱۷۳
 جبرئیل / ۸۲، ۸۳
 حاکم نیشابوری / ۸۲، ۸۳
 حجاج بن یوسف / ۴۹، ۸۰-۸۲، ۱۷۱
 حسن بصری / ۱۰۱، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۸
 الحلوانی / ۱۷۳
 حمدون، رزان غسان / ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۳۳
 ۵۹
 حمزة بن زیات کوفی / ۸۱، ۱۷۰، ۱۷۲
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷
 الحمیری، بشیر بن حسن / ۱۱
 خالد / ۱۷۶
 خلف بن هشام (العاشر) / ۱۷۲
 خلیل الله (ابراهیم ع) / ۲۷
 داتن، یاسین / ۱۱، ۵۹، ۶۷، ۸۳
 دانی، ابو عمرو / ۱۷۹
 درایهوتس، اورسولا / ۱۴، ۳۳، ۴۷، ۵۳
 ۵۸، ۹۰
 دوپرمار، آلفرد لویی / ۴۹
 دیدات، احمد / ۸۷
 رامیار، محمود / ۷۵، ۷۸
 رُبن، کریستیان / ۱۹، ۲۰، ۳۱، ۴۷، ۶۰
 ۹۰، ۹۳، ۱۸۴
 ربیع / ۱۷۰
 رشدی، سلمان / ۸۶
 زید بن ارقم / ۱۷۷
 زید بن ثابت / ۷۵
 زید بن علی / ۱۷۷
 سدن، جوزف / ۱۲
 سعید بن جبیر / ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۷۵
 سیلار، النور / ۱۲، ۲۰
 سیف الله، م. / ۱۰، ۴۷
 سیوطی، جلال الدین / ۸۳
 شرویدر، گرهارد / ۹۰
 شهدی، حسن / ۱۱

- شیطان / ساطان / ۸۹
صادقی، بهنام / ۱۲، ۱۶، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۹، ۴۰
کرونه، پاتریشیا / ۴۷، ۴۹، ۸۶
کریمی‌نیا، مرتضی / ۴۳
کلبی / ۱۷۲
کلینی / ۸۲
کنانه، شریف / ۴۷
کُنراد، لارنس / ۴۷
کور شولم، مته / ۴۷
کوستا، پائولو / ۱۲
کوهن، تامس / ۵۱
کیستلر، سارا / ۴۷
کِسائی (ابوالحسن علی بن حمزة) / ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷
گاليله / ۸۷
گودرزی، محسن / ۱۲، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۴۰
گورتمان، هدیه / ۳۳
لِستِر، توبی / ۲۷، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۶۳، ۸۵
۸۷، ۸۹، ۹۰
لوکاس، اسکات / ۴۷
لوکزنبرگ، کریستف / ۲۸، ۸۶، ۸۷
لولینگ، گوئتر / ۸۶
لیبای، ویلارد فرانک / ۳۰
مایکل کوک / ۴۷، ۵۰، ۶۷، ۷۳، ۸۲
مُجاهد بن جَبَر / ۱۵۴، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۸
مُحسِن، محمد / ۵۰
مدرسی طباطبایی، حسین / ۶۷، ۷۵
مسعودی / ۸۱
مفصّل / ۱۷۰
مقاتل بن سلیمان / ۱۰۱
موتشکی، هارالد / ۵۰
ضحاک بن مُزاحم / ۱۷۲، ۱۷۳
طالّبی، محمد / ۸۲
طبری، ابن جریر / ۱۷۵
طلحة بن مصرف / ۸۱، ۱۷۲
عاصم الجحدری / ۱۷۰، ۱۷۴
عاصم بن ابی النّجود / ۸۱، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۷
عبدالله بن عمرو بن عاص / ۱۷۴
عبدالله بن مسعود / نک. ابن مسعود
عبدالملک اموی / ۴۹
عثمان بن عفّان / ۱۱، ۴۵، ۴۷-۵۰، ۵۵
۶۱، ۷۵، ۸۳
عریش، منیر / ۹۰
عطاء / ۱۷۲
عطیة، عزیز / ۵۲
عُکبری / ۱۷۲
عِکرمه / ۱۷۰، ۱۷۸
عیسی (ع) / ۲۸
غانِم قَدّوری الحَمَد / ۱۱
غسان عبدالله / ۴۷
فایدی، لیلی / ۴۷، ۸۶
فیدلی، آلبا / ۱۸، ۵۳، ۵۹، ۶۷، ۹۷، ۱۰۵
فُن بُتمر، هانس کاسپار / ۱۴، ۵۷، ۵۸، ۵۹
۶۲، ۶۳، ۸۶، ۹۰
فَنوجی، فابریزیو / ۱۸۴
قتادة / ۱۷۲
کِرگ، رابرت / ۴۷

میتران، فرانسوا / ۹۰	والتز، روبرت / ۴۷
مینگانا، آلفونس / ۵۳	وحیدنیا، آلاء / ۳۰، ۳۱، ۳۴
نافع مدنی / ۱۷۷	ورش (عثمان بن سعید) / ۱۷۲
نُت، آلبرشت / ۱۳، ۱۴، ۵۷	وَنزَیرو، جان / ۶۹، ۸۸
نسائی (احمد بن شعیب) / ۸۳	هشام بن عمار / ۱۷۳
نُصَیبه، ساری / ۴۷	هلالی، اسماء / ۳۳، ۱۸۴
نولدکه، تنودور / ۵۶	هیگینز، آندرو / ۶۳، ۸۶، ۸۷
نویا نوسدا، سرجیو / ۱۲، ۱۸، ۲۰، ۴۷	یحیی بن وثاب / ۸۱
۵۹، ۶۰، ۶۳، ۹۰، ۱۸۴	یعقوب حَضْرَمی / ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵

نمایه مکان‌ها

آریزونا / ۳۱	دانشگاه استنفورد / ۱۸، ۴۷، ۶۱
آکسفورد / ۳۱، ۳۲	دانشگاه بُن / ۱۳
آلمان / ۱۳، ۱۴، ۳۳، ۵۷، ۵۸	دانشگاه زارلاند / ۱۴، ۶۰، ۵۷، ۵۸
آمریکا / ۲۷، ۸۷	دانشگاه کمبریج / ۵۲
آمریکای شمالی / ۴۲، ۴۸، ۵۰، ۸۷	دانشگاه هامبورگ / ۵۷
اتریش / ۱۴	دانمارک / ۴۷
اروپا / ۴۲، ۴۸، ۵۰، ۸۷	دمشق / ۱۸۰
استنفورد / ۴۷	دیرکاترین مقدس / ۵۲
بصره / ۱۱، ۱۸۰، ۱۸۲	زاربروکن / ۶۰
بین‌النهرین / ۹	زوریخ / ۳۲
تهران / ۳۹	شام / ۱۱، ۱۸۲
جامع صنعاء / ۱۳، ۱۴	شامات / ۱۰
جامع صنعاء / ۱۲، ۱۳، ۵۶، ۵۸	شبه جزیره سینا / ۵۲
حجاز / ۹، ۱۰، ۵۵	صنعاء / ۱۳، ۱۴، ۲۷، ۴۱، ۵۷، ۵۹
حمص / ۱۸۰	کُپنهاگ / ۱۳
دارالمخطوطات صنعاء / ۱۳-۱۵، ۱۷، ۱۸	کمبریج / ۵۳
۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۴۲، ۴۳، ۴۷	کوفه / ۱۱، ۸۰، ۸۱، ۱۸۰، ۱۸۲
۹۰، ۵۸	کیل (آلمان) / ۳۲

لایدن / ۲۷	مکه / ۱۱، ۵۵، ۸۹، ۱۸۰، ۱۸۲
لندن / ۵۸، ۵۹	موزه لوور (ابوظبی) / ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۳۹
لیون (فرانسه) / ۳۱	موزه ملی یمن / ۱۳
مدینه / ۱۱، ۵۵، ۱۸۰	نروژ / ۱۷
مسجد جامع صنعاء / نک. جامع صنعاء	یمن / ۱۲، ۱۴، ۲۸، ۴۱، ۵۷، ۶۳، ۸۵
المکتبة الشرقية / ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۴۰، ۵۹	۸۸، ۸۹

نمایه کتاب‌ها

الاتقان (سیوطی) / ۷۶، ۷۷	ماهنامه آتالانتیک / ۲۸، ۴۱
ساختار انقلاب‌های علمی (کوهن) / ۵۱	نیوزویک / ۴۱
عریبکا (مجله) / ۱۸	نیویورک تایمز / ۴۱، ۸۶، ۸۷
الفهرست (ابن ندیم) / ۱۰، ۷۶، ۷۷	وال‌شتریت جورنال / ۴۱، ۸۶
کتاب المصاحف (سجستانی) / ۱۶۹	هاجرسم (کرونه و کوک) / ۴۹
گاردین / ۴۱	

نمایه آیات قرآن

(بقرة: ۸۷-۹۶) / ۹۳، ۹۹، ۱۸۷	(بقرة: ۲۱۷-۲۲۳) / ۲۱، ۹۳، ۱۰۴، ۱۰۵
(بقرة: ۹۶) / ۱۶۹، ۱۷۰	(بقرة: ۲۲۲) / ۱۶۹، ۱۷۰
(بقرة: ۹۶-۱۰۵) / ۲۲، ۹۳، ۱۰۰، ۱۸۸	(بقرة: ۲۴۶-۲۵۰) / ۲۰، ۳۱۹
(بقرة: ۹۸) / ۱۷۰	(بقرة: ۲۵۰-۲۵۵) / ۲۰، ۳۲۰
(بقرة: ۱۰۵) / ۱۷۰	(بقرة: ۲۵۵-۲۵۹) / ۲۰، ۳۲۱
(بقرة: ۱۹۱-۱۹۶) / ۲۰، ۹۳، ۱۰۲، ۳۰۳	(بقرة: ۲۵۹-۲۶۵) / ۲۰، ۳۲۲
۳۰۴	(بقرة: ۲۶۵-۲۷۱) / ۲۰، ۹۳، ۳۰۷
(بقرة: ۱۹۶) / ۷۲	(بقرة: ۲۶۵-۲۷۷) / ۱۷
(بقرة: ۱۹۷-۲۰۵) / ۲۰، ۹۳، ۱۰۳، ۳۰۵	(بقرة: ۲۶۷) / ۱۷۹
۳۰۶	(بقرة: ۲۷۱-۲۷۷) / ۲۰، ۹۳، ۳۰۸
(بقرة: ۲۰۱) / ۷۲	(بقرة: ۲۷۷-۲۸۲) / ۲۱، ۹۳، ۳۰۹
(بقرة: ۲۰۶-۲۱۷) / ۲۱، ۹۳، ۱۷۰	(بقرة: ۲۷۷-۲۸۶) / ۱۷
(بقرة: ۲۱۷) / ۱۶۹	(بقرة: ۲۸۲) / ۱۸۰

(نساء: ۶۴-۷۶) / ۲۱، ۳۴۳	(بقره: ۲۸۲-۲۸۶) / ۲۱، ۹۳، ۳۱۰
(نساء: ۷۷) / ۱۶۵	(بقره: ۲۸۵) / ۸۹، ۱۷۹
(نساء: ۷۷-۸۴) / ۲۱، ۳۴۴	(بقره: ۲۸۶-آل عمران: ۱۰) / ۲۱، ۳۲۳
(نساء: ۸۴-۹۲) / ۲۲، ۳۴۵	(آل عمران: ۱۰) / ۳۲۳
(نساء: ۹۲-۱۰۰) / ۲۲، ۳۴۶	(آل عمران: ۱۱-۲۰) / ۲۱، ۳۲۴
(نساء: ۱۰۰-۱۰۸) / ۲۲، ۳۴۷	(آل عمران: ۲۰-۲۸) / ۲۱، ۳۲۵
(نساء: ۱۰۸-۱۲۰) / ۲۲، ۳۴۸	(آل عمران: ۲۸) / ۸۹
(نساء: ۱۲۰-۱۳۱) / ۲۲	(آل عمران: ۲۸-۳۷) / ۲۱، ۳۲۶
(نساء: ۱۲۵) / ۲۷	(آل عمران: ۳۷-۴۷) / ۲۱، ۳۲۷
(نساء: ۱۳۱-۱۴۰) / ۲۲، ۳۴۹	(آل عمران: ۴۷-۵۷) / ۲۱، ۳۲۸
(نساء: ۱۴۰-۱۵۱) / ۲۲، ۳۵۰	(آل عمران: ۵۷-۷۱) / ۲۱، ۳۲۹
(نساء: ۱۵۱-۱۶۱) / ۲۲، ۳۵۱	(آل عمران: ۷۱-۸۱) / ۲۱، ۳۳۰
(نساء: ۱۶۱-۱۷۱) / ۲۲، ۳۵۲	(آل عمران: ۸۱-۹۴) / ۲۱، ۳۳۱
(نساء: ۱۷۱-مائدة: ۳) / ۲۲، ۳۱۳	(آل عمران: ۹۴-۱۰۷) / ۲۱، ۳۳۲
(نساء: ۱۷۱-مائدة: ۹) / ۱۷، ۹۶	(آل عمران: ۱۰۷-۱۱۹) / ۲۱، ۳۳۳
(مائدة: ۱) / ۱۸۰	(آل عمران: ۱۱۹-۱۳۳) / ۲۱، ۳۳۴
(مائدة: ۲) / ۱۴۳	(آل عمران: ۱۳۳-۱۴۵) / ۲۱، ۳۳۵
(مائدة: ۳) / ۳۱۳	(آل عمران: ۱۴۵-۱۵۴) / ۲۱، ۳۳۶
(مائدة: ۳-۹) / ۲۲، ۳۱۴	(آل عمران: ۱۵۴-۱۷۹) / ۲۱، ۳۳۷
(مائدة: ۹-۱۸) / ۲۲	(آل عمران: ۱۷۹-۱۹۹) / ۲۱، ۳۳۸
(مائدة: ۱۸-۳۲) / ۱۷	(آل عمران: ۱۹۹-نساء: ۷) / ۲۱، ۲۲۹
(مائدة: ۱۸) / ۸۹	(نساء: ۷) / ۳۳۹
(مائدة: ۱۸-۳۲) / ۲۲، ۸۹، ۳۱۵	(نساء: ۷-۱۴) / ۲۱، ۳۴۰
(مائدة: ۳۲-۴۲) / ۲۲، ۳۵۳	(نساء: ۱۴-۲۴) / ۲۱
(مائدة: ۴۱-۴۸) / ۲۱، ۹۳، ۱۰۶	(نساء: ۲۴-۳۳) / ۲۱، ۳۴۱
(مائدة: ۴۲-۴۹) / ۲۲	(نساء: ۳۳-۴۳) / ۲۱، ۹۳، ۳۱۱
(مائدة: ۴۵) / ۱۶۹، ۱۷۱	(نساء: ۴۳-۵۶) / ۲۱، ۱۷، ۹۳، ۳۱۲
(مائدة: ۴۸) / ۱۷۱	(نساء: ۴۴) / ۱۸۰
(مائدة: ۴۸-۵۴) / ۲۱، ۹۳، ۱۰۷	(نساء: ۵۶-۶۴) / ۲۱، ۳۴۲

- (اعراف: ۱۵۳-۱۶۲) / ۲۳، ۳۶۷
 (اعراف: ۱۶۳-۱۷۶) / ۲۳، ۳۶۸
 (اعراف: ۱۷۶-۱۹۵) / ۲۳، ۳۶۹
 (اعراف: ۱۹۵-انفال: ۱۰) / ۲۳، ۳۷۰
 (انفال: ۱-۳) / ۱۰۹
 (انفال: ۲) / ۱۷۱
 (انفال: ۳) / ۱۹۱
 (انفال: ۱۰-۲۸) / ۲۳، ۳۷۱
 (انفال: ۲۸-۴۳) / ۲۳، ۳۷۲
 (انفال: ۴۱) / ۲۳
 (انفال: ۴۳-۶۰) / ۲۳، ۳۷۳
 (انفال: ۶۰-۷۳) / ۲۳، ۳۷۴
 (انفال: ۷۳-توبة: ۱۳) / ۲۳، ۱۹۲، ۳۷۵
 (انفال: ۷۳-۷۵) / ۱۱۰
 (انفال: ۷۳-توبة: ۷) / ۲۴، ۹۴
 (توبة: ۱-۷) / ۱۱۰
 (توبة: ۷) / ۱۹۲
 (توبة: ۱۳-۲۷) / ۲۳، ۳۷۶
 (توبة: ۱۷-۲۶) / ۲۴، ۹۴، ۱۱۲، ۱۹۴
 (توبة: ۲۶-۳۴) / ۲۴، ۹۴، ۱۱۴، ۱۹۵
 (توبة: ۲۷-۳۹) / ۲۳، ۳۷۷
 (توبة: ۴۰-۵۵) / ۲۳، ۳۷۸
 (توبة: ۵۵-۷۱) / ۲۳، ۳۷۹
 (توبة: ۷۰-۸۱) / ۲۵، ۹۴، ۱۱۶، ۲۱۸
 (توبة: ۷-۱۶) / ۲۴، ۹۴، ۱۱۱، ۱۹۳
 (توبة: ۸۱-۹۰) / ۲۵، ۹۴، ۱۱۷، ۲۱۹
 (توبة: ۸۵) / ۷۳
 (توبة: ۹۰) / ۱۶۹، ۱۷۱
 (توبة: ۱۰۶-۱۱۳) / ۲۵، ۹۴
 (مائدة: ۴۹-۶۱) / ۲۲، ۳۵۴
 (مائدة: ۵۴) / ۱۷۱
 (مائدة: ۶۱-۷۱) / ۲۲، ۳۵۵
 (مائدة: ۷۱-۸۲) / ۲۲، ۳۵۶
 (مائدة: ۸۲-۹۳) / ۲۲، ۳۵۷
 (مائدة: ۹۳-۱۰۴) / ۲۲، ۳۵۸
 (مائدة: ۱۰۴-۱۱۱) / ۲۲، ۳۵۹
 (انعام: ۲۱) / ۱۴۱
 (انعام: ۴۹-۶۱) / ۲۲، ۹۶، ۲۴۳
 (انعام: ۵۷) / ۷۹
 (انعام: ۶۱-۷۳) / ۲۲، ۹۶، ۲۴۴
 (انعام: ۶۴) / ۱۸۲
 (انعام: ۶۶) / ۱۸۰
 (انعام: ۷۳) / ۱۸۰
 (انعام: ۱۳۵) / ۱۴۱
 (انعام: ۱۴۹-۱۵۹) / ۲۲، ۹۳، ۲۴۵
 (انعام: ۱۵۷) / ۱۷۹
 (انعام: ۱۵۹-اعراف: ۱۱) / ۲۲، ۹۳، ۲۴۶
 (انعام: ۱۶۱) / ۱۸۰
 (اعراف: ۱) / ۱۸۰
 (اعراف: ۳) / ۱۸۲
 (اعراف: ۱۱) / ۲۴۶
 (اعراف: ۴۰-۵۳) / ۲۲، ۳۶۰
 (اعراف: ۵۳-۶۹) / ۲۲، ۳۶۱
 (اعراف: ۶۹-۸۳) / ۲۳، ۳۶۲
 (اعراف: ۸۴-۹۹) / ۲۳، ۳۶۳
 (اعراف: ۹۹-۱۲۶) / ۲۳، ۳۶۴
 (اعراف: ۱۲۶-۱۴۱) / ۲۳، ۳۶۵
 (اعراف: ۱۴۱-۱۵۳) / ۲۳، ۳۶۶

(يوسف: ٣١-٤٩) / ٢٤، ٣٩٠	(توبة: ١١٢-١١٥) / ٢٣، ٩٦، ٢٤٧
(يوسف: ١١١) / ١٢٨، ٢٣٣	(توبة: ١١٤-١٢٠) / ٢٥، ٩٤
(يوسف: ١١١-كهف: ٥) / ٢٦، ٩٤، ٢٣٣	(توبة: ١٢١) / ٢٢٠
(رعد: ١-٥) / ٢٦، ٩٥، ١٥١، ٢٣٦	(توبة: ١٢١-١٢٩) / ١١٨
(رعد: ٦-١٤) / ٢٦، ٩٥، ١٥٢، ٢٣٧	(توبة: ١٢١-مريم: ٥) / ٢٥، ٩٤
(رعد: ١١) / ١٧٦	(توبة: ١٢٤-١٢٧) / ٢٣، ٩٦، ٢٤٧
(رعد: ١٦-٢١) / ٢٦، ٩٥، ١٥٣، ٢٣٨	(توبة: ١٢٦) / ١٧١
(رعد: ٢٥-٣١) / ٢٦، ٩٥، ١٥٣، ٢٣٩	(توبة: ١٢٨-يونس: ١٢) / ٢٣، ٣٨٠
(رعد: ٣٣-٤٠) / ٢٦، ٩٥، ١٥٤، ٢٤٠	(توبة: ١٢٨-١٢٩) / ٧٤
(ابراهيم: ٣٢-٤٢) / ٢٤، ٩٣، ٢٤٨	(يونس: ١٢) / ٣٨٠
(ابراهيم: ٣٣) / ١٨٠	(يونس: ١٢-٢٤) / ٢٣
(ابراهيم: ٤٢-حجر: ١٦) / ٢٤، ٩٣، ٢٤٩	(يونس: ١٧) / ١٤١
(حجر: ٤-٣٣) / ٢٥، ٩٥، ١٥٨، ٢١٤	(يونس: ٢٢) / ٧٩
(حجر: ٣٣-٧٤) / ٢٥، ٩٥، ١٥٩، ٢١٥	(يونس: ٢٤-٣٨) / ٢٣، ٣٨١
(حجر: ٨٧-٩٩) / ٩١	(يونس: ٣٨-٥٩) / ٢٣، ٣٨٢
(حجر: ٨٧-فرقان: ٨) / ٢٥، ٩٦، ٢١٧	(يونس: ٥٩-٧٥) / ٢٣، ٣٨٣
(حجر: ١١٦) / ١٨٢	(يونس: ٧٥-٩٤) / ٢٣
(اسراء: ٦) / ٢٥٣	(يونس: ٩٤-هود: ٥) / ٢٣، ٣٨٤
(نحل: ٢٦-٣٧) / ٢٥، ٩٤، ١٣٠، ٢٠٦	(هود: ٥) / ٣٨٤
(نحل: ٣٧-٥٩) / ٢٥، ٩٤، ١٣١، ٢٠٧	(هود: ٤٠-٦١) / ٢٤، ٣٨٥
(نحل: ٣٨) / ١٧٣	(هود: ٦١-٨٤) / ٢٤، ٣٨٦
(نحل: ٤٤) / ١٧٣	(هود: ٨٤-١٠٠) / ٢٤، ٣٨٧
(نحل: ٦٨-٦٩) / ٢٥، ٩٤، ١٣٣، ٢٠٨	(هود: ١٠٠-١١٩) / ٢٤
(نحل: ٧٣-٨٩) / ٢٤، ٩٤، ١٣٤، ٢٥٠	(هود: ١٠٥-١١٢) / ٢٤، ٩٣، ١٠٨، ١٩٠
(نحل: ٧٨-٧٩) / ٢٥، ٩٤، ١٣٤، ٢٠٨	(هود: ١١٩-يوسف: ١٥) / ٢٤، ٣٨٨
(نحل: ٨٩-١٠٢) / ٢٤، ٩٤، ٢٥١	(هود: ١٢٠-١٢٣) / ١٠٩
(نحل: ١٠٢-١١٨) / ٢٤، ٩٤، ٢٥٢	(هود: ١٢٠-انفال: ٣) / ٢٤، ٩٣، ١٩١
(نحل: ١١٨-اسراء: ٦) / ٢٤، ٩٤، ٢٥٣	(يوسف: ١٦-٣١) / ٢٤، ٣٨٩
(اسراء: ٣٩-٥٨) / ٢٤، ٩٤، ٢٥٤	(يوسف: ١٧-٢٠) / ٢٦، ٩٤، ١٢٧، ٢٣٢
(اسراء: ٥٩-٧٧) / ٢٤، ٩٤، ٢٥٥	(يوسف: ٢٧-٣١) / ٢٦، ٩٤، ١٢٨، ٢٣٢

طه: (۳۲) / ۷۳	کهف: (۵-۱) / ۱۲۸
طه: (۳۳) / ۱۸۰	کهف: (۵) / ۲۳۳
طه: (۳۴) / ۱۸۰	کهف: (۱۵-۱۸) / ۲۳۳، ۱۲۹، ۹۴، ۲۶
طه: (۳۹) / ۱۸۰	کهف: (۱۶) / ۱۷۳
طه: (۴۰) / ۱۸۰، ۱۷۴	کهف: (۲۲) / ۲۵۶، ۹۶، ۲۴
طه: (۴۱) / ۱۸۰	کهف: (۳۲) / ۲۵۶، ۹۶، ۲۴
طه: (۴۴-۷۴) / ۲۶۰، ۹۵، ۲۴	کهف: (۳۷) / ۱۷۳
طه: (۴۸) / ۱۴۲	مریم: (۵-۱) / ۱۱۸
طه: (۶۱-۸۰) / ۲۱۰، ۱۴۱، ۹۵، ۲۵	مریم: (۵) / ۲۲۰
طه: (۶۳) / ۱۷۴	مریم: (۶-۲۹) / ۲۲۱، ۱۲۰، ۹۴، ۲۵
طه: (۷۴-۹۸) / ۲۶۱، ۹۵، ۲۴	مریم: (۹) / ۱۷۱
طه: (۷۷) / ۱۸۰	مریم: (۲۱) / ۱۷۱
طه: (۷۸) / ۱۸۰	مریم: (۲۳) / ۱۷۲
طه: (۸۶) / ۱۸۲، ۱۸۱	مریم: (۲۴) / ۱۷۲، ۱۶۹
طه: (۸۷) / ۱۸۱	مریم: (۲۶) / ۱۷۲
طه: (۸۸) / ۱۸۱	مریم: (۲۹-۵۳) / ۲۲۲، ۱۲۲، ۹۴، ۲۵
طه: (۸۹) / ۱۸۱	مریم: (۳۴) / ۱۷۲
طه: (۹۲) / ۱۸۱	مریم: (۳۸-۶۴) / ۲۵۷، ۹۴، ۲۴
طه: (۹۵) / ۱۸۱	مریم: (۴۱) / ۱۸۰
طه: (۹۸-۱۳۰) / ۲۶۲، ۹۵، ۲۴	مریم: (۵۴-۷۴) / ۲۲۳، ۱۲۳، ۹۴، ۲۵
طه: (۱۰۶) / ۱۸۱	مریم: (۵۹) / ۱۷۲
طه: (۱۲۲-۱۳۳) / ۲۳۱، ۱۴۲، ۹۵، ۲۶	مریم: (۶۲) / ۶۶
طه: (۱۲۳) / ۱۸۱	مریم: (۶۳) / ۱۷۲
طه: (۱۲۴) / ۱۸۱	مریم: (۶۴-۹۸) / ۲۵۸، ۹۴، ۲۴
طه: (۱۲۸) / ۱۷۴	مریم: (۶۷) / ۱۷۲
انبیاء: (۵-۱۹) / ۲۳۰، ۱۴۳، ۹۵، ۲۶	مریم: (۷۵) / ۱۸۰
انبیاء: (۱۶-۱۹) / ۲۶۳، ۹۶، ۲۴	طه: (۱) / ۱۸۰
انبیاء: (۳۸-۴۲) / ۲۶۳، ۹۶، ۲۴	طه: (۱-۴۳) / ۲۵۹، ۹۵، ۲۴
انبیاء: (۴۲-۷۲) / ۲۶۴، ۹۴، ۲۵	طه: (۲۳-۶۱) / ۲۰۹، ۱۳۹، ۹۵، ۲۵
انبیاء: (۶۶) / ۱۸۱	طه: (۳۱) / ۱۷۴، ۷۳

(نمل: ٢٥-٢٩) / ٢٧١، ٩٦، ٢٥	(انبیاء: ٧٢-٩٢) / ٢٦٥، ٩٤، ٢٥
(نمل: ٤٦-٤٩) / ٢٧١، ٩٦، ٢٥	(انبیاء: ١١١- حج: ٢) / ٩٤، ٢٥، ١٩
(قصص: ١٩-٢٤) / ٢١٢، ١٥٥، ٩٥، ٢٥	٢٦٧، ٢٦٦
(قصص: ٣٠-٣٥) / ٢١١، ١٥٦، ٩٥، ٢٥	(حج: ٢) / ٢٦٧، ٢٦٦، ١٩
(قصص: ٣٧) / ١٤١	(حج: ١٥-١٧) / ٢٦٧، ٩٤، ٢٥
(قصص: ٥٨-٧٤) / ٢٧٢، ٩٥، ٢٥	(حج: ١٥-٢٦) / ١٩٦، ١٢٥، ٩٤، ٢٤
(قصص: ٧٤-٨٦) / ٢٧٣، ٩٥، ٢٥	(حج: ٢٣) / ١٧٢
(عنکبوت: ٢٩) / ١٨١	(حج: ٢٧-٣٩) / ١٩٧، ١٢٦، ٩٤، ٢٤
(عنکبوت: ٢٩-٤٠) / ٢٧٤، ٩٦، ٢٥	(حج: ٣٥) / ١٧٢
(عنکبوت: ٤٣-٥٤) / ٢٧٥، ٩٦، ٢٥	(حج: ٣٦) / ١٧٢
(روم: ٢٦-٤٠) / ٢٧٦، ١٦٣، ٩٤، ٢٥	(حج: ٣٩) / ١٧٣
(روم: ٣٨-٥٠) / ٢٢٤، ١٦٣، ٩٦، ٢٥	(حج: ٤٨) / ٨٩
(روم: ٤٠-٥٤) / ٩٤	(حج: ٩-١١) / ٢٦٦، ٢٥
(روم: ٤٣) / ١٧٧	(مؤمنون: ١١٧) / ١٤١
(روم: ٤٣-٥٤) / ٢٧٧، ٢٥	(نور: ١-١٣) / ٢٠١، ١٤٣، ٩٥، ٢٤
(روم: ٤٥) / ١٤١	(نور: ١٣-٢٣) / ٢٠٢، ١٤٥، ٩٥، ٢٤
(روم: ٤٩) / ١٧٧	(نور: ٢٣-٣٢) / ٢٠٣، ١٤٦، ٩٥، ٢٤
(لقمان: ١٤) / ٨٩	(نور: ٢٧) / ١٧٥
(لقمان: ٢٤-سجدة: ٤) / ٢٧٨، ٩٤، ٢٥	(نور: ٣١) / ١٧٥
(سجدة: ٤) / ٢٧٨	(نور: ٣٢-٤٠) / ٢٠٤، ١٤٧، ٩٥، ٢٤
(سجدة: ٤-٢٠) / ٩٤، ٢٥	(نور: ٤٢) / ٨٩
(سجدة: ١٣) / ١٣٨	(فرقان: ١-٨) / ١٦١
(سجدة: ٢٠-احزاب: ٦) / ٢٧٩، ٩٤، ٢٥	(فرقان: ٨) / ٢١٧
(سجدة: ٢٢) / ١٧٩	(فرقان: ١٠-٣٤) / ٢٦٨، ٩٥، ٢٥
(احزاب: ٤) / ١٧٩	(فرقان: ١٤-٢٧) / ٢١٦، ١٦٢، ٩٦، ٢٥
(احزاب: ٦) / ٢٧٩	(فرقان: ٢٥) / ١٨٢، ١٧٧
(احزاب: ٦-١٨) / ٢٨٠، ٩٤، ٢٥	(فرقان: ٣٤-٥٩) / ٢٦٩، ٩٥، ٢٥
(احزاب: ١٠) / ١٧٤	(شعراء: ١٥٥-١٧٦) / ٢٧٠، ٩٥، ٢٥
(احزاب: ١٤) / ١٨٢	(شعراء: ١٩٨-٢٢٣) / ٢٧٠، ٩٥، ٢٥

صافات: ۱۰۲-۱۳۴/ ۲۸۵، ۹۵، ۲۶/	(احزاب: ۱۸-۲۹) ۲۸۱، ۹۴، ۲۵/
صافات: ۱۱۸-۱۴۴/ ۱۵۸، ۹۵، ۲۶/	(احزاب: ۳۰-۳۷) ۲۸۲، ۹۴، ۲۵/
۲۲۹	(احزاب: ۳۵) ۱۷۹/
صافات: ۱۳۴-۱۷۲/ ۲۸۵، ۹۵، ۲۶/	(احزاب: ۵۱) ۱۷۳/
(ص: ۷۳-۷۵) ۲۸۶، ۹۶، ۲۶/	(احزاب: ۵۱-۵۷) ۱۹۹، ۱۳۴، ۹۴، ۲۴/
(زمر: ۶) ۲۸۶، ۹۶، ۲۶/	(احزاب: ۵۳) ۱۷۳/
(زمر: ۲۵-۳۶) ۲۲۵، ۱۳۶، ۹۴، ۲۵/	(احزاب: ۵۷-۷۲) ۲۰۰، ۱۳۵، ۹۴، ۲۴/
(زمر: ۴۲-۴۷) ۲۲۵، ۱۳۶، ۹۴، ۲۶/	(احزاب: ۶۶) ۱۷۴/
(زمر: ۵۱-۷۰) ۲۲۶، ۱۳۷، ۹۵، ۲۶/	(احزاب: ۶۷) ۱۷۴/
(زمر: ۷۰-۷۵) ۱۳۸/	(سبأ: ۱۳-۲۳) ۲۳۴، ۱۴۸، ۹۵، ۲۶/
(زمر: ۷۰-غافر: ۸) ۲۲۶، ۹۵، ۲۶/	(سبأ: ۱۴) ۱۷۵/
(غافر: ۱-۸) ۱۳۸/	(سبأ: ۲۳-۳۳) ۲۳۵، ۱۴۹، ۹۵، ۲۶/
(غافر: ۳) ۸۹/	(سبأ: ۲۴) ۱۷۵/
(غافر: ۸) ۲۲۶/	(سبأ: ۴۰-۴۷) ۲۳۶، ۱۵۱، ۹۵، ۲۶/
(غافر: ۸۲) ۱۹/	(سبأ: ۴۹) ۶۶/
(فصلت: ۵) ۲۸۷، ۲۶/	(سبأ: ۵۲-فاطر: ۹) ۲۸۳، ۹۶، ۲۵/
(فصلت: ۱۷) ۱۹/	(فاطر: ۷) ۱۸۱/
(فصلت: ۱۷-۲۰) ۲۸۷، ۲۶/	(فاطر: ۹) ۲۸۳/
(فصلت: ۱۷-۲۷) ۲۸۸، ۹۵، ۲۶/	(فاطر: ۱۰-۱۸) ۲۸۳، ۹۶، ۲۵/
(فصلت: ۳۳-۴۳) ۲۸۸، ۹۵، ۲۶/	(فاطر: ۱۸) ۸۹/
(فصلت: ۴۷) ۲۸۹/	(فاطر: ۳۹-۴۹) ۱۸۹، ۱۶۴، ۹۶، ۲۳/
(فصلت: ۴۷-شوری: ۵) ۹۵، ۲۶/	(صافات: ۱۵-۳۳) ۲۲۸، ۱۵۶، ۹۵، ۲۶/
(شوری: ۵) ۲۸۹/	(صافات: ۲۵) ۱۷۶/
(شوری: ۱۰-۱۶) ۲۸۹، ۹۵، ۲۶/	(صافات: ۳۸-۵۹) ۲۸۴، ۹۴، ۲۵/
(شوری: ۱۱) ۱۸۲/	(صافات: ۴۳-۶۸) ۲۲۸، ۱۵۷، ۹۵، ۲۶/
(شوری: ۱۵) ۸۹/	(صافات: ۵۶) ۱۷۶/
(شوری: ۲۱-۲۹) ۲۹۰، ۹۵، ۲۶/	(صافات: ۷۱-۹۰) ۲۸۴، ۲۶/
(شوری: ۳۸-۴۸) ۲۹۰، ۹۵، ۲۶/	(صافات: ۷۳-۸۸) ۹۴/
(زخرف: ۱۹) ۷۹/	(صافات: ۸۲-۱۰۳) ۲۲۹، ۱۵۷، ۹۵، ۲۶/

(واقعة: ٤٨/ ١٨٢)	(زخرف: ٦٣-٦٩/ ٢٦، ٩٤، ٢٩١)
(واقعة: ٤٩/ ١٨٢)	(زخرف: ٦٨/ ١٨٢)
(واقعة: ٥٠/ ١٨٢)	(زخرف: ٨٩/ ٢٩١)
(واقعة: ٥-٦٩/ ٢٦، ٩٥، ١٨٢، ٢٩٤)	(زخرف: ٨٩-دخان: ١١/ ٢٦، ٩٤)
(واقعة: ٨/ ١٨١)	(دخان: ١١/ ٢٩١)
(حدید: ١-١٠/ ٢٦، ٩٥، ٢٩٥)	(محمد: ١٥-٢٠/ ٢٦، ٩٤، ٢٩٢)
(حدید: ١٦-٢٢/ ٢٦، ٩٥، ٢٩٥)	(محمد: ١٨/ ١٨٢)
(حدید: ٢٧-مجادلة: ٦/ ٢٦، ٩٥، ٢٩٦)	(محمد: ٣٢-فتح: ٢/ ٢٦، ٩٤، ٢٩٢)
(مجادلة: ١٠-٢٢/ ٢٦، ٢٩٧)	(فتح: ٢/ ٢٩٢)
(مجادلة: ١١-٢٢/ ٩٥)	(ق: ٤٣/ ٨٩)
(مجادلة: ٦/ ٢٩٦)	(الرحمن: ١٦-واقعة: ٥/ ٢٦، ٩٥، ٢٩٣)
(مجادلة: ٩/ ١٤٣)	(الرحمن: ٣٥/ ١٨١)
(حشر: ١-١٠/ ٢٦، ٩٥، ٢٩٨)	(الرحمن: ٤٣/ ١٨١)
(حشر: ١٤-ممتحنة: ١/ ٢٦، ٩٥، ٢٩٩)	(الرحمن: ٤٤/ ١٧٩)
(ممتحنة: ١/ ٢٩٩)	(الرحمن: ٤٦/ ١٧٩)
(ممتحنة: ٤/ ٨٩)	(الرحمن: ٤٧/ ١٧٩)
(جمعة: ١-١١/ ١٦٤)	(الرحمن: ٤٨/ ١٧٩)
(جمعة: ١١-فجر-بلد: ٦/ ٢٢، ٩٦)	(الرحمن: ٧٨/ ١٨٢)
(منافقون: ١٠/ ١٧٧)	(واقعة: ٥/ ٢٩٣)
(منافقون: ١-١١/ ١٦٤)	(واقعة: ١٥/ ١٨١)
(منافقون: ١-جمعة: ١١/ ٢٢، ٩٦)	(واقعة: ١٨/ ١٨١)
(منافقون: ٧/ ٧٢، ١٧٧)	(واقعة: ٢٢/ ١٨١)
(تغابن: ٣/ ٨٩)	(واقعة: ٢٥/ ١٨١)
(فجر: ١-٣٠/ ١٦٦)	(واقعة: ٢٧/ ١٨٢)
(فجر: ٢٧/ ١٧٧، ١٧٨)	(واقعة: ٣٥/ ١٨٢)
(فجر: ٢٨/ ١٧٨)	(واقعة: ٤١/ ١٧٩)
(بلد: ١/ ١٦٩، ١٧٨)	(واقعة: ٤٣/ ١٧٩)
(بلد: ١-٦/ ١٦٦)	(واقعة: ٤٧/ ١٨٢)

نمایه موضوعات

- آزمایش کربن ۱۴/۹، ۱۸، ۳۰-۳۲، ۵۵، اناره، گروه/ ۶۱
 انتشارات بریل/ ۳۳، ۶۵، ۶۶
 انتشارات هرمس/ ۳۹
 انتقال شفاهی قرآن/ ۱۱، ۴۵، ۷۸، ۷۹
 انتقال مکتوب قرآن/ ۹، ۱۱، ۴۵، ۶۸، ۷۸
 ۷۹
 باستان‌شناسی/ ۱۶، ۳۰
 بایبل/ ۲۸، ۸۷، نیز نک. عهدین
 بخش‌بندی آیات/ ۵۵
 بسملة/ ۱۰، ۷۷، ۷۸
 پارادایم‌های مختلف/ ۵۱
 پالیمپسست/ ۱۶، ۱۹، ۲۹، ۵۲، ۵۳، ۵۷
 ۳۹۷، ۵۸، ۶۳، ۷۹
 پالیوگرافی/ ۳۰، ۵۴، ۵۵، ۵۹
 تابعین/ ۲۹
 تاریخ صدر اسلام/ ۴۸، ۵۱
 تاریخ قرآن/ ۹، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۷
 ۴۹، ۵۵، ۵۶، ۷۳، ۷۵
 تاریخ هنر/ ۵۵
 تاریخ‌گذاری نسخه با آزمایش کربن/ ۹
 ۱۸، ۳۰-۳۲، ۵۵، ۶۵، ۶۶
 تاریخ‌گذاری قرآن/ ۵۶، نیز نک.: ترتیب
 سوره‌ها
 تجدیدنظرطلبان/ ۹، ۲۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱
 ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۸۶، ۸۸
 تحریف قرآن/ ۸۷
 تدوین سوره‌ها/ ۴۵، ۷۴، ۸۹
 تذهیب/ ۱۰
 ابراهیم/ ابراهام/ ۸۹
 احرف سبعة/ ۸۲، ۸۳، ۸۴
 اختلاف رسم/ ۲۸
 اختلاف قرائات/ ۲۹، ۴۲، ۴۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۸۸
 اختلاف متنی در حدیث/ ۶۸، ۷۰، ۷۸
 اختلاف مصاحف الامصار/ ۶۸-۷۰، ۷۸
 ۸۸، ۱۸۲، ۳۹۷
 برگه استنفورد ۲۰۰۷/ ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۱
 ۴۷، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۹۳، ۹۷
 ۱۰۲، ۱۰۳، ۳۰۸-۳۰۳
 برگه بُنهامز ۲۰۰۰/ ۱۷، ۲۱، ۵۸، ۵۹
 ۹۳، ۹۷، ۱۰۶، ۱۰۷، ۳۱۱، ۳۱۲
 برگه دیوید (۱۸۶/۲۰۰۳)/ ۱۷، ۵۴، ۵۸، ۵۹
 ۶۱، ۹۳، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۳۰۹، ۳۱۰
 برگه کریستیز ۲۰۰۸/ ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۵۸
 ۹۷، ۱۶۴، ۱۶۶، ۳۱۳، ۳۱۴
 اشتباه املایی/ ۱۰، ۲۷، ۶۷، ۷۳، ۱۷۵
 اصلاح در نسخه‌های خطی/ ۵۴، ۹۷
 إعجام/ ۷۸، ۹۹
 إعراب/ ۴۸، ۷۸
 أعراب بدوی/ ۸۱
 إعراب قرآن/ ۴۸
 الف مقصوره (= حذف الف در رسم)/ ۶۱
 ۸۰، ۸۹
 امپراطوری روم/ ۵۲

ترتیب سوره‌ها / ۱۰، ۲۹، ۳۰، ۵۶، ۶۲، ۸۹، ۳۹۷	۸۸، ۷۹، ۷۶، ۷۴، ۷۳
رسم عثمانی / ۴۸، ۳۹۷	تکافؤ ادله / ۵۱
رسم ناقص / ۱۰	تکواژها / ۴۸، ۷۴، ۱۸۲
رسم الخط عرب / ۸۹	تکوین اسلام / ۴۸، ۵۰، ۵۱
زبان سریانی / ۵۲	تکوین قرآن / ۴۵، ۴۹
زبان عربی / ۵۰، ۵۲	توحید مصاحف / ۱۱، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۵
زبان یونانی / ۵۲	۶۷، ۷۳، ۷۵
زبان‌های سامی / ۹	جمع دوم / ۷۵
زمان پریشی / ۴۹	جمع نخست / ۷۵
زمین‌شناسی / ۳۰	جمع و تدوین قرآن / ۲۸، ۳۰، ۴۵، ۴۷
زیست‌شناسان / ۶۵	۷۳، ۴۹
سبعة احرف / ۸۲، ۸۳، ۸۴	جنیزه / ۱۲
سنت‌گرایان / ۴۷، ۴۸، ۵۱	حدیث / ۶۸، ۷۰، ۷۸
سورة انفال / ۷۷، ۷۸	حراج‌های مختلف لندن / ۱۶، ۱۷، ۴۵
سورة توبة / ۵۶، ۷۷، ۷۸	۵۹، ۵۸
سورة طه / ۷۳	حروف جز / ۷۹
سورة فاتحة / ۸۴	حفظ قرآن / ۷۹
سهو کاتب / ۱۰، ۲۷، ۶۷، ۷۳، ۱۷۵	خط حجازی / ۹، ۱۰، ۱۳-۱۵، ۲۸، ۲۹
شفاهیت متن قرآن / ۱۱، ۴۵، ۶۰، ۶۲، ۷۸	۳۱، ۳۲، ۵۴، ۵۷، ۶۱، ۸۰، ۳۹۸
شکاگان / ۴۹، ۵۱، ۶۲، ۶۵	خط عربی / ۸۹
شمارش آیات / ۵۵، ۱۷۹	خط کوفی / ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۲۹، ۵۷
صحابه / ۲۹، ۴۷، ۶۲، ۶۹	خط کوفی شرقی / ۱۳
صحابی ۱ (مصحف) / ۳۰، ۶۸-۷۵	خط مایل / ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۵
۷۷-۸۰، ۱۷۰، ۳۹۷	خط مکی / ۱۰
صدر اسلام / ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۶۵	خط نسخ / ۱۳
عدّ الآی / ۵۵، ۱۷۹، ۳۹۸	دیرینه‌شناسی / ۶۵
علوم قرآن / ۲۹	رَجَزْ أعراب / ۸۱
عوام‌زدگی / ۴۲	رسم / ۹-۱۱، ۲۸، ۴۲، ۴۸، ۶۱، ۸۰، ۸۴
عهد جدید / ۸۷	

- عهد جدید، نسخه‌ها/ ۶۸
 عهدین/ ۲۸
 فراوری پوست برگه/ ۵۲، ۳۲
 فواصل آیات/ ۷۳، نیز نک.: شمارش آیات
 قاریان بصره/ ۱۷۴
 قاریان حجازی/ ۱۷۳
 قاریان قرآن/ ۴۸، ۲۹، ۱۱
 قاریان کوفه/ ۱۷۴، ۸۱
 قراء سبعة/ ۸۹
 قرائات رسمی/ ۹
 قرائات سبعة/ ۸۹، ۶۷، ۴۸
 قرائات شاذ/ ۹، ۱۰، ۲۷، ۲۹، ۶۷
 قرائات صحابه/ ۸۴، ۶۸، ۲۹، ۲۷، ۱۰
 قرائات قرآن/ ۸۴، ۵۹، ۴۸، ۴۲، ۱۱، ۹
 قرائت ابن مسعود/ ۱۶۹، نیز نک.: مصحف ابن مسعود
 قرائت آهنگین قرآن/ ۸۲
 قرائت پیامبر/ ۸۳، ۷۹، ۷۳، ۴۷
 قرآن عثمانی/ ۵۳، ۴۵، ۴۲، ۳۳، ۲۹، ۱۱
 ۵۴، ۵۵، ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۷۳، ۷۴
 ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۳۹۸
 قرآن غیر عثمانی/ ۵۹، ۵۵، ۵۳، ۳۳، ۲۹
 ۶۲، ۶۹، ۷۲، ۷۵، ۸۰، ۳۹۸
 کتابت پیوسته/ ۱۰
 کتابخانه آستان قدس رضوی/ ۲۹
 کتب المصاحف/ ۱۱
 کتب قرائات/ ۴۸، ۴۲
 کودیکولوژی/ ۳۲، ۳۰
 کوفیان/ ۸۰
 کهن خط‌شناسی/ ۸۰، ۵۵، ۵۴، ۳۰
 گنیزا/ ۱۲
 مجموعه دیوید/ ۴۷، ۱۷
 مجموعه شوین/ ۱۷
 مصاحف صحابه/ ۷۱-۶۹، ۶۲، ۴۷، ۴۲
 ۸۸، ۸۳، ۸۲، ۸۰، ۷۳
 مصاحف کهن/ ۱۱
 مصحف ابن مسعود/ ۷۲-۶۹، ۷۸، ۸۰
 ۱۰۰، ۸۳، ۸۱
 مصحف ابی بن کعب/ ۷۶، ۷۴، ۷۰، ۶۹
 مصحف عثمانی/ ۸۱
 مصحف مدینه/ ۶۱
 مصحف مشهد رضوی/ ۳۹، ۲۹
 مصحف‌شناسی/ ۳۰
 مطالعات قرآنی، وبلاگ/ ۳۹
 منابع مکتوب کهن اسلامی/ ۴۸، ۴۹، ۵۰
 ۷۱، ۶۵
 ناهمزمانی تاریخی/ ۴۹
 نسخه‌شناسی/ ۳۲، ۳۰، ۱۲
 نسخه‌های خطی/ ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۳۲، ۴۲
 ۸۸، ۶۷، ۶۵، ۵۷، ۵۲، ۴۳
 نقد متن/ ۲۸، ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۸۷، ۸۸
 نقطه/ ۷۸، ۴۸، ۱۰
 نقل حدیث/ ۷۸، ۷۰، ۶۸
 نوسنت‌گرایان/ ۵۱
 هجاء المصحف/ ۴۸، ۴۲، ۲۸، ۱۱
 هیجان‌گرایی ژورنالیستی/ ۴۲
 یازده سپتامبر/ ۴۱
 یونسکو/ ۵۳